



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
صلاوة
وسلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



NTA
(TA)

مجموعہ مقالات اولین

مجموعہ مقالات اولین

مرکز تحقیقاتی بہ امور مساجد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فروغ مسجد (1): جموعه سخنراني ها ، كميسيون ها، بيانيه پاياني

نويسنده:

گروه پژوهشهاي کاربردي مرکز رسيدگي به امور مساجد

ناشر چاپي:

موسسه فرهنگي ثقلين

ناشر دييجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|--|
| ۵ | فهرست |
| ۱۰ | فروغ مسجد (۱) : جموعه سخنرانی ها ، کمیسیون ها، بیانیه پایانی |
| ۱۰ | مشخصات کتاب |
| ۱۰ | اشاره |
| ۱۵ | فهرست مطالب |
| ۲۴ | سخن ناشر |
| ۲۶ | پیشگفتار |
| ۲۹ | اهداف |
| ۳۲ | جایگاه مساجد در آیات و روایات |
| ۳۲ | اهمیت مسجد در قرآن |
| ۳۳ | نهی شرک و نفاق از حریم مسجد |
| ۳۶ | اهمیت مسجد در روایات |
| ۳۸ | عوامل حفظ و پایداری مساجد |
| ۴۰ | تشویق و ترغیب |
| ۴۲ | عوامل جذب |
| ۴۴ | مباهات و مفاخره |
| ۴۵ | پرداختن به کارهای دنیوی |
| ۴۶ | عدم رعایت نظافت |
| ۴۷ | لحن ناروا |
| ۴۸ | دهان بدبو |
| ۴۹ | رعایت شأن مسجد |
| ۵۰ | مسجد و جماعت |
| ۵۶ | مسجد از دیدگاه قرآن و عترت |
| ۵۶ | اشاره |

| | |
|-----|---|
| ۵۸ | مسجد مرکز پرستش خالصانه |
| ۶۱ | مسجد، مرکز ذکر و یاد الهی |
| ۶۶ | جلوگیری از یاد خدا در مسجد؛ بزرگترین ظلم |
| ۶۸ | لزوم انگیزه های صحیح در مسجد سازی |
| ۷۱ | شرایط و ویژگی آبادکنندگان مساجد |
| ۷۳ | متقین، سرپرستان مساجد |
| ۷۵ | حرمت نماز خواندن در مساجد منافقان |
| ۷۷ | استفاده از زینت هنگام ورود به مساجد |
| ۷۸ | لزوم طهارت در رفتن به مساجد |
| ۸۱ | پیاده رفتن به سوی مسجد |
| ۸۴ | منابع و مأخذ |
| ۸۷ | تاریخ و سنت مسجد |
| ۸۷ | اشاره |
| ۸۸ | واژه مسجد |
| ۹۰ | تعریف مسجد |
| ۹۱ | نشان های مسجد |
| ۹۲ | مناصب مسجد |
| ۹۵ | کارکردهای مختلف مسجد |
| ۹۷ | مسجد و جنبه های عبادی آن |
| ۹۷ | اشاره |
| ۱۰۵ | راز نامگذاری مسجد |
| ۱۰۷ | مسجد؛ کانون پرستش خالصانه |
| ۱۰۹ | مسجد؛ خانه ذکر و یاد خدا |
| ۱۱۲ | مسجد؛ خانه تسبیح و ذکر مردان خدا |
| ۱۱۳ | آبادانی مسجد از دیدگاه قرآن |
| ۱۱۶ | تأکید پیشوایان دین بر جنبه های عبادی مسجد |

| | |
|-----|--|
| ۱۱۹ | نقش مسجد در شکل‌گیری مناسبات فرهنگی اجتماعی |
| ۱۱۹ | اشاره |
| ۱۲۳ | مسجدالنبی و پرتو پرتابش آن |
| ۱۲۵ | مسجد، اولین بنای شهر کوفه |
| ۱۳۰ | سیر تاریخی جهاد مسجدسازی |
| ۱۳۳ | شکوه معنوی شهرها |
| ۱۳۶ | انوار درخشان |
| ۱۴۱ | محبوب‌ترین و مهم‌ترین مکان |
| ۱۴۶ | نقش مسجد در یافت شهری |
| ۱۵۱ | از بازار آخرت تا بازار دنیا |
| ۱۵۵ | منابع و مآخذ |
| ۱۵۹ | کارکردهای اساسی مسجد در طول تاریخ |
| ۱۵۹ | اشاره |
| ۱۷۳ | ضرورت احیای نقش و کارکردهای مساجد |
| ۱۷۴ | راهکارهای احیای نقش و کارکردهای مساجد در دوران معاصر |
| ۱۸۰ | مسجد؛ نماد وحدت و همگرایی مسلمانان |
| ۱۸۰ | اشاره |
| ۱۸۱ | مسجد؛ محور وحدت مسلمانان |
| ۱۸۱ | مساجد؛ مراکز هدایت و عبادت |
| ۱۸۳ | اولین بناکننده مسجد |
| ۱۸۵ | نخستین اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله |
| ۱۸۵ | مساجد؛ محل اجتماع نخبگان جامعه |
| ۱۸۶ | مساجد؛ مرکز حضور فراگیر |
| ۱۸۷ | مساجد؛ محل اعتکاف |
| ۱۸۸ | مساجد؛ معبد عبادت جمعی |
| ۱۹۱ | مساجد؛ کانون تفاهم و همدلی |

- ۱۹۳ مساجد حقیقی -
- ۱۹۴ مسجد ضرار
- ۱۹۵ تلاش دشمنان
- ۱۹۹ شرایط سازندگان و اداره کنندگان مساجد
- ۲۰۰ کارکردهای مساجد در گذشته و حال
- ۲۰۱ مساجد و انقلاب اسلامی ایران
- ۲۰۲ مساجد و امروز و فردای انقلاب
- ۲۰۴ مسجد الاقصی در گذر تاریخ
- ۲۰۴ اشاره
- ۲۰۴ موقعیت جغرافیایی
- ۲۰۷ نام های قدس
- ۲۰۸ اماکن مقدس
- ۲۱۱ عصرهای تاریخی
- ۲۲۱ مسجد الاقصی
- ۲۳۲ قدس از نگاه ادیان سه گانه توحیدی
- ۲۳۳ اهمیت شهر قدس
- ۲۳۴ پیوند هدف و مکتب
- ۲۳۷ حقوق دموکراتیک واحد ملت و موارد نقض آن در فلسطین
- ۲۳۹ ۱ . دولتمردان و حکام
- ۲۴۰ ۲ . خواص و اندیشمندان
- ۲۴۱ ۳ . عامه مردم
- ۲۴۲ فلسطینیان
- ۲۴۴ مسجد و رسانه ملی
- ۲۴۴ اشاره
- ۲۴۵ همگرایی نهاد مسجد و وسایل ارتباط جمعی نوین
- ۲۴۸ ناکامی های فرهنگی؛ عوامل و پیامدها

- ۲۵۰ بررسی راهکارها برای نظرسنجی ها
- ۲۵۵ نتایج نظرسنجی از مردم تهران درباره «برنامه های مذهبی تلویزیون»
- ۲۵۹ چه باید کرد؟
- ۲۶۳ منابع و مآخذ
- ۲۶۴ تأثیرات فرهنگی، تربیتی مساجد با تکیه بر مساجد اصفهان و نیشابور
- ۲۶۴ اشاره محمدحسین ریاحی
- ۲۷۳ الف . مساجد اصفهان
- ۲۸۹ ب . مساجد نیشابور
- ۲۹۷ منابع و مآخذ
- ۳۰۳ مسجد جامع نیریز
- ۳۰۳ اشاره
- ۳۰۵ ایوان قدیمی مسجد
- ۳۰۷ محراب
- ۳۰۸ تزینات و کتیبه های محراب
- ۳۱۲ نتیجه کلی
- ۳۱۳ منابع و مآخذ
- ۳۱۵ برای اندیشیدن
- ۳۱۵ اشاره
- ۳۱۵ چالش های موجود در مساجد جهان اسلام و ایران اسلامی
- ۳۱۶ راهکارهای توسعه و تعمیق جایگاه و نقش آفرینی واقعی مساجد
- ۳۱۹ اطلاعیه مهم
- ۳۲۱ درباره مرکز

فروع مسجد (1) : مجموعه سخنرانی ها ، کمیسیون ها ، بیانیه پایانی

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: فروع مسجد 1: مجموعه سخنرانی ها ، کمیسیون ها ، بیانیه پایانی و مقالات اولین همایش بین المللی هفته جهانی .../مرکز رسیدگی به امور مساجد

مشخصات نشر: تهران: موسسه فرهنگی ثقلین

مشخصات ظاهری: 302ص.

فروست: (موسسه فرهنگی ثقلین؛ 35-36)

شابک: 9649960015

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرستنویسی

شماره کتابشناسی ملی: 1033197

موضوع: مسجد

موضوع: قرآن و روایات

موضوع: رسانه ملی

ص: 1

اشاره

فروغ مسجد

مجموعه مقالات برگزیده

اولین همایش هفته جهانی مساجد

(30 مرداد 1382 - 22 جمادی الثانی 1424)

(21 آگوست 2003)

مرکز رسیدگی به امور مساجد

ص: 3

همایش هفته جهانی مساجد (نخستین: 1382: تهران).

فروغ مسجد مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش هفته جهانی مساجد (برگزارکننده) مرکز رسیدگی به امور مساجد.

قم: مؤسسه فرهنگی تقلین، 1382، 302 ص - (مؤسسه فرهنگی تقلین؛ 28)

ISBN 964 - 94842 - 4 - 8

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

1. مساجد ها - کنگره ها. الف. مرکز رسیدگی به امور مساجد. ب. عنوان.

ج. عنوان: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش هفته جهانی و مساجد.

BP261/8

1382 297/75

کتابخانه ملی ایران 18497 - 83 م

+ فروغ مسجد

ناشر: مؤسسه فرهنگی تقلین

حروفچینی و ناظر چاپ: عباس رحیمی

چاپ: چاپخانه نهضت - قم

قطع: رقعی - 304 صفحه

تیراژ: چاپ اول - 3000 نسخه

تاریخ چاپ: مرداد 1383

نشانی:

دفتر مرکزی: تهران - تهرانپارس - بین فلکه دوم وسوم - خیابان 182 غربی - پلاک 6

تلفن 772312 - دورنویس 7881452

مرکز انتشارات: قم - خیابان انقلاب - چهارراه سجادیه - کوچه شماره 33 - پلاک 13

تلفن 7734467 - دورنویس 7732864

شابک 964-94842-4-8 *964-94842-4-8 ISBN 964 - 94842 - 4 - 8

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

ص: 4

| | |
|----|--|
| 11 | سخن ناشر |
| 13 | پیشگفتار |
| 19 | * جایگاه مساجد در آیات و روایات |
| 19 | اهمیت مسجد در قرآن |
| 23 | اهمیت مسجد در روایات |
| 25 | عوامل حفظ و پایداری مساجد |
| 29 | عوامل جذب |
| 31 | آسیب های حضور جماعت در مساجد |
| 37 | مسجد و جماعت |
| 43 | * مسجد از دیدگاه قرآن و عترت |
| 45 | مسجد مرکز پرستش خالصانه |
| 48 | مسجد، مرکز ذکر و یاد الهی |
| 53 | جلوگیری از یاد خدا در مسجد؛ بزرگترین ظلم |
| 55 | لزوم انگیزه های صحیح در مسجدسازی |
| 58 | شرایط و ویژگی آبادکنندگان مساجد |
| 60 | متقین، سرپرستان مساجد |
| 62 | حرمت نماز خواندن در مساجد منافقان |

| | |
|-----|---|
| 64 | استفاده از زینت هنگام ورود به مساجد..... |
| 65 | لزوم طهارت در رفتن به مساجد..... |
| 68 | پیاده رفتن به سوی مسجد..... |
| 71 | منابع و مآخذ..... |
| 73 | *تاریخ و سنت مسجد..... |
| 74 | واژه مسجد..... |
| 76 | تعریف مسجد..... |
| 77 | نشان های مسجد..... |
| 78 | مناصب مسجد..... |
| 81 | کارکردهای مختلف مسجد..... |
| 83 | *مسجد و جنبه های عبادی آن..... |
| 91 | راز نامگذاری مسجد..... |
| 93 | مسجد؛ کانون پرستش خالصانه..... |
| 95 | مسجد؛ خانه ذکر و یاد خدا..... |
| 98 | مسجد؛ خانه تسبیح و ذکر مردان خدا..... |
| 99 | آبادانی مسجد از دیدگاه قرآن..... |
| 102 | تأکید پیشوایان دین بر جنبه های عبادی مسجد..... |
| 105 | *نقش مسجد در شکل گیری مناسبات فرهنگی اجتماعی..... |
| 105 | مسجدالحرام قلب جهان اسلام..... |
| 109 | مسجدالنبی و پرتو پرتابش آن..... |
| 111 | مسجد، اولین بنای شهر کوفه..... |

| | |
|-----|---|
| 119 | *شکوه معنوی شهرها..... |
| 122 | انوار درخشان..... |
| 127 | محبوب ترین و مهم ترین مکان..... |
| 132 | نقش مسجد در بافت شهری..... |
| 137 | از بازار آخرت تا بازار دنیا..... |
| 142 | منابع و مآخذ..... |
| 145 | *کارکردهای اساسی مسجد در طول تاریخ..... |
| 159 | ضرورت احیای نقش و کارکردهای مساجد..... |
| 160 | راهکارهای احیای نقش و کارکردهای مساجد در دوران معاصر..... |
| 165 | *مسجد؛ نماد وحدت و همگرایی مسلمانان..... |
| 166 | مسجد؛ محور وحدت مسلمانان..... |
| 166 | مساجد؛ مراکز هدایت و عبادت..... |
| 168 | اولین بناکننده مسجد..... |
| 170 | نخستین اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله..... |
| 170 | مساجد؛ محل اجتماع نخبگان جامعه..... |
| 171 | مساجد؛ مرکز حضور فراگیر..... |
| 172 | مساجد؛ محل اعتکاف..... |
| 173 | مساجد؛ معبد عبادت جمعی..... |
| 176 | مساجد؛ کانون تفاهم و همدلی..... |
| 178 | مساجد حقیقی..... |
| 179 | مسجد ضرار..... |

تلاش دشمنان.....180

شرایط سازندگان و اداره کنندگان مساجد.....184

ص:7

| | |
|-----|---|
| 185 | کارکردهای مساجد در گذشته و حال |
| 186 | مساجد و انقلاب اسلامی ایران |
| 187 | مساجد و امروز و فردای انقلاب |
| 189 | *مسجد الاقصی در سرزمین قدس |
| 189 | موقعیت جغرافیایی |
| 192 | نام های قدس |
| 193 | اماکن مقدس |
| 196 | عصرهای تاریخی |
| 206 | مسجد الاقصی |
| 217 | قدس از نگاه ادیان سه گانه توحیدی |
| 218 | اهمیت شهر قدس |
| 219 | پیوند هدف و مکتب |
| 222 | حقوق دمکراتیک واحد ملت و موارد نقض آن در فلسطین |
| 224 | 1 . دولتمردان و حکام |
| 225 | 2 . خواص و اندیشمندان |
| 226 | 3 . عامه مردم |
| 227 | فلسطینیان |
| 229 | *مسجد و رسانه ملی |
| 230 | همگرایی نهاد مسجد و وسایل ارتباط جمعی نوین |
| 233 | ناکامی های فرهنگی؛ عوامل و پیامدها |
| 235 | بررسی راهکارها برای نظرسنجی ها |

نتایج نظرسنجی از مردم تهران درباره «برنامه های مذهبی تلویزیون» 240

چه باید کرد؟ 244

منابع و مآخذ 248

ص: 8

| | |
|-----|---|
| 249 | تأثیرات فرهنگی، تربیتی مساجد با تکیه بر مساجد اصفهان و نیشابور..... |
| 257 | الف . مساجد اصفهان..... |
| 273 | ب . مساجد..... |
| 281 | منابع و مآخذ..... |
| 285 | *مسجد جامع نیریز..... |
| 287 | ایوان قدیمی مساجد..... |
| 289 | محراب..... |
| 290 | تزئینات و کتیبه های محراب..... |
| 294 | نتیجه کلی..... |
| 295 | منابع و مآخذ..... |
| 297 | *برای اندیشیدن..... |
| 297 | چالش های موجود در مساجد جهان اسلام و ایران اسلامی |
| 298 | راهکارهای توسعه و تعمیق جایگاه و نقش آفرینی واقعی مساجد..... |
| 301 | *اطلاعیه مهم..... |

بسم الله الرحمن الرحيم

مساجد اصلی ترین پایگاه دین، اخلاق و معنویت و برترین مکان تقویت ایمان و عالی ترین مرکز کسب آگاهی و بصیرت و والاترین کانون احیاء و تقویت اندیشه و فرهنگ ناب اسلامی و زیباترین جایگاه تربیت و پرورش انسان های وارسته و مهم ترین مکان گسترش فعالیت های علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در جهان اسلام است.

بدون تردید مساجد در تعالی حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع اسلامی نقش والا، مؤثر و بی بدیل ایفا کرده اند. بدین جهت دشمنان، محوفیزیکی و معنوی مساجد و مسجدیان و از بین بردن یا کاستن نقش آن در جامعه را بعنوان یک هدف استراتژیک و برنامه اساسی دنبال می کنند. همانند آنچه در مورد مسجدالاقصی، مسجد باری و مسجد گوهرشاد مشهد انجام گرفت و آنچه هم اکنون با تبلیغات وسیع در مورد کمرنگ ساختن حضور مردم بویژه جوانان در مساجد دیگر صورت می پذیرد.

مؤسسه فرهنگی تقلین که نشر و اشاعه فرهنگ قرآن و اهل بیت

پیامبر صلی الله علیه و آله و مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام را وجهه همت خویش قرار داده است و تاکنون چندین اثر گرانبها در این راستا به زیور طبع آراسته است. همینک کتاب فروغ مسجد را به همه فرهیختگان و دلسوزان نظام اسلامی و فرهنگ قرآن و اهل بیت علیهم السلام تقدیم می نماید. امید است مورد قبول حضرت حق قرار گیرد.

مؤسسه فرهنگی تقلین

ص: 12

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند هستی بخش جان آفرین که در قلمرو وجود، در دل هر ذره ای خورشیدی نهاد و عقل و بینش را زیور انسان ساخت تا آدمی با مطالعه و کاوش در صنع باری، طریق صواب را برگزیند و به مفهوم «حقیقت» راه یابد.

شکر و سپاس همورا سزاست که آدمی را به زیور فضایل آراست و او را به نور علم و معرفت بینا ساخت و چهره جان انسان را تجلی گه انوار قدسی خویش فرمود تا خلیفه خدا در زمین و آینه دار جمال و جلال او باشد.

و سلام و صلوات بر خواجه کائنات و قدوه مخلوقات، سید انبیا و سرور اولیا، رسول نامی و پیامبر گرامی، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و عترت پاک او که حجج بالغه پروردگار و آینه داران صبح امید و احسن الوسایط فیض باری و اقرب الوسایل الی الله اند.

ص: 13

درود و تحیت به ساحت قدسی خاتم الاوصیا و خاتم الاولیا، حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف که چشم های منتظر و تشنگان عدالت در انتظار ظهور او بی تابانه روزها را به شماره می پردازند.

و سلام بر مشعلداران هدایت و حاملان پیام قرآن و عترت و زمینه سازان طلوع دوازدهمین خورشید امامت و ولایت، و سنگرداران مساجد، این خانه های خدا در زمین و مراکز دین و اخلاق و معنویت و بهترین کانون های رشد و تعلیم و تربیت و هدایت، بویژه روح عرشی معمار بزرگ انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی قدس سره و شهیدان و الامقامی که با طلوع سبز خود در مساجد بالنده شده و با غروب سرخ خویش در جبهه های مبارزه حق علیه باطل، در مصاف با اولیای شیطان به مقام قرب ربوبی، بار یافتند و مرزوق عندالله گردیدند.

و آنان که در ادامه راه نورانی امام و شهیدان، در حراست از کیان ولایت، لحظه ای درنگ را جایز ندانسته و از پای ننشستند و در سنگر مساجد، با سلاح بیان و بنان، با اشارت ها و هدایت های رهبر فرزانه انقلاب، ولی امر مسلمین حضرت آیت الله خامنه ای مدّظله العالی با پاشیدن بذر نور و آگاهی در اذهان جستجوگر حقیقت ناب، از مرزهای عقیده و ایمان حراست بعمل آورده و در مقابله با اندیشه های ناصواب و تاخت و تازها و هجمه های بیرحمانه و ویرانگر فکری و فرهنگی بیگانگان و ناهلان و نامحرمان و نامتمیزان، خوفی به دل راه نداده و نستوه و استوار ایستاده اند.

بدون تردید مسجد خانه خدا، مهمانسرای حضرت حق، جلوه زیبای اتصال خدا و بندگان، کانون هدایت، پایگاه عدالت، دانشگاه عمومی معارف و ارزش های دینی، مرکز آزادی و رهایی از اسارت های درون و برون، محل عروج و پرواز به ملکوت، جایگاه رشد و تعالی، سنگر پالایش و پیرایش و تهذیب نفس، فرهنگسرای فرهنگ ناب اسلام محمدی صلی الله علیه و آله و علوی علیه السلام، عرصه تصمیم گیری های مهم سیاسی، اقتصادی، نظامی، تجلیگاه وحدت امت اسلامی و طور سینای مؤمنان خداجو است.

براساس آیات قرآن کریم، سنت و سیره حسنه پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سخنان گهربار اهل بیت علیهم السلام، همه اقشار مردم به میهمانی خداوند از طریق حضور در مساجد فراخوانده شده اند تا با اقامه نماز و نیایش، سر به سجده بندگی ساییده، از سکوی عروج بالا-رفته، به عرش برین قرب نایل آیند و با فراگیری قرآن و معارف دینی، گوهر جان خویش را از آن سرچشمه های زلال سیراب سازند.

در متون و فرهنگ اسلامی، مساجد از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشند. خوشبختانه در دوران معاصر جهان اسلام، اهمیت، والایی و جایگاه رفیع و بی بدیل مساجد را مورد توجه قرار داده، تکریم مساجد را وظیفه خویش تلقی نموده است؛ کنفرانس اسلامی، روز 21 آگوست، سالروز آتش زدن مسجد الاقصی از سوی صهیونیسم را روز آغازین هفته جهانی مساجد برگزیده است.

در کشور ما این روز با سالگشت حمله رضا شاه به مسجد گوهرشاد که به شهادت تعدادی از مجاهدان مؤمن انجامید و روزهای پایانی آن با هفته دولت مصادف گردیده است. مرکز رسیدگی به امور مساجد با همکاری نهادها و سازمان های دیگر با تشکیل ستاد، بزرگداشت هفته جهانی مساجد را در دستور کار خویش قرار داده، پس از اعلام فراخوان و دریافت مقالات، اولین همایش هفته جهانی مساجد را با اهداف ذیل در سالن کنفرانس سران کشورهای اسلامی برگزار نمود.

اهداف

- 1- گرمی داشت مساجد به عنوان اصلی ترین پایگاه دین معنویت و اخلاق و جلب توجه بیشتر مسلمانان جهان به این مکان مقدس.
- 2- احیا و تقویت وحدت اسلامی و زنده کردن روح برادری اسلامی با محوریت مساجد در راستای دفاع از کیان اسلام و مسلمین در برابر توطئه های دشمنان.
- 3- شناساندن اهمیت و نقش مساجد در حیات اجتماعی و حفظ هویت مسلمانان و مقابله با از خودبیگانگی.
- 4- بیان مهمترین مشکلات مساجد در جهان اسلام و ارائه راهکارهای اساسی برای رفع آنها.
- 5- افزایش کارآمدی و اثربخشی مساجد در جهان اسلام و ارائه کارکردهای جدید با عنایت به هویت تاریخی مساجد در فرهنگ و متون اسلامی.

6 - جلب مشارکت دولت ها و ملت های اسلامی در ساخت، نوسازی، بهسازی و روزآمدن کردن تجهیزات آنها و رشد مساجد.

7 - احیای نقش تربیتی و تبلیغی مساجد جهت توسعه و تعمیق فرهنگ اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله .

8 - اتخاذ تدابیر و راهکارهای مناسب برای جذب اقشار مختلف جوامع اسلامی به ویژه جوانان و نوجوانان به مساجد.

در این همایش پس از سخنرانی افتتاحیه آیت الله هاشمی رفسنجانی، رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام، حجت الاسلام والمسلمین تقوی، ریاست شورای سیاست گذاری ائمه جمعه و عضو شورای سیاست گذاری ائمه جماعات و حجت الاسلام والمسلمین ابراهیمی، رییس مرکز رسیدگی به امور مساجد، تعدادی از مقالات برگزیده ارائه و در پایان قطعنامه همایش قرائت گردید.

کتابی که پیش رو دارید برخی از مقالات رسیده به کمیته علمی همایش است که پس از گزینش و ویرایش، به حضورتان تقدیم می گردد. امید است دانشوران و فرهیختگان نازک اندیش و نکته سنج، مرکز رسیدگی به امور مساجد را از تذکار و راهنمایی ها و نقد و نظر عالمانه خویش بی نصیب نگذارند و با ارسال نظرات اصلاحی و تکمیلی خویش ما را در غنی ساختن هرچه بیشتر فرهنگ مکتوب در مورد مساجد یاری فرمایند.

ص: 17

در پایان از همه نویسندگان و دانشورانی که فراخوان این «مرکز» را اجابت نموده و آثار گرانقدر خویش را ارسال نموده اند و در برپایی این همایش بزرگ و جهانی سهیم بوده اند تشکر می کنیم. همچنین از زحمات برادران ارجمندی که در بررسی و ارزیابی، آماده سازی ویرایش و نشر این مجموعه همکاری کرده اند، سپاسگزاری می نمایم.

کمیته علمی هفته جهانی مساجد

ص: 18

محمد سلمانی

یکی از راه های شناخت اهمیت موضوعات در اسلام، قرآن کریم است. این کتاب آسمانی با نگرشی جامع و کامل به هر موضوعی فراخور حال و اهمیت آن، پرداخته است. نوع عبارت و تأکید و مقدار مطالب پرداخته شده برای هر موضوع، بیان گر اهمیت و جایگاه آن در قرآن کریم است.

«مسجد» و «مساجد» از جمله واژگانی است که در قرآن کریم به آن توجه شده و در 28 مورد به آن اشاره شده است. [\(1\)](#)

نوع عبارات و تأکید بر جایگاه الهی مسجد و نفی هر آلودگی ظاهری و باطنی از آن، اهمیت جایگاه مساجد را بیان می کند.

ص: 19

نفی شرک و نفاق از حریم مسجد

قرآن کریم در سوره توبه مباحث بسیار مهم و زیربنایی را در تأسیس و تعمیر مسجد بیان می کند؛ در آیه 17 نقش مشرکان را در بنای مسجد نفی کرده و نیت آنان را در تأسیس مسجد برملا می سازد و در آیه 107 نیز نیت منافقان را در بنای مسجد هویدا و مقاصد شوم آنان را برای مؤمنان روشن می کند. آنچه که در این دو آیه مورد توجه قرار می گیرد این است که شرک و نفاق دو لبه یک قیچی برای مبارزه با اسلام و پیامبر عظیم الشان اسلام می باشند. پیش از آنکه جایگاه مسجد و نقش مؤمنان در آن را بیان نمایید، نقش شرک و نفاق را در تخریب وحدت و حقیقت مسجد گوشزد می کند.

بسیار روشن است که پیا کردن بنایی به نام مسجد هدف و انگیزه نیست، بلکه مقاصدی که موجب پدید آمدن مسجد می شود حایز اهمیت است؛ یعنی اساساً مسجد از ابتدا باید بر محور توحید و اتحاد و همدلی مؤمنان باشد و اساس آن تقوا و ایمان به خدا و اقامه نماز قرار گیرد.

در آیه 17 و 18 سوره توبه آمده است:

« مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ »؛ مشرکان را نرسد که مساجد خدا را بنیاد کنند، با آنکه خود شاهد کفر خویشتن اند؛ چه ایشان اعمالشان بی اجر و باطل است و خود در جهنم جاودانند. مسجدهای خدا را تنها کسی بنا می کند که به خدا و روز

جزا ایمان داشته باشد. نماز بپا دارد، زکات بدهد، و جز از خدا نترسد، باشد که آنان از هدایت یافتگان باشند.

آیات مزبور پس از نفی نقش مشرکان در ایجاد بنای مسجد، تعمیر مسجد را مخصوص اهل ایمان می داند و سپس صفاتی را که نشانه صلاحیت و لیاقت بناکننده مسجد است را ذکر کرده و می فرماید: اهل نماز و پرداخت زکات باشد و از کسی جز خدا نترسد. اگر اهل ایمان این سه شاخصه اساسی را دارا بود، اهل بنا و ساخت مسجد به شمار می آید. بیان این اوصاف برای بنا کننده مسجد، گویای این است که مسجد به عنوان جایگاه عبادت و هدایت الهی ارزش و اعتبار فراوانی از دیدگاه قرآن دارد.

همچنین در آیه 107 و 108 سوره توبه می خوانیم:

« وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ لَا تُغْنِي عَنْكُمْ كَيْفَ أَبَدَأْتُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ »؛ منافقان کسانی هستند که مسجدی ساختند به قصد زیان رساندن و کفر و تفرقه افکنی میان مؤمنان و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود. آن ها سوگند یاد می کنند که «جز نیکی نظری نداشته ایم» اما خداوند گواهی می دهد که آن ها دروغگو هستند. هرگز در آن نیست، آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوی بنا شده شایسته تر است که در آن بایستی، در آن مردانی هستند که دوست می دارند پاکیزه باشند

ص: 21

و خداوند پاکیزگان را دوست دارد.

آیات فوق ابتدا خطر جریان نفاق را برملا می سازد و سپس نقشه شوم آنان را در بهره برداری از عنوان مسجد برای ضربه زدن به پیامبر عظیم الشان و وحدت مؤمنان بازگو می کند.

این هشدار نشان می دهد کسانی که اهل طهارت درونی نیستند و قلوب آنان مالا مال از نفاق و دورویی است از عناوین و اعتبارات مقدسی نظیر «مسجد» برای ضربه زدن به اسلام عزیز استفاده می کنند.

از این رو، مسجد مورد توجه خدای متعال با معیار (1) اسس علی التقوی و (2) اقامه نماز و علاقه به طهارت ظاهری و باطنی آن سنجیده شده است.

نکته حایز اهمیت اینکه، پرداختن شدن قرآن به جزئیات مطالب مربوط به مسجد، گواه دیگری بر ارزش والا و گران بهای مسجد است. همچنین تأکید قرآن کریم در آیات مختلف مانند:

- «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ»؛ (1) بگو پروردگرم امر به عدالت کرده است و توجه خویش را در هر مسجدی به سوی او کنید.

- «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ»؛ (2) ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید.

ص: 22

1- . سوره اعراف: آیه 29 .

2- . سوره اعراف: آیه 31 .

- «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»؛ (1) مساجد از آن خداست پس باید احدی جز او را نخوانید.

همگی دال بر اهمیت جایگاه مسجد در قرآن کریم می باشد؛ زیرا تأکید و بیان قرآن کریم به عنوان حکمت مطلق بهترین مؤید ارزش و اعتبار الهی این پایگاه معنویت و هدایت می باشد.

اهمیت مسجد در روایات

در روایات از ائمه علیهم السلام پیرامون مساجد مطالب ارزشمند و گران بهایی نقل شده است که همگی بر ارزش و عظمت مسجد دلالت دارند. بعضی از روایات به طور صریح اهمیت جایگاه مساجد را بیان کرده اند که به آن ها اشاره می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «المساجد انوار الله»؛ (2) مساجد انوار الهی است. همچنین آن حضرت فرمود:

«احب البلاد الى الله مساجد ها»؛ (3) محبوب ترین جای شهرها پیش خدای متعال مساجد آن شهرهاست. در حدیثی دیگر نیز فرمود: «المساجد مجالس الانبياء»؛ (4) مساجد محل جلوس پیامبران الهی است.

ص: 23

1- .سوره جن: آیه 18 .

2- . مستدرک الوسائل، ج 3، ص 447 .

3- . نهج الفصاحه، حدیث 71 .

4- . مستدرک الوسائل، ج 3، حدیث 363 .

آنچه که از کلام پیامبر عظیم الشان اسلام بر می آید این است که بهترین مکان ها در روی زمین که همراه با انوار الهی و توجه و عنایت خدای بزرگ است، مساجد می باشد. تأکید بر جلوس پیامبران در مساجد مؤید این است که بهترین بندگان الهی و محبوب ترین و مقرب ترین بندگان خدا، یعنی پیامبران، به مساجد توجه داشتند و آنجا را محل جلوس خود قرار می دادند.

همچنین از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: علت تعظیم و بزرگداشت مساجد چیست؟

حضرت فرمود: خداوند امر فرموده به تعظیم مساجد؛ برای آنکه مساجد بیوت الهی در زمین است. (1) همچنین در روایت دیگری فرمود: بر شما باد به رفتن مساجد؛ زیرا مساجد خانه های خدا در زمین هستند. (2)

از این روایات به روشنی پیداست که مسجد مورد تأکید لطف و عنایت الهی است و همچنین محل توجه انبیا و اولیای خدا می باشد. یعنی شخص با ایمان اگر دنبال مکان امن و با آرامش و محل نزول برکات و نورانیت است، با تأسی از پیامبران و ائمه علیهم السلام باید به سمت مسجد برود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «المسجد بیت کل تقی»؛ (3) مسجد خانه هر پرهیزکار است و در روایتی دیگر می فرماید: «ان المومن مجلسه

ص: 24

1- . ترجمه علل الشرایع، ج 2، ص 53 .

2- . ترجمه میزان الحکمه، ج 5، ص 2361 .

3- . شهاب الاخبار، ص 23 .

مسجده»؛⁽¹⁾ همانا مجلس مؤمن مسجد است. حضرت در واقع، وجه مشترک مؤمنان و انبیا و اولیای الهی را در انتخاب مسجد به عنوان مکان جلوس و محل مورد عنایت خدا بیان می کند.

عوامل حفظ و پایداری مساجد

وقتی شیئی با اهمیت و گرانقدر شمرده می شود اولین چیزی که به ذهن انسان می آید چگونگی حفظ آن شیء گران بها و نیز جلوگیری از آسیب و آفت هایی است که آن را تهدید می کند. در مورد مسجد نیز چنین است؛ یعنی علاوه بر آنکه اهمیت و ارزش آن بیان شده، پیرامون حفظ و نگه داری آن و همچنین نهی از چیزهایی که موجودیت مسجد و حقیقت آن را مورد تهدید قرار می دهد روایاتی نقل شده است.

اخ-لاص

در قرآن کریم آمده است: «وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»؛⁽²⁾ مساجد از آن خداست، پس باید احدی جز او را نخوانید. آنچه که از ظاهر آیه شریفه روشن می شود این است که اخلاص در فکر و عمل مورد

عنایت است؛ چرا که شخص با ایمان باید بداند مسجد خانه خداست و در آن فقط باید خدا خوانده شود و ذکر و عبادتی غیر الهی نباشد. به عبارت

ص: 25

1- . وسائل الشیعه، ج 3، ص 509 .

2- . سوره جن: آیه 18 .

دیگر، هم ورود به خانه خدا باید برای خدا باشد، هم غیر خدا خوانده نشود و هم برای غیر خدا، خدا خوانده نشود، یعنی از ریا و تظاهر پرهیز شود.

اما نکته اساسی تر آن است که در شکل و تأسیس مسجد باید خدا محور باشد؛ یعنی اساساً غیر خدا در نیت و اندیشه انسان جایی نداشته باشد و انگیزه تأسیس و بنای مسجد باید برای خدا باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «من بنی لله مسجداً لا یرید به ریا و لا سمعه بنی الله له بیتاً فی الجنة»؛ (1) هر که برای خدا مسجدی بسازد و در آن ریا و خودنمایی به کار نبرد، خدای تعالی در بهشت خانه ای برای او بنا می کند.

نیت اساسی ترین نقش را در عمل انسان دارد و هیچ عملی نیست که همراه با نیت درونی نباشد. از این رو، چون اساس بنای مسجد باید برای خدا باشد، کسی که برای آن همت می گمارد باید ذهن خود را از ناخالصی پالایش کند؛ یعنی برای تظاهر، ریا و خودنمایی نباشد.

تأکید بر رفتن به مسجد نیز پیرو همین اصل است؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ آتَى مَسْجِدًا لِيَشِيءَ فِهُوَ حَظُّهُ»؛ (2) هر کس به هر جهت که به مسجد آید بهره اش همان است؛ یعنی بر اساس نیت درونی خود پاداش می گیرد. هر کس برای خدا گام نهد قطعاً خدای بزرگ پاداش او را خواهد داد.

ص: 26

1- . کنز العمال، ج 7، ص 655 .

2- . سنن ابی داود، ج 1، ص 128 .

یکی از نکاتی که در روایات ائمه علیهم السلام بسیار مورد توجه قرار گرفته است تشویق و ترغیب مؤمنان در بنا، تعمیر، نگه داری و رفتن و حضور در مسجد است. در ذیل به چند نمونه اشاره می شود.

ساختن مساجد: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: هر که مسجدی، هر چند به اندازه لانه یک پرنده، بسازد خداوند در بهشت برایش خانه ای بنا می کند. (1)

امام صادق علیه السلام می فرماید: هر کس مسجد بسازد خداوند برای او در بهشت خانه ای می سازد. (2)

آباد کردن مسجد: «انما یعمّر مساجد اللّٰه من آمن باللّٰه... فَعَسَىٰ اولئک ان یكونوا من المهدتین».

پیامبر اکرم فرمود: کسی که این مسجد ما را توسعه بخشد خداوند خانه ای در بهشت برایش می سازد. (3)

رفتن به سوی مسجد: «من مشی الی مسجد یطلب فیہ الجماعه کان له بکل خطوه سبعون الف حسنه»؛ (4) هر کس برای شرکت در نماز جماعت به سوی مسجدی برود برای هر قدمی که برمی دارد هفتاد و هزار حسنه

ص: 27

1- . بحار، ج 77، ص 121 .

2- . کافی، ج 3، ص 368 .

3- . کنز العمال، ج 7، ص 653 .

4- . ترجمه میزان الحکمه، ص 2391 .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین مردم کسی است که هنگام ورود به مسجد اولین نفر باشد و به هنگام خروج از مسجد آخرین نفر باشد. (1)

در روایت دیگری از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمده است: شب و روز به سوی مساجد شتافتن از اقسام جهاد کردن در راه خداست. (2)

امام صادق علیه السلام می فرماید: هر کس پیاده به سوی مسجدی روان شود پای خود را به هیچ تر و خشکی نمی گذارد، مگر آنکه از آنجا تا زمین هفتم به جای او پروردگار را تسبیح می نمایند. (3)

نشستن در مسجد: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: نشستن در مسجد به انتظار نماز عبادت است، مادامی که حدی سر نزنند. عرض شد: ای رسول خدا، حدی چیست؟ فرمود: غیبت کردن. (4)

همچنین پیامبر خدا فرمود: ای اباذر تا زمانی که در مسجد نشسته ای خدای تعالی به تعداد هر نفسی که می کشی یک درجه در بهشت به تو می دهد و برای هر نفسی که در مسجد می کشی ده حسنه برایت نوشته می شود و ده گناه از تو پاک می گردد. (5)

ص: 28

1- . مستدرک الوسائل، ج 1، ص 227 .

2- . کنز العمال، ج 7، ص 648 .

3- . بحار، ج 84، ص 13 .

4- . امالی صدوق، ص 342 .

5- . بحار، 86، ص 336 .

با نگاه به این روایات این نتیجه حاصل می شود که هدف اسلام ترغیب و تشویق و کشاندن مؤمنان به سوی مساجد است. ذکر پاداش، بیان حسنات و نیز از بین رفتن گناهان برای آن است که مؤمنان به سوی مسجد هدایت شوند، آن را یک مکان عادی فرض نکنند و رفتن به سوی این مکان مقدس را و قدم برداشتن برای آن را برای خود غنیمت بشمارند.

عوامل جذب

مسجد یک مکان عمومی و جای تجمع مؤمنان است. این مکان جای ارتباط و راز و نیاز مؤمنان است؛ یعنی جای صعود معنوی و رسیدن به کمال دینی است. این مکان باید به گونه ای آراسته و دل انگیز باشد که مؤمنان به سوی آن کشیده شوند. در روایات اهل بیت علیهم السلام به این نکات توجه شده است. یکی از عوامل توجه به هر مکانی تمیزی و نظافت آن مکان است. در خصوص مساجد تأکید بسیاری در تمیزی و نظافت آن شده است. حضرت علی علیه السلامی فرماید: مساجد را هر هفته خوشبو و معطر کنید. (1)

و در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: مساجد را از نجاسات دور نگه دارید. (2)

در تشویق نظافت مسجد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: هر کس مسجد

ص: 29

1- . بحار الانوار، ج 18، ص 107 .

2- . وسائل الشیعه، ج 3، ص 504 .

را خاکروبی کند خداوند پاداش آزاد کردن بنده ای را برایش می نویسد و اگر از این مسجد به اندازه خاشاکی که در چشم می رود غبار گیرد خداوند دو برابر آن رحمت خویش را به او عطا می فرماید. (1)

چنانچه مؤمنان خاطره خوبی از حضور در مسجد داشته باشند، از آن به عنوان یک مکان پاک، تمیز، معطر و دل انگیز یاد می کنند. این تمیزی و نظافت عامل جذب می باشد.

نکته دیگری که قابل توجه و ذکر است تأکید بر طهارت و تمیزی شخصی است که به مسجد می رود. اسلام علاوه بر آنکه تأکید دارد مکان مسجد تمیز و خوشبو باشد، دستور می دهد هر کس که به سوی مسجد می رود اولاً باید پاک و طاهر باشد، (2) و ثانياً، ظاهری آراسته و زینت شده داشته باشد. از امام صادق علیه السلام در ذیل آیه شریفه «خذو زینتکم عند کل مسجد» روایت شده که فرمود: لباس هایی را که برای حضور در نمازهای جمعه و عید، خود را با آن زینت می کنید، برگزید. (3)

بنابراین، اسلام به هم شخصی که وارد مسجد می شود نظر دارد - که پاک و طاهر باشد و با لباس های تمیز و خوشبو وارد مسجد شود و پیش از ورود از باب استحباب وضو بگیرد - (4) و هم تأکید می نماید

ص: 30

-
- 1- . امالی صدوق، ص 180 .
 - 2- . مستدرک الوسائل، ج 3، ص 252 .
 - 3- . وسائل الشیعه، ج 3، ص 333 .
 - 4- . مستدرک الوسائل، ج 3، ص 388 .

فضای مسجد پاک و مطهر باشد و لحظه ای نجاست در مسجد نباشد؛ یعنی علاوه بر اجتناب از نجاسات، باید تمیز، خوشبو و معطر باشد.

آسیب های حضور جماعت در مساجد

در آیین دینی ما بعضی از رفتارها و اعمال در درون مسجد مورد نهی قرار گرفته است. اگر به صورت دقیق و منصفانه آن ها را ارزیابی کنیم درمی یابیم که بهترین آسیب شناسی پیرامون مسجد، در روایات ائمه علیهم السلام نهفته است. با این توضیح که اصل در مسجد، حضور مؤمنان و تجمع آنان و تشکیل صفوف جماعت برای قرب به حق از راه راز و نیاز و دعا و عبادت است. هر چیزی که این تجمع و جایگاه را تهدید و تضعیف کند مورد نهی اسلام - بعضی به صورت حرام و بعضی به صورت کراهت - قرار گرفته است. در اینجا به چند نمونه اشاره می شود.

مباهات و مفاخره

در دین مبین اسلام هیچ وجه تمایزی بین انسان ها از هر قوم و قبیله و رنگ و نژاد که باشند مشاهده نمی شود. تنها عنصر امتیاز در اسلام داشتن تقوا، یعنی مهار نفس و بنده صالح بودن است: «ان اکر مکم عندالله اتقیکم»⁽¹⁾ از این رو، هر نوع برتری بینی و خودبزرگ بینی و توجه به امتیازات ظاهری نهی شده است. خصوصا آنکه بعضی ویژگی های

ص: 31

منفی نظیر مباحات و مفاخره از جمله عوامل رنجش مؤمنان و موجب جدایی و تفرقه است؛ چرا که مباحات موجب تحقیر و تحریک احساسات و عواطف دیگران است و آثار منفی و زیانباری دارد. از این رو، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: « نهی ان یتباهی الناس فی المساجد»؛⁽¹⁾ یعنی از مباحات و مفاخره مردم به یکدیگر در مساجد نهی شده است.

پرداختن به کارهای دنیوی

چون مسجد مرکز توجه به خدا و معنویت است باید حریم آن از کارهای دنیوی و نزاع برانگیز محفوظ بماند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: صدایتان را در آن ها (مساجد) جز به ذکر خدای تعالی بلند نکنید، از خرید و فروش و حمل جنگ افزار در آن ها خودداری نمایید.⁽²⁾

آنچه مسلم است خرید و فروش علاوه بر آنکه امر دنیوی است، یکی از عوامل نزاع و اختلاف نیز محسوب می گردد و اشتغال به آن خودبه خود امر معنوی را به فراموشی می سپارد. همچنین کشیده شده بازار به مسجد موجب تنزل جایگاه مسجد و ارزش آن خواهد شد. از این رو، هر نوع رفتاری که موجب فراموشی جایگاه مسجد و تنزل آن گردد، از جمله داد و فریاد و صدای بلند برای هر امری غیر از ذکر الهی، مانند خرید و فروش، حمل جنگ افزار و تعمیر آن، مورد نهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار گرفته است.

ص: 32

1- . کنز العمال، ج 7، ص 669 .

2- . بحار، ج 83، ص 349 .

یکی از عوامل حفظ مسجد رعایت نظافت و پرهیز از هر بی نظافتی در آن است. در روایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: آب دهان ریختن در مسجد گناه است. (1) و نیز فرمود: در پیش در مسجد کفش هایتان را (نسبت به آلودگی) بررسی کنید. (2) همچنین آن حضرت فرمود: مساجد را از نجاسات دور نگه دارید. (3)

محل تجمع مؤمنان باید پاک و تمیز و با رعایت نظافت و بهداشت باشد. تأکید بر نظافت در هر هفته و خوشبو کردن مساجد برای آن است که مسجد هیچ گاه جاذبه ظاهری خود را از دست ندهد. البته ناگفته نماند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله علاوه بر تأکید بر رعایت نظافت و طهارت ظاهری، بر طهارت معنوی نیز تأکید می نماید. از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: رسول اکرم صلی الله علیه و آله نشستن جنب در مسجد را نهی فرموده است. (4)

ص: 33

-
- 1- . کنز العمال، ج 7، ص 664 .
 - 2- . وسائل الشیعه، ج 3، ص 504 .
 - 3- . وسائل الشیعه، ج 3، ص 504 .
 - 4- . دعائم الاسلام، ج 1، ص 149 .

زبان ابزاری است برای سخن گفتن؛ و سخن گفتن یا واجب است و یا لازم و در بعضی مواقع یا حرام است یا مکروه و یا غیر لازم. تردیدی از نهی سخنی که موجب حرمت می شود نیست، اما چون مسجد جایگاه خاص عبادت است از سخن های غیر لازم و مکروه نیز نهی شده است؛ چرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: در مسجد گفت هر سخنی لغو و بیهوده است به جز خواندن قرآن و ذکر خدا کردن و در امور خیریه سؤال و پرسش نمودن و عطا کردن خیر. (1) از این رو، سخنی که خارج از این امور باشد لغو و بیهوده شمرده شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایتی دیگر می فرماید: لحن ناروا در مسجد حسنات انسان را از بین می برد. (2) آن حضرت همچنین قسم خوردن در مسجد را یکی از آفت های مسجد نام بردند و فرمودند: هر چیزی آفتی دارد و آفت مسجد قسم خوردن در آن است.

چون زبان ابزار گزنده و از طرفی موجب شکاف و اختلاف است، حتی صحبت های معمولی که حاصلی جز غفلت ندارد در حریم مسجد نهی شده است؛ چرا که اصل در مسجد ذکر است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی می فرماید: هر کسی که در مسجد شعری می خواند بگوید: خدا دهانت را بشکند، مساجد را برای خواندن قرآن برپا کرده اند. (3)

ص: 34

-
- 1- . کنز العمال، ج 7، ص 671 .
 - 2- . مستدرک الوسائل، ج 3، ص 371 .
 - 3- . وسائل الشیعه، ج 3، ص 412 .

نباید حریم امن معنوی اسلام با سخنان بی حاصل و پوچ دستخوش نامالیقات قرار گیرد؛ چرا که این فضای معنوی باید حفظ بماند تا همگان از آن بهره مند شوند.

دهان بدبو

با مطالعه روایات این نتیجه به دست می آید که اسلام عزیز با هر چیزی که موجب اختلاف و پراکندگی مؤمنان و یا رنجش خاطر و آزدگی آنان گردد مخالف است. شخصی با ایمانی که لسان خود را کنترل می کند و از تقوای الهی بهره مند است، اگر با بی دقتی یا به هر علت دیگری دهانش بدبو باشد از حضور در مسجد که مکان جمعی است نهی شده است.

پیامبر گرانقدر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: هر کسی این سبزی بدبو (سیر) را بخورد به مجالس وارد نشود؛ زیرا فرشتگان از هر چه مسلمانان را بیازارد آزرده می شوند. (1)

امام علی علیه السلام در این زمینه می فرماید: هر کس چیز بوداری (مثل سیر) بخورد که موجب آزار مردم گردد به مسجد وارد نشود. (2)

ابو بصیر گوید از امام صادق علیه السلام در مورد خوردن سیر، پیاز و تره سؤال کردم، امام فرمود: خوردن آن ها به صورت خام یا پخته اشکال ندارد، همچنین معالجه بیماری با سیر اشکال ندارد، اما اگر کسی آن ها را

ص: 35

1- . جامع الاحادیث شیعه، ج 4، ص 483 .

2- . وسائل الشیعه، ج 3، ص 502 .

خورد (قبل از برطرف کردن بوی آن) به مسجد نرود. (1)

رعایت شأن مسجد

در بعضی روایات بر حفظ احترام و حرمت مسجد شده تأکید است. نهی بعضی از رفتارها برای حفظ و تکریم جایگاه مساجد است. برای مثال، امام صادق علیه السلام فرمود: کراهت دارم که سواره وارد مسجد (کوفه) شوم. (2) این به جهت رعایت جایگاه رفیع مسجد است تا دیگران با تأسی بر ائمه علیهم السلام حفظ و حرمت مسجد را نگه دارند.

در روایت دیگر از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده است: نمایاندن ناف، ران و زانو در مسجد مانند کشف عورت است. (3) این روایت مبین این نکته اساسی است که مسجد با خانه و مکان های دیگر اجتماعی فرق دارد حریم مسجد باید با آداب و رعایت اخلاق دینی حفظ شود و دستخوش بی حرمتی و رفتارهای موهن قرار نگیرد.

امام صادق علیه السلام در زمینه احترام به مسجد می فرماید: از رحمت خدا به دور است کسی که به مسجد احترام نگذارد. (4) نکته دیگر، نهی از آوردن دیوانگان و کودکان به مسجد است. پیامبر گرامی اسلام

ص: 36

1- صحیح بخاری، ج 1، ص 402.

2- من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 230.

3- وسائل الشیعه، ج 3، ص 515.

4- سفینه البحار، ج 1، ص 600.

صلی الله علیه و آله می فرماید: مساجد خود را از دیوانگان و کودکان دور نگه دارید. (1) با توجه به جایگاه معنوی و اجتماعی مساجد پذیرش این نکته امری بدیهی و ضروری می نماید؛ چرا که دیوانگان و کودکان تسلطی بر خویش ندارند و هرگونه رفتار غیرطبیعی از آنان طبیعی است. از این رو، با توجه به جایگاه و منزلت مسجد و حفظ شأن و مراتب آن باید از آوردن دیوانگان و کودکان اجتناب کرد. با تصور این مطلب که اگر هر کسی کودک خود را به مسجد بیاورد فضایی حاکم می شود که در این فضا امکان بهره برداری مناسب (با توجه به فلسفه وجودی مساجد) فراهم نمی شود، صحت، درستی، دورانپذیری و حکمت سخن پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله هویدا می شود. اگر اصول مطرح شده در کلام ائمه اطهار علیهم السلام در حفظ و نگه داری مساجد عمل شود و جایگاه ذکر، عبادت و بهره گیری از دانش در مساجد مورد توجه قرار گیرد، قطعاً مساجد بهترین و قوی ترین پایگاه مسلمانان به شمار خواهند آمد.

مسجد و جماعت

آنچه تاکنون مورد بحث قرار گرفت پیرامون عظمت و جایگاه مساجد، تقویت این جایگاه و پرهیز از تخریب موقعیت مساجد بوده است. گرچه تاکنون بیان شده است که مسجد جای عبادت و ذکر الهی است، اما با نگاهی به دیگر روایات در خصوص مسجد و اهمیت جماعت

ص: 37

و نماز جماعت در مسجد، نکته با اهمیتی روشن می شود و آن اینکه گویا تمام این ها مقدمه تمرکز و وحدت و تجمع مؤمنان بوده است تا در کنار هم و با قلب های مملو از محبت نسبت به هم در مقابل خدای بزرگ به تسبیح و عبادت پردازند.

از کلام رسول خداست که می فرماید: «تحفه الملائکه تجمیر المساجد»؛⁽¹⁾ تحفه فرشتگان جماعت میان مساجد است. و نیز در کلامی دیگر در پرهیز از تفرقه و جدایی می فرماید: شیطان گرگ انسان است همانند گرگ گوسفندان، همیشه میش های دورافتاده و کنارگیر را می گیرند. پس، از دسته بندی (گروه گرایی و دسته دسته شدن) پرهیز نمایید و بر شما باد به حضور در جماعت و مجالس عمومی و مسجد.⁽²⁾

امام صادق علیه السلام در جواب مردی که سؤال نمود: در منزل نماز طولانی همراه با مستحبات بخوانم بهتر است یا در مسجد و به جماعت و به طور مختصر فرمود: با جماعت نماز بخوان و از نماز فردای طویل پرهیز.⁽³⁾

امام موسی بن جعفر علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل فرمود: کسی که در منزل خود وضوی کامل بگیرد و مویش را شانه کند و خود را معطر نماید سپس از خانه اش بدون عجله و با آرامش و وقار بیرون بیاید

ص: 38

1- . کنز العمال، ج 7، ص 658 .

2- . کنز العمال، ج 7، ص 581 .

3- . وسائل الشیعه، ج 5، ص 477 .

و به طرف محل نماز برود در حالی که میل به جماعت مسلمین دارد، قدمی از زمین بر نمی دارد و نمی گذارد مگر آنکه یک حسنه برایش نوشته می شود و یک گناه از او محو گردد و یک درجه به خداوند نزدیک شود تا زمانی که داخل مسجد شود تا این که فرمود: سپس نماز را با امام جماعت شروع کند، از طرف خداوند مغفرت و بهشت بر او واجب می شود قبل از اینکه امام سلام نماز را بدهد. (1)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: کسی که در پیوستن به نماز جماعت از دیگران پیشی گیرد چنان است که گویی در ایمان پیشی گرفته است. (2)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی دیگر می فرماید: آگاه باشید، کسی که برای اقامه نماز جماعت به سوی مسجد قدم بر می دارد برای هر یک قدمش هفتاد هزار حسنه منظور می شود. (3)

همه این روایات در اهمیت نماز جماعت است. برتر دانستن نماز مختصر جماعت از نماز طولانی فرادا با مستحبات، حقیقتی را بیان می کند و آن وجود یک عنایت خاصه از سوی خدای بزرگ در جماعت است. جماعت قدرت اسلام است؛ در جماعت دست الهی همراهی دارد؛ در مسجد باید قدرت اسلام نمایان شود؛ جماعت مسلمانان قدرت اسلام است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: هر کس بدون عذر موجهی با مسلمین در

ص: 39

1- . جامع الاحادیث الشیعه، ج 6، ص 387 .

2- . کنز العمال، ج 7، ص 652 .

3- . جامع الاحادیث شیعه، ج 4، ص 450 .

مسجد نماز جماعت نمی خواند نمازش کامل نیست و کسی که در منزلش نماز می خواند و نسبت به جماعت مسلمین بی توجه است غیبتش جایز می باشد. و کسی که نسبت به جماعت مسلمین بی توجه است از عدالت ساقط است و دوری کردن از او واجب است. (1)

این تهدیدات برای آن است که کسی قصد جدایی و تفرقه نکند و آهنگ اختلاف با جماعت مسلمین سر ندهد و راه و رسم خویش را از جماعت مسلمانان جدا نکند؛ چرا که تفرقه و جدایی و بی توجهی به یکدیگر خواست دشمنان اسلام و دشمنان پیامبر گرامی اسلام است. مسلمان باید نسبت به افراد و جماعتش حساس باشد و در کنار آن ها آهنگ وحدت و عبودیت را به صدا در آورد که این مهم خواست خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله می باشد. در همین راستا امام صادق علیه السلام در جواب جمیل بن صالح که سؤال کرد: کدام افضل است، اینکه انسان در اول وقت نماز بخواند یا مقداری نماز را به تأخیر بیندازد تا با اهل مسجد به جماعت نماز بخواند، زمانی که مسجد امام جماعت دارد؛ امام فرمود: نماز را به تأخیر بیندازد و با اهل مسجد نماز بخواند زمانی که مسجد امام جماعت دارد. (2)

ثواب نماز اول وقت و تأکید بر آن کم نیست، اما در جایی که جماعت است آهنگ فردی، هرچند برای کسب ثواب نماز اول وقت،

ص: 40

1- . وسائل الشیعه، ج 5، ص 394 .

2- . وسائل الشیعه، ج 5، ص 388 .

مورد اشاره امام معصوم نیست، بلکه همراهی و هماهنگی با جماعت توصیه و تأکید می شود.

در روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نکته قابل توجهی ذکر شده است و اینکه «من مشی الی مسجد یطلب فیہ الجماعه کان بکل خطوه سبعون الف حسنه»؛ (1) حرکت به سوی مسجد برای کسی که طالب جماعت است، برای هر گامی که بردارد هفتاد هزار حسنه و پاداش در نظر گرفته می شود. نکته مهم «یطلب فیہ الجماعه» است؛ یعنی به قصد نماز جماعت و رسیدن به جماعت حرکت کند. تمامی این روایات گواه بر این است که جماعت در مسجد هدف است؛ جماعتی که راه وحدانیت و وحدت و یکدلی را طی می کند. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برای ایجاد نظم و هماهنگی و ایجاد وحدت، شانه های نمازگزاران را در نماز جماعت می گرفت و منظم می کرد و می فرمود: مساوی و منظم باشید، نامنظم و جدا از هم نباشید که قلب های شما از همدیگر جدا می شود. (2)

ص: 41

1- . وسائل الشیعه، ج 5، ص 372 .

2- . جامع الاحادیث الشیعه، ج 6، 470 .

حسن دهقان

« إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ »؛ (1)

مساجد خدا را تنها کسانی آباد می کنند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده، و نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند و جز از خدا نترسند، امید است چنین گروهی از هدایت یافتگان باشند.

حضور در مسجد از مصادیق مهم و اصلی عمارت و آباد نگه داشتن آن است، به گونه ای که بدون آن، مسجد اساساً فاقد عمران و آبادی خواهد بود. از این رو، در روایات از مساجدی که مسلمانان آن را

ص: 43

رها کرده و در آن نماز نمی گزارند، به مسجد خراب تعبیر شده است.⁽¹⁾

در بررسی کلمات و بیانات قرآن کریم و نیز سنت در باره مسجد، نکته مهمی که توجه انسان را به خود جلب می کند، تأکید و تشویق فوق العاده پیشوایان دین مبین اسلام بر رفت و آمد به مساجد و انس گرفتن با خانه خداست، تا آنجا که فقهای اسلام با استناد به همین تأکیدات فراوان گفته اند: در شرع مقدس اسلام، بسیار سفارش شده است که نماز را در مسجد بخوانند و بهتر از همه مسجدها، مسجدالحرام است و بعد از آن، مسجد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بعد مسجد کوفه و بعد از آن مسجد بیت المقدس و بعد از آن، مسجد جامع هر شهر و بعد از آن، مسجد محله و بعد از مسجد محله، مسجد بازار (مسلمانان) است.⁽²⁾

مستند این گونه احکام و فتاوا، روایات فراوانی است که پیشوایان دین ضمن بیان آثار و فواید رفت و آمد به مسجد، مخصوصاً به منظور برپایی نمازهای واجب روزانه ترغیب و تشویق نموده اند.

نوشتار حاضر با استفاده از منابع اصیل اسلامی به ده موضوع اصلی پرداخته است. امید آنکه خداوند متعال این جهد متواضع را قبول درگاهش بفرماید.

ص: 44

1- . وسایل الشیعه، ج 3، ص 484 .

2- . رساله توضیح المسائل امام خمینی قدس سره، مسأله 893 .

«... وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»؛ (1) و اینکه مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید. برخی گفته اند: یعنی «و لأن المساجد لله فلا تدعوا»، بنابراین، لام در لأن به لا تدعوا می باشد؛ یعنی هیچ کس را با خدا در مسجدها نخوانید؛ زیرا مساجد مخصوص خدا و عبادت اوست. (2)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی قدسی می فرمایند: «قال الله تبارک و تعالی: إن بیوتی فی الارض المساجد، تضيیء لأهل السماء كما تضيیء النجوم لأهل الأرض. الا طوبی لمن كانت المساجد بیوته. الا طوبی لعبد توضع فی بیته ثم زارنی فی بیتی. الا إن علی المزور کرامه الزائر. الا بشر المشائین فی الظلمات الی المساجد بالتور الساطع یوم القیامه». خداوند متعال می فرماید: «خانه های من در زمین، همان مساجد است که برای اهل آسمان می درخشند، آن گونه که ستارگان برای اهل زمین می درخشند. خوشا به حال آنان که مساجد را خانه خویش قرار داده اند. خوشا به حال بنده ای که در خانه خویش وضو می گیرد، آنگاه مرا در خانه ام زیارت می کند. آگاه باشید که بر زیارت شونده لازم است که زائر خویش را بزرگ شمرده و به وی احسان نماید. کسانی را که در دل تاریکی شب به سوی مساجد؛ گام بر می دارند، به نوری درخشان در روز قیامت

ص: 45

1- جن: 18 .

2- تفسیر جوامع الجامع، ج 6، ص 457 .

همان گونه که ملاحظه می شود، در این حدیث قدسی، از انسانی که به مسجد رفت و آمد دارد به زائر خدا تعبیر شده که حق تعالی را در خانه او زیارت می کند. بنابراین، مسجد، یعنی محل زیارت خداوند متعال مکانی که انسان با انجام عبادات خالصانه خویش در آن، در اوج تقرب به حق تعالی قرار می گیرد و ملکوت این عبادت و حضور خالصانه در مسجد به صورت نوری درخشان در تاریکی های عالم قیامت، برای او جلوه گر خواهد شد. تشبیه مساجد به ستاره های درخشان آسمان نیز اشاره به همین معناست.

ممکن است این تشبیه اشاره به این معنا داشته باشد که همان گونه که ستاره ها در دل تاریکی شب، مایه زینت آسمان و نیز وسیله ای برای راهیابی و هدایت کسانی هستند که در دریاها و یا بیابان ها، راه خویش را گم کرده اند، مساجد نیز مایه زینت عالم خاک و انوار هدایتی هستند که انسان های خداجو باید مسیر هدایت و راه سعادت خویش را از این مراکز مبارک بیابند. شاید نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله از همین معنا خبر داده است، آنگاه که فرمود: «المساجد انوار الله»؛ مساجد، انوار الهی هستند. (2)

«قال رسول الله صلی الله علیه و آله لابی ذر: یا اباذر، ان الله تعالی يعطیک ما دُمتَ جالساً فی المسجد بکلّ نفسٍ تنفّستَ درجهً فی الجنّه و تصلّی علیک الملائکة،

ص: 46

1- . وسایل الشیعه، ج 1 ، ص 268 .

2- . مستدرک الوسائل، ج 3 ، ص 447 .

و تَكْتُبُ لَكَ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسَتْ فِيهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ تُمَحِّي عَنْكَ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ؛ پیامبر خدا به ابوذر فرمود: ای ابوذر! تا زمانی که در مسجد نشسته ای، خدای تعالی به تعداد هر نفسی که می کشی یک درجه در بهشت به تو می دهد و فرشتگان بر تو درود می فرستند و برای هر نفسی که در مسجد می کشی، ده حسنه برایت نوشته می شود و ده گناه از تو پاک می گردد. (1)

«قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الجلوس في المسجد لانتظاره الصلاة، عبادة مالم يُحَدِّث. قيل: يا رسول الله! و ما لحدث؟ قال الاغتياب»؛ حضرت نیز می فرماید: نشستن در مسجد به انتظار نماز، عبادت است مادام که حدیثی سرنزده باشد. عرض شد: یا رسول الله! حدث چیست؟ فرمود: غیبت کردن. (2)

امام صادق علیه السلام طی حدیثی طولانی، آداب مراقبت در مسجدها را این گونه بیان می فرماید: هرگاه به در مسجد رسیدی بدان که تو به آستان خانه پادشاهی بزرگ و پرشکوه آمده ای که جز پاکان بر بساط او قدم نگذارند و اجازه نشستن در مجلس او جز به صدیقان داده نشود، وانگهی تو بر بساط خدمتگزاری و چاکری پادشاه قدم گذاشته ای. پس اگر از هیبت و شکوه پادشاه غافل مانی، خطری بزرگ تو را تهدید می کند، خواه به عدالت و یا با فضل و کرمش، می تواند.

در پیشگاه او به ناتوانی و تقصیر و درویشی خود اعتراف کن؛ زیرا که تو برای پرستش و همدمی با او آمده ای. رازهایت را با او در میان

ص: 47

1- . بحار الانوار، ج 76، ص 336 .

2- . امالی صدوق، ص 342 .

نه و بدان که اسرار درون خلایق، همگی یا آشکارشان بر او پوشیده نیست. در برابر او همچون درویش ترین بندگان باش و دلت را از هر علقه و دل مشغولی که حجاب میان تو و پروردگارت شود، خالی کن؛ زیرا که او جز پاک ترین و خالص ترین را نمی پذیرد و بنگر که از کدام دیوان نامت بیرون می آید، اگر حلاوت مناجات با او و لذت گفتگو با وی را چشیدی و بر اثر رویکرد او به تو و اجابتش، جام رحمت و کرامت او را سر کشیدی، هر آینه لایق چاکری و خدمتگزاری او شده ای، اینک به مسجد درآی که در امن و امان خواهی بود. (1)

مسجد، مرکز ذکر و یاد الهی

قرآن کریم می فرماید: «... وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»؛ (2) و اگر خداوند، بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه ها و معابد یهود و نصاری و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می شود، ویران می گردد و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش) دفاع کنند، یاری می کند، خداوند قوی و شکست ناپذیر است.

در برخی از روایات، با تعبیری لطیف از مسجد به عنوان بازار

ص: 48

1- بحار الانوار، ج 83، ص 373.

2- . حج: 40.

آخرت یاد شده، یعنی همان گونه که بازار، محل خرید و فروش و مبادله کالا و متاع های دنیوی است، مسجد نیز محل کسب امور معنوی و اسبابی است که در سرای آخرت دارای کاربرد و تأثیر می باشد. در حدیثی از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «المساجدُ سوقٌ من أسواقِ الآخرةِ قراها المغفرةُ و تُحَفَّتُهَا الجنةُ»؛ مساجد، بازاری از بازارهای آخرت است. از کسانی که به آن وارد می شوند، با مغفرت پذیرایی می شود و هدیه آنان بهشت است. (1)

بیشترین اهتمام انسان مؤمن، متوجه تهیه و تأمین اسبابی است که در سرای آخرت به آن نیاز دارد و شوق و انس وی به بازار آخرت (مسجد) به مراتب بیش از علاقه او به بازارهای دنیاست. بنابراین، مؤمنان باید در هنگام رفتن به مساجد، بر دیگران پیشی بگیرند و به هنگام خروج، دیرتر از همه مسجد را ترک گویند. به روایت ذیل در این زمینه توجه کنید: «عن ابی جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام عن آبائه علیهم السلام، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله لجبرئیل: أئی البقاعِ أَحَبُّ إلى الله تعالی؟ قال: المساجدُ و أَحَبُّ أهلها إلى الله أوْلهم دخولاً إليها و آخرهم خروجاً منها»؛ امام باقر علیه السلام از پدران خویش و آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کنند: آن حضرت از جبرئیل علیه السلام سؤال کرد: کدام مکان ها نزد خداوند محبوب تر است؟ جبرئیل عرض کرد: مساجد، و دوست داشتنی ترین اهل مسجد نیز کسی است که پیش از همه به مسجد داخل و پس از همه از مسجد خارج شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

ص: 49

کدام مکان ها نزد خدا مبعوض ترین است؟ جبرئیل عرض کرد: بازارها و مبعوض ترین اهل آن نزد خداوند کسی است که قبل از همه به بازار وارد و پس از همه از آن خارج می شود. (1)

در برخی از روایات، از آنان که در رفتن به مسجد شتاب کرده و گوی سبقت را از دیگران می برند، به عنوان پرچمدار بهشتیان، که در روز قیامت پیش از دیگران به بهشت وارد می شوند، یاد شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به ابوذر می فرماید: «یا اباذر! طوبی لأصحاب الألوّیه يوم القيامة يحملونها فيسبقون الناس الى الجنة، ألا (و) هم السابقون الى المساجد بالاسحار و غیرها»؛ ای ابوذر! خوشا به حال پرچم داران روز قیامت که پرچم ها را به دوش گرفته و پیش از دیگران به بهشت وارد می شوند. آنان همان کسانی هستند که در سحرگاهان و دیگر اوقات در رفتن به مسجد بر دیگران پیشی می گیرند. (2)

تردد به مساجد، موجب پاک شدن از گناهان می شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «علیکم باتیان المساجد، فانها بیوت الله فی الارض، و من اتاها متطهراً طهره الله من ذنوبه و کنت زوّاره فأکثروا فیها من الصلاه و الدعاء»؛ بر شما باد به رفتن مساجد؛ زیرا مساجد خانه های خدا در روی زمین هستند. هرکس پاک و پاکیزه وارد مسجد شود، خداوند او را از گناهانش پاک گرداند و در زمره زائران خود قلمدادش کند، پس در

ص: 50

1- . وسایل الشیعه، ج 12 ، ص 345 .

2- . مستدرک الوسایل، ج 3 ، ص 433 .

ثواب رفتن به سوی مسجد به منظور شرکت در نماز جماعت آن قدر زیاد است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من مشی الی مسجد یطلب فیہ الجماعه کان له بكلّ خطوه سبعون الف حسنه و یرفع له من الدرجات مثل ذلك و إن مات و هو علی ذلك و کلّ الله به سبعین الف ملک یعودونه فی قبره و یؤنسونه فی وحدته و یتغفرون له حتی یبعث»؛ هر کس برای شرکت در نماز جماعت به مسجدی رود، برای هر قدمی که بر می دارد، هفتاد هزار حسنه منظور شود و به همان اندازه درجاتش بالا رود و اگر در آن حال بمیرد، خداوند هفتاد هزار فرشته بگمارد که در قبرش به عبادت او روند و انیس تنهایی او باشند و تا زمانی که برانگیخته شود، برایش آمرزش طلبند. (2)

باز از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «کُلُّ جُلُوسٍ فِی الْمَسْجِدِ لِعَوِّ الْأَثَلَاثَةِ، قِرَاءَةٍ مَصْلٍ أَوْ ذِكْرِ اللَّهِ أَوْ سَائِلٍ عَنِ عِلْمٍ»؛ هر نشستی در مسجد لغو و بیهوده است. مگر نشستن سه کس: نمازگزاری که (قرآن) قرائت کند، کسی که ذکر خدا بگوید و کسی که به دنبال دانشی باشد. (3)

شایسته نیست مسلمان از مسجدی عبور کند و در آن مسجد، نمازی نخواند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا تَجْعَلُوا الْمَسَاجِدَ طَرِيقًا حَتَّى تَصَلُّوا فِيهَا رَكَعَتَيْنِ»؛ مسجدها را گذرگاه خود قرار ندهید، مگر آنکه دو رکعت

ص: 51

1- . امالی صدوق، ص 293 .

2- . بحار الانوار، ج 76 ، ص 336.

3- . بحار الانوار، ج 77 ، ص 86 .

و حضرت علی علیه السلام می فرماید: «من اختلف الى المسجد أصاب إحدى الثمان: ائماً مستفاداً في الله او علماً مستطرفاً او آیه محکمه او رحمه منتظره او کلمه ترده عن ردی او یسمع کلمه تدلّه علی هدی او یترک ذنباً خشیه او حیاء»؛ هر کس به مسجد رفت و آمد کند، به یکی از این هشت چیز دست یابد: برادر دینی سودمند یا دانشی جدید یا آیتی محکم و استوار یا رحمتی منتظره یا سخنی که او را از هلاکت برهاند یا شنیدن جمله ای که او را به راه راست هدایت کند یا آنکه گناهی را از ترس یا شرم ترک گوید. (2)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لا یرجع صاحب المسجد بأقل من إحدى ثلاث: إمّا یدعو به یدخله الله به الجنه و إمّا دعاء یدعو به لیصرف الله به عنه بلاء الدنیا و إمّا أخ یستفیده فی الله عزوجل»؛ ملازم مسجد، دست کم با یکی از این سه چیز به خانه اش بر می گردد: یا دعایی که به درگاه خدا می کند و خدا با آن، او را به بهشت می برد، یا دعایی که به سبب آن خداوند بلائی دنیا را از او بر می گرداند و یا برادری که در راه خدای عزوجل از وجودش بهره مند می شود. (3)

ص: 52

-
- 1- . امالی صدوق، ص 344 .
 - 2- . همان، ص 318 .
 - 3- . امالی طوسی، ص 47 .

جلوگیری از یاد خدا در مسجد؛ بزرگترین ظلم

قرآن کریم می فرماید: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا»؛ کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آن ها نمود؟⁽¹⁾

اینکه قرآن کریم می فرماید: «کسی که تلاش در تخریب و ویرانی مساجد (از یاد خدا در مساجد جلوگیری) می کند، ظالم ترین انسان است، به قرینه تقابل روشن می شود کسی که در عمران و آبادی مساجد تلاش می کند، در بهترین وضعیت ایمانی به سر می برد».⁽²⁾

خرابی و ویرانی مسجد، منحصر به تخریب فیزیکی نیست که مسجدی را خراب کنند و به جای آن منزل یا مغازه بسازند، بلکه هر برنامه ای که از رونق مسجد بکاهد، تلاش در ویرانی مسجد محسوب می شود.⁽³⁾

از این آیه شریفه، نتیجه می گیریم ظالم ترین فرد، کسی است که نه خود به مسجد می رود و نه می گذارد دیگران به مسجد روند یقیناً این گونه افراد یا منافق هستند یا مشرک یا کافر، چون از رونق انداختن مسجد - به علت تجمع مسلمانان در آن به منظور اتحاد، نیایش، تصمیم گیری در راستای اهداف دین مبین اسلام، بسیج نیروها و رفع

ص: 53

1- . بقره: 114 .

2- . تفسیر کبیر، ج 4، ص 12 .

3- . تفسیر نمونه، ج 1، ص 411 .

مشکلات و منازعات و ایفا نمودن نقش محوری و مؤثر در جامعه اسلامی - آرمان پلید آنان را زودتر به منصفه ظهور و عمل می رساند.

هشدارهای اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، نقش مسجد را گوشزد نموده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «شکّت المساجدُ الی اللّٰه تعالیٰ الذین لایشهدونها من جیرانها فأوحی اللّٰه عزّوجلّ الیها: وعزّتی و جلالی لا قبلتُ لهم صلاةٌ واحدةٌ ولا اظهرتُ لهم فی الناس عدالةٌ ولا مالتهم رحمتی ولا جاورونی فی جنّتی»؛ مسجدها از حاضر نشدن همسایگان در خود به درگاه خدای تعالی شکایت کردند، خداوند عزّوجلّ به آن ها وحی فرمود: «به عزّت و جلالم سوگند! که حتی یک نماز از آنان نپذیرم و عدالتی از آنان در میان مردم آشکار نکنم و رحمت من به آنان نرسد و همسایه من در بهشت نشوند».(1)

در روایتی دیگر از آن حضرت نقل شده است: «ثلاثه یشکون الی اللّٰه عزّوجلّ: مسجدٌ خرابٌ لا یصلی فیہ اهلهٌ و عالمٌ بین جهال و مصحفٌ معلقٌ قد وقع علیه غبارٌ لا یقرأ منه»؛ سه چیز نزد خدای عزوجل، شکایت می کنند: مسجد خرابی که اهالی آن در آن نماز نخوانند و دانشمندی که در میان عدّه ای نادان قرار گرفته باشد و قرآنی که در کنار طاقچه ها گذاشته شده و غبار رویش را گرفته باشد و کسی آن را نخواند.(2)

ص: 54

1- . بحار الانوار، ج 83 ، ص 348 .

2- . خصال، ص 142 .

قرآن کریم می فرماید: «... لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ أَفَمَنْ أُسِّسَ بُيُوتُهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ...»؛ ... آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده، شایسته تر است که در آن (به عبادت) بایستی، در آن مردانی هستند که دوست می دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد. آیا کسی که شالوده آن را بر تقوای الهی و خشنودی او بنا کرده است، بهتر است یا...؟ (1)

مسجدسازی، عملی عبادی است و صرف ساختن بنای مسجد، بدون قصد قربت، مطلوب و مقبول درگاه الهی نیست. آیات و روایاتی که از ساختن و تعمیر مساجد به عنوان فضیلتی بزرگ یاد کرده اند، ناظر به مساجدی است که ساختن آن ها برخاسته از انگیزه های الهی باشد.

لازم است مسجد براساس تقوا و رضایت الهی بنا نهاده شود و اساساً در قاموس قرآن مجید آنچه که قابلیت عروج و صعود به درگاه الهی را داراست، همان تقوا و صاحبان آن، یعنی انسان های تقوایسته است و نه صورت و ظاهر عمل. در روایات موجود (در کتب عامه و خاصه) تصریح شده که ثواب مسجدسازی از آن کسانی است که با انگیزه های سالم اقدام به ساختن مساجد می نمایند.

نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ بَنَى مَسْجِدًا لِيَذْكُرَ اللَّهَ فِيهِ بَنَى لِي بَيْتًا

ص: 55

فی الجَنَّة»؛ هر کس مسجدی را به قصد اینکه یاد خدا در آن بشود، بسازد، خانه ای در بهشت برای او ساخته می شود. (1)

در روایتی دیگر فرمود: «من بنی مسجداً لله بنی الله له فی الجنة مثله»؛ کسی که مسجدی را برای خدا بنا نماید، خداوند خانه ای مانند آن در بهشت برای وی بنا خواهد نمود. (2)

در برخی روایات، از اینکه مسجدسازی از حالت عبادی خارج شود و به عنوان عملی که مایه فخر و مباهات افراد و جمعیت ها نسبت به یکدیگر باشد، نهی شده است. پیامبر اکرم در مقام سرزنش و بیان انحراف امت و نشانه های برپایی قیامت می فرماید: «لا تقوم الساعة حتی یتباهی الناس بالمساجد»؛ از نشانه های قیامت آن است که مردم، مسجد را وسیله فخر و روشی قرار می دهند. (3)

اساساً در روایات از ساختن هر بنایی به غیر از مسجد هم، در صورتی که با انگیزه فخر و مباهات باشد، نهی شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «... و من بنی بنیاناً ریاءً و سَمِعَهُ حَمَلَهُ اللهُ یومَ القیامه من الارض السَّابقه و هو نارٌ یشتعِل منه ثم یتطوَّق فی عنقه و یلقى فی النار فلا یحبسه شیءٌ منها دون قعرها إلا أن یتوب. قیل: یا رسول الله! کیف ینی ریاءً و سمعه؟ فقال: ینی فضلاً علی ما یکفیه استطالاً به علی جیرانه و مباهاه لإخوانه»؛

ص: 56

1- . روضه الواعظین نیشابوری، ص 37 .

2- . صحیح مسلم، ج 5، ص 14 .

3- . سنن ابن ماجه، ج 1، ص 244 .

کسی که بنایی را به منظور خودنمایی و به گوش دیگران رساندن بسازد، خداوند این بنا را تا زمین هفتم در حالی که به صورت آتشی در گردن اوست، بر وی حمل می کند و او را در آتش می افکند. چیزی این شخص را از سقوط به قعر جهنم حفظ نمی کند، مگر اینکه توبه کند. عرض شد: ای رسول خدا! از روی ریا و سماعه ساختن بنا به چیست؟ فرمود: اینکه انسان زاید بر نیاز خود و به قصد فخرفروشی بر همسایگان و مباحثات نمودن به برادران خود، بنایی را بسازد. (1)

اهمیت رعایت انگیزه های الهی و اغراض صحیح در مسجدسازی تا به آنجاست که در برخی روایات، مساجدی که از روی انگیزه های ناسالم بنا شده، مورد نکوهش قرار گرفته اند. امام باقر علیه السلام در مورد بعضی از مساجد کوفه می فرماید: «جُدَّتْ اربعه مساجد بالكوفه فرحاً لقتل الحسين عليه السلام: مسجد الاشعث و مسجد جریر و مسجد سمّاک و مسجد شبث بن ربعی»؛ چهار مسجد در کوفه به انگیزه اظهار خوشحالی از شهادت امام حسین علیه السلام، تجدید بنا شد: مسجد اشعث، مسجد جریر، مسجد سمّاک و مسجد شبث بن ربعی. (2)

در روایت دیگری از این مساجد که نه تنها تجدید بنای آن با

انگیزه ای ناسالم صورت گرفته، بلکه اساساً بنیان اولیه آن با هدف تضعیف

ص: 57

1- . وسایل الشیعه، ج 3، ص 588 .

2- . همان، ص 520 .

دین پی ریزی شده است، به مساجد ملعونه تعبیر شده(1) و ائمه علیهم السلام از نماز گزاردن در آن نهی نموده اند.(2)

شرایط و ویژگی آبادکنندگان مساجد

از نظر اسلام، مسجد مرکز عبادت و بندگی خدا و مرکز اجتماع فرهنگی مسلمانان است، از این رو، هم متولیان مسجد باید افراد صالح شایسته و مؤمن باشند و هم برنامه هایی که در مسجد اجرا می شود باید سازنده، رشد دهنده و آموزنده باشد. بنابراین، معماران و آبادکنندگان مساجد باید اهل ایمان و تقوا و پرهیزکاری باشند، نه کسانی که اعتقادی به خدا و قیامت ندارند. اهمیت مسجد به عنوان یک کانون حساس و مقدس، ایجاب می کند تنها کسانی که از قضایای برجسته و شرایطی خاص برخوردارند، به تعمیر آن همت گمارند.

قرآن کریم می فرماید: «ما كان للمشركين ان يعمروا مساجد الله شاهدین علی انفسهم بالكفر اولئك حبطت اعمالهم و فی النار هم خالدون، ائما يعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الآخر و اقام الصلوة و آتی الزکوة ولم یخس الا الله فعسی اولئك ان یكونوا من المهتدین»؛ مشرکین - در حالی که خود بر کفر خویش گواهی می دهند - شایسته آن نیستند که مساجد خدا را آباد کنند. اعمال آن ها تباه و خود در آتش جاودانند. تنها کسانی مساجد خدا

ص: 58

1- همان، ج 3، ص 519.

2- همان، ص 520.

را آباد می کنند که به خداوند و روز قیامت ایمان داشته و نماز به پای دارند و زکات بدهند و تنها خشیت خداوند را در دل داشته باشند. چنین کسانی امید است که از هدایت یافتگان باشند. (1)

از این آیات استفاده می شود مشرکان و بیگانگان از دین اسلام، حقی در آبادی و تعمیر مساجد ندارند. معماران و متولیان مساجد باید دارای سه شرط باشند:

الف) از نظر اعتقادی، مؤمن به خدا و قیامت باشند.

ب) از جهت عملی، نماز را به پا دارند و اهل زکات باشند.

ج) از لحاظ روحی، شجاع و با صلابت باشند. (2)

مشرکان تا پیش از نزول این آیه، در تعمیر مسجدالحرام شرکت جسته و با حضور خود در اطراف خانه خدا در ایام خاص و موسم حج و یا پرداخت کمک های مالی، خانه خدا را رونق صوری و ظاهری می بخشیدند، ولی این آیه شریفه، آنان را از تعمیر مساجد الهی منع نمود و مرزبندی جدیدی را میان شرک و کفر با تعمیر مساجد اعلام می کرد.

بنابراین، می توان چنین نتیجه گیری نمود که تأکید قرآن مجید بر وجود اوصاف و شرایطی خاص برای آبادکنندگان مساجد، در حقیقت دارای دو جنبه فردی و اجتماعی است: از جنبه فردی، شرایط مذکور از آن رو اهمیت پیدا می کند که آباد کردن مسجد بدون آن ویژگی ها،

ص: 59

1- . توبه: 18 - 17 .

2- . تفسیر نور، ج 5، ص 33 .

عملی بی روح و پیکری بی جان است که در بارگاه ربوبی، بی ارزش است و عامل را نفع و ثمری نخواهد بخشید. از بعد اجتماعی نیز از آنجا که مسجد دارای نقش های مهم اجتماعی است، آبادکنندگان آن باید انسان هایی صالح و برگزیده باشند تا مسجد قادر به ایفای نقش حیاتی خویش باشد.

در مورد کیفیت آباد کردن مساجد به روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله، در پاسخ سؤال ابوذر در این خصوص، اشاره می شود: «لا ترفع فيه الاصوات ولا يخاض فيها بالباطل ولا يشتري فيها ولا يباع واترك اللغو مادمت فيها فان لم تفعل فلا تلومن يوم القيامة الا نفسك»؛ در آن ها (مساجد) صدا بلند نشود، به سخنان و امور نادرست و بیهوده پرداخته نشود، در آن ها خرید و فروش صورت نگیرد و تا زمانی که در مسجد هستی از کارهای لغو و بیهوده دست بکش. اگر چنین نکنی، در روز قیامت نباید کسی جز خودت را ملامت کنی. (1)

متقین، سرپرستان مساجد

با قطع نظر از آیات 17 و 18 سوره توبه، می توان گفت: قرآن کریم در جای دیگری با بیانی موجز و مختصر، شرایط لازم را برای متولیان مساجد ذکر نموده: «وَمَا لَهُمْ آلًا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»؛

ص: 61

چرا خداوند کفار و مشرکان را عذاب نکند؟ در حالی که آنان با وجودی که سرپرست و متولی مسجدالحرام نیستند، راه آنان را بر بندگان خدا بسته و مانع از ورود مؤمنان به مسجدالحرام می‌شوند؟ سرپرستی مسجدالحرام تنها از آن انسان‌های متقی است، ولی بیشتر آن‌ها این را نمی‌دانند. (1)

از آنجا که با وجود تقوا، کلیه اوصاف و شرایطی که در آیه 18 سوره توبه ذکر شده، حاصل خواهد بود، می‌توان گفت: این آیه، شرایط لازم برای متولیان مساجد را ذکر نموده است. اما توهّم اینکه لزوم تقوا تنها در مورد متولیان مسجدالحرام شرط است، پنداری نادرست می‌باشد؛ زیرا هر مسجد دیگری نیز به دلیل آنکه خانه خدا و محل تقوا و عبادت و کانون هدایت است، متولیان تقوایی را می‌طلبد و تفاوت مسجدالحرام و دیگر مساجد از این جهت تنها به شدت و ضعف است؛ یعنی اهمیت ویژه و موقعیت مسجدالحرام اقتضا می‌کند که متولیان و گردانندگان آن از مرتبه والایی از تقوای الهی برخوردار باشند.

لزوم پیش‌بینی چنین شرایطی برای متولیان مسجد، تا حد زیادی به نقش حیاتی و حساس که یک مسجد باید در جامعه اسلامی ایفا نماید، مربوط می‌شود. اگر مسجدی بخواهد حقیقتاً مرکز عبادت و بندگی خداوند متعال و پایگاه جهاد فکری و کانون تعلیم و تعلم معارف اسلامی باشد و به هنگام جنگ و بروز خطرات برای جامعه اسلامی، پایگاه تجمع رزمندگان و محل تقویت و پشتیبانی نیروهای جهادگر و در عین حال،

ص: 62

مظهر تبلور وحدت جامعه اسلامی باشد، بسیار طبیعی است که باید از متولیان و گردانندگان مؤمن، موحد و خداجو برخوردار باشد؛ انسان هایی که شعائر الهی را به پای داشته و در بجا آوردن واجبات دینی خویش کوشا و در یک کلام متقی و پروا پشینه باشند.

در طول دوران قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نیز آشکارا مشاهده شد مساجدی که دارای متولیان و گردانندگانی صالح و شایسته بودند، توانستند به خوبی نقش اصیل خویش را در جامعه اسلامی ایفا نمایند.

حرمت نماز خواندن در مساجد منافقان

قرآن کریم می فرماید: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ لَا تَتَّقُمُ فِيهِ أَبَدًا...»؛ و کسانی که مسجدی ساختند برای زیان به مسلمانان، و تقویت کفر و تفرقه افکنی میان مؤمنان و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود، آن ها سوگند یاد می کنند که جز نیکی و خدمت چیزی نداشته ایم، اما خداوند گواهی می دهد که آن ها دروغگو هستند، هرگز در آن (مسجد) به عبادت نایست! (1)

اسلام از نمازگزاردن در مساجدی که با هدف تضعیف دین بنا

ص: 62

شده است، نهی نموده و از اینکه خداوند متعال، رسول اکرم صلی الله علیه و آله را از نمازگزاردن در مسجدی که از ابتدا بر بنیان تقوا، پی ریزی شده فرمان می دهد، روشن می شود که نمازگزار نیز باید توجه کند که در چه مسجدی نماز می گزارد و همراه با پرهیز از وسوسه های شیطانی و دقت های نابجا، مواظب باشد که نماز خواندن او در برخی مساجد، به گونه ای رونق بخشیدن به جمع دشمنان نباشد.

در مجمع البیان در تفسیر آیه «وارصداً لمن حارب الله ورسوله من قبل» آمده است: یعنی آن مسجد (مسجد ضرار) را برای بازگشت ابوعامر راهب ساخته و آماده کرده بودند. ابوعامر همان کسی است که قبلاً با خدا و رسولش جنگیده بود. داستانش چنین است که وی در جاهلیت جامه پشمی پوشیده و رهبانیت پیش گرفته بود، اما وقتی پیامبر به مدینه رفت، بر آن حضرت حسادت ورزید و احزاب را علیه ایشان بسیج کرد. او پس از فتح مکه به طائف گریخت و چون مردم آنجا مسلمان شدند، او به شام و از آنجا به روم رفت و مسیحی شد. ابوعامر پدر حنظله (غسیل الملائکه) است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله او را ابوعامر فاسق نامید. وی به منافقان پیغام داده بود: خود را آماده کنید و مسجدی بسازید؛ زیرا من نزد قیصر رفته و با سپاهیان او آمده و محمد صلی الله علیه و آله را از مدینه بیرون می کنم! منافقان منتظر برگشت ابوعامر بودند، اما او پیش از رسیدن به نزد پادشاه روم، به هلاکت رسید.

خداوند پیامبر خود را از نیت پلید و باطن کثیف منافقان آگاه کرد... و رسول خدا در برگشت از غزوه تبوک، عاصم بن عوف عجلانی و مالک بن رخشم را فرستاد و فرمود: «به سوی این مسجدی که طرفدارانش ستمگرند، بروید و آن را ویران کنید و بسوزانید و دستور داد محل آن را به زباله دانی و جای انداختن لاشه ها و مردارها تبدیل کنند».(1)

استفاده از زینت هنگام ورود به مساجد

از جمله آداب مسجد، زینت کردن به هنگام داخل شدن در مسجد است. قرآن کریم می فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ...»؛ ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید.(2)

مراد از به همراه داشتن زینت در تمام مساجد، آن است که انسان به هنگام حضور در مسجد، زینت های نیکو و پسندیده را به همراه داشته باشد و البته این کار طبعاً برای نماز و طواف و سایر کارهایی است که جنبه یاد خدا دارد. پس فرمان خدا به زینت کردن در هنگام ورود به مساجد، در حقیقت به معنای مطلوب بودن زینت برای نماز و دیگر عبادات مشابه می باشد و شامل زینت کردن در نمازهای عید و جماعات یومیه و سایر

ص: 64

1- . مجمع البیان، ج 5، ص 110 به نقل از بحار الانوار، ج 21، ص 252.

2- . اعراف: 31 .

عبادات نیز می شود. (1)

انسان در نماز لازم است دو نوع زینت داشته باشد:

الف) زینت ظاهری: در روایت است که امام سجاد علیه السلام به هنگام نماز، زیباترین لباس خود را می پوشید و بعد این آیه را تلاوت می نمود: «خذوا زینتکم عند کل مسجد». (2)

ب) زینت معنوی: حالت خشوع در نماز است، در حدیث است که امام علی علیه السلام فرمود: «الخشوع زینه الصلاه» (3). قرآن کریم در وصف مؤمنان می فرماید: «آنان کسانی هستند که در نماز خویش، خشوع دارند». «قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلواتهم خاشعون». (4)

زینت کردن هنگام ورود به مساجد شامل لباس زیبا، بوی خوش، آراستگی و نظافت نیز می شود. (5)

لزوم طهارت در رفتن به مساجد

از آداب مسجد آن است که انسان در صورت امکان از محل اقامت

ص: 65

- 1- . المیزان، ج 8، ص 79 .
- 2- . یکصد و چهارده نکته در باره نماز، ص 128 .
- 3- . اصول کافی، ج 3، ص 251 .
- 4- . بحار الانوار، ج 77، ص 133 .
- 5- . رجوع شود به بحار الانوار، ج 84، ص 257 .

خویش با حالت طهارت به سوی خانه خدا حرکت کند و در هنگام ورود به مسجد نیز با طهارت باشد. در روایتی آمده است: «کسی که در خانه خویش وضو گرفته و سپس در مسجد حضور می یابد به زائر خداوند تعبیر شده است».

قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا...»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می گوئید، و همچنین هنگامی که جنب هستید - مگر اینکه مسافر باشید - تا غسل کنید. (1)

در ذیل این آیه، روایتی از امام باقر علیه السلام وارد شده است که فرمود: «أَنَّ مَعْنَاهُ لَا تَقْرَبُوا مَوَاضِعَ الصَّلَاةِ مِنَ الْمَسَاجِدِ وَأَنْتُمْ جُنْبٌ إِلَّا مَجْتَازِينَ»؛ معنای آیه شریفه «ولا جنباً إلاّ عابری سبیل» آن است که در حال جنابت به مساجد داخل نشوید، مگر اینکه بدون توقف، تنها از آن عبور کنید. (2)

تردید نیست که مسجد در شریعت اسلامی مکانی مقدس و با عظمت است و هتک حرمت مسجد از محرمات قطعی است و برخی از فقها تعظیم و بزرگداشت آن را واجب شمرده اند. این فضایل برای مساجد از آن رو است که آن ها خانه های

ص: 66

1- . نساء: 43 .

2- . وسایل الشیعه، ج 1، ص 489 (البته این حکم شامل مسجد الحرام و مسجد النبی نمی شود).

خداوندند و انسان را از گناهان تطهیر می نمایند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «علیکم باتیان المساجد، فانها بیوت الله فی الارض من اتاه متطهراً طهره الله من ذنوبه و کتب من زواره»؛ بر حضور در مسجد، مواظبت کنید! چرا که مساجد خانه های خداوند در زمینند، کسی که با حالت طهارت وارد مسجد شود، خداوند او را از گناهانش تطهیر می نماید و نام وی را در زمره زائران خویش می نویسد. (1)

در حدیث دیگری، با طهارت به مسجد رفتن از جمله اسبابی به شمار رفته که مایه جلب دعای خیر فرشتگان الهی در حق انسان مؤمن است. ابوسعید خدری می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا مایل هستید شما را به چیزی راهنمایی کنم که مایه پوشیدن و آمرزش گناهان و باعث افزایش حسنات و خوبی هاست؟ عرض شد: آری ای رسول خدا. فرمود: نیکو وضو گرفتن در سختی ها، فراوان پیاده به مسجد رفتن و انتظار نماز کشیدن بعد از نماز هر کس که با حالت طهارت از خانه خود خارج شود و نماز جماعت را با مسلمانان بجا آورد، آنگاه در مسجد، منتظر برپایی نماز دیگری بماند، ملائکه الهی در حق وی دعا کرده و می گویند: خداوند! او را بیامرزد، خداوند! او را رحمت فرما. (2)

ص: 67

1- . وسایل الشیعه، ج 1 ، ص 267 .

2- . همان .

قرآن کریم می فرماید: «... وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ...»؛ ... و آنچه را که پیش فرستاده اند و نیز آثار آن را می نویسیم. (1)

در تفسیر مجمع البیان در ذیل این آیه آمده است: مراد از آثار، گام ها و قدم های مؤمنین به سوی مسجد است و سبب تفسیر آن است که ابوسعید خدری روایت کرده است که بنی سلمه در منطقه ای از مدینه ساکن بودند، روزی از دوری خانه های خویش از مسجد و مشقت و سختی حضور در نماز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن حضرت شکایت کردند، آنگاه این آیه نازل شد. (2)

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این چنین نقل شده است: «انَّ اعظم الناس اجرا فی الصلاة ابعدهم الیها ممشی فأبعدهم»؛ برترین مردم از نظر پاداش در نماز، کسانی هستند که پیاده روی آنان به مسجد بیشتر است. (3)

در صورت امکان، انسان باید فاصله بین محل کار یا خانه تا مسجد را پیاده طی کند. این امر در حقیقت ابراز نوعی بزرگداشت و تعظیم نسبت به صاحب خانه است. همان گونه که انسان به هنگام وارد شدن به خانه های صاحبان فضیلت و بزرگان سعی می کند کوچک ترین کاری که نشانه

ص: 68

1- . یس: قسمتی از آیه 12 .

2- . مجمع البیان، ج 8 ، ص 418 .

3- . صحیح بخاری، ج 1 ، ص 320 .

بی اعتنایی باشد از وی سر نزند، در مورد مساجد، این امر باید به مراتب بیشتر مورد توجه قرار گیرد. از این رو، اولیای الهی و صالحان از سر تعظیم و اظهار تواضع به درگاه ربوبی، با وجود اینکه امکانات حج سواره بر ایشان فراهم آمده است، ولی در طول عمر خویش بارها فاصله بین کعبه معظمه و محل اقامت خویش را پیاده طی می کردند.

در روایات بسیاری در منابع عامه و خاصه، از پیاده روی به سوی مسجد به عنوان عملی پسندیده یاد و آثار و فضایی نیز برای آن ذکر شده است. جابر بن عبداللّه نقل می کند: «کانت دیارنا نائیة عن المسجد فأردنا ان نبیع بیوتنا فنقرب من المسجد فنهانا رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله فقال: ان لکم بكل خطوه درجه»؛ خانه های ما از مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله دور بود، خواستیم خانه هایمان را بفروشیم و به مسجد نزدیک شویم. رسول خدا صلی الله علیه و آله ما را از این کار نهی نموده و فرمودند: «شما در برابر هر گامی که به سوی مسجد بر می دارید، درجه ای در نزد خدا دارید».⁽¹⁾

در روایت دیگری آن حضرت فرمود: «من مشی الی مسجد من مساجد اللّٰه فله بكل خطوه خطاها حتی یرجع الی منزله عشر، حسنات و محی عنه عشر سیئات و رفع له عشر درجات»؛ کسی که به سوی یکی از مساجد، پیاده حرکت کند، خداوند در مقابل هر قدمی که در مسیر رفت و برگشت بر می دارد، به او ده حسنه پاداش می دهد و ده بدی را از او دور کرده و وی

ص: 69

1- . همان، ص 321؛ صحیح مسلم، ج 5، ص 168 .

منظور از ترفیع درجه و ارتقای مرتبه، که در این احادیث ذکر شده، تنها پاداش و ثواب نیست، بلکه از آنجا که پیاده روی به سوی مسجد، خود موجب تقویت روح تواضع و تحکیم جوهره عبودیت در وجود انسان است، گویا مؤمن با گام هایی که به سوی مسجد بر می دارد، در حقیقت به درجه والاتری از عبودیت و در نتیجه، تقرب به خداوند متعال نایل می شود. البته این امر منافاتی با فضل الهی و دادن پاداش و اجر اخروی ندارد. شاید بتوان حدیث زیر را مؤید این مطلب قرار داد:

امام صادق علیه السلام فرمود: «ما عبدالله بشیءٍ مثل الصمت و المشی الی بیته»؛ خداوند به وسیله هیچ عملی مانند سکوت و پیاده حرکت کردن به سوی خانه اش عبادت نشده است. (2)

ص: 70

1- صحیح مسلم، ج 5، ص 168؛ صحیح بخاری، ج 1، ص 426.

2- وسایل الشیعه، ج 3، ص 483.

- 1 - قرآن کریم، ترجمه آیت الله العظمی مکارم شیرازی.
- 2 - اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی.
- 3 - الامالی، محمد بن علی بن بابویه قمی (صدوق).
- 4 - الامالی، شیخ طوسی.
- 5 - بحار الانوار، علامه محمدباقر مجلسی.
- 6 - تفسیر جوامع الجامع، امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن طبرسی.
- 7 - تفسیر کبیر، فخر رازی.
- 8 - تفسیر مجمع البیان، امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن طبرسی.
- 9 - تفسیر المیزان، علامه طباطبائی.
- 10 - تفسیر نمونه، جمعی از دانشمندان زیر نظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی.
- 11 - تفسیر نور، محسن قرآنی.
- 12 - الخصال، محمد بن علی بن بابویه قمی (صدوق).
- 13 - رساله توضیح المسائل، امام خمینی رضوان الله تعالی علیه.
- 14 - روضه الواعظین، فتال نیشابوری.
- 15 - سنن ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید قزوینی.
- 16 - صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل بخاری.
- 17 - صحیح مسلم، مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری.
- 18 - صحیفه نور، مجموعه سخنان و رهنمودهای امام خمینی قدس سره.
- 19 - مستدرک الوسائل، میرزا حسن نوری طبرسی.
- 20 - مکارم الاخلاق، رسول زاده خویی.

21 - وسایل الشیعہ، شیخ محمد حسن حر عاملی.

22 - یکصد و چہارده نکتہ از قرآن کریم دربارہ نماز، اکبر دہقان.

ص: 71

نویسند: Hayat Salam-Liebich

ترجمه علی نقی خدایاری

مدخل مسجد در دایره المعارف دین (Encyclopedia of Religion) شامل دو بخش است. در بخش اول تاریخ، آداب و رسوم و کارکردهای مسجد و در بخش دوم نماها و ویژگی های معماری مساجد بررسی شده است. نوشتار حاضر برگردان بخش نخست این مدخل و شامل چهاربخش است. در بخش نخست واژه شناسی مسجد و در بخش دوم، تعریف مسجد از منظر حدیث و فقه آمده است. بخش سوم شامل مناصب مربوط به مسجد و بخش آخر درباره نهادهای وابسته به مسجد است. گفتنی است مطالب داخل پرانتز از نویسنده مقاله و مطالب پانوشت ها از مترجم است. نیز تاریخ های میلادی به هجری تبدیل شده است. امید است این مقاله که شامل

اطلاعات

ص: 73

و گزارش های سودمندی درباره تاریخ مسجد و کارکردهای گوناگون آن است مورد استفاده خوانندگان محترم قرار گیرد. (1)

این مقاله کارکردهای مذهبی و سیاسی مسجد را به عنوان کانون عبادت مسلمانان مورد مطالعه قرار می دهد. مسجد اساسا مرکزی برای عبادت دسته جمعی است؛ جایی که مسلمانان در آن مراسم عبادی برگزار می کنند. همچنین مکانی که به لحاظ تاریخی برای امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در آن گرد می آیند.

واژه مسجد

نام: واژه mosque انگلیسی شده واژه فرانسوی mosque است که از mezquita اسپانیایی و آن هم از مسجد عربی، به معنای جایی که یک فرد در آن (در پیشگاه خدا) سجده می کند، گرفته شده است.

واژه مسجد (به همین شکل در فارسی، اردو و ترکی) پیشتر در زبان آرامی یافت شد که برای اشاره به مکان های مقدس نبطیان و حبشیان به کار رفته بود. این واژه همچنین یک واژه متداول در عربی پیش از اسلام است. واژه مسجد به طور مکرر در قرآن به کار رفته است

ص: 74

1- . برای مطالعه درباره احکام و آداب مسجد از دیدگاه فقه و حدیث بنگرید به: مختلف الشیعه، ج 3 ، ص 92 به بعد؛ تذکره الفقهاء، چاپ جدید، ج 2 ، ص 422 به بعد؛ جواهرالکلام، ج 14 ، ص 69 به بعد؛ وسائل الشیعه، کتاب الصلاة، ابواب احکام مساجد.

(بقره: 144 ؛ توبه: 17 و 18 ، 107 و 108 ؛ حج: 40 ، جمعه: آیه 1 (؟)؛ جن: 17). مسجد معمولاً در قرآن برای اشاره به مکان های مقدسی که خداوند در آن ها عبادت می شود، به کار رفته، اما به یک نوع ساختمان اسلامی - بخصوص گونه جدید - اشاره ندارد.

هرگاه یک شناسایی دقیقاً اسلامی، مورد نیاز بوده، این اصطلاح در ساختی مرکب مانند مسجدالحرام در مکه یا مسجدالاقصی در بیت المقدس به کار رفته است.

یک حدیث معروف خاطرنشان می کند که هر جا فردی نماز می گزارد یک مسجد است (1) و بنابراین، وجود یک ساختمان اسلامی را «برای تحقق مسجد» غیرضروری می شمارد.

به هر روی، تمام مسلمانان موظفند که هفته ای یکبار در ظهر جمعه به طور دسته جمعی نماز به جای آورند. همزمان آن ها نسبت به جانشین پیامبر سوگند وفاداری یاد می کنند. مسجد بزرگی که در آن جماعت عبادت کنندگان برای عبادت روز جمعه حاضر می شوند، مسجد جامع، یا مسجد جمعه یا مسجد جامع (مکان اجتماع) نام می یابد که معمولاً به اختصار جامع گفته می شود.

بعد ها واژه جامع به مساجد بزرگ اجتماع، جایی که خطبه جمعه در آن ایراد می شود، اختصاص یافت، در حالی که واژه مسجد به مساجد کوچک خاص نماز روزانه اشاره دارد (به استثنای مسجد مکه و مدینه

ص: 75

1- ر. ک: صحیح مسلم، ج 2، ص 63 م.

و بیت المقدس که نام های سنتی قرآنی خود یعنی مسجد را حفظ کرده اند). این تمایز هنوز آشکارا در ترکیه مشاهده می شود که در آنجا هر یک از اصطلاحات خاص جامع و مسجد به طور صحیح به کار می رود.

تعریف مسجد

کارکرد مسجد به وسیله ابن تیمیه فقیه سده هفتم، جمع بندی شده که شاید بهترین جمع بندی باشد. او مسجد را به عنوان «یک مکان اجتماع که در آن نماز اقامه و امور عمومی اداره می شود» تعریف می کند. به تعبیر ساده، مسجد یک ساختمان به اندازه کافی بزرگ است که جماعت مؤمنان را در بر می گیرد و از یک محل سرپوشیده برای نماز و یک مکان رویاز برای اجتماعات تشکیل شده و به سمت قبله ساخته شده است.

ساختار مسجد - به رغم پیشرفت های زمانی و اسلوبی و تنوع های منطقه ای - از نظر لوازم ضروری آن بدون تغییر باقی مانده است. تمام مساجد بر یک محور به سوی مکه - کانون توجه در نماز که در قرآن (بقره: 139) مقرر شده - ساخته شده اند. آن ها همگی یک سالن به موازات دیوار قبله (به سمت مکه) دارند، که در آن بر یک پایه مساوات، مردان مسلمان اعم از غنی یا فقیر، شریف یا حقیر در صف هایی می ایستند تا نمازهایشان را پشت سر امام بجای آورند.

زنان که از ایشان خواسته می شود نمازهایشان را در خانه بخوانند، می توانند در مساجد خاصی شرکت کنند، اما از آنان خواسته می شود که از

مکان جداگانه ای که مخصوصا با پرده برای آن ها جدا شده، استفاده کنند. افزون بر این، مسلمانان تمام مذاهب فقهی چهارگانه اهل سنت (شافعی، حنفی، مالکی و حنبلی) به یک مسجد می روند. از سوی دیگر، مسلمانان شیعه در مساجد خاص خود نماز می گزارند.

نشان های مسجد

ساختمان مناسب مسجد شماری نشان های اختصاصی دارد که آن را با لوازم ایمان می شناساند: در بیرون، یک منبع آب برای وضو آماده شده که مسلمانان می توانند با طهارت عبادی نماز بخوانند، و یک مناره در خدمت فرا خواندن مؤمنان برای نماز است. در حالی که در درون، یک طاقچه خالی کوچک (محراب) در مرکز دیوار قبله، سمت نماز را نشان می دهد، و در مساجد همگانی جمعه (جامع ها) یک منبر در سمت راست محراب برای پیشوای نماز (خطیب) قرار گرفته تا خطبه خود را ایراد کند. دیگر مشخصه های اختیاری، عبارت از یک محل سر بسته برای حاکم (مقصوره)، یک سکو برای خواننده «جهت دادرسی» (دکه)، و یک میز خطابه برای قصه گو (کرسی) است.

براین نکته باید تأکید ورزید که مسجد منحصرآ یک مکان مذهبی نیست، بلکه صحن مساجد مانند میدان عمومی یونان باستان یا مکان اجتماعات روم، مکان مطلوب برای گردهمایی عمومی است، که در آن، خطبه جمعه همواره مسائل سیاست، جنگ و مذهب را مورد توجه قرار

داده است، و همین طور جمعیت برای خلفا و والیان ابراز احساسات نموده اند، قاضیان جلسه دادگاه تشکیل داده اند، بیت المال نگهداری شده و امر تعلیم دایر بوده است. مسجد بر خلاف یک کلیسا، نه تنها خدمات مربوط به ازدواج ها و تولدها را ارائه نمی دهد، که اسلام آیین اعتراف و مراسم پذیرش به عضویت مسجد را هم مقرر نکرده است.

مناصب مسجد

از نظر تاریخی، مساجد از راه اموال اهدایی (وقف)، تأمین هزینه شده اند که از سوی یک متولی (ناظر) اداره می شود که به مدیریت منابع مالی مسجد و تعیین هیأت (امنای) آن نیز نظارت می کند. از آنجا که اسلام کشیش و آیین عبادت کلیسا ندارد، مقامات مسجد کم شمار بوده و وظایف آنها ساده و روشن است.

1. امام یا پیشوای نماز، مهم ترین منصوب است. در صدر اسلام، حاکم خود این وظیفه را به عهده می گرفت. او رهبر حکومت، فرمانده جنگ و امام جماعت بود. در روزگار عباسیان، زمانی که خلیفه به مدت طولانی نمازها را به طور منظم برگزار نمی کرد، یک امام جماعت حقوق بگیر منصوب شد. در حالی که هر مسلمان سرشناس یا تحصیل کرده می تواند افتخار امامت نمازها را داشته باشد، هر مسجد مخصوصا مردی را که در موضوعات الهیات بسی ماهر است، نصب می کند تا در مقام امامت مسجد انجام وظیفه کند. او مسؤولیت فعالیت های مذهبی

مسجد را بر عهده دارد و وظیفه اوست که پنج بار در روز در جلوی محراب نماز گزارد.

وظیفه امامت جماعت برای یک امام که معمولاً شغل دیگری مانند قضاوت، آموزگاری، یا مغازه داری دارد، یک حرفه نیست و این عنوان دایر مدار شغل است نه شخص.

2. خطیب یا واعظ جمعه، نیز یک منصوب مذهبی است. این شغل بسان امامت جماعت به تدریج از زمانی شکل گرفت که خلیفه عباسی به مدت طولانی خطبه های جمعه را ایراد نکرد. مردی تحصیل کرده در موضوعات دینی، منصوب گشت تا نماینده حاکم باشد. اغلب، قضات به عنوان خطیب برگزیده می شوند و این شغل معمولاً موروثی است.

در مساجد بزرگ شماری خطیب منصوب شده اند تا به یکدیگر کمک کنند. در حالی که در مساجد کوچکتر وظایف خطیب و امام می تواند تلفیق شود. در کنار خطیب، واعظ وقاص «قصه گو» به عنوان مبلغ ارشادگر، به طرزی متفاوت فعالیت می کنند.

3. مؤذن نمازهای پنجگانه روزانه و عبادت ظهر جمعه را به مؤمنان اعلام می کند. بر طبق سنت، اذان (اعلام) در نخستین سال آغاز دوره اسلامی وضع شد. بلال حبشی برده آزاد شده پیامبر (مشهور در داشتن صوت دلنواز)، نخستین مؤذنی بود که مؤمنان را به نماز فرا خواند. در آغاز مؤذنان از بالای مسجد فرا می خواندند، تا اینکه اذان به سرعت یک جایگاه رسمی در مأذنه (مناره) به دست آورد.

تا قرن بیستم مؤذن روزی پنج بار بر فراز مناره می رفت تا فراخوان نماز را ندا دهد.⁽¹⁾ اما با رواج بلندگوهای الکتریکی و اذان های ضبط شده، هنر خیلی پیشرفته مؤذن دیگر ضروری نیست. مؤذنان که منصبشان گاه موروثی بوده، تحت رؤسای «مسجد» سازماندهی می شوند که در اهمیت پس از امام قرار دارند. مؤذنان همچنین در مواردی وظیفه موقت را انجام می دهند؛ یعنی اخترشناسی که قبله را تعیین می کند.

نهادهای: در صدر اسلام احداث مسجد، به عنوان وظیفه حاکم تلقی می شد، اما با گسترش اسلام، والیان شهرها این نقش را به عهده گرفتند و تابع افراد غیردولتی بودند.

ساختن مساجد، یک وظیفه دینی و اجتماعی شمرده می شود؛ یک حدیث گزارش می کند که پیامبر فرمود: «هر کس مسجدی بسازد، خداوند یک خانه در بهشت برای او بسازد».⁽²⁾ و از باب اظهار شهرت و اعتبار «از سوی بانیان»، شمار مساجد به نحو شگفت انگیزی افزایش یافته است. برای نمونه گاهشماران و مسافران سه هزار مسجد برای بغداد سده چهارم، دویست و چهل و یک مسجد برای دمشق در سده هفتم و دوازده هزار مسجد برای اسکندریه در سده هفتم، گزارش می کنند.

ص: 80

-
- 1- پنج بار اذان گفتن ناظر به سنت عامه است. شیعیان روزی سه بار اذان می گویند. م
 - 2- الکافی، ج 3، ص 368، ح 1؛ سنن الترمذی، ج 1، ص 200، ح 318 م.

مسجد افزون بر کارکردهای دینی و سیاسی، همواره به عنوان یک کانون فعالیت اجرایی، حقوقی و آموزشی خدمت کرده است. در حالی که کار اصلی حکومت (اسلامی) بی درنگ پس از شروع، از مسجد به دیوان یا مجلس مخصوص انتقال یافت، انجام امور مربوط به دارایی عمومی در مسجد باقی ماند و خزانه عمومی (بیت المال) در آنجا نگهداری شد. بدین سان در عصر پیامبر، مسائل حقوقی در مسجد حل و فصل می شد. (1) در همان اوایل - سال 222 و 23 هجری - قاضی فسطاط، جلسات خود را در مسجد برگزار کرد و در قرن چهارم نایب قاضی دمشق یک رواق ویژه در صحن مسجد «بنی امیه» به خود اختصاص داد.

زمانی که قضات به طور رسمی به محاکم قضایی منتقل شدند، مسجد به صورت مرکز مطالعات حقوقی باقی ماند. سرانجام مسجد از طریق درس محافل (حلقات) که به طور سنتی در صحن مساجد برپای ستون ها گرداگرد معلمان جمع می شدند، به عنوان پایدارترین مرکز آموزش در اسلام ایفای نقش کرده است. برخی مساجد مانند مسجد المنصور در بغداد یا مساجد اصفهان، مشهد، قم، دمشق، و قاهره مرکز فراگیری علم برای متعلمان از سراسر دنیا شدند.

ص: 81

1- . گزارش های متعددی از قضاوت های امیر مؤمنان علیه السلام در «دکه القضاء» جامع کوفه در دسترس است.

تعلیم در مساجد، حتی پس از گسترش مدارس که در آن‌ها آموزش داریم، مورد تأیید دولت و با هزینه دولت عرضه می‌شد، ادامه یافت. در دوران معاصر، کارکردهای سیاسی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی مسجد عمومی، از سوی نهادهای تخصصی کنترل می‌شود.

ص: 82

مهدی سلطانی رنانی

مسجد از نگاهی خانه خداست(1) و از منظری دیگر، مجلس و جایگاه پیام آوران بزرگ الهی و مأوای همه تقوایندگان؛ که «المساجدُ مجالسُ الانبیاء»(2) و «المساجد بیوت المتقین...»(3).

در فرهنگ دینی نام مسجد یادآور بندگی و کرنش در پیشگاه خداوند متعال است. مسجد به معنای جایگاه سجده، و سجده، اوج عبادت و بندگی انسان برای خداست. از این رو، توصیف این خانه

ص: 83

1- . نور: 36 .

2- . میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 3، ص 363، باب 3 از ابواب احکام المساجد، شماره 18 .

3- . همان، ص 362 .

بزرگ و پرشکوه را باید از زبان صاحب آن شنید و برای شناخت و پی بردن به گوشه ای از فضایل و عظمت این بنیان مقدس، برترین راه آن است که به قرآن کریم دل بسپاریم و حقیقت قرآن را در این رابطه دریابیم.

در قاموس فرهنگ وحی، مسجد متعلق به ذات پاکی است که سرچشمه تمام بزرگی هاست: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» (1) پروردگاری که خود، مسجد را بزرگ داشته، به بزرگداشت آن نیز فرمان داده (2) و این مکان را مرکز پرستش خالصانه و توحید ناب قرار داده است. (3) مسجد جایگاه زمزمه و نجوای صادقانه با معبود است: «وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»؛ (4) مسجد، پایگاه عروج انسان از خاک به افلاک است:

« سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى »؛ (5) مسجد، زیارتگاه خاص خداوند است: «أَلَا طُوبَى لِعَبْدِهِ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي»؛ خوشا به حال بنده ای که در خانه خویش وضو بگیرد، آن گاه مرا در خانه ام زیارت کند.

ص: 84

1- . جن: 18 .

2- . نور: 36 .

3- . جن: 18 .

4- . حج: 4 .

5- . اسرا: 1 .

انوار تابناک و بی آلایش پرستش در مسجد، برای عرش نشینان پرتوافکنی می کند، آن سان که ستارگان آسمان برای ما خاک نشینان نورافشانی می کنند. یکی از نقش های اساسی مسجد، فراهم کردن زمینه عبادت پر حضور و خاشعانه است تا مؤمنان در آنجا با پرداختن به نماز، ذکر و دعا، زنگار غفلت از دل و جان بشویند و با خداوند متعال انس بگیرند. پس ساختن، تعمیر کردن و آبادان نگاه داشتن این جایگاه پرفروغ، افزون بر آنکه نشان ایمان محسوب می گردد، تنها در قلمرو صلاحیت مؤمنان خداجوی جای گرفته است (1) تا آنان با الهام از جوهر ایمان که خمیرمایه جان های پاکشان گشته، این بنای مقدّس را از بُن بر پایه استوار «تقوا» و «خشنودی خداوند» پی ریزی کنند (2) و در نتیجه، دستان ناپاکی که با گفتار و کردار بر کفر و شرک و آلودگی خویش گواهی می دهند، از عمارت آن کوتاه بماند. (3)

عبادت و راز و نیاز با خداوند، نیاز واقعی و فطری هر انسان و مکمل، بلکه مقوم شخصیت اوست. اگرچه عبادت در هر مکانی این نیاز روحی را به طور نسبی تأمین می کند، ولی این نیاز در مسجد و عبادتگاه بهتر و کامل تر تأمین می شود. بر این پایه، انسان بنا به فطرت خویش، معبد و مسجد را دوست می دارد و بدان عشق می ورزد.

ص: 85

1- . توبه: 18 .

2- . توبه: 109 .

3- . توبه: 17 .

پژوهش های تاریخی حاکی از آن است که معبد با انسان، همراه و همزاد بوده است. از این رو، معصومان علیهم السلام در سخنان خویش، مسجد را آشیانه و پناهگاه مؤمن برشمرده اند؛ پناهگاهی که انسان در آن از دغدغه و اضطراب فاصله می گیرد و به آرامش و سکون دست می یابد. امام صادق علیه السلام به مسلمانان سفارش می کند که هنگام رویارویی با مشکلات و اندوه های دنیوی، به نماز و مسجد پناه ببرند. در کتاب کریم الهی نیز رونق مساجد تا بدانجا مهم شمرده شده که یکی از رازهای تشریح فریضه «جهاد» پاسداری از پرستشگاه پر عظمت در برابر یورش حاکمان خودکامه و ستمگر است⁽¹⁾؛ زورمدارانی که چون بر تخت نشینند، به انهدام و ویرانی مساجد همت می گمارند و در راستای رکود و کاستی آن از هیچ تلاش شومی فروگذار نمی کنند. راز این امر روشن است؛ آنان با توحید و یکتاپرستی در ستیزند و مسجد، تجلی گاه توحید و بنیان برافراشته ای است که با قامتی به بلندای همه تاریخ، طنین افکن سروش توحید بوده است.

حضور مؤمنان خداجوی در مسجد، حضوری عاشقانه و برخاسته از محبت سرشار آنان نسبت به مسجد است،⁽²⁾ که از یک عشق فطری و نیاز طبیعی سرچشمه می گیرد؛ همچون رفت و آمد پرندگان به آشیانه

ص: 86

1- . حج: 40 .

2- . شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 3، ص 482، باب 3 از ابواب احکام المساجد، روایت 4 .

اینان به فرمان « يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ » (2) خود را به زینت «اخلاص» و «فرمانبرداری از حق» می آریند و برای زمزمه عاشقانه با محبوب، ندای « وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ » (3) را عملاً پاسخ می گویند.

در نگاه آنان، این محبت، از عشق ورزیدن به دیگر مقدّسات دینی جدایی ناپذیر است. آن ها عشق به مسجد و حضور در آن را حلقه ای از یک زنجیره می یابند؛ زنجیره ای که از چند عشق ناگسستگی و به هم پیوسته ترکیب یافته است: عشق به آفریدگار جهان، عشق به پیام آور بزرگ او، یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله، عشق به خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله عشق به کتاب آسمانی و عشق به مسجد؛ که: «مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ فَلْيُحِبِّي وَمَنْ أَحَبَّنِي فَلْيُحِبِّ عِزَّتِي وَمَنْ أَحَبَّ عِزَّتِي فَلْيُحِبِّ الْقُرْآنَ وَمَنْ أَحَبَّ الْقُرْآنَ فَلْيُحِبِّ الْمَسَاجِدَ...» (4). بدین منظور است که قرآن مجید، آنان که دین باوران و حق جویان را از ذکر و یاد خدا در مسجد باز می دارند و یا در راستای آن گام می نهند از ستم پیشه ترین انسان ها معرفی نموده:

ص: 87

-
- 1- . میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 3، ص 361، باب 3، روایت 14 .
 - 2- . اعراف: 31 .
 - 3- . اعراف: 29 .
 - 4- . میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 3، ص 355 باب 1 از ابواب احکام المساجد، روایت 2 .

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا...» (1) و کیفر این افراد را خذلان و خواری دنیا و عذاب عظیم الهی در سرای جاودانه دانسته است. (2)

مسجد، کانون درخشانی است که انوار تابناک الهی را بر گستره زمین می پراکند: «المساجد انوار الله» (3) مسجد همچینین به عنوان برترین و گرمی ترین مکان های زمین شناخته شده است (4) و در جایگاه اصیل خویش بنایی است مبارک، فرخنده و به دور از کژی و گمراهی، آن گونه که اهلش نیز بر کنار از ضلالتند. (5) اهل مسجد نیک می دانند که هرگام متواضعانه و به دور از شائبه ای در مسیر آمد و شد به مسجد، نشانی از عبودیت و خاکساری به آستان و سرای معبود است و آگاهند این قدم ها همگی در کتابی که هیچ کوچک و بزرگی را فرو نمی گذارد، ثبت و درج می شود: «وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ...» (6).

ص: 88

-
- 1- . بقره: 114 .
 - 2- . بقره: 114 .
 - 3- . میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 3، ص 448 باب 54 از ابواب احکام المساجد، روایت 20 .
 - 4- . شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج 12، ص 344، باب 60 از ابواب آداب التجاره روایت 1 .
 - 5- . میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 3، ص 355، باب 1 از ابواب احکام المساجد، روایت 2 .
 - 6- . یس: 12 .

دلباختگان مسجد بر حضور مداوم در خانه دوست پایداری می ورزند و تنها به دنبال کسب رضوان الهی هستند. (1) آنان ارمغان همنشینی با صدیقان و شهیدان و حضور در محفل پیام آوران بزرگ الهی در بهشت را در سایه آمد و شد به مسجد به چنگ می آورند، (2) نوری متأللی که در پرتو آن، تاریکی های جهان دیگر را همچون برق می پیمایند، نصییشان می شود (3) و رحمت و آسایشی از سوی خداوند آنان را در بر می گیرد. اینان سهل و آسان بر «صراط» گذر می کنند (4) و در کنار عشق خدا مأوی می گزینند. (5)

مسجد در آیین اسلام ناب و پاک محمدی صلی الله علیه و آله مرکز نشر معارف بلند آسمانی نیز هست. (6) خداجویان و حق طلبان، گوهر گران بهای

ص: 89

-
- 1- . اقتباس از روایت موجود در وسائل الشیعه، ج 3، ص 482، باب 3 از ابواب احکام المساجد، روایت 6.
 - 2- . میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 3، ص 365 باب 4 از ابواب احکام المساجد، روایت 4.
 - 3- . شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 1، ص 268، باب 10 از ابواب الوضوء، روایت 5.
 - 4- . میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج 3، ص 362، باب 3 از ابواب احکام المساجد، شماره 18.
 - 5- . همان، ص 365 باب 4 روایت 3.
 - 6- . با توجه به روایت موجود در وسائل الشیعه، ج 3، ص 480، باب 3 از ابواب احکام المساجد، روایت 1.

آشنایی با دین و فهم آن را در این مرکز مقدس بدست می آورند و دین را چنان که هست از زبان روحانیان دین باور و دانشمندان متعهد اسلامی فرا می گیرند. زمزمه آیات جانفزای قرآنی، آگاهی بر گوشه ای از رازهای پنهان کلام الهی، تفسیر و تبیین معارف و احکام آسمانی در این مقرّ والا صورت می پذیرد. مسلمانان، علوم اسلامی گوناگون، از فقه و حدیث، تفسیر و عرفان گرفته تا تاریخ و مسائل اجتماعی - سیاسی را در خانه خدا، که منزلگاه خود آن هاست، فرا می گیرند و بدین سان مسجد در اسلام، کانون مبارزه با جهل و نادانی است. سدی است شکست ناپذیر در برابر امواج ویرانگر و بنیان براندازی که فرهنگ و اندیشه دینی را هدف قرار می دهد. متأسفانه با وجود این همه جلالت و منزلتی که مسجد داراست، نقش و جایگاه مهم آن حتی بر ما مسلمانان پوشیده و ناشناخته مانده است. چه بسیار کسانی که خود را از این خوان گسترده و چشمه جوشان و دریای بی کران، محروم نموده، با این مرکز مقدس ناآشنا و بیگانه اند از مسجد، توشه ای بر نمی گیرند و با آن الفتی ندارند. از این روست که مسجد از آنان، به ویژه اگر از همسایگانش باشند، به خداوند متعال شکایتش می کند و شکایت آن هم پذیرفته می شود و چنین انسان هایی از همنشینی و قرب حق تعالی در بهشت بی بهره می گردند. رحمت الهی با تمام گستردگی اش آن ها را در بر نمی گیرد، نمازهایشان هم اگر بدون عذر

از مسجد سرباز زده باشند، مقبول درگاه الهی نمی افتد. (1) اولیاء و بزرگان دین با آنکه مظهر مهربانی و رحمت می باشند، به چنین کسانی با دیده عطف نمی نگرند. (2)

مسلمانان بیدار دل نیز به فرمان پیامبر خویش آنان را مؤمن خداجوی و مسلمانی کامل به شمار نمی آورند. (3) به امید آنکه همه ما در زمره پاسداران حقیقی مساجد بوده و همه روزه با حضور در آن ها و به پای داشتن فریضه نماز در صفوفی منظم، پیوستگی و همبستگی خویش را با همه هممنوعان خود به نمایش بگذاریم و از این راه اولاً، امیدهای واهی دشمنان پیدا و پنهان جامعه اسلامی را به یأس و ناامیدی مبدل سازیم و ثانیاً، به قدر توان خویش در راستای آبادانی و رونق این مکان مقدس تلاشی پیگیر نماییم تا هم در این جهان سربلند زندگی کنیم و هم در جهان آخرت بهترین فیوضات و پاداش های الهی را نصیب خویش گردانیم.

راز نامگذاری مسجد

قرآن کریم علت نامگذاری «مسجد» را چنین می داند:

ص: 91

-
- 1- . همان، ص 479، باب 2 از ابواب احکام المساجد، روایت 8 .
 - 2- . همان، ص 478، روایات 2، 6، 7، 9 .
 - 3- . با توجه به روایات مذکور در شماره قبل و نیز ر.ک: شیخ صدوق، علل الشرایع، ج 2، ص 325، باب 18: عله الجماعه .

مسجد را «مسجد» گویند؛ زیرا محلّ سجده و مقرّ تواضع در پیشگاه خداوند متعال است. سجده مظهر بندگی و تعظیم در برابر حق تعالی می باشد و در میان تمامی عبادت ها حتّی نسبت به دیگر اجزای نماز نیز از شرافت و برتری ویژه ای برخوردار است. بنابراین، مسجد به معنی محلّ سجده و نماز و در واقع، به مفهوم جایگاه عبادت و یاد خداوند متعال می باشد. (1)

در قرآن کریم از مسجد به عنوان «بیت الله» نیز یاد می شود. (2) راز این نامگذاری آن است که مردم در این مکان به سوی خداوند متعال تقرّب می جویند و با عبادت خالصانه و پر حضور به سوی او ره می سپارند. همان گونه که انسان برای یافتن کسی او را در خانه اش می جوید، برای بار یافتن در محضر خاص پروردگار و ملاقات با وی نیز باید به مسجد که منزلگه اوست بشتابد. پس خانه خدا در حقیقت، خانه مردم و محل گرد آمدن آنان برای پرستش و بندگی حق تعالی است.

قرآن همچنین کعبه را که برترین خانه خدا روی زمین است، خانه ای برای مردم به شمار آورده و می فرماید:

« إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ ». (3)

ص: 92

1- . جن: 18 .

2- . نور: 36 . وسائل الشیعه، ج 1 ، ص 268 ، باب 10 از ابواب الوضوء روایت 5 .

3- . آل عمران: 96 .

معمولاً در قرآن کریم، هر جا سخن از مسجد به میان آمده، جنبه های عبادی آن در اولویت قرار گرفته و به عنوان نقش اولیه و بنیادین این جایگاه مقدس به شمار رفته است.

در آیه های متعددی، مسجد جایگاه عبادت و یاد خداوند جلّ و علا شناخته شده است. قرآن کریم در جایی می فرماید:

«وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا».

در تفسیر «مجمع البیان» درباره کلمه مساجد در آیه مزبور، چهار معنا از مفسران نقل شده است. برخی برآنند که مراد از آن اعضای هفتگانه است که انسان باید در هنگام سجده آن ها را بر زمین گذارد.

از امام محمد تقی علیه السلام نیز روایتی نقل شده که ایشان در جواب معتصم، آیه شریفه را همین گونه تفسیر نموده اند. (1)

برخی از مفسران برآنند که مقصود از «مساجد» در این آیه، همه زمین است؛ زیرا همان گونه که ذکر گردید، در آیین محمدی صلی الله علیه و آله همه زمین مسجد و پرستشگاه است. بر اساس معنای سوم، این کلمه در معنای نماز بکار رفته است، زیرا مسجد به مفهوم سجده است و مراد از سجده نیز تمامی نماز است. سرانجام، معنای چهارم آن است که منظور از مساجد، مکان عبادت مسلمانان می باشد؛ همان مفهومی که ای بسا ذهن هر

ص: 93

1- ر. ک: وسائل الشیعه، ج 18، ص 490، باب 4 از ابواب السرقه، روایت 5.

مسلمانی با شنیدن واژه مسجد آن را به یاد می آورد. شاید بتوان گفت: روشن ترین معنا برای آیه مورد بحث، همین معنای اخیر است که بر پایه آن، مساجد به معبد و پرستشگاه مسلمانان تفسیر شده است. این مفهوم با آنچه که از امام جواد علیه السلام نیز درباره این آیه نقل شده است منافات ندارد، بلکه با این سخن ایشان پرده از معنای باطن و پنهان آیه برداشته اند؛ زیرا خود فرموده اند: قرآن گاه دارای معانی مختلف هفتادگانه است. (1)

خداوند متعال در آیه دیگری از قرآن کریم می فرماید:

« وَ أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ». (2)

در مورد معنای کلمه «مسجد» در این آیه نیز مباحثی شبیه آنچه در آیه قبل گذشت، مطرح شده است. (3)

چنانچه واژه مسجد را به معبد و پرستشگاه مسلمانان تفسیر کنیم، از این آیه استفاده می شود که مسجد، جایگاه دعا و عبادت خالصانه است؛ زیرا خداوند ابتدا انسان را فرمان می دهد که در مسجد حضور یابد، آن گاه از او می خواهد که دعا و عبادت خویش را با اخلاص کامل انجام دهد و این آیه به روشنی مفهوم فوق را نمایان می سازد.

ص: 94

1- . در روایتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام پیرامون تفسیر آیات قرآن مجید وارد شده فراوان یافت می شود که ایشان گاه برای یک آیه معانی گوناگونی را ذکر کرده اند؛ این امر گویای علم گسترده آنان به متون قرآن و معانی پوشیده آن است.

2- . اعراف: 29 .

3- . ر. ک: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 4، ص 411 .

قرآن کریم در جایی دیگر، صریحاً مسجد را جایگاه ذکر و یاد خداوند متعال معرفی می نماید؛ آنجا که می فرماید:

« اذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَن يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّهُدَمَتِ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» (1).

در ارتباط با این آیات چند نکته درخور توجه است:

1. بر پایه سخن مفسران، این آیات اولین فرمانی است که در زمینه تشریح «جهاد» نازل گشته است. (2) این آیات، اولین پیام آسمانی است که به مسلمانان اجازه می دهد در برابر تجاوز و آزارهای مشرکان قریش و هر متجاوز دیگری به دفاع از خویش برخیزند. تا پیش از نزول این فرمان، مسلمانان بارها از سوی مشرکان مورد آزار و اذیت قرار می گرفتند و به همین منظور نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می آمدند و از ستم و آزار قریش گلایه می کردند. ولی پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ آنان می فرمود: هنوز خداوند متعال مرا

ص: 95

1- . حج: 39 - 40 .

2- . ر. ک: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 7، ص 87؛ ابن هشام نیز به نقل از عروه بن زبیر و جمعی از علما می گوید: این آیات، اولین آیاتی است که طی آن به پیامبر صلی الله علیه و آله جنگ و جهاد با کافران داده شده است. ر. ک: السیره النبویه، ج 2، ص 110.

2. در فرمانی که از سوی سخنوری حکیم صادر می شود، چنانچه بنا باشد علّت و راز صدور آن نیز بیان شود، مهم ترین انگیزه ای که در صدور آن نقش داشته مطرح خواهد شد. خداوند متعال در آیات یاد شده در بیان رمز و راز تشریح جهاد می فرماید: اگر در ادیان الهی جهاد و مبارزه تشریح نمی شد و در نتیجه، مؤمنان چیره و دشمنان دین مغلوب نمی شدند؛ معابد و پرستشگاه ها به ویرانی می گرایید. این نکته از یک سو، نشان اهمّیت ویژه و جایگاه والای مسجد در مجموعه دین است و از سوی دیگر، اشاره به این موضوع دارد که مسجد، پرچم دین و نشان و مظهر اسلام و مسلمانی است. پیام دیگر آیات یاد شده در این نکته آن است که یکی از اهداف جهادگران مسلمان، تلاش برای رونق بخشیدن به مساجد و جلوگیری از خرابی و رکود آن هاست. این مسأله به عنوان آرمانی مقدّس، آرزوی همه مسلمانانی است که صادقانه در جهت برپایی حکومت حق و عدل تلاش می کنند. این موضوع در آیه بعدی به شکلی صریح و روشن بیان شده است: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ». (2)

پس آرمان اساسی آنان که برای برپایی حکومت الهی تلاش و مبارزه می کنند، آن است که مظاهر پرستش و بندگی خداوند در زمین،

ص: 96

1- . همان.

2- . حج: 41.

یعنی مساجد، آباد و پررونق باشد؛ زیرا اگرچه «نماز» باید تمامی تار و پود یک جامعه اسلامی را فراگیرد و در همه جا به معنای حقیقی کلمه برپا شود. اما جایگاه اصلی نماز، «مسجد» است. بنابراین، تلاش و کوشش برای گسترش فرهنگ نماز در جامعه، از تلاش در راه گرمی و توسعه مساجد جدا نیست.

3. خداوند در بیان وصفی از اوصاف مسجد می فرماید: «در این مکان یاد خدا فراوان می شود.» می دانیم که سخنور حکیم هر گاه در صدد توصیف چیزی برآید، به ذکر وصف یا اوصافی از آن می پردازد که در نظر وی دارای برجستگی و اهمیت ویژه ای باشد. به طور طبیعی، کسانی که مخاطب چنین سخنی قرار می گیرند نیز باید آن ویژگی را مورد توجه بیشتری قرار دهند. خداوند متعال در مقام توصیف و بیان ویژگی مسجد، از این مکان مقدس به عنوان محلی که «نام خداوند در آن فراوان برده می شود» یاد فرموده است. این امر صریحاً مشخص می نماید که نقش اولیه و بنیادین مسجد در اسلام آن است که جایگاه ذکر و یاد حق تعالی باشد و مؤمنان در آنجا با نام های نیکوی خداوند، او را بخوانند و در این جایگاه مقدس است که بشر بر پایه فطرت خود، توحید و یگانگی خداوند را درک می کند و با یاد دایمی او خود را از امواج دغدغه ها و اضطراب ها دور می نماید و به ساحل آرامش و اطمینان می رساند.

این نکته که مسجد جایگاه حضور مؤمنان برای ذکر و تسبیح خداست، در آیه ای دیگر از قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است. خداوند متعال می فرماید:

« فِي بُيُوتِ الَّذِينَ اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ » (1)

علامه بزرگوار، عارف بالله سید محمدحسین طباطبایی - رضوان الله عليه - در تفسیر این آیه سخنانی دارند که حاصل آن چنین است:

مقصود از «رفع» در این آیه، بالا بردن قدر و منزلت مسجد، یعنی تعظیم و بزرگداشت آن است. اساساً عظمت و بزرگی از آن خداوند است. هر کس به همان میزانی که با خداوند پیوند و نسبت دارد، در عظمت و بزرگی با وی شریک است. پس اگر خداوند به بزرگداشت چیزی اذن می دهد، در واقع با توجه به پیوند و ارتباطی است که آن چیز با خداوند متعال پیدا کرده است. از آنچه ذکر گردید روشن می شود که راز تعظیم مسجد صفتی است که پس از کلمه «مسجد» ذکر گردیده و آن «بردن نام خداوند در مسجد» است...

ص: 98

در باره کلمه بیوت نیز ایشان می فرماید:

«قدر مسلّم از معنای آن، همان مساجد است که جایگاهی ویژه برای ذکر نام خداست و به همین منظور بنا شده». ایشان به هنگام بحث از روایت هایی که پیرامون این آیات وجود دارد نیز با ذکر روایتی می فرماید: «خانه های پیامبران و ائمه علیهم السلام نیز از مصادیق کلمه بیوت است».⁽¹⁾

همان گونه که ملاحظه می شود در این آیه نیز وصفی که برای مسجد ذکر شده آن است که در مساجد نام خداوند برده می شود و مردان خدا برای تسبیح حق تعالی در صبح و شام بدان روی می آورند و این نکته به روشنی آشکار می کند که رسالت اولیه و اساسی مسجد در اسلام، کانون عبادت، ذکر و تسبیح خداوند متعال بودن آن می باشد.

آبادانی مسجد از دیدگاه قرآن

«إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...».⁽²⁾ مساجد الهی را فقط کسی آباد می کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورد و نماز را به پا دارد و زکات را بپردازد و از چیزی جز خدا نترسد. امید است چنین گروهی هدایت یابند.

منظور از آباد ساختن مساجد در منظر قرآن، صرفاً آبادی

ص: 99

1- ر. ک: تفسیرالمیزان، ج 15، ص 126 و 142؛ همچنین ر. ک: سیمای مسجد، ص 42 و 43.

2- توبه: 18.

ساختمان نیست، بلکه به معنای اجتماع و شرکت در مسجد نیز می باشد. بنابراین، مشرکان نه حق شرکت در مساجد را دارند و نه حق تعمیر و بنای ساختمان آن ها را. عمران و آبادانی مسجد به هر شکلی که باشد، باید به دست مسلمانان انجام گیرد. البته متولیان و پاسداران مساجد نیز باید از بین پاک ترین افراد انتخاب شوند. باید دست های ناپاک را از تمام این مراکز مقدّس کوتاه کرد.

از روزی که گروهی از زمامداران جبار یا ثروتمندان آلوده و گنهکار دست به ساخت مساجد و مراکز اسلامی زدند، روح معنویت و برنامه های سازنده در آن ها مسخ گردید. از این رو، می بینیم که بسیاری از این گونه مساجد، در کشورهای اسلامی، شکل مسجد ضرار به خود گرفته است؛ یعنی ساختمان های عظیم و با شکوه و دارای جلوه های ظاهری و زیبا، اما درون تهی و بی روح.

ممکن است بعضی بگویند: چه مانعی دارد که از سرمایه های غیرمسلمانان برای عمران و آبادی این مراکز استفاده نماییم؟ این افراد توجّه به این نکته اساسی ندارند که اسلام همه جا عمل صالح را میوه درخت ایمان می شمرد. نیت های ناپاک ممکن نیست عمل پاکی به وجود آورند و محصول مفیدی از خود نشان دهند. جمله «لم یخس الا الله» در دنباله آیه روشن می کند که عمران، آبادی و نگهداری مساجد، جز در سایه شهادت و شجاعت ممکن نیست. هنگامی این کانون های اسلامی به صورت مراکز انسان سازی در می آیند که پاسداران شجاعی داشته باشند؛ کسانی که از هیچ کس جز خدا نترسند، تحت تأثیر هیچ مقام

وقدرتی قرار نگیرند و برنامه ای جز برنامه های الهی در آن پیاده نکنند. در یک کلام و به تعبیر دیگر، آنچه از دیدگاه قرآن مهم تر است، عمران و آبادی معنوی مساجد است. یعنی مسجد باید کانونی باشد برای هرگونه حرکت و جنبش سازنده اسلامی، در زمینه آگاهی و بیداری مردم، پاکسازی محیط و آماده ساختن مسلمانان برای دفاع از میراث اسلام.

مساجد خدا را فقط کسانی آباد می کنند که ایمان به خدا دارند؛ زیرا آبادانی آن ها فقط روی هم گذاشتن سنگ و آجر نیست، که این کار را طاغوتیان بهتر انجام می دهند، بلکه ساختن بااخلاص، رونق دادن آن با حضور، اجتماع نمازگزاران، زکات دادن و آن را محراب قرار دادن برای مبارزه با شیطان نفس و دشمنان خدا مراد است. عرفا گفته اند: «مساجد اعضای بنده است که به وقت سجود بر زمین نهاده، عمارتش آن است که آن را به ادب شرع دارند و به زیور حرمت بیاریند و هرگز پیش مخلوق از بهر دنیا بر زمین ننهند و جز خدای عزوجل را استحقاق سجود ندانند».

فخر رازی درباره ارتباط زکات و عمارت مسجد می نویسد: «اعتبار اقامه نماز و پرداخت زکات در عمران و آبادی مسجد، گویی دلالت دارد بر اینکه آبادی مسجد به حضور در آن است؛ زیرا وقتی انسان نمازگزار باشد در مسجد حضور به هم می رساند و مسجد را رونق می بخشد و وقتی زکات دهنده باشد، طوایف فقرا و مساکین برای دریافت زکات به مسجد روی می آورند و بدین وسیله، این امکان معنوی آباد می گردد».

تأکید پیشوایان دین بر جنبه های عبادی مسجد

در سخنان معصومان علیهم السلام نیز به پیروی از قرآن کریم بر جنبه های عبادی مسجد، فراوان تأکید شده است:

دقت در عمل به احکام و آداب مسجد نشان می دهد که پیشوایان دین برآند تا مسجد جایگاهی مناسب برای ذکر و یاد حق تعالی باشد و مؤمنان بتوانند در آنجا با حضور قلب خدای را پرستش کنند. آنان بر همین پایه، از انجام هر کاری که ممکن است مسجد را از ایفای چنین نقشی باز دارد، نهی نموده اند.

آراستن مساجد با طلا، نقاشی کردن مسجد، خرید و فروش، قضاوت کردن و اقامه حدود در مسجد، راه دادن دیوانگان و خردسالان به مسجد، بلند کردن صدا و به زبان آوردن سخنان بیهوده، اعلام اشیای گمشده و پیدا شده در مسجد و اموری از این دست، هر کدام می تواند انسان را از توجه شایسته به نماز و عبادت مسجد باز دارد.

گاه اتفاق می افتد رفتار دیوانه ای در مسجد یا کارهای بچه گانه کودک خردسال افکار نمازگزاران را پریشان کند. اعلام چیزی پیدا یا گم شده، جمعی را از توجه به نماز و عبادت باز می دارد. بیرون آوردن شمشیر از غلاف یا آویزان نمودن آن در سمت قبله مسجد ممکن است برای نمازگزار یا کسی که به قرائت قرآن یا ذکر و دعا مشغول است، ایجاد هراس و وحشت نماید و او را از عبادت باز دارد. تأکید بر حضور در مسجد با حالت طهارت و پاکیزگی، ترغیب نمازگزاران نسبت

به آراستن خویش و استفاده از عطر و بوی خوش و برطرف نمودن بوی بد دهان و بدن به هنگام حضور در مسجد نیز بر همین پایه است. گاه دیده می شود بوی ناخوشایند بدن کسی در مسجد فضا را برای جمعی از نمازگزاران غیرقابل تحمل می کند و در نتیجه، آنان را از عبادت توجّه شایسته به خداوند باز می دارد. سخن گفتن درباره امور دنیوی نیز با محیط عبادت و یاد خداوند تناسبی ندارد؛ گفتگوی دو یا چند نفر پیرامون امور دنیوی، زمینه مساعدی را برای تشویش افکار ذاکران و نمازگزاران فراهم می نماید.

پیشوایان دین افزون بر بیان چنین احکام و دستورهایی، در سخنان خویش با تعبیرهای گوناگون بر این نکته که مسجد اساساً برای عبادت و یاد خدا بنا شده، پای فشرده اند. پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به شخصی که در مسجد اعلام می کرد چیزی را گم کرده است و هم خطاب به کسی که در مسجد به تراشیدن تیر مشغول بود، فرمودند:

«...إِنَّهَا لَغَيْرُهَا بُنِيَتْ»؛ (1)...مسجد را برای چنین کارهایی نساخته اند.

از چنین سخنانی به روشنی استفاده می شود که مسجد در اسلام، محلّی برای عبادت و یاد خداست. لحن این گفتارها نشان می دهد این نکته که مسجد به عنوان مرکز عبادت و بندگی خداست، آن چنان در باور

ص: 103

1- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 3، ص 496 باب 17 از ابواب احکام المساجد، روایت 3 و نیز ر. ک: شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج 1، باب فضل المساجد و حرّماتها، ص 237، رقم 714.

و اندیشه مسلمانان مسأله ای روشن بوده است که پیامبر صلی الله علیه و آله تنها به بیان اینکه «مسجد را برای این کارها نساخته اند» اکتفا نموده اند. (1) گرچه در مواردی، برای بیدار نمودن غافلان، به نقش و رسالت اولیه مسجد تشریح شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به کسی که در مسجد شعر می سرود، فرمودند:

«... اِنَّمَا نُصِبَتِ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ»؛ (2) ... مساجد را برای قرآن خواندن ساخته اند.

و در مقام بیان فضیلت مسجدسازی می فرمایند:

«مَنْ بَنَى مَسْجِدًا لِيُذْكَرَ اللَّهُ فِيهِ بُنِيَ لَهُ بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ»؛ (3) کسی که مسجدی را به این انگیزه که یاد خدا در آن شود، بنا نهد، خانه ای در بهشت برای او ساخته می شود.

چنین سخنانی به روشنی رسالت اولیه مسجد را، که پرستشگاه بودن آن است، بیان می کند.

ص: 104

1- ر. ک: رحیم نوبهار، سیمای مسجد، ص 47 و 48.

2- وسائل الشیعه، ج 3، ص 493، باب 14 از ابواب احکام المساجد، روایت 1.

3- فتال نیشابوری، روضه الواعظین، چاپ مؤسسه اعلمی، بیروت، ص 370.

غلامرضا گلی زاده

مسجد الحرام قلب جهان اسلام

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»؛ (1) نخستین خانه‌ای که برای مردم بنا شد، همان است که در مکه می‌باشد؛ جایی که سبب برکت و هدایت برای جهانیان است. بنابراین، نخستین کانون توحیدی و عبادی و با سابقه‌ترین مکانی که مردم در آن به عبادت مشغول بوده‌اند و با پروردگار خویش نیایش می‌نموده‌اند، خانه کعبه است؛ همان جایی که قبله تمامی مسلمانان

ص: 105

بوده است و مراسم عبادی سیاسی حج را کثیری از مسلمانان در آن به جای می آورند. براساس تأکید قرآنی، این مکان از سوی خداوند کانون امن و امان اعلام شده و مقررات مهمی برای تحقق این موضوع از سوی شارع مقدس وضع گردیده است که رعایت آن ها الزامی و اجتناب ناپذیر است. مورخان می گویند: خداوند فرشته ای را به سوی حضرت آدم فرستاد و محل این خانه و حدودش را به وی نشان داد و او نخستین کسی بود که این خانه را ساخت و در آن نماز گزارد. (1) ابن عباس،

مفسر معروف نیز بر این موضوع تصریح دارد. (2) این خانه در توفان نوح هم آسیب دید و حضرت ابراهیم علیه السلام از سوی پروردگار متعال مأمور گردید نسبت به تجدید بنای آن اقدام کند. این مکان مقدس روبروی بیت المعمور در آسمان و مقابل عرش الهی می باشد. (3) ساختمان کعبه در میان مسجدالحرام قرار دارد که در حقیقت، منشأ تأسیس شهری به نام مکه گردیده است؛ معراج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مسجد مذکور بود که بر مساجد دیگر برتری و فضیلت دارد و طاعات و عباداتی که در آن به جای آورده می شود ثوابی فزون تر در پی خواهد داشت. (4)

ص: 106

1- . ابن رسته، الاعلاق النفیسه، ص 24 .

2- . ارزقی، اخبار مکه، ص 7 .

3- . ملا فتح الله کاشانی، تفسیر منهج الصادقین، ج 1 ، ص 38 .

4- طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج 2 ، ص 477 ؛ تفسیر عیاشی، ج 1 ، ص 187 .

برای هر فرد مسلمان در هر نقطه ای از جهان که باشد، مسجد الحرام و خانه کعبه مفهوم خاصی دارد. دست کم او در پنج نوبت در شبانه روز، از محل سکونت خویش ذهن و روح خود را متوجه مکه می نماید، همه نگاه ها به هنگام نماز متوجه جهتی می شود که همان قبله گاه مسلمین است. در واقع، همه نگاه ها از هر نقطه دایره بزرگ شهر اسلامی که متوجه مرکز ثقل می شود، بر نگاه دیگر اصابت می نماید، اما مانند انعکاس در آینه، که جنبه مذهبی و اجتماعی فوق العاده مهمی دارد. این فضای والا و متعالی که در مکه واقع است، معرف نظامی از اصول، ارزش ها و معیارهای مقدس، اما مشخص و دقیق است. این برنامه اصلی را بر جامعه اسلامی حاکم می کند که فراتر از زمان و مکان جغرافیایی است و امت واحده را در اذهان تداعی می نماید. جامعه ای که یک سری آداب و روش زندگی را مشترکاً رعایت می کند، روی به سوی قبله واحد می آورد، که اگر استمرار یابد، همان بنیان مرصوص را که قرآن بر آن تأکید می کند به وجود می آورد؛ وحدت استواری که می تواند بر معماری شهرها و محل سکونت مسلمانان اثر بگذارد و مکانی امن و محیطی آمیخته با صلح و صفا و تفاهم پدید آورد. پروفیسور نجم الدین یمات (1922 - 1985 م) می نویسد: «مکه تنها یک جهت است برای نماز گزاردن و مکانی است برای تجمع و برای زیارت نه یک پایتخت. مکه مرکز جهان اسلام می باشد، زیرا محور کلیه مسیرهاست البته نه به صورت مرکز

مکه در واقع شهر عبور است؛ در وهله اول، یک سفر معنی می دهد و جاده ای برای مؤمنان و کاروانیان گذشته و مسافران امروزی که از همه نقاط دنیای اسلام به آنجا می آیند. اعراب بدوی گروهی هستند در میان بقیه، عده بی شماری از افریقا و آسیا و از تمام مناطق دنیا بدین سو می آیند، ترکستانی ها در کنار افغانی ها، پاکستانی ها و اندونزیایی ها دیده می شوند؛ همچنان که از ایران و مالی و فیلیپین به جمع مسلمانان می پیوندند. در هیچ مکانی مانند مکه وجود امت واحده به این شکل احساس نمی شود؛ جامعه ای متحد در حرم امن الهی در مسجدالحرام و سایر مکان های مقدس مکه که وجه مشترک آنان مراسم حج است و راز و رمز فروزانی در آن نهفته است. (2) اهل معرفت و اصحاب بصیرت در این جا حکم توحید را از سرّ به علن و از باطن به ظاهر سرایت می دهند و جهات گوناگون خویش را در وحدت فانی می نمایند. از این رو، راز «لاشرقیه و لاغربیه» را در می یابند و با توجه ظاهری به عین کعبه حق را با تمام وجود و همراه با جمعی کثیر مشاهده می نمایند. (3)

ص: 108

-
- 1- . نجم الدین یمات، شهر اسلامی، ترجمه دکتر محمد حسین حلیمی و منیژه اسلامبولچی، ص 34 .
 - 2- در باره اسرار و رموز حج نک: محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج 2، باب 17، حدیث امام سجاد علیه السلام .
 - 3- . احمد رضا معتمدی، مبانی هنر موعود، ص 99 .

آنچه که مکه و مدینه را مکمل هم می کند این است که مکه یک جهت و مرکز حج و زیارت به سوی مکانی بالاتر است و مدینه جاگاه مسجدی است که خاتم رسولان آن را بنیان نهاد. این شهر مرکز حکومت اسلامی و کانون تلاش های فرهنگی - اجتماعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گشت. این مکان با ورود پیامبر بدان، از یثرب به شهر پیامبر تغییر نام یافت و با اشتیاق تمام به آن حضرت و اصحابش (مهاجرین) پناه داد. انتخاب این محل برای اقامت و هجرت بدان سوی از سوی رسول اکرم صلی الله علیه و آله، یک تصمیم شخصی نبود، بلکه به مشیت الهی وابسته بود. اولین تلاش آن مصطفای پیامبران در مدینه، ساختن یک مسجد بود. (1) در نخستین سال هجرت، بنای مسجدالنبی با سنگ و گل آغاز شد و در نهایت سادگی احداث گردید. ستون هایش تنه درخت خرما و سقف آن از شاخه ها و برگ های گیاهان پوشیده شده بود. کف آن با حصیر مفروش و بدون هرگونه آلاشی برای عبادت پیامبر و یاران و اصحابش آماده شد. در ادوار گوناگون، خلفا و امیران مسلمان بر توسعه و تأسیسات مسجدالنبی افزودند تا به تدریج شکل کنونی را به دست آورد که شامل دو قسمت قدیم

و جدید می باشد. این بنای مقدس به همراه بارگاه مطهر حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله بر سیمای شهری و معابر و فرایندهای اجتماعی - فرهنگی مدینه اثری قابل ملاحظه گذاشته است. مدینه به برکت چنین بناهای

ص: 109

مبارک و مساجد و اماکن مذهبی دیگر، حرمت فوق العاده ای به دست آورده است. به همین دلیل، شکار، قطع اشجار و کندن بوته در این ناحیه و حوالی آن، همچون مکه، حرام است و رسول خدا فرموده اند: «حضرت ابراهیم مکه را حریم قرار داد و برای مردمش دعا کرد. من نیز مدینه را حرم امن قرار دادم»⁽¹⁾.

بهترین خیابان های مدینه و طولانی ترین آن ها در غرب مسجدالنبی قرار دارد که بناهای با شکوهی را در خود جای داده است. خیابان ها و کوچه مهم دیگری از مسجدالنبی با سایر معابر و مناطق مسکونی تجاری مدینه ارتباط می یابد و گویی تابش درخشان این فضای مقدس مدینه را در موجی از ابهت، صلابت، معنویت و مباحثات قرار می دهد.

نکته جالب این است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای آنکه آمیختگی مسجد را با زندگی اجتماعی مردم نشان دهد، خانه و مسجد را در یک واحد معماری برپا کرد و خانه های صحابه و مهاجرین و انصار در اطراف آن استقرار یافت. تعداد بسیاری از مسلمانان زاهد و اهل تعبد تحت عنوان «اهل صفة» در حوالی مسجد می خوابیدند. در کنار مسجد خیمه ای به عنوان بیمارستان برپا شد و مکانی به امور نظامی اختصاص داشت؛ زیرا دین مبین اسلام تمامی ابعاد زندگی بشر را در بر می گیرد و از این روست که تمامی ساختمان های مهم اجتماعی و عمومی و حیاتی در

ص: 110

1- . ابراهیم رفعت پاشا، مرآة الحرمین، ص 427 .

اطراف مسجدالنبی تمرکز می یابند. (1) در جای جای مدینه مساجدی پر خاطره، تاریخی و مهم وجود دارد که در تعدادی از آن ها پیامبر نماز گزارده اند، (2) اما متأسفانه از میان آن ها مساجدی همچون مسجدالزهر (فاطمه علیها السلام)، المنارتین، المائده و الثنایا توسط گروهی جهالت پیشه و دارای افکار منحط تخریب گردیده اند. (3) در هر حالی که پاسداری از اصالت هر امتی از رهگذر حفظ هویت فرهنگی آن امکان پذیر می باشد و امت مسلمان به وسیله دستاوردهای فرهنگی خویش از دیگر ملت ها باز شناخته می شود و تداوم استقلال جامعه اسلامی در پرتو نگاهداری آگاهانه از آثار ارزشمند تاریخی، بخصوص مساجد و مکان های مقدس آن هم در حرمین شریفین می باشد و هرگونه مسامحه در حفظ این سرمایه های گرانبها، اصالت و هویت مذهبی و ارزشی را در معرض خطر و خدشه قرار می دهد، وجود چنین آثاری نسل های آینده را به ژرفای تاریخی خود رهنمون می سازد.

مسجد، اولین بنای شهر کوفه

شهر کوفه در سال هفدهم هجری در جایی بین حیره و فرات که آب و هوای بری و بحری داشت به عنوان دارالهجره و منزل الجهاد احداث

ص: 111

-
- 1- . صالح لمعی مصطفی، مدینه منوره، ترجمه صدیقه وسمقی، ص 18 - 19 .
 - 2- . ابوزید عمر بن شبة النمیری البصری، نک: تاریخ المدینه المنوره، ج 1، ص 57 - 79 .
 - 3- . حمزه الحسن، الشیعه فی المملکه العربیه السعودیه، ج 2، ص 208 - 209 .

گردید. منظور از عمران این شهر آن بود که محلی دائمی برای اقامت رزمندگان اسلام، که مشغول فتوحات شرقی بودند، فراهم آید.

اولین بنای کوفه مسجد آن بود که توسط مهندسی ایرانی به نام روزبه طراحی شد. وی برای این مکان طرحی ریخت که شامل دو قسمت می شد؛ در بخش اول، مسجد وسیعی قرار می گرفت که رواقی به مساحت دویست ذراع با ستون های مرمر و سقفی هموار داشت. خندقی اطراف مسجد حفر نمودند تا مردم در داخل و نیز در حریم آن بنایی نساوند. در سطح شهر پانزده راه اصلی ساخته شد که تمامی آن ها به کانون مهم شهر، یعنی مسجد، ختم می گردید. پنج معبر از پشت صحن مسجد، چهار معبر از سوی قبله، سه معبر از سمت شرق و سه معبر از مغرب مسجد عبور داده شد. اطراف این معابر اصلی را براساس اهمیتی که برایشان قایل بودند، ناحیه بندی کردند. آن گاه بر حسب اهمیت، مشخصات و موقعیت اجتماعی قبایل برای خانه سازی میان سکنه کوفه تقسیم گردید. طبری می نویسد: هنگامی که اراده ساختن شهر کوفه را کردند، اولین چیزی که نقشه آن ترسیم و بنا گردید مسجد بود. مردی در وسط ایستاد و از چهار طرف تیری پرتاب کرد تا حدود چهارگانه مسجد تعیین گردید. مسجد در زمین چهارگوشی بود که از هر طرف کشیده بودند و در جلو آن رواقی ساخته شد. (1) همین اعتقاد به بنای مشخصی برای عبادت، اثری ژرف در طرح و نقشه کوفه گذاشت. از این رو، محله ها، بخش ها و اجزای شهر در

ص: 112

1- . تاریخ طبری، ج 5، ص 1848 .

بافتی یگانه با مسجد جامع پیوستگی و پیوند تنگاتنگی برقرار نمودند. حتی در گسترش و توسعه شهر و انتقال پاره ای از نقش های چندگانه مسجد به خارج از آن، باز هم در جایگزینی فضایی و تعیین مقر این نهادها، سهولت ارتباط با مسجد همواره از اولویت کامل برخوردار بوده است. (1) عنصری که به فضای مرکزی شهر شکل می داد «رحبه» بود. این واژه وسعت را تداعی می کند؛ می دانی در گستره شهر که جز در مواردی خاص به اشغال در نمی آید. این فضا در جنوب غربی مسجد قرار داشت. در منابع روایی شیعه، میدان مذکور با نام حضرت علی علیه السلام همراه است؛ زیرا وقتی کوفه را به عنوان مرکز حکومت برگزید، در گوشه ای از این فضا خانه ای محقر بنا نمود و از اقامت در مقر شهر اجتناب کرد. رحبه نقش مهمی برای مراسم اجتماعی - سیاسی و آماده باش نظامی داشته و بیشتر به مسجد تعلق دارد و جزئی از آن محسوب می شود. در قرن اول و دوم این فضا در مجاورت مساجد قابل مشاهده بوده است. در سال 145 هـ - به هنگام قیام شیعیان در مدینه، حاکم وقت به مردان مسلحی که به یاری اش آمده بودند فرمان داد تا زمان سرکوبی مخالفان، در رحبه اقامت نمایند. این منطقه که در برزخ بین مسجد و محلات مسکونی قرار داشته، مظهر تعمیم یافته ساختار شهری بوده است؛ جایی که همه سنت های ویژه در آن به یکدیگر پیوند می خوردند. آنچه مسلم است این که طرح اولیه کوفه که از نظمی خاص پیروی می کرده، می توانسته به ایجاد

ص: 113

شهری بزرگ دارای فضای باز و هندسی بینجامد. توسعه آن دایم تحت کنترل بوده و برای جلوگیری از فشردگی، از جهت طولی به پیشرفت ادامه می داده است. اما در دهه های بعد، کوفه از این ساختار فاصله گرفت و روندی معکوس و در هم ریخته را پیش گرفت. گستره مرکزی شهر که خندقی آن را محدود می کرد و منطقه ای ممنوعه بود که کسی حق ساختن خانه در آن را نداشت، به زودی توسط مالکان خصوصی، که غالبا از افراد اموی و از نزدیکان حاکم و در واقع، معاون زیاد و فرزندش عبیدالله بودند، مورد دست اندازی قرار گرفت و به این وسیله مقدمات برهم خوردن سیمای شهری کوفه، که تا پیش از آن نظم و انسجام خود را بر حول محور مسجد حفظ می کرد، فراهم آمد. (1)

مساحت کنونی مسجد کوفه بالغ بر 40000 متر مربع می باشد و ساختمان آن شمالی جنوبی است و به مرور ایام تغییرات مهمی در شکل ظاهر و وسعت مسجد صورت گرفته است. از نخستین روز تأسیس این بنا، مسجد کوفه دارای اهمیتی زایدالوصف در زمینه های عبادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بوده است. موقعیت خاص حکومت ها همچنان که سرنوشت کوفه را دگرگون می ساخت، در درجه اهمیت مسجد اثر می گذاشت. اوج توجه به آن در ابعاد گوناگون در زمان خلافت حضرت علی علیه السلام بود. این مسجد همچون مسجدالنبی رفته رفته به صورت

ص: 114

1- . هشام جعیط، کوفه پیدایش شهر اسلامی، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، ص 107 ، 123 ، 129 ، 159 ، 2435 و 255 .

مرکز علمی و فرهنگی پر جوش وفعالی در آمد و جایگاه بحث و تدریس هزاران جوینده دانش گردید و در آن دهها حلقه درس تشکیل می شد. مسجد کوفه از نظر اجتماعی و سیاسی اغلب پایگاه قدرت نمایی موافقان و مخالفان دستگاه حکومت به شمار می رفته است و به دلیل نزدیک بودن به دارالاماره، والی شهر نسبت به آن حساسیت ویژه ای داشت.

در شرافت و مقام بالای مسجد کوفه همین بس که یکی از چهار مسجدی است که طبق دستورات اسلامی به مؤمنان توصیه شده است تا هجرت کنند و خود را به این چهار مسجد برسانند. این مساجد عبارتند از: مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجدالاقصی و مسجد کوفه. بنا به روایات مستند، در مکان کنونی مسجد کوفه پیش از خلقت آدم، فرشتگان عبادت می کرده اند و محلی است که مشمول برکت خداوند شده و جایگاه عبادت آدم و سایر انبیا، اولیا و صادقین بوده است.⁽¹⁾ منابع روایی تأکید کرده اند وقتی حضرت مهدی علیه السلام قیام کند کوفه را مقرر حکومت خود قرار داده و پرچم حق و عدالت را در این دیار به اهتزاز در می آورد.⁽²⁾ امام صادق علیه السلام نیز فرموده اند نماز خود را در مسجدالحرام، مسجدالرسول، مسجد کوفه و حرم امام حسین تمام بخوانید. برای مسجد کوفه فضایل و اعمالی ذکر شده که در کتب ادعیه چگونگی آن ها ذکر گردیده است.

ص: 115

-
- 1- . سیدحسین بن سیداحمدالبلاقی، تاریخ الکوفه، ص 53 و 54؛ محمدبن جعفرالمشهدی، فضل الکوفه و مساجدها، ص 39 .
 - 2- . بحار الانوار، ج 13 ؛ ارشاد مفید، ص 393 .

توصیه به احداث مسجد و تأکید بر عمران و آبادانی آن از سوی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام، موضوعی است که در گسترش کمی و کیفی مساجد شهرها و روستاهای جهان اسلام تأثیر قابل ملاحظه ای داشته است. رسول اکرم علیه السلام فرموده اند: «ابنوا المساجد و اجعلوها جما»؛⁽¹⁾ مساجد را بنا کنید و آن ها را محل اجتماع خود قرار دهید. امام صادق علیه السلام متذکر گردیده اند: «من بنی مسجداً بنی الله له بیتاً فی الجنة»؛⁽²⁾ کسی که مسجدی تأسیس کند خداوند برایش منزلی در بهشت بنا می نماید. خاتم پیامبران آباد نمودن مسجد را از خصال اهل مروت دانسته⁽³⁾ و در جایی دیگر تأکید نموده اند عذابی که از آسمان فرود می آید خداوند متعال، بانیان و آبادکنندگان مسجد را از آن مصون می نماید.⁽⁴⁾

مسلمانان از صدر اسلام این توصیه ها را به کار بستند و برای احداث مسجد، آن هم به بهترین وجه و در مکانی مناسب و مرکزی، این کانون عبادی و معنوی را بنیان نهادند تا عطر روح افزای آن مشام جان

ص: 116

-
- 1- . شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، ج 3، ص 485 و ص 487؛ محدث قمی، سفینه البحار، ج 1، ص 600 .
 - 2- . بحارالانوار، ج 83، ص 364 .
 - 3- . همان، ج 84، ص 1 .
 - 4- . نهج الفصاحه، کلام 682، ص 137 .

و قلب مؤمنان را بنوازد. اولین مسجد در قبا، حومه مدینه بنا شد و سپس مسجد مدینه بنیان گردید. رهنمودهای پیامبر به ساخت، نگهداری، دایر نگه داشتن و طهارت و رفتن به مسجد چنان شور و شوقی در اعماق دل مسلمانان پدید آورد که از همان صدر اسلام به ساختن مسجد در تمامی سرزمین های اسلامی به عنوان یک عمل با اجر عبادی مورد رضایت حق تعالی توجه می شد. هماهنگ با رشد و توسعه بلاد اسلامی مساجد به صور گوناگون در سطح زمین ظاهر گشت و به صورت شبکه یا نواری ویژه از پدیده های شناخته شده جغرافیایی در آمد.

نخستین مساجد بسیار ساده ساخته می شد و نسبتاً کوچک می نمود؛ دیواری گلی و چند تنه درخت خرما که سقفی از شاخه های خرما داشت. در واقع، هدف این بود که نمازگزاران در مقابل تغییرات شدید جوی حفظ شوند. این پدیده با نمونه قدیمی تمام مساجد متداول زمان که دارای یک صحن و یک حرم بود مطابقت داشت.⁽¹⁾ کریستین پرایس می نویسد: نخستین مسجدهای عربستان به روزگار حضرت محمد صلی الله علیه و آله محدودده های مستطیلی بود که یک سوی آن برای پرهیز از باد و باران سقف داشت. در اتاق سرپوشیده نه محرابی بود و نه مجسمه ای از پاکان؛ گذاشتن مجسمه و تصویر موجودات زنده در مسجدها حرام بود. اثاث مسجد نیز مانند ساختمانش ساده بود. در حیاطش حوضی بود که مؤمنان در آن وضو می گرفتند. به شبستان یا جایگاه نماز با پای برهنه

ص: 117

1- . ارنست کونل، هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، ص 12 .

به زودی احتیاج به داشتن بناهایی استوار احساس گردید و به معماران وسعت عمل بیشتری برای مسجدسازی داده شد. به تدریج ساخت رواق، محراب، ایوان، گلدسته و گنبد متداول گردید و ساختن مساجد باشکوه، با عظمت و با معماری های پرجاذبه فصل جدیدی در احداث این بنای مقدس گشود و رفته رفته ساخت آن در مقیاس عظیم در تمامی سرزمین های اسلامی مرسوم گشت. صرف نظر از ویژگی های اقلیمی و چگونگی پیدایش شهرها و موقعیت جغرافیایی آن ها و جنبه های کاربردی هر شهر، تلاش گردید نه تنها در شهر های قدیمی و آبادی های جدید، مسجدسازی برای حفظ شعائر دینی امری عادی تلقی گردد، بلکه به منزله یک امر ضروری برای حفظ شئون سیاسی و اجتماعی سازنده آن به شمار آمد. در زمانی که اوضاع مناسبی بر سرزمینی حکمفرما بود، شمار مسجد فزونی می یافت؛ از جمله شهرهای قاهره، اسکندریه، بغداد و بصره در سده های آغازین اسلامی به دارا بودن مساجد متعدد و باشکوه شهرت یافتند. (2) در واقع، بالندگی هر شهر به شمار و شکوه مساجد وابسته بود. ناصر خسرو می نویسد: «و در شهر مصر - غیر قاهره - هفت جامع است، چنان که به هم پیوسته، و به هر دو شهر

ص: 118

1- کریستین پرایس، تاریخ هنر اسلامی، ترجمه مسعود رجب نیا، ص 12 - 13 .

2- عباس زمانی، «در مساجد ایران نقشه سبک معماری عرب وجود ندارد»، مجله هنر و مردم، شماره 16 .

پانزده مسجد آدینه است که روزهای جمعه در هر جای خطبه و جماعت باشد. در میان بازار مسجدی است که آن را باب الجوامع گویند و آن مسجد به چهارصد عمود رخام قائم است و آن دیوار که محراب بر اوست سرتاسر تخته های رخام سپید است و جمیع قرآن ها بر آن تخته ها به خطی زیبا نوشته و از بیرون به چهار حد مسجد بازارهاست و درهای مسجد در آن گشاده و مدام در آن مدرسان و مقربان نشسته و سیاحتگاه آن شهر بزرگ مسجد آن است و هرگز نباشد که در او کمتر از پنج هزار خلق باشد». (1)

شکوه معنوی شهرها

از سال 134 هـ- مسلمانان توانستند بر اسپانیا مستقر شوند و سلسله مستقل را در این ناحیه تأسیس نمایند. در پرتو حمایت فرمانروایان حاکم بر این منطقه، سبکی ممتاز و اصیل در معماری اسلامی پدید آمد که بزرگترین اثر بر جای مانده از آن، مسجد غرناطه است که بنای آن از سال 163 هـ- آغاز و در ادوار بعدی پیوسته ساختمانی بدان افزوده شد. جایی که محراب قرار داشت، امروز دارای نوزده شبستان و سومین مسجد بزرگی است که هنوز پا بر جای مانده است. به جز این مسجد، آثاری تاریخی که از دوران اسلامی در قرطبه باقی مانده، مسجدی کوچک به نام «باب مردم» و شهر کاملی که آن را «مدینه الزهرا» می گفتند و بعدها متروک

ص: 119

1- . سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی، به کوشش دکتر نادر وزین پور، ص 62 .

گردید، در این قلمرو وجود دارد. از حفاری هایی که در این شهر پدید آمده، استفاده می شود که در آرایش دیوارهای منازل و گچبری های ساختمان های مسکونی، به خصوص سقف مسطح خانه ها، از مسجد قرطبه الهام گرفته شده است. (1) پرایس در این باره نوشته است: مایه سرافرازی قرطبه مسجد جامع آن بود که یکی از مقدس ترین مکان ها در نظر مسلمانان مغرب به شمار می رفت. زائران مسلمان از سرزمین های دور و نزدیک راه قرطبه را پیش می گرفتند و از میان دشت ها و کوه های سرسبز اندلس می گذشتند. این شهر در کرانه شمالی وادی الکبیر است، خانه ها و باغ ها و بیشه های آن در بیرون بارو بود و در دو سوی آن رود گسترده شده بود. مناره های بلند مسجدها را همچون راهنمایی برای زائران برافراشته بودند و از پل بلند بیرون شهر به چشم می خوردند. یک خیابان کوتاه و سرایشیب از پل آغاز می شد و به دیوار غربی مسجد می رسید. زائران چون از دروازه به حیاط و از آنجا به شبستان مسجد می رسیدند، خستگی این سفر دراز از تن شان می رفت و به جهان شور دینی گام می نهادند؛ می توانستند از میان درهای بزرگ شمالی مسجد تا گوشه های دوردست شبستان را مشاهده کنند. ردیف های درخت پرتقال سایه دلپسندی بر حیاط می افکند و قطارهای تنه باریک درختان تا درون ساختمان گویی ادامه می یافت، اما در درون ساختمان مسجد مبدل به ستون های مرمرین می شدند که تا محراب پشت سر هم قرار

ص: 120

داشتند. اگرچه اکنون مسجد مذکور تبدیل به کلیسا شده، اما هنوز به دشواری می توان چنین موضوعی را باور کرد.⁽¹⁾

شهر فاس به خودی خود نمونه کامل از شهری است که با تمدن اسلامی هماهنگی دارد. جدایی بین شهر و زمین های اطراف محسوس است. سبزی سرامیک بام ها در نور خورشید می درخشد و در برابر سبزی متمایل به خاکستری درخت های زیتون قرار می گیرد اما جالبی فاس بدان جهت است که اماکن مقدس مذهبی و در رأس آن ها مساجد، به شکوه آن افزوده اند. مسجد القرویین سند محکمی است برای سنجیدن فاس در حالی که سایر بناهای آموزشی آن را تکمیل می کنند. پلان شهر به صورت دایره متحدالمرکز است و مشاغل از مجاور مساجد قدیمی آغاز می شوند. احمد سفرلویی نظم شهر را چنین تشریح می کند: «... شهر فاس انعکاس مفهوم متافیزیکی خاص اسلام است. شهر پیرامون کانونی از زندگی مذهبی و اجتماعی برپا شده است. در اینجا مسجد، حمام، مکتب خانه و محکمه قاضی قرار دارد. سپس نوبت به راسته بازارهای مربوط به مشاغل با ارزش می رسد. متأسفانه اخیراً جغرافیای شهر تغییر کرده و ترکیب آن به هم ریخته و مساکن قدیمی قطعه قطعه گردیده و به صورت آپارتمان درآمده اند و بدین گونه سه چهارم شهر تجزیه شده است. با این وجود، شهر فاس شایستگی این را دارد که به دلیل غلبه فضاهای مذهبی و حفظ شکوه فرهنگ سنتی از نمونه های بارز

ص: 121

1- . تاریخ هنر اسلامی، ص 25 - 26.

انوار درخشان

ترکمن‌ها یا عثمانی‌ها که از ایران آمده بودند، پیش از نفوذ در بخش ترکیه اروپایی و حضور در قسطنطنیه، در سال 1453 میلادی در آناتولی یا آسیای صغیر ظاهر شدند. در آناتولی آن‌ها نخستین عناصر هنری خود را به ویژه در بناهای شهر قونیه عرضه داشتند. در مساجد سبک عثمانی، چهارگوشی وسیع با گنبدی کم خیز را می‌توان دید. دو سوی این فضا به شکل دو تالار نیمه مدور که با نیم گنبدها پوشیده شده اند گسترش یافته است و دو سوی دیگر با قوس‌های بزرگ به پشتیبان‌های سبتر متصل شده‌اند. البته به تدریج در این معماری تغییراتی پدید آمد. مهم‌ترین نیازهای هنر اسلامی عثمانی عبارتند از: مسجد بایزید در قسطنطنیه که قدیمی‌ترین بنای این سبک به شمار می‌رود، مسجد سلیمانیه و مسجد احمد اول (2). مسجد ملکه صفیه اصیل‌ترین مسجد عثمانی در قاهره است که اقتباسی از بناهای مذهبی استانبول به خصوص مسجد جراح پاشا و ادرنه می‌باشد. مسجدالجدید (مسجد ماهیگیران) که در سال 1071 هـ- به ابتکار مبارزان الجزایری ساخته شده به سبک گنبد مرکزی

ص: 122

1- . شهر اسلامی، ص 161 .

2- . ج هوگ هانری مارتن، سبک‌شناسی هنر معماری در سرزمین‌های اسلامی، ترجمه پرویز ورجاوند، ص 224 - 222 .

و چهارگنبد کناری آن، سیمایی عثمانی دارد. (1) محمد بن ابوزهب، که در مصر به قدرت رسید، اگرچه در آرزوی سلطه کامل به این دیار و استقلال از قدرت عثمانی بود، اما خود را برای پذیرش اطاعتی ظاهری از باب عالی آماده کرد. ساختن مسجدی به سبک عثمانی در محیطی مهم و معتبر، به مثابه اثبات آشکار وفاداری به سلطان بود. (2) مسجد تربت در تونس نیز تأثیر پذیرفته از فضاهای مسجد امپراتوری عثمانی می باشد؛ زیرا مناره آن با چهارگوش و مقطع هشت گوش مناره های عثمانی را به خاطر می آورد، اگرچه شکل گلدسته یا مأذن آن اصیل است. (3) تمامی این بناهای مقدس در سیمای عمومی شهرها هویتی مستقل، تعیین کننده و فرازمند داشته اند و بناهای دیگر از این کانون به سوی دیگر نقاط شهر شکل می گرفته اند. دیوید تالبوت رایس می نویسد: مشهورترین و قشنگ ترین این مساجد، مسجد سلطان سلیمان در قسطنطنیه است که در موضعی بلند و مسلط بر شاخ طلایی ساخته شده است. گنبد عظیم آن را چهار ستون مربع نگاه داشته، چهار مناره دارد، دو تا پهلو در ورودی و دو تا در دو انتهای حیاط جلو. در کنار این مسجد شمار زیادی بناهای فرعی ساخته بودند؛ زیرا در بیشتر موارد مدرسه ای به زیربنای مسجد افزوده می شد

ص: 123

-
- 1- . آندره ریمون، شهرهای بزرگ عرب اسلامی در قرن های 10 تا 12 هجری، ترجمه حسین سلطان زاده، ص 112 - 111 .
 - 2- . همان، ص 121 .
 - 3- . همان، ص 143 .

و حجره های گوناگون برای زندگی طلاب و خدام مساجد نیز در نظر گرفته می شده است. بر مساجد بزرگتر بازارچه ای می افزودند و در نزدیکی آن ها آرامگاه های با شکوه می ساختند و بدین گونه مسجد کانون مهمی برای شهرها به شمار می آمد. (1)

سلجوقیان با اینکه قومی بیابان گرد بودند، همین که با فرهنگ اسلامی آشنا شدند، حمایت از آن را وجهه همت خویش قرار دادند و در گسترش بناهای مذهبی تا آنجا پیش رفتند که به معماری ایران با تأثیرپذیری از ارزش های دینی شکوه ویژه ای بخشیدند. (2) آنان وقتی اصفهان را مرکز حکومت قرار دادند. در این شهر مسجدی ساختند که پایه ای برای ساختمان دیگر مساجد ایران گردید. اگرچه این مکان مقدس به دست نسل های بسیاری از هنرمندان و معماران در اعصار بعد دگرگون و تعبیر شده است، ولی برای دیدن هنرمندی سلجوقیان باید به سوی قبله رفت و از ایوان جنوبی گذشت و به شبستان پشت آن گام نهاد، در این حال، بر فراز مان گنبدی استوار و نیرومند قرار دارد که زبردستی معمار را در بنا نهادن آن بر سطحی چهارگوش می توان دریافت. این گنبد که در چشم انداز عمومی اصفهان برجستگی دارد، در سال 473 هـ- ساخته شده است. (3)

ص: 124

-
- 1- . هنر اسلامی، ص 209 - 208 .
 - 2- . ناصرالدین شاه حسینی، سیر فرهنگ در ایران، ص 279 .
 - 3- . تاریخ هنر اسلامی، ص 60 .

پدیده اصلی معماری ایران در عصر سلجوقی، سبکی چهار ایوانی در احداث مساجد است که کامل ترین آن را می توان در مسجد جامع ورامین مشاهده کرد. سلجوقیان در اصفهان، گلپایگان، برسیان، اردستان و زواره مساجد تازه ای برآوردند که همه آن ها به قدر کافی دارای ویژگی های مشترک در سبک و نقشه هستند. این بناها اگرچه به لحاظ مذهبی از قداست ویژه ای برخوردار شدند، در هویت فرهنگی و اقتدار اجتماعی این شهرها مؤثر بودند و در سیمای شهر، توسعه آبادی ها و رشد و گسترش برخی مشاغل و شکل واحدهای مسکونی حضور با صلابت خویش را بروز دادند و چنین ویژگی به حدی قوی است که هنوز می توان آن را مشاهده نمود. (1)

در عهد صفویه سبک قدیم معماری ایران در احداث بناهای مذهبی تجدید شد و در طرح بناها، شکل و مصالح جای خود را باز کرد. اما استفاده از کاشی معرق و هفت رنگ برای تزئین رونق فراوان یافت، به گونه ای که ساختمان هایی همچون مساجد و مدارس از گنبد، ایوان، طاق نما، سر در ورودی، و حتی مناره ها با کاشی آراسته شد. (2) در این عصر همزمان با ظهور کاشی کاری، که با استقبال عموم مردم روبه رو شد، راه حل جدیدی برای سقف گنبدی پدیدار گردید و آن عبارت بود از

ص: 125

1- . تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، پژوهش دانشگاه کمبریج، ج 5، گردآورنده: ج.آ. بویل، ترجمه حسن انوشه، ص 254 - 255 .

2- . محمد یوسف کیانی، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، ص 105 .

تبدیل طرح چهارگوشه زیربنا به طرح مدور گنبد که هم ساده تر و هم عاقلانه تر به نظر می رسد. در مسجد شیخ لطف الله و مسجد امام خمینی (مسجد شاه) اصفهان گنبدها بر گردن بلند استوانه ای شکل نهاده شده اند که دایره پیرامونی آن با نوک چهار سر طاق ساخته شده بر زوایای محوطه زیرگنبد و چهار سر طاق دیگر، مماس می باشد. معماری عصر صفوی زیبایی ویژه ای به مساجد داد و مردم نیز به زودی در ساخت مساکن و سایر اماکن این سبک را مورد توجه قرار دادند و نوعی معماری ملهم از مساجد به محلات مسکونی سرایت پیدا کرد، اما هیچ کدام از این بناها نتوانستند از شکوه و صلابت مسجد پیشی گیرند. گنبد مسجد امام خمینی بر فراز بناهایی که آن را احاطه کرده اند سر به آسمان کشیده است. گنبدی که توسط طبقه ای هشت ضلعی با طاق نماهای زیبا کاملاً به بناهای اطراف اتصال دارد، در عین حال، شکوه خود را در فضای شهر به طور مستقل بروز می دهد و هنوز هم با وجود گسترش بناهای چند طبقه سیمانی در شهر اصفهان، جلوه پراهمیت مساجد مذکور زیبایی و آراستگی خود را حفظ کرده که موجب مباهات معماری اسلامی است. (1)

در طول زمان در بسیاری از شهرهای ایران بناهایی مجموعه ای ساخته شده که گروه ویژه ای را در معماری تشکیل می دهند. معمولاً این مجموعه ها با یک مسجد شروع می شوند و در طول زمان با اضافه کردن

ص: 126

1- . آندره گدار، یداگدار، ماکسیم سیرو و دیگران، آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سرفوقدمقدم، ج 3، ص 209 - 208 .

بناهای دیگر همچون مدرسه، کتابخانه، آب انبار، خانقاه، زائر سرا و کاروان سرا به یک مجموعه بسیار زیبا و با شکوه تبدیل می شود. (1)

محبوب ترین و مهم ترین مکان

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: «احب البلاد الی الله مساجدها»؛ (2) محبوب ترین مکان ها در شهرها مساجد هستند. این کلام گهربار آن خاتم رسولان در سیمای شهرهای جهان اسلام صورت عملی و عینی به خود گرفته است؛ زیرا مساجد مهم ترین بناهای مذهبی هر شهر و روستا هستند که همواره نقش مهمی در زندگی مسلمانان داشته اند. اهمیت مساجد در شهرها به حدی بود که اگر جایی مسجد جامع یا آدینه نداشت، از اهمیت شهری محروم بود. مساجد جامع شهرهای ایران را نه تنها به خاطر کارکرد و رابطه مستقیم و وسیعی که با همه اقشار اجتماعی دارند، بلکه بیشتر به دلیل شکل فضایی و در هم آمیختگی با پیوندهای کالبدی یا بافت مسکونی، بازرگانی و خدماتی اطراف و نیز به دلیل واحد و قطب بودن، باید یک عنصر شهرسازی اولیه به حساب آورد. در زمان های گذشته مسجد جامع مرکز استقرار دینی شهری بوده که به خاطر مراجعه مستمر همه قشرهای مردم شهر و به دلیل خلوصی که می تواند بالقوه داشته باشد، کانون انتشار هرگونه آگاهی نسبت به شرایط عمومی شهروندان و نحوه

ص: 127

1- . نک: تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، فصل پنجم .

2- نجح الفصاحه، ص 13.

زندگی و نظام اداری آنان محسوب می شده است و در همین مکان خبرهای نشر یافته به بحث گذاشته شده و انعکاس آن ها در افکار عمومی هم نقطه بازگشت خود را می یابد. اگرچه مسجد جامع مرکزی مذهبی است تا یک مرجع اجتماعی، اما شکل گیری افکار عمومی و جهت گیری های اهداف مربوط به آینده شهر در این مکان صورت می گرفته است و به همین لحاظ مسجد جامع شهرهای ایران بیش از هر چیز بنیادی است اجتماعی و فرهنگی مساجد جامع ایران در ارتباط با شرایط جغرافیایی و اقلیمی محل، تناسب و معادله ای مقبول بین سه نوع فضای سرپوشیده، نیمه باز و باز عرضه می کنند. این مکان که معمولاً بزرگ ترین و همیشه معتبرترین مسجد شهر است، در پی افزایش نیاز به آن یا همراه با فزونی یافتن قدرت مذهبی مسلمانان شهرها توسعه یافته و بخشی از فضای مسکونی مجاور را ضمیمه خود کرده است. اگرچه با وجود رشد صنعتی و توسعه روابط اجتماعی - اقتصادی و پیروی از الگوهای شهرسازی غربی، از قطب شهری بودن مسجد جامع کاسته شده، ولی هنوز هم به اتکای اعتبار عقیدتی و احترام معنوی که برای آن وجود دارد، به عنوان نقطه عطف مذهبی منحصر به فرد شهر نقش خود را ادامه می دهد. (1) هنوز هم گنبد و مناره مسجد بلندترین ساختمان بسیاری از شهری کویری و نقاط مرکزی ایران به شمار می آید. (2) اگرچه

ص: 128

1- . محمد منصور فلامکی، باز زنده سازی بناها و شهرهای تاریخی.

2- . وینسنت فزانیس کاستلاو، شهرنشینی در خاورمیانه، ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضایی، ص 39 .

کارکردهای متنوعی که این شهرها بر عهده دارند به همراه تغییرات آب و هوایی، پستی و بلندی، مصالح ساختمانی و ساختار اجتماعی و فرهنگی سیمای متفاوتی را عرضه می‌دارند، اما مایه سرافرازی آنان مسجد می‌باشد. (1)

سازمان‌های دینی در شالوده زندگی شهری چنان اهمیتی به دست آوردند که مسجد جامع از ارکان اصلی نظام اجتماعی سیاسی شهر گردید و شهری را کامل معرفی کردند که عدالت در آن اجرا شود، دارای مسجد جامع باشد و نماینده حکومت یا مقرر دولت در آنجا استقرار داشته باشد. به همین دلیل، در آغاز معمول نبود در شهرهای بزرگ بیش از یک مسجد جامع احداث گردد. (2) ولی به تدریج این سنت شکسته شد و گاه پاره‌ای از شهرهای بزرگ دارای جامع‌های متعدد بودند. ابن جبیر، سیاح مسلمان که در اواخر قرن ششم از بغداد دیدن کرده است. در باره آن می‌نویسد: «هفده محله دارد که هر محله‌ای شهری مستقل محسوب می‌گردد، هشت محله آن دارای مسجد جامع است که نماز جمعه در آن‌ها برپا می‌گردد». (3)

ص: 129

-
- 1- . عباس سعیدی رضوانی، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، ص 46، تیرماه 1353
 - 2- . احمد اشرف، ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی، نامه علوم اجتماعی، شماره 4، تیرماه 1353 .
 - 3- . سفرنامه ابن جبیر، ترجمه پرویز اتابکی، ص 275 .

در شهرهای اسلامی برای نمایش جلال معنوی و شکوه و بالندگی ظاهر مساجد بزرگ، بویژه مسجد جامع، جهدی تمام به خرج می دادند. گرچه غالب این مکان های مقدس به فرمان حکمران یا توانگری صاحب نفوذ بنیاد می گردید، ولی اغلب کسانی که به گونه ای در ساختن بنا، طراحی و آرایش مسجد سهمی داشتند، به دلیل اعتقاد درونی و اشتیاق به معبود، در عمل از ایثار آنچه در توان داشتند دریغ نمی ورزیدند. همین ایمان و شوق آنان موجب گردید که معماری با شکوهی پدید آید و هنرمندان محلی با ابتکار و خلاقیت خویش رونق مسجد را بالا ببرند و بخش کوچکی از زیبایی های جهان هستی را، که جلوه ای از عظمت خداست، با آجرکاری های جالب، گچ بری ها، طاق و قوس ها و...، در حد توان به نمایش گذارند. در حقیقت، مردمانی با اخلاص و صداقت تمام از نان و آب خویش مایه گذاشته اند تا این بنا را بر پای دادند و آن را در طول اعصار و قرون از گزند بادهای شدید، تیغه سوزان آفتاب، ریزش های جوی، هجوم قبایل وحشی و تاخت و تازهای غارتگران حفظ کنند.⁽¹⁾ پیوند فضایی مسجد در قلب شهر و یا مراکز محلات شهر با سایر عناصر فعال شهری و منزلت فوق العاده ای که این مکان نزد عامه مردم دارد، امتیاز مضاعفی بدان بخشیده و زمینه ای مناسب برای کاربری آن به منزله جایگاه نهضت های رهایی بخش علیه اهل ستم فراهم ساخته است. بدین ترتیب، مسجد به عنوان مکانی مقدس و امن علاوه

ص: 130

1- «جویبارهای جاویدان»، فصلنامه صحیفه مبین، زمستان 1375، ص 49.

بر برقراری ارتباط با دیگر عناصر فیزیکی شهری در برقراری ارتباط با مردم، پناه دادن، هماهنگ کردن، بسیج نمودن و به حرکت درآوردن آنان در راستای اهداف اسلامی، از توان بسیار بالایی برخوردار بوده است. از این روست که در دهه های اخیر عوامل استکباری در راستای سیاست اسلام زدایی خود با ترفندهای گوناگون، از جمله تبدیل عناصر مذهبی شهر برای کاربردهای سودمندتر و یا تحت عنوان عمران شهر و رهایی از بافت های فرسوده و کهنه با بهانه آلودگی های زیست محیطی آن ها، با تخریب بخش هایی حساس از عناصر مذهبی درصدد بر هم زدن پیوستگی مسجد با دیگر فضاهای شهری و گسستن پیوند معنوی و روحی مردم با این اماکن بر آمده اند. (1)

معماری اسلامی، نه عظیم به معنای شکوه آرمان ها و دست اوردهای تمدنی خاص است، چنان که در مورد رنسانس می بینیم، و نه مروج بیان ذهنی فرد، آن گونه که در معماری مدرن مشاهده می شود. تنها به این معنا عظیم و شگفت است که بناهای تاریخی خود را برای تعظیم خداوند بر می افرازد و هر یک از وجوه آن ها یادآور قدرت الهی است. هر چند معماری مقدس در اسلام، در مسجد تجلی می یابد، با این همه، مسجد هیچ گاه از بقیه محیط شهری جدا نبوده است. اسلام زندگی پیروان خود را به قلمروهای مقدس و غیر آن تقسیم نمی کند؛ امور معنوی در همه مظاهر محیط شهری جاری است و همه مناسکی که

ص: 131

در مسجد اقامه می‌گردد در خانه‌های مسکونی و سایر اماکن شهری به جای آورده می‌شوند. ساختار محیط متراکم شهری از همه طرف مسجد را همچون شمعی مقدّس و فروزان در میان گرفته‌اند و همه به یک سوی گرایش دارند. به همین دلیل، معماری شهرهای مذهبی یا سنتی جهان اسلام آدمی را از کثرت جهان بیرون می‌آورد و به قلمرو توحید و یکتاپرستی سوق می‌دهد. معماری که ریشه در سنت مقدس دارد، به هنگام نظم دادن به فضا این نظم را از فضای مادی به بیان نظم مقدس گسترش می‌دهد. (1)

نقش مسجد در بافت شهری

در مرکز شهر، مسجد جامع و فضاهای وابسته به آن، همراه با مراکز زیارتی و آموزشی، بعد معنوی و فکری شهر را به وجود می‌آورند. بعد از این بخش، معابر، محلات مسکونی، بازارها و سایر مراکز اقتصادی و اجتماعی با پیروی از نظم خاص قرار گرفته‌اند، اما مسجد همچون چشمه‌ای با صفا جوئی‌بارهای معنوی خود را به سوی اماکن جاری می‌سازد و نوعی فرهنگ پویای دینی را تبلیغ می‌نماید. (2)

فضاهای شهری، خانه‌ها و معابر از ارزش‌هایی تأثیر پذیرفته‌اند که

ص: 132

1- راز و رمز هنر دینی (مقالات ارائه شده در اولین کنفرانس بین‌المللی هنر دینی) تنظیم مهدی فیروزان، ص 168.

2- شهر اسلامی، ص 11.

در مسجد بر آن ها تأکید شده است. خانه شخصی فضای داخلی بسته ای است که ضمن تأمین آرامش و امنیت خانواده، اندرونی اعضای آن به شمار می آید، پنجره ها کمتر به خانه های مجاور و کوچه ها اشراف دارند، البته پنجره ها چنان مشبک تهیه گردیده اند که افراد داخلی بتوانند فضاهای اطراف و مناظر شهری را مشاهده کنند و بدون اینکه خودشان دیده شوند، مشغول تماشای بیرون گردند. درب محکم و سنگین مزین به چفت و بست و میخ کوبی، پیش از آنکه دروازه ای به سوی خیابان باشد، سدی در مقابل عابران و رهگذران اهل تجسس است. حتی کوچه ادامه خانه است و به عنوان دالان تلقی می شود تا آنکه معبری برای داد و ستد، گردش و وقت گذرانی باشد. وانگهی داد و ستد به بخش مشخص، یعنی بازار یا سوق اختصاص دارد. در شهرهای اسلامی کهن هیچ چیز در نخستین وهله میزان تمکن و دارایی ساکن خانه را مشخص نمی کند؛ چرا که یک پیوستگی و تداخل پیچیده ای بین مسکن فقرا و اغنیا موجود است. آنچه که محلات زیبا را از خانه های ساده تر تفکیک می کند وجود مجموعه های ساده متوالی و متحدالشکل است. حال آنکه در نوگرایی جدید، منطقه بندی و تقسیم بندی جدید شهری کاملاً قابل تشخیص بوده و شکاف طبقاتی را کاملاً ترسیم می نماید؛ در یک سو، خانه های اشرافی با امکانات رفاهی بسیار افراطی و در سوی دیگر، تراکم شدید شهر در منطقه ای فقیرنشین! در شهر اسلامی هر چه از مکان های مذهبی و آموزشی فاصله گرفته می شود، دایره گسترده تر شده و از فشردگی آن کاسته می گردد. البته می توان جابجایی های قومی را در برخی محلات

مشاهده کرد؛ همچون محله های یمنی نشین در اندلس یا اندلسی های ساکن در فاس و نیز محله مربوط به موریتانی ها در مدینه، اما همه چیز در فضایی منسجم و بدون بریدگی و گسستگی پیچیده شده است. شهر اسلامی در مجموع ناپایداری، فناپذیری، و موقت بودن امور مادی را ترویج می نماید و بر ارزش های معنوی تأکید دارد. (1) همان گونه که بازار با همه اهمیت حیاتی، شکل مجلل و تشریفاتی به خود نمی گرفت و سوای نقاطی که لازمه تمرکز و تبادل فشرده بود، در ارتفاع رشد چندانی نمی کرد، مردم به خود اجازه نمی دادند مساکن خویش را بلندتر از مسجد قرار دهند و احترام آن را در احداث فضاهای شهری کاملاً مراعات می نمودند. مسجد نیز در ارتباط با مبانی عقیدتی و محدودیت های مادی بی آن که از قدرش کاسته شود، ابعادی بیش از آنچه متعارف به حساب می آمد به خود نمی گرفت. سوای مسجد جامع شهر، که به دلیل اهمیت سیاسی خود در چهارچوب فرهنگی - اجتماعی نمی توانست از گرویدن به ابعادی بزرگ و بخصوص رشد در ارتفاع مصون بماند، سایر مساجد شهرها به شکلی در محیط کالبدی اطراف خود جایگزین شده اند که بیش از هر چیز تلفیق حجم هماهنگی محیطی و تداوم فضایی را برای شهروندان پیاده جلوه گر می سازند. به جدارهای خارجی این مساجد معمولاً توجه چندانی نمی شود و صرفاً ورودی هایی که به مجموعه فضایی مسجد راه می دهند ترین می گردند تا از راه ابعاد بزرگ تری که

ص: 134

دارا هستند، تمیز دادنشان به راحتی مقدور باشد. این دسته از مساجد هیچ گاه فقط یک ورودی ندارند، در حالی که می توان غالباً ورودی اصلی آن را تشخیص داد. در توجیه این نکته باید یادآور شد که راهیابی به مسجد و دسترسی مستقیم به آن، چه از شاخه های گوناگون فضای مسکونی مسجد و چه از شاخه های متفاوت بافت بازارها، مطالبی است گواه بر وجود تداوم زندگی متشکل و صمیمانه که سکونت و کار را به عبادت پیوند داده است. (1)

در شهرهای ایران، مساجد به همراه زیارتگاه ها و تکایا چنان در چشم اندازهای فرهنگی مؤثر واقع می شوند که در غالب آن ها، تنها ساختمان مرتفع شهری این اماکن هستند. همچنین در بافت شهری نقش مسجد آن قدر تعیین کننده و حساس است که گاهی مسیر اصلی خیابان را از ادامه و تعریض باز می دارد، به پاره ای از مشاغل اجازه فعالیت نمی دهد و در عین حال، برخی حرفه ها را به شدت جذب می کند. (2)

شهری که با محوری مقدس احداث گردیده و سازندگان آن پیگیر تحقق معماری مذهبی بوده اند، جامعه ای را به یاد می آورد که باید منسجم، صمیمی و متحد باشند. در این صورت، تمامی شهر یک خانه را تشکیل می دهد. از این رو، برای نشان دادن جامعه شهری، «بیت الاسلام» مطرح می گردد و در واقع، بعد انسانی و معنوی بر فضاهای فیزیکی

ص: 135

-
- 1- . باز زنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، ص 58 .
 - 2- . حسین شکویی، جغرافیای شهری، ج 2، ص 405 .

در محلات سنتی در پرتو مشترکات درونی و هماهنگی افراد در برگزاری آیین های مذهبی و فرهنگی، که غالباً در مسجد محل برپا می شوند، افراد نوعی پیوند عاطفی میان یکدیگر در خود احساس می کنند. بزرگ محل که معمولاً انسانی متدین، سالخورده و دارای شهرت اجتماعی بالا و منزلت والاست، در جهت اتحاد و ایجاد تفاهم بین اهل محل می کوشد و از نزاع ها و کدورت ها تا حد امکان جلوگیری می نماید. ساکنان محل به احترام او رفتار خویش را اصلاح و کنترل می نمایند و می کوشند هنجارهای مذهبی و سنتی را حفظ کنند. همبستگی مذهبی و پیوندهایی که در مسجد محله استحکام و استمرار می یابد، مرزبندی های اقتصادی و طبقاتی را به تحلیل می برد و گروه های غنی در کنار اقشار کم درآمد در نهایت صلح و صفا زندگی می کنند. فضاهای مسکونی نیز در قرار گرفتن کنار یکدیگر این انسجام و معیارهای ارزشی را رعایت نموده اند؛ زیرا کوشیده اند در ساختن خانه، همسایه خویش را از نور و نسیم هوا و فضای باز محروم نکنند و زمینه های نگاه توأم با گناه را در ساخت و سازها فراهم ننمایند. ورودی خانه ها و پوشش روی پلکانی که به بام منتهی می گردد، از محراب مساجد و آجرکاری ایوان های اماکن مذهبی الهام گرفته اند. کمتر خانه ای را می توان مشاهده کرد که از مساکن مجاور ارتفاع بگیرد. در این محلات میزان جرایم، بزهکاری، و کج روی

ص: 136

اجتمای ناچیز و قابل اغماض است. احساس تعلق مردم به فضاهای با ارزش مذهبی، از مشکلات و تنش های روانی می کاهد و روح امید و آرامش را در ساکنان آن ها تقویت می نماید.⁽¹⁾

در سیمای شهرهای جدید، اعم از ایران و کشورهای اسلامی دیگر، معماران و برنامه ریزان شهری از تأثیرات سرنوشت ساز و تعیین کننده زلال فرهنگ قرآنی و سنت های دینی و بومی بیگانه گشته اند و بیش از آنکه مبلّغ مظاهر و سبک های هنر و معماری اسلامی باشند، جلوه های غربی و مادی گرایی و گرایش های اقتصادی را در ساخت شهرها مدنظر قرار داده اند که ارمغان این روند، پیدایش ناهنجاری های اجتماعی - فرهنگی، فساد و ابتذال و نابسامانی های خانواده ها می باشد.

از بازار آخرت تا بازار دنیا

قال رسول الله صلی الله علیه و آله : «المساجد سوق من اسواق الاخره قراها المغفره و تحفتها الجنه». رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مساجد بازاری از بازارهای آخرت است؛ کالای آن مغفرت و ارمغان آن بهشت است».⁽²⁾

در شهرهای مذهبی و سنتی جهان اسلام بین مسجد، که بازار آخرت است، با بازار دنیا ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد. معمولاً راسته

ص: 137

1- . مسعود کوثری و سید محمود نجاتی حسینی، مشارکت فرهنگی، ص 194 .

2- . بحار الانوار، ج 84 ، ص 4 .

بازار (سوق) از جلو درهای مسجد آغاز می‌گردد و بازار هم مسجد را تنگاتنگ در بر می‌گیرد و با بافت شهر پیوند می‌خورد و وجود آن زندگی روزمره ای را که در بازار جریان دارد تضمین می‌کند. در واقع، بین فضای مقدّس و مکان زندگی، که عالی‌ترین نمونه آن بازار است، فاصله ای وجود ندارد. علاوه بر این، یک نوع تعامل و ارتباط خوب هم به چشم می‌خورد؛ یکی دیگری را تضمین کرده و آن را به تحرّک وای می‌دارد و هر دو متفقاً در یک فضا جمع شده‌اند. حاجیان در مکه، که به زیارت مهم‌ترین کانون عبادی جهان اسلام آمده‌اند، این زندگی معنوی و مادی را به نمایش می‌گذارند و این بیانگر آن است که در اسلام بین مادیت و معنویت تضادی وجود ندارد و دنیا هم می‌تواند مزرعه آخرت باشد. استفانو بیانکا می‌نویسد: «کانون چنین ترکیب شهری در ارتباط بین مسجد و بازار قرار دارد؛ ارتباطی که بر سنت کهن اسلامی استوار است. حتی خود مکه در عین حالی که زیارتگاه بوده، مرکزی تجاری به حساب می‌آمده است».⁽¹⁾ بازارها بیشتر در امتداد مهم‌ترین راههای اصلی ساخته می‌شدند و در اغلب موارد راسته بازار شاهراه اصلی شهر نیز بود که مهم‌ترین و شلوغ‌ترین دروازه‌ها را به مرکز شهر متصل می‌کرد. در عین حال، مسجد جامع در کنار بازار قرار داشت، موضوعی که هم‌اکنون نیز در تهران، اصفهان، یزد، کاشان، نایین، اردستان و زواره شاهد آن هستیم. همین ارتباط با مسجد موجب گردید که بازاری که در وهله اول برای

ص: 138

عرضه تولید، تبادل و خرید و فروش کالا شکل گرفت، بعدها کارکردهای متعدد فرهنگی و اجتماعی پیدا کند. (1)

در واقع، مسجد جامع شهر به دلیل این که رکن اصلی قدرت معنوی و مذهبی به شمار می رود، نمی تواند جدا یا با فاصله زیاد از بازار موضع بگیرد و متصل به بدنه بازار و درآمیخته با کالبد واحدهای معماری شهری سازنده آن دیده می شود. در مثال های مزبور، بافت مسکونی مجاور یا پشت بازار از راه ورودی های متعدد مسجد جامع به بازار ارتباط می یابد و مسجد جامع بیشتر رابطه مستقیم را با بافت مسکونی از یک سو و با بافت بازرگانی - خدماتی از سوی دیگر، برقرار می کند. (2)

لویی ماسینیون خاطر نشان ساخته است در شهرهای بزرگ عربی - اسلامی، نظیر قاهره، رابطه نزدیکی بین منطقه مرکزی بازارها با مسجد جامع و مخصوصا موقعیت پر رفت و آمد بازار طلافروشان و مرکز صرافان و بازار تسبیح فروشان وجود دارد. بنابراین، در ساختارپذیری مراکز شهری، بازار و مسجد جامع نقش قاطع ایفا می کردند و حال آنکه عموما مرکز سیاسی شهر دارای نقش محدود یا ناچیزی بود در همه شهرهای بزرگ تطابق کاملی میان محله بازار و مرکز شهر وجود داشت. ویژگی دوم تمرکزگرایی شدید شهری این

ص: 139

-
- 1- . تاریخ هنر معماری ایرانی در دوره اسلامی، ص 17 .
 - 2- . باز زنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، ص 129 .

است که فعالیت های شهر به صورت شعاعی به سمت نواحی بیرون منطقه بازارها و مسجد جامع توسعه می یابد. مکان یابی فعالیت ها از مرکز تقریباً خصوصیت شعاع های متحدالمرکز را داشت. فعالیت های اقتصادی براساس اهمیتی که داشتند به صورت حلقه های محاط بر یکدیگر یا براساس مقدار آلودگی و مزاحمتی که ایجاد می کردند و یا براساس نیازشان به فضا مرتب و منظم می شدند.

اقدامات وقفی که توسط پادشاهان قرن دهم هجری در حلب در جنوب مدینه آن شهر انجام شد، شامل تعدادی بازار می گردید که بعضی از آن ها هویت اصیل معماری دارند و به درستی با یک نظام متشکل از طاق ها و گنبدها به بناهای وقفی اصلی، یعنی مساجد، متصل و مرتبطند. در تونس محله بازار پیرامون مسجد جامع سازمان یافته بود. (1)

متأسفانه شهرها و شهرک های جدید جهان اسلام از چنین ویژگی محرومند.

ص: 140

1- . شهرهای بزرگ عربی اسلامی، ص 25، 51 و 57.

- 1 - آثار ایران، آندره گدار [و دیگران]، ترجمه ابوالحسن سروقدمقدم، مشهد بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
- 2 - الاعلاق النفیسه، ابن رسته، ترجمه دکتر حسین قره چانلو، تهران، امیرکبیر، 1365 .
- 3 - اخبار مکه، ابو الولید محمد بن عبدالله بن احمد (ازرقی)، لایزیک، 1858 میلادی.
- 4 - بحار الانوار، علامه مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفا، 1403 ه ق .
- 5 - باز زنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، دکتر محمد منصور فلامکی، تهران، دانشگاه تهران، 1365 .
- 6 - تفسیر منهج الصادقین، ملافتح الله کاشانی، تهران، اسلامیه.
- 7 - تفسیر مجمع البیان، طبرسی.
- 8 - تاریخ المدینه المنوره، ابوزید عمر بن شبه النمیری البصری، تحقیق محمد شلتوت، قم، دارا، 1368 .
- 9 - تاریخ طبری، محمد بن جریر طبری، تحقیق و ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.
- 10 - تاریخ الکوفه، سید حسین بن سید احمد البلاقی، بیروت، دارالاضواء، 1407 ه ق .
- 11 - تاریخ هنر اسلامی، کریستن پرایس، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- 12 - تاریخ ایران، پژوهش دانشگاه کمبریج، ج پنجم، ج.آ.بویل، ترجمه حسن انوشه، تهران امیرکبیر.
- 13 - تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، محمدیوسف کیانی، تهران، سمت، 1374.

- 14 - تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، حسین سلطان زاده، تهران، نشر آبی، 1365 .
- 15 - تأملات در هنر و معماری، حمید نوحی، تهران، گام نو، 1379
- 16 - بینش اسلامی و پدیده های جغرافیایی، عباس سعیدی رضوانی، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، 368 .
- 17 - راز و رمز هنر دینی، تنظیم: مهدی فیروزان، تهران، سروش، 1380 .
- 18 - «در مساجد ایران نقشه سبک معماری عرب وجود ندارد»، عباس زمانی، مجله هنر و مردم، شماره 6 .
- 19 - «جویبارهای جاویدان»، عبدالله اصفهانی، فصلنامه صحیفه مبین، زمستان 1375 .
- 20 - سبک شناسی هنر معماری در سرزمین های اسلامی، مارتن، ترجمه پرویز جاوید، تهران، علمی و فرهنگی، 1368 .
- 21 - سفرنامه ناصر خسرو، به کوشش دکتر نادر وزین پور، تهران، کتاب های جیبی .
- 22 - سیر فرهنگ در ایران، دکتر ناصرالدین شاه حسینی .
- 23 - شهر اسلامی، نجم الدین یمات، ترجمه محمد حسین حلیمی و منیژه اسلامبولچی، تهران، ارشاد، 1369 .
- 24 - شهرنشینی در خاورمیانه، وینسنت فرانسس کاستللو، ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضایی، تهران، نشر آبی .
- 25 - سفرنامه ابن حبیر، محمد بن احمد بن حبیر، ترجمه پرویز اتابکی، مشهد، آستان قدس رضوی، 1370 .
- 26 - شهرهای بزرگ عربی اسلامی، آندره ریمون، ترجمه حسین سلطان زاده، تهران، آگاه، 1370 .
- 27 - جغرافیای شهری، ج دوم، دکتر حسین شکویی، تهران، کتابفروشی تهران، 1354 .
- 28 - الشیعه فی المملکه العربیه السعودیه، حمزه الحسن، مؤسسه البقیع للاحیاء تراث، 1413 ه ق .

- 29 - مستدرک الوسائل، محدث نوری، قم، آل البيت، 1407 .
- 30 - مبانی هنر موعود، احمد رضا معتمدی، تهران، برگ، 1368 .
- 31 - مرآة الحرمين، ابراهيم رفعت پاشا، قاهره، دارالکتب المصریه، 1344 ه ق .
- 32 - مدینه المنوره، صالح لمعی مصطفی، ترجمه صدیقه وسمقی، تهران، ارشاد اسلامی، 1372 .
- 33 - مشارکت فرهنگی، مسعود کوثری و سید محمود نجاتی حسینی، تهران، نشر آبی، 1379 .
- 34 - معماری و تزئینات اسلامی، درک هیل و اولک گرابر، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، تهران، علمی فرهنگی .
- 35 - کوفه پیدایش شهر اسلامی، هشام جعیط، ترجمه ابوالحسن سرو قدمقدم، مشهد، آستان قدس رضوی، 1372 .
- 36 - فضل الکوفه ومساجدها، محمد بن جعفر المشهدی، تحقیق محمد سعید طریحی .
- 37 - نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، جاویدان .
- 38 - ویژگی های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی، احمد اشرف، نامه علوم اجتماعی، شماره 4 .
- 39 - وسایل الشیعه فی تحصیل مسایل الشریعه، حر عاملی، بیروت، داراحیاء تراث العربی .
- 40 - هنر اسلامی، دیوید تالبوت رایس، ترجمه ماه ملک بهار، تهران، علمی فرهنگی، 1375 .
- 41 - هنر اسلامی، ارنست کونل، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران، 1355 .
- 42 - دیار ابرار، پژوهشکده باقرالعلوم، ج 7، قم، 1373 .

علی محمدی آشنانی

مساجد همواره خانه خدا، سجده گاه عشق، مأمن مردم، مرکز آزادی و رهایی از قید و بند اسارت های درونی و گسستن قیود برونی برای پرواز به ملکوت در اوج بندگی خدا، دانشگاه معارف دین و قرآن، مبدأ و منتهای معراج، مرکز اعتکاف و سلوک، محل انس و ذکر، خانه آزادی و پرورشگاه آزادگی، سکوی عروج، مشعل هدایت، نماد توجه به ارزش های والای انسانی و طرد آرایش های مادی، گوهر گران بها و جواهر درخشنده فرهنگ و هنر و معماری اسلامی، مرکز آرامش یافتن روح، میعادگاه و محل دیدار روزانه مسلمانان و برگزاری زیباترین همایش روزانه عبادی، نشانگر و حافظ هویت دینی و تجلیگاه وحدت مسلمانان، ستاد فرماندهی جهاد و دفاع و پایگاه مقاومت در برابر بیگانگان، جایگاه مشاوره و شکل گیری صحیح فرآیند تصمیمات مهم

ص: 145

سیاسی، نهاد ساماندهی انفاقات واجب و مستحب و پناهگاه مستضعفان و محل حل و فصل اختلافات و مشکلات فردی و اجتماعی مرکز تحکیم روابط اجتماعی و محل تقویت مشارکت اجتماعی در امور مختلف، پایگاه مهم فعالیت های فرهنگی اجتماعی و مرکز پیشگیری و کاهش بزهکاریهای اجتماعی، نماد حضور اجتماعی زنان، مائده بزرگ روح انسان در تداوم ایمان، تجسم اعلاى فطرت خداجو، حضور نور در سیطره بی امان ظلمت در زمین، طواف دل در حریم الهی در احرام مناجات، سمبل صف بندی حق جویان توحیداندیش در برابر حق ستیزان ستم گر بوده است.

آری، در جهان هستی، مسجد، قلب تپنده معنوی است که در فضای نورانی آن، آسمان و زمین به هم پیوند می خورد و انسان به عنوان گل سر سبد نظام هستی در آن رشد و تکامل می یابد. بدینسان مساجد ترجمان اندیشه و اعتقاد یک امت بلکه فریاد همه حنجره های پاک و خدایی است.

با تشکر و قدردانی از نامگذاری و برپایی هفته و اجلاس گرامی داشت مساجد، آنچه در پی می آید نخست نگاهی کوتاه به کارکردهای اساسی مسجد در طول تاریخ و در پایان پیشنهادهایی برای احیای آن کارکردها در دوران معاصر است که امید است با لطف خداوند هستی و همدلی همگان میسر گردد و با احیای آن کارکردها، از مساجد این موهبت بزرگ الهی متناسب با دوران معاصر، به خوبی بهره گرفته شود. ان شاء الله.

اگرچه آسمان ها و زمین و هر چیزی که پرتوی از حیات و حرکت دارد، متعلق به خداوند است و آن چنان که قرآن کریم می فرماید: مشرق و مغرب حوزه اقتدار ذات پروردگار بوده و هر جا که رو کنیم خدا روبروی ما است، (ولله المشرق والمغرب فاینما تولوا فثم وجه الله) (1) و به قول امام علی علیه السلام جهان با همه گستردگی اش مسجد و عبادتگاه دوستداران حضرت حق است و هیچ محدودیتی از نظر زمان و مکان و جهت برای عبودیت و پرستش خداوند وجود ندارد. مع ذلک مسجد قداست، ویژگی و آداب مخصوص به خود را دارد.

نامگذاری مکان های مقدس عبادی از سوی خداوند و مسلمانان به مسجد، اشارتی بس زیبا به یکی از نقش و کارکردهای بی بدیل آنها دارد؛ کارکردی که معنی آیه کریمه «ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون» (2) را تحقق می بخشد. هدف آفرینش آدمی را میسر می سازد و زمینه تعالی به مقام خلیفه الهی را فراهم می نماید.

مگر نه آن است که پیمودن مراتب سلوک تنها در پرتو عبادت و عبودیت میسر می شود و خلافت الهی فقط از مسیر تسبیح و تقدیس و بندگی حضرت حق به دست می آید. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «ما عبد الله

ص: 147

1- . سوره بقره: آیه 115 .

2- . سوره ذاریات: آیه 56 .

براساس آموزه های روایی، مسجد محبوب ترین مکان زمین نزد خدا، ریاض جنت (2) و میهمانسرای خداوند است، مؤمنان زائران آن و خداوند مزورش و براساس حقوق زیارت زائر خویش را گرامی می دارد؛ فرشتگان بر درب آن می نشینند و منتظران نماز در آن را در حال نماز و عبادت به حساب می آورند. زمین نیز با فرود آمدن گام های مسلمانی که به سوی مسجد گام بر می دارد و با او همدل و همنوا گشته، تسبیح حق را نثار صاحب قدم می کند. شاید به همین دلیل تعلق قلبی به مساجد موجب افزون شدن محبوبیت می گردد. (3)

پیامبر صلی الله علیه و آله نماز جماعت در مسجد را یکی از مواهب الهی به خود ذکر می کند و در روایات رفتن به مسجد جهاد و روندگان به مسجد برخودار از برات آزادی از آتش جهنم معرفی شده اند. (4)

ولی نمازگزاردن در خانه و عدم حضور در مسجد، ترک سنت پیامبر و موجب گمراهی دانسته شده است. (5)

ص: 148

1- بحار الانوار: ج 10، ص 106.

2- کنز العمال: ج 7، ص 648؛ «احب البلاد الی الله، خیر البقاع المساجد، ریاض الجنه».

3- بحار الانوار: ج 83، ص 367.

4- کنز العمال: ج 7، ص 557.

5- سنن نسائی: ج 2، ص 109.

شاید آیه کریمه «ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا»⁽¹⁾ نیز با پرهیز دادن آدمیان از رویکرد به مسایل مادی در مساجد، می خواهد این کارکرد بی بدیل را تثبیت کند و اخلاص و یگانه شدن آدمیان برای خدا را پی گیرد.

آری مسجد مجمع و کنگره انسانی و جلوه حضور و تبلور مشارکت مردمی و مظهر اقتدار ملی - دینی است. مسجد سنگر تجدید قوا و بازیابی آرامش خاطر و محفل به خود پرداختن و پیراستگی از وابستگی های دنیایی است. ارتباط انسان و خدا در مسجد چنان اوج می گیرد که به یقین «ادعونی استجب لکم» تحقق می یابد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هر کس اراده برآورده شدن حاجت خویش را دارد، با تقدیم صدقه و خوشبو نمودن خویش، به مسجد رفته حاجت خویش را از خداوند طلب کند که برآورده خواهد شد».⁽²⁾

برابر روایات حضور در مسجد، همنشینی با ملائک است.⁽³⁾ آری مسجد مناسب ترین مکان برای بازگشت به سوی خدا، توبه و استغفار بوده و هست. داستان ابالبابه و ستون توبه در مسجد نبوی اشارتی بس بلیغ به این کارکرد بسیار مهم مساجد دارد که از ذکر تفصیل آن خودداری می شود.

ص: 149

1- . سوره جن: آیه 18 .

2- . بحار الانوار: ج 83 ، ص 361 .

3- . کنز العمال: ج 7 ، ص 580 .

یکی از آثار مهم ارتباط انسان و خدا، آرامش روح و روان آدمی است که گم‌شده کنونی عصر تکنولوژی و ارتباطات است. در این راستا آرامش بخشی مساجد نکته ای در خور توجه است که در برخی از روایات بدان اشارت شده است.

افزون بر آن، آثار مبارک، حضور در مسجد در اوقات مختلف نماز، چنان بر جان آدمی تأثیرگذار است که فضایل بسیاری را برای آدمی رقم می زند. در این راستا، در پایان این بخش، به یک روایت از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بسنده می شود:

«من صل الفجر فی جماعه، ثم جلس یذكر الله عزوجل حتی تطلع الشمس کان فی الفردوس سبعون درجه، بعد ما بین کل درجتین کحضر الفرس الجواد المضمّر سبعین سنه و من صلی الظهر فی جماعه، کان له فی جنات عدن خمسون درجه، بعد ما بین کل درجتین کحضر الفرس الجواد خمسين سنه و من صلی العصر فی جماعه، کان له کاجر ثمانیه من ولد اسماعیل کلهم رب بیت یعتقهم و من صلی المغرب فی جماعه، کان له کحجه مبروره و عمره مقبوله، و من صلی العشاء فی جماعه، کان له کقیام ليله القدر»⁽¹⁾.

2. مسجد، دانشگاه بزرگ علمی - تربیتی دین

از آن هنگام که پیامبر صلی الله علیه و آله برانگیخته شد تا با تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت جهالت و ظلم و ستم را برافکنند، مسجد را به دانشگاه

ص: 150

1- . وسایل الشیعه: ج 8، ص 288 .

گسترده ای بدل نمود که در آن مسلمانان در مراتب مختلف به آموختن و فراگیری قرآن و علوم اسلامی پرداخته و با سلوک و عبادت به کمال والای انسانی دست یابند.

تلاوت قرآن و بازخوانی آیات و حیانی بر مردمان و ارائه آموزه های اخلاقی مسجد را به دانشگاهی بی نظیر بدل نمود که هدف آن تنها تبیین برخی مفاهیم و آموزش برخی اصطلاحات نبود، بلکه هدف آموزش های آن، انسانی سازی و در یک جمله، پرواز دادن انسان از محیط خاک به مقام قرب و لقای خدا بود.

تاریخ نشانگر آن است که جلسات آموزشی پیامبر در مدینه از چنان جاذبه ای برخوردار بود که نمایندگان قبیله ثقیف از دیدن آنها یکه خوردند، از کوشش مسلمانان در فرا گرفتن احکام و معارف، انگشت تعجب به دهان گرفتند.

این نقش و کارکرد همچنان تا آغاز قرن چهارم اسلامی ادامه یافت. زیرا تا آن تاریخ غالباً مساجد در غیر اوقات نماز، حکم مدارس را داشت. اگرچه پس از آن تاریخ با ساخت مدارس و مراکز آموزشی به تدریج آموزش های رسمی به آن مراکز منتقل شد ولی مساجد همچنان تعلیم و تعلم قرآن، حدیث و معارف اسلامی را از راه خطابه و منبر ادامه دادند.

نکته بسیار جالب و قابل توجه آن است که در روایتی که به اسانید متعدد از شش تن از امامان، نقل شده است، یکی از وظایف و کارکردهای مهم مسجد، ارائه علم مستطرف یا مستطرف یعنی دانش نفیس و نو

معرفی شده است. علامه مجلسی علم مستطرف را دانستن بدیع و معرفتی که برای افراد تازه و طریف است، معنا نموده است.

افزون بر آن در این روایت دستیابی بر آیات محکم قرآن یا دانش اصول عقاید و استماع سخنانی که او را به سوی هدایت راهنمایی نموده یا از ضلالت و گمراهی باز می دارد، از مواهب، فوائد و آثار حضور در مسجد بیان شده است. (1)

براستی مگر نه آن بود که پیامبر آیات را در مسجد برای مردم تلاوت می فرمود و هرگاه دو حلقه تفقه و تعلم در یک سو و در سوی دیگر حلقه ذکر و دعا را در مسجد می دید، بی درنگ به حلقه نخست می پیوست و می فرمود: «من برای آموختن مبعوث گشته ام!».

در روایات ثواب رفتن به مسجد برای تعلیم و تعلم برابر حج و عمره کامل و تام ذکر شده است. (2) نقش مسجد در تربیت اخلاقی نیز به گونه ای است که در روایات به کارکرد مهم مصون سازی آدمی در برابر

ص: 152

1- «من اختلف الى المسجد اصاب احدی الثمان: اخا مستفادا فی الله او علما مستطرفا، او آیه محکمه، او یسمع کلمه تدله علی هدی، او رحمه منتظره، او کلمه ترده عن ردی او یتراک ذنبا خشیه او حیاء». هرکس به مسجد همواره رفت و آمد نماید به هشت فایده دست می یابد: به برادری دینی و قابل استفاده یا به دانشی نفیس و طرفه یا آیتی محکم یا شنیدن سخنی که او را به سوی نیکی هدایت نماید یا رحمتی مورد انتظار یا سخنی که او را از زشتی یا از گناه به خاطر خشیت الهی یا حیاء باز دارد. وسایل الشیعه: ج 5، ص 197 .

2- بحار الانوار: ج 1، ص 185 .

گناه توسط مسجد تصریح شده است: «و من دخل المسجد امنت جوارحه ان يستعلمها فی المعصیه».(1)

تشکیل کتابخانه در مسجد و فراهم ساختن زمینه مطالعه و پژوهش کارکرد معرفت آموزانه دیگر مساجد است که خوشبختانه تا هم اکنون اگر چه در حد ضعیفی ادامه یافته است.

بدون تردید کارکرد آموزشی مسجد فقط از طریقی معارفی که در مسجد آموزش داده می شود و با علم حصولی دریافت می گردد، محقق نمی شود، بلکه با آمادگی های روح که فضای معنوی و ملکوتی مسجد فراهم می سازد، می تواند از طریق کشف و شهود با علم حضوری نیز تحقق یابد؛ براین اساس مجاورت مسجد الحرام، مسجد نبوی و مساجد مهم دیگر چون مسجد کوفه و مسجد سهله و اعتکاف در مساجد دیگر از سوی برخی از ارباب معرفت پی گرفته می شد.

3. مسجد، مرکز اصلی ترین تشکیلات حاکمیت سیاسی

به اعتراف همه پژوهشگران تاریخ، پیامبر با بنای مسجد مقدس نبوی، در حقیقت بنیان مرکزیت تشکیلات سیاسی خود را بر نهاد و به تعبیر برخی از پژوهندگان تاریخ، اساسا پیامبر تلاش سیاسی تشکیل حکومت خود را با ساختن مسجد آغاز نمود.

پس از آن نیز همواره مسجد بارزترین مرکز تحقق آیه کریمه

ص: 153

1- . بحار الانوار: ج 70، ص 22 .

«و شاورهم فی الامر فاذا عزم فتوکل علی الله»⁽¹⁾ بود. آری پیامبر اغلب شورای عالی سیاستگزاری کلان و خرد حکومت مقدس خویش را در مسجد تشکیل می داد و بدینسان بود که برتری سیاست های بنیاد شده

بر فضای ملکوتی مسجد را به همگان آموخت و الگویی بی نظیر برای همیشه تاریخ در اداره امور مردم پی نهاد. متون تاریخی را بنگرید، در طول دوران خلفا و به ویژه پس از قتل خلیفه سوم مردم در مسجد اجتماع نموده و با ذکر فضایل امام علی علیه السلام، به درب خانه آن حضرت هجوم آورده تا با او بیعت کنند.

بدون شک شکل گیری و هدایت انقلاب اسلامی از مساجد یکی از مصداق های روشن پیروی از آن اسوه حسنه و بی همانند است؛ امام خمینی رهبر فقید انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی چه زیبا و جامع به این کارکرد مهم مسجد اشاره فرموده اند:

«مسجد محلی است که از مسجد باید امور اداره بشود. این مساجد بود که این پیروزی را با رأی ملت ما درست کرد»⁽²⁾.

اهمیت سیاسی مساجد به گونه ای است که امام خمینی در سخنی دیگر می فرمایند: «پیروزی ما برای اداره مساجد است؛ مراکزی که مراکز بسط حقیقت اسلام است، بسط فقه است و آن مساجد است»⁽³⁾.

ص: 154

1- . سوره آل عمران: آیه 159 .

2- . صحیفه نور: ج 12 ، ص 230 - 234 .

3- . صحیفه نور: ج 12 ، ص 230 - 234 .

گفتنی است اداره امور سیاسی از مساجد، اصول، ساختار تشکیلات اهداف، متد و روش های ویژه و خاصی دارد که با حاکمیت های دیگر تفاوت های چنان بنیادین را رقم می زدند که می توان گفت: تشابه آنان در اطلاق واژه حکومت بر همه آنها است و بس.

براستی خدا محوری، خدمت رسانی صادقانه به مردم، ایجاد امنیت واقعی، رعایت حقوق، ساده زیستی و پرهیز از تکلف، قاطعیت براساس فرمان الهی، اعتمادسازی و ایثار کجا و ثروت مداری و زور محوری کجا؟ اکنون نیز نمی توان مصداقی زیباتر از مساجد برای تحقق دقیق مردم سالاری دینی و تعامل دولت و ملت یافت!

گفتنی است در نظریه های سیاسی معاصر که پشتوانه اصلی و بنیادین حکومت ها، مردم معرفی می شوند، مسجد به عنوان همایش و گردهمایی دائمی روزانه مسلمانان یکی از مراکز اصلی قدرت سیاسی جوامع اسلامی است که متأسفانه به این نقش و کارکرد عظیم توجهی در خور و متناسب مبذول نشده است.

گفتنی است انجام امور حسبیه که هم اکنون بخشی از وظایف شهرداری، نیروی انتظامی و دادستانی را در بر می گیرد در مسجد صورت می گرفت و محتسب برای رسیدگی به این امور در مسجد جامع شهر حضور می یافت.

4. مسجد جایگاه قضاوت و گسترانیدن عدالت

برپا داشتن مردمان به عدالت یکی از مأموریت های اصیل پیامبران بوده است. بر همین اساس در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدگی به بسیاری از مسایل حقوقی در مسجد صورت می پذیرفت. این سنت در دوره خلفا نیز ادامه یافت. دکه القضاة مسجد کوفه که کیفیت حضور امام علی علیه السلام در آن نیز قابل توجه بوده است، شاهد و یادآور قضاوت های عدالت محور و شگفت انگیز امام علی علیه السلام بوده است.

در دوران های سپس تر، اگرچه به دلیل پیچیدگی های اجتماعی در این راستا فراز و نشیب های بسیاری طی شده است، اما باز هم کم و بیش این کارکرد مهم توسط مساجد ادامه یافته است. به عنوان نمونه در دوران خلفای فاطمی و حکومت های مختلف عراق و دمشق قاضی القضاة در کنار مسجد جامع سکونت می یافت و در آن به رسیدگی امور قضایی و حقوقی می پرداخت.

5. مسجد ستاد فرماندهی جهاد و سنگر دفاع

در صدر اسلام تحریض مؤمنان برای حضور در جنگ و فراخوان لشکریان اسلام به سوی جهاد، بسیج عمومی مسلمانان برای جهاد با کفار، تشکیل شورای نظامی و طراحی و برنامه ریزی عملیات در مسجد صورت می پذیرفت و مسجد حرکت و تلاش آفرین بود.

مسجد نه تنها به نقطه عزیمت جهاد، بلکه نقطه فرود آن نیز بوده

است. پیامبر پس از بازگشت از جهاد نخست به مسجد رفته، پس از اقامه دو رکعت نماز به خانه خود می رفتند.

6. مسجد پایگاه بزرگ تمدن و فرهنگ اسلامی

در دوران نبوی انشاء شعر از سوی ادیبان مسلمان و اصلاح آن توسط پیامبر در مسجد صورت می پذیرفت و محفل ادبی برگرفته از آموزه های اسلامی، مسجد را به کانون رشد و تعالی ادب دینی بدل نمود.

علاوه بر آن رویکرد مشتاقانه هنرمندان مسلمان به ثبت ذوق هنر دینی خود در معماری مسجد، این خانه های خدا را به مجلای هنر و تمدن زیبای مسلمانان بدل ساخته است و اکنون هیچ پژوهشگری نمی تواند بدون مراجعه به مساجد به مطالعه هنر اسلامی پردازد؛ به همین جهت حفظ آثار هنری مسلمان نیز از طریق مساجد صورت پذیرفته است.

براین اساس مسجد در طول تاریخ پایگاه وحدت دل ها برای اسلامی کردن فرهنگ جامعه و عامل درک صحیح و تعمیق و رشد فرهنگ اسلامی در میان جوامع بوده است.

7. مسجد عامل بهبود ارتباطات اجتماعی

یکی از نقش و کارکردهای مهم مسجد در طول تاریخ، تنظیم، اصلاح و بهبود ارتباطات اجتماعی بوده است زیرا شکل گیری دوستی در فضای ملکوتی مسجد و تحکیم وحدت و همدلی آحاد یک محل با حضور در

مسجد رقم می خورد. آشنایی با یکدیگر، در یک صف سر به سجده عبودیت حق نهادن، آشنایی با امکانات و مشکلات یکدیگر و تلاش برای حل آن نه تنها پیوندهای عمیق عاطفی را مستحکم می سازد، بلکه بر فضای کلی مناسبات اجتماعی تأثیری بس عمیق و نیکو می نهد. همگان می دانیم که دوست در شکل گیر شخصیت و سعادت آدمی بویژه در دوران جوانی و نوجوانی تأثیر اساسی دارد. در روایات یکی از حداقل های آثار رفتن به مسجد یافتن دوستی نیکو و الهی بر شمرده شده است.

آری مسجد حلقه اتصال خدا با مردم از یک سو و حلقه اتصال مردم با مردم از سوی دیگر و حلقه اتصال مردم با حکومت از سوی سوم است.

همه می دانیم که اکنون یکی از مشکلات کنونی جوامع بشری فقدان روابط، مناسبات صحیح اجتماعی است که می توان آن را در جوامع اسلامی از طریق مساجد درمان نمود.

8. مسجد، نماد حضور اجتماعی زنان

در عصر بعثت و در محیطی که وجود زن با دیدگاهی کژ اندیشانه، ننگ و عار تلقی می شد. [\(1\)](#) پیامبر صلی الله علیه و آله افزون بر تلاش برای تغییر دیدگاه جهانیان با فراخوان زنان به حضور در مسجد و توصیه مردان به عدم

ص: 158

1- . سوره نحل: آیه 58 .

ممانعت از حضور آنان، گام های نخستین فضا سازی لازم برای حضور و مشارکت اجتماعی زنان را برداشت.

برخورداری زنان از تعالیمی که در مسجد ارائه می شد و پرسش هایی که از پیامبر می نمودند، سطح آگاهی های زنان را افزون ساخت و زمینه لازم برای احقاق حقوق واقعی زنان را فراهم ساخت و با محقق نمودن بیعت با زنان در مسجد، مشارکت اجتماعی زنان را برای جهانیان آشکار ساخت.

ضرورت احیای نقش و کارکردهای مساجد

اکنون که جامعه بشری پس از تجربه مکاتب و ایسم های بشری، از آنها طرفی نبسته و از شعارهای تو خالی آنها خسته شده است و تلخ کامی فقدان معنویت را با عطشی التهاب آمیز، تجربه نموده و و همچنان با تشنه کامی در پی یافتن پاسخ پرسش های عمیق خویشتن است! اکنون که جامعه بشری در پی مناسبات نوینی است که ارتباط وی را با مبدا هستی برقرار ساخته و معاد او را در بهترین شکل ممکن رقم بزند، اکنون که چهره کربیه فقر، آدم کشی، استثمار، استعمار، استحمار در قالب های نوین همچنان چالش بزرگ بشریت قرن معاصر است، اکنون که اکثر حاکمان جهان معاصر در زیر لوای شعارهای آزادی و حقوق بشر، عدالت را فدای منفعت می کنند و ظالمانه بر مردم حکم می رانند، اکنون که در ظلمات فضای فرهنگی مبتنی بر سکس و خشونت، بشریت نیاز به بازگشت به خویشتن برای یافتن آرامش معنوی را به شدت احساس می کند،

ص: 159

ضرورت احیای نقش و کارکردهای مختلف مساجد بیش از گذشته، محسوس می باشد. بنابراین احیای کارکردهای عظیم مساجد یک ضرورت انسانی اسلامی است و می تواند راه نجات بشریت معاصر باشد.

بدین سان باید مساجد به همان کیفیت پیشین و در عالی ترین شکل ممکن مورد بهره برداری قرار گیرند و به عنوان مهمترین سنگر حفظ اسلام و انقلاب اسلامی در خدمت دین و ترویج و نشر معارف و فرهنگ غنی اسلام و پیام و رهنمودهای حیات بخش ائمه معصومین علیهم السلام و تأمین سعادت و ارتقای اندیشه و فرهنگ مسلمین و صیانت از دستاوردهای انقلاب و خون های شهیدان باشند.

راهکارهای احیای نقش و کارکردهای مساجد در دوران معاصر

برای احیای مجدد نقش و کارکردهای اساسی پیشین مساجد می بایست اقداماتی را در چهار حوزه ذیل، به اجرا گذاشت که فقط به آنها اشاره می شود:

الف: ساماندهی و مدیریت

1. یکی از مشکلات اساسی کنونی، عدم وجود یک سازمان منظم برای سرپرستی تمامی امور مساجد است؛ زیرا وجود تشکیلات موازی که هر یک به نحوی در امور مساجد خود را دارای مسئولیت و حق اعمال نظر می داند مشکلات بسیاری را ایجاد نموده است. براین اساس پیشنهاد

ص: 160

می شود «سازمان مساجد» تشکیل و سازمان اوقاف، وزارت ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی و بسیج با هماهنگی این سازمان فعالیت های خود در مساجد را شکل دهند.

2. تشکیل شورای عالی مساجد متشکل از رئیس جمهور، مدیر حوزه علمیه قم، وزیر فرهنگ و ارشاد، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، رئیس دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، رئیس شورای سیاست گذاری ائمه جمعه، رئیس سازمان ملی جوانان و رئیس سازمان مساجد و سه تن از ائمه جماعات موفق و آشنا به مسائل و مشکلات ائمه جماعات.

3. ساماندهی، برنامه ریزی همه جانبه و مدیریت منظم امور مختلف مساجد.

ب: مسؤولان و کارگزاران مساجد

1. تأسیس دانشگاه مسجد برای تربیت کادر مورد نیاز مساجد همچون امام جماعت، خادم، مبلغ، موزن و معلم قرآن کریم.

2. تهیه و تدوین نظام گزینشی، آموزشی و خدماتی برای همه مسؤولان و کارگزاران مساجد و ارائه یک برنامه مداوم برای آنان.

3. تهیه و تنظیم و پیش بینی و تأمین بودجه مناسب برای پرداخت حقوق افرادی که در مساجد به کار گمارده می شوند.

4. بررسی وضع موجود کارگزاران مسجد و باز نشستگی کردن

ص: 61

کارگزاران پیر و از کار افتاده و جایگزین نمودن انسان های آموزش دیده به جای آنان.

5. برگزاری اردو، همایش و کارگاه های آموزشی مقطعی برای

کلیه مسؤولین و کارگزاران مساجد.

ج: عمران، امور ساختمانی، بهداشت و هزینه جاری مساجد

1. تأسیس مساجد متناسب با جمعیت مناطق جدید و همچنین در میان راه های ارتباطی بین شهرها و در نظر گرفتن بودجه آن در هر سال در بودجه عمومی کشور.

2. توسعه فضای مساجد متناسب با توسعه فضای شهرسازی در کشور.

3. طراحی نقش های تپ در مساحت های مختلف مشتمل بر امکانات جانبی، متناسب با نیازهای جدید.

4. اختصاص بخشی از بودجه فرهنگی کشور به تأمین هزینه های مساجد در مناطق فقیرنشین.

5. توجه جدی به زیباسازی و نظافت، سرویس های بهداشتی، نور، وسایل گرمایشی و سرمایشی و تهویه مطبوع.

6. تأمین هزینه های جاری همچون آب و برق و گاز بویژه در مناطق فقیرنشین.

د : نهادینه ساختن نقش و کارکردهای مساجد به شکل قانونی

1 . ضرورت تدوین قوانین و آئین نامه هایی که در آن بخشی از نقش های اجتماعی و مدنی به مساجد واگذار شود.

2 . تدوین برنامه جامع آموزش قرآن در مساجد برای کلیه سنین و ایجاد کلاس های مختلف علمی در مساجد براساس یک برنامه دقیق متناسب با نیازهای جوانان برای بازگرداندن نقش آموزشی مساجد.

ص: 147

3. تجهیز کتابخانه ها و تشکیل نوارخانه و ارائه فیلم های آموزشی و لوح های فشرده قرآنی و دینی.

4. تشکیل شورای حل اختلاف در مساجد مرکزی هر محله، برای خاتمه بخشیدن به اختلافات محلی.

5. جمع آوری کمک های نقدی و غیرنقدی و تحت پوشش قرار دادن نیازمندان محلی، با هماهنگی کمیته حضرت امام قدس سره، بهزیستی، سازمان تأمین اجتماعی و ...

در پایان هشدار امام مسجدیان را بشنویم که فرمود:

«از فانتوم های آمریکایی نترسید، از خالی شدن مساجد بترسید!».

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته.

ص: 163

عزّت الله واعظی

اتحاد و یکپارچگی، وحدت کلمه و همبستگی مسلمانان موضوعی است که همواره مورد توجه و توصیه خدا و رسول و سفارش اکید پیشوایان معصوم دین علیهم السلام بوده است؛ چنان که حضرت حق در کتاب هدایتش، قرآن، همه پیروان دین حنیف را به تقوای حقیقی و ثبات قدم در اسلام و اتحاد، اجتماع و اعتصام به ریسمان محکم الهی فرا می خواند و از اختلاف و تفرقه نهی و آثار زیانبار و پیامدهای ناگوار آن را بیان می کند و می فرماید:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا » (1) ای کسانی که ایمان آورده اید، از

ص: 165

خدا بترسید - آنچنان که شایسته خدا ترس بودن است - تا نمیرید جز به دین اسلام و همگی به رشته محکم دین خدا (قرآن و عترت) چنگ زیند و به راه های متفرق نروید.

مسجد؛ محور وحدت مسلمانان

در اسلام، عوامل وحدت و همگرایی مسلمانان فراوان است که در ذیل به برخی از آن ها اشاره می شود:

1. وحدت حول محور ارزش های انسانی؛

2. وحدت حول محور ایمان؛

3. وحدت حول محور اسلام؛

4. وحدت حول محور امامت و ولایت؛

5. وحدت حول محور مسجد.

مساجد؛ مراکز هدایت و عبادت

مسجد نخستین خانه ای است که برای هدایت و عبادت و پرستش پروردگار عالم در زمین و کسب آرامش بنا شده است.

« إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٍ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا »؛ (1) اولین خانه ای که در زمین برای

ص: 166

عبادت و نیایش مردم تأسیس شد خانه ای است که در مکه بنا گردید که آن خانه مشحون از برکت و موجب هدایت جهانیان است و در آن نشانه های روشن خداپرستی و توحید است؛ از جمله مقام ابراهیم، و هر کس در آن داخل شود امان یابد.

آری! کعبه، مسجدالحرام و یا هر مسجد دیگر که به نام خدا و برای خدا تأسیس شده و می شود باید در خدمت مردم و بندگان او باشد و آنچه که در خدمت بندگان خدا و توده های مردم باشد برای خدا محسوب می گردد.

مساجد خانه های خدا در زمین و محل عبادت پروردگار و بهترین عبادتگاه بندگان خدا و کانون آرامش و قداست و معنویت می باشند.

مساجد از آن خدا و مردم بندگان خدایند، و خانه خدا متعلق به همه بندگان است؛ چنان که در آیات و روایاتی چند به این حقیقت اشاره شده است.

« وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا »؛ (1) به درستی که مساجد از آن خداست. پس در آن احدی را با خدا نخوانید و کسی یا چیزی را در ردیف خدا در مقام عبادت و پرستش قرار ندهید و یا حاجت نخواهید.

عبادت و بندگی و سرسپردگی تنها خدای را سزااست و تعظیم و سجده بایسته اوست:

ص: 167

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ » (1) ما اینکه مراد از مساجد در آیه 17 سوره جن چیست، تفاسیر گوناگونی از سوی مفسران ذکر گردیده است؛ از جمله: مکان هایی به عنوان «مسجد» از آن یاد می شود و مصداق اتم و اکمل آن مسجدالحرام می باشد. مصداق دیگر آن، مساجد مختلف در هر کوی و برزن است و مصداق گسترده تر آن، تمام نقاط زمین و امکانه ای است که مؤمنان در آنجا نماز می خوانند و برای خدا سجده می کنند، چنان که نبی خاتم صلی الله علیه و آله فرمود:

«جعلت لى الارض مسجدا و طهورا»؛ (2) جاهای زمین برایم سجده گاه و وسیله طهارت (تیمم) برای من قرار گرفته است. بنابراین، زمین متعلق به همه انسان ها و مساجد از آن همه بندگان مؤمن خداست.

اولین بناکننده مسجد

نخستین بناکننده مسجد در عالم، آدم ابوالبشر علیه السلام بود. برابر آنچه که در منابع اسلامی می خوانیم و تاریخ اسلام به ما بازگو می کند، کعبه که در زیر عرش پروردگار قرار دارد، دو هزار سال پیش از خلقت آدم علیه السلام به عنوان کانون عبادت و مطاف فرشتگان در زمین بوده است و با آفرینش آدم علیه السلام و پیدایش او در زمین، این خانه به دست او بنا شد در حالی که هیچ خانه ای

ص: 168

1- . بقره: 21 .

2- . وسائل الشیعه، ج 2، ص 270 .

در اطراف کعبه وجود نداشت و بنای این مسجد سبب گردید تا مردم به تدریج در اطرافش اجتماع کنند و در نخستین مسجد روی زمین به عبادت و راز و نیاز پردازند.

پس از حضرت آدم علیه السلام، در جریان طوفان نوح علیه السلام بنای کعبه و مسجدالحرام آسیب دید تا آنکه به وسیله ابراهیم خلیل الرحمان تجدید بنا گردید. بعدها با گذشت زمان، با راهنمایی برگزیدگان الهی مسجدالحرام توسعه یافت؛ چنانکه منصور دوانیقی، خلیفه عباسی، بر اثر کثرت حجاج تصمیم گرفت مسجدالحرام را توسعه دهد. از این روی، از مردمی که در اطراف مسجدالحرام خانه داشتند، خواست که خانه هایشان را خریداری کند، ولی آنان به هیچ قیمتی حاضر به فروش نشدند. منصور در تنگنا قرار گرفت، در این باره از امام صادق علیه السلام سؤال کرد.

امام علیه السلام در پاسخ فرمود: غمگین مباش، در این رابطه دلیل روشنی در کتاب خدا هست که می توانی به آن استدلال کنی.

پرسید: کدام دلیل؟

امام صادق علیه السلام فرمود: به آیه «ان اول بیت وضع للناس...» استدلال کن؛ زیرا خداوند در این آیه می فرماید:

نخستین خانه ای که برای مردم ساخته شد، خانه کعبه بود. بنابراین، اگر ساکنان اطراف کعبه، پیش از بنای کعبه خانه ساخته بودند، آن ها می توانستند خانه هایشان را بفروشند، ولی وقتی تأسیس و ساخت کعبه جلوتر بوده، حریم آن تا آنجا که مورد نیاز مؤمنان و زائران بیت الله الحرام باشد، متعلق به کعبه است.

ص: 169

نخستین اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله

نخستین اقدام رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از هجرت به مدینه، ساختن مسجد برای اجتماع مردم بود.

پیامبر و همراهان در مسیر هجرت از مکه به مدینه، روز دوشنبه 12 ربیع الاول به قبا، در دو فرسخی مدینه، مرکز قبیله بنی عمرو بن عوف رسیدند و در منزل بزرگ قبیله (مکثوم بن الهدم) فرود آمدند. گروهی از مهاجرین و انصار نیز در انتظار مرکب رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله تا آخر هفته در آنجا توقف داشتند و در همین فاصله کوتاه، پیامبر «مسجد قبا» را برای قبیله بنی عوف پایه گذاری فرمودند. (1)

مساجد؛ محل اجتماع نخبگان جامعه

مسجد محل اجتماع بزرگان قبایل و نیکان و نخبگان جامعه است.

«عن ابی عبداللہ علیہ السلام قال یا فضل لا یأتی المسجد من کل قبیله الا وافدها و من کل اهل بیت الا نجیبها، یا فضل لا یرجع صاحب المسجد باقلّ من احدى ثلاث خصال اما دعاء یدعوا به یدخله اللّٰه به الجنه و اما دعاء یدعوا به فیصرف اللّٰه عنه به بلاء الدنیا و اما اخ یتستفیده فی اللّٰه». (2)

ص: 170

1- . فروغ ابدیت، ج 11، ص 361 .

2- . وسائل الشیعه، ج 3، ص 477 .

امام صادق علیه السلام فرمود: به مسجد نمی آید از هر قبیله ای، مگر نماینده آنان و از هر خانواده ای، مگر بهترین آنان. ای فضل، از مسجد کسی مراجعت نمی کند، مگر آنکه دست کم سه چیز به دست می آورد:

1. دعایی کرده که خدا به برکت آن دعا او را وارد بهشت می نماید.

2. دعایی نموده که خداوند بلایی را از او در دنیا رفع می کند.

3. دوست و برادری به دست می آورد که به او در مسیر رضای خدا فایده می رساند.

مساجد؛ مرکز حضور فراگیر

یکی دیگر از جلوه های «مسجد؛ نماد وحدت و همگرایی مسلمانان»، حضور افراد خیرخواه و صاحبان درک و فهم و دلسوز به سرنوشت جامعه است.

از نظر پیشوایان دین اسلام، مسلمانان که اهل مسجد نبوده و در قبال سرنوشت جامعه احساس مسؤولیت نمی کنند، سایر مسلمانان نباید با آنان اختلاط و معاشرت داشته باشند.

چنان که از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

«ان امیر المؤمنین علیه السلام بلغه ان قوماً لا یحضرون الصلوه فی المسجد فخطب فقال: ان قوماً لا یحضرون الصلوه معنا فی مساجدنا فلا یواکلونا ولا یشاربونا ولا یشاورونا ولا یناکحونا ولا یأخذوا من فیئنا شیئاً او یحضروا»

ص: 171

معنا صلوتنا جماعه و انی لاوشک ان امر لهم بنار تشتعل فی دورهم فاحرق علیهم او ینتهون.

قال: فامتنع المسلمون عن مؤاکلتهم و مشاربتهم و مناکحتهم حتی حضرو الجماعه مع المسلمین» (1).

به امیرالمؤمنین علیه السلام خیر رسید که گروهی از مسلمان ها در نماز جماعت مسجد حاضر نمی شوند. آن بزرگوار برای مردم خطبه ای ایراد کرد و فرمود: گروهی در نماز با ما حاضر نمی شوند و در اجتماع ما مسلمانان حاضر نمی گردند با آنکه خود را مسلمان و نمازخوان می دانند (و ظاهراً هم اهل نماز بودند، ولی در مسجد و جماعت شرکت نمی کردند) نباید با آنان همسفره و هم غذا شد و یا با آنان چیزی نوشید و با آنان نباید مشورت نمود و به آنان نباید زن داد و یا از آنان زن گرفت و نباید از آنچه از بیت المال در دست ماست، استفاده کنند مگر آنکه با ما در نماز جماعت مسجد شرکت نمایند.

نزدیک است اگر از کار خود دست برندارند فرمان دهم تا خانه های آنان را با آتش بسوزانند.

مساجد؛ محل اعتکاف

«اعتکاف» از جمله عبادات بسیار ارزشمند جمعی است که تحت شرایطی باید حتماً در مسجد برگزار شود، آن هم مسجد جامع که از اجتماع باشکوه تری برخوردار است؛ چنان که امام ششم علیه السلام فرمود:

ص: 172

«لااعتكاف الا في مسجد جماعه قد صلى فيه امام عدل بصلوه جماعه» (1).

اعتكاف محقق نمی شود، مگر در مسجد جامع که امام عادل در آن نماز جماعت می خواند.

مساجد؛ معبد عبادت جمعی

یکی دیگر از زیباترین و شکوهمندترین جلوه های وحدت و همگرایی مسلمانان برپایی نماز جماعت در مسجد است که در فرهنگ اسلام چیزی از آن بالاتر و با اهمیت تر نیست.

نماز جماعت که عبادت دسته جمعی است، نمایشگر شکوه و اقتدار و تجلی وحدت و هیبت مسلمانان می باشد. مسلمانان در اجرای فرمان پروردگار عالم صرف نظر از تفاوت های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در صفوفی متحد و به هم فشرده، در کنار یکدیگر در پیشگاه حضرت باری تعالی، به عبادت و نیایش می پردازند. این عبادت جمعی پیراسته از شائبه فاصله های طبقاتی و امتیازات نژادی و رنگ و زبان به حدی ارزشمند و پرفضیلت است که مقدار ثواب آن قابل احصاء نمی باشد! چنان که به روایت ابی سعید خدری در حدیثی نسبتاً مفصل از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که پیامبر فرمود:

پس از نماز ظهر، جبرئیل با هفتاد هزار فرشته نزد من آمد و گفت:

ص: 173

ای محمد صلی الله علیه و آله پروردگارت به تو سلام می رساند و دو هدیه که آن ها را به هیچ یک از پیامبران قبل از تو نداده، برای شما فرستاده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آن دو هدیه چیست؟

جبرئیل گفت: سه رکعت در نماز شب (دو رکعت شفع و یک رکعت وتر) و نمازهای پنج گانه را به جماعت خواندن.

پیامبر صلی الله علیه و آله به جبرئیل فرمود: خداوند چه پاداشی برای امت من در نماز جماعت قرار داده است؟

جبرئیل گفت:

«اذا كانا اثنين كتب الله لكل واحد بكل ركعه مائه و خمسين صلاه، و اذا كانوا ثلاثه كتب الله لكل منهم بكل ركعه ستمائه صلاه، و اذا كانوا اربعة كتب الله لكل واحد بكل ركعه الف و مائتي صلاه، و اذا كانوا خمسه كتب الله لكل واحد بكل ركعه الفين و اربعمائه صلاه.

و اذا كانوا سته كتب الله لكل واحد منهم بكل ركعه اربعه آلاف و ثمانمائه صلاه. و اذا كانوا سبعة كتب الله لكل واحد منهم بكل ركعه تسعه عشر آلاف و ستمائه صلاه، و اذا كانوا ثمانية كتب الله لكل واحد منهم بكل ركعه تسعه عشر الف و مائتي صلاه، و اذا كانوا تسعه كتب الله تعالى لكل واحد منهم بكل ركعه ستمائه صلاه، و اذا كانوا عشر كتب الله تعالى لكل واحد بكل ركعه سبعين الف و الفين و ثمانمائه صلاه فان زادوا على العشره فلو صارت السماوات و الارض كلها قرطاسا و البحار مدادا، و الاشجار اقلاما، و الثقلان مع الملائكه

ص: 174

اگر در نماز جماعت، نمازگزاران دو نفر باشند، خداوند برای هر کدام از آنان در هر رکعت ثواب یکصد و پنجاه نماز می نویسد، و اگر سه نفر بودند، برای هر یک رکعت ثواب 600 رکعت نماز، و اگر چهار نفر بودند، یک هزار و دویست نماز، و اگر پنج نفر بودند، دو هزار و چهارصد و اگر شش نفر بودند، چهار هزار و هشتصد نماز و اگر هفت نفر بودند، نه هزار و ششصد نماز، و اگر هشت نفر بودند، نوزده هزار و دویست، و اگر نه نفر بودند پاداش سی و شش هزار و چهارصد نماز (در نامه اعمال آنان) نوشته و ثبت می کند، پس اگر تعداد نمازگزاران به جماعت از مرز ده نفر بگذرد، اگر همه آسمان و زمین کاغذ شوند و همه دریاها مرکب شده و درختان قلم شوند و جن و انس و فرشتگان نویسنده گردند، هرگز قادر نخواهند بود ثواب یک رکعت از نماز جماعت را بنویسند.

جالب است که حتی اگر نماز به جماعت، در منزل اقامه شود و افراد به دلیل بی رغبتی به مسجد و بی اعتنائی به اجتماع مسلمانان، بدون هیچ گونه عذر موجهی از شرکت در مسجد خودداری ورزیده باشند، نماز جماعت شان ارزشی نخواهد داشت، چنان که از امام هشتم علیه السلام نقل شده که فرمود:

«من صلی فی بیته رغبه من المسجد فلا صلوه له ولا لمن صلی معه الامن

ص: 175

کسی که در خانه اش نماز بگذارد و به نماز جماعت در مسجد به خاطر بی میلی نسبت به مسجد شرکت نکند، نمازش نماز نیست و نماز کسانی هم که به او اقتدا کرده اند ارزشی ندارد، مگر آنکه نیامدشان به مسجد به دلیل موجهی باشد که از رفتنشان به مسجد منعشان نموده باشد.

مساجد؛ کانون تفاهم و همدلی

از دیگر نمادهای وحدت مسلمانان با محوریت مساجد این است که مسجد کانون تفاهم و نزدیک شدن دل ها به هم و مرکز با خبر شدن مؤمنان از حال برادران دینی و رسیدگی به مشکلات یکدیگر است.

این امر به حدی حایز اهمیت است که در صدر اسلام اگر مسلمانی چند روز به مسجد نمی آمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله با اصحابش به سراغ او رفته و جوایای حالش می شدند، اگر مشکلی داشت، مشککش را حل می فرمودند.

اساساً یکی از انگیزه های تجمع مسلمانان در مرکزی به نام مسجد برای دفع و رفع مشکلات آحاد جامعه اسلامی و اصلاح امور مسلمانان است. در سیره عملی پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز نمونه های گره گشایی و حل مشکلات مردم فراوان به چشم می خورد که حکایت زیر از جمله

ص: 176

آن است:

«قال میمون بن مهران كنت جالسا عند الحسن بن علي عليه السلام فاتاه رجل فقال له يا بن رسول الله، ان فلانا علي مال و يريد ان يحبسني فقال عليه السلام و الله ما عندي مال فاقضني عنك.

قال: فكلمه.

قال: فلبس نعله فقلت له يا بن رسول الله انسيت اعتكافك؟ فقال له لم انس و لكتني سمعت ابي عليه السلام يحدث عن جدی رسول الله صلی الله علیه و آله انه قال: من سعی فی حاجه اخیه المسلم فكانما عبد الله عزوجل سته آلاف صائماً نهاره قائماً ليله» (1).

میمون بن مهران می گوید با امام مجتبی علیه السلام نشسته بودیم، امام در مسجد معتکف بود، مردی آمد و عرض کرد: ای پسر رسول خدا! فلانی از من مالی طلبکار است و از من شکایت کرده و قصد دارد مرا به زندان بیفکند.

امام حسن علیه السلام فرمود: به خدا سوگند مالی نزد من نیست تا دین تو را ادا کنم. آن شخص گفت: ای پسر رسول خدا پس بیا با او حرف بزن بلکه به احترام شما به من مهلت دهد.

راوی می گوید:

امام بلافاصله حرکت کرد و کفش خود را پوشید. من گفتم:

ص: 177

ای پسر رسول خدا، آیا فراموش کرده ای که معتکف هستی؟ فرمود: خیر ولکن از پدرم، از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: هر کسی که در برآورده شدن حاجت برادر مسلمانی سعی و تلاش نماید، گویا نه هزار سال خدا را عبادت کرده؛ عبادتی که روزها را روزه داشته و شب ها را تا صبح به نماز مشغول بوده است.

مساجد حقیقی

ناگفته نماند مسجدهای نماد وحدت و مرکز تجمع مسلمانان خواهد بود که برابر آموزه های وحیانی، دارای دو شرط اساسی باشد.

الف: بنیان و شالوده آن از آغاز پاک و پاکیزه بوده و برای تحقق هدفی مقدس تأسیس شده باشد.

ب: دست اندرکاران و گردانندگان و اداره کنندگان، انسان هایی با ایمان و وارسته و درستکار باشند.

چنان که خداوند حکیم در قرآن می فرماید:

« لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسَ جِدُّ أُسَسٍ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ » (1) هرگز در آن مسجدهای که بر پایه هوای نفس بنا شده به عبادت برنخیز! آن مسجدهای که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده شایسته تر است که در آن به عبادت بایستی، در

ص: 178

آن مردانی هستند که دوست می دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد.

مسجد ضرار

دشمنان با توجه به ظرفیت ها و کارکردهای مسجد و نقش عمیق و گسترده و تأثیرگذاری شگرف آن، برای ایجاد اختلاف و تفرقه در میان مسلمانان، علاوه بر روش مقابله مستقیم، به شیوه مذهب، علیه مذهب که ترفند دشمنان اسلام از دیرباز تا به امروز بوده، بهره جسته و یا اقدام به تأسیس مراکز دینی و یا مسجد می نمایند. در طول تاریخ و حتی امروزه نیز در گوشه و کنار ایران و جهان این سنت سیئه ادامه داشته و دارد که هدف پلید آنان پاشیدن بذر تفرقه در میان مسلمانان می باشد. چنان که فلسفه تأسیس مسجد ضرار در عهد رسول الله همین بوده است.

عده ای از منافقین نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند و اجازه خواستند مسجدی نزدیک مسجد قبا در مدینه بسازند تا افراد ناتوان و بیمار و سالخورده در آن نماز بگذارند!

آنان از پیامبر صلی الله علیه و آله که عازم جنگ تبوک بود، خواستند که در مسجدشان نماز بگذارد! در بازگشت از جنگ تبوک نیز قبل از ورود رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه، به استقبال حضرت آمده و درخواست نمودند که پیامبر صلی الله علیه و آله به مسجد آنان برود. جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و پرده از کار آن ها برداشت و نیت شوم آنان را بیان داشت. پس از آن پیامبر دستور داد مسجد مزبور را آتش زده و بنای باقی مانده آن را ویران نمایند و جای

آن را محل ریختن زباله های شهر قرار دهند! در این رابطه قرآن می فرماید:

« وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»؛ (1) گروهی دیگر از مخالفان، کسانی هستند که مسجدی ساختند به قصد اضرار به مسلمین و تقویت کفر و ایجاد تفرقه میان مؤمنان و کمین گاهی برای کسانی که با خدا و پیامبرش از قبل مبارزه کرده بودند و آن ها سوگند یاد کرده اند که انگیزه ای جز نیکی و خدمت نداشته ایم، اما خداوند گواهی می دهد که آن ها دروغگویند.

تلاش دشمنان

فلسفه ظهور و رخ نمودن متنبیان فرصت طلب و فریبکاری همچون مسیلمه کذاب و سجاح نصرانی که قبل و بعد از ظهور پیامبر عظیم الشأن اسلام، در برابر پیامبران و برگزیدگان راستین الهی رخ نمودند و نیز پیدایش

مذاهب گوناگون استعماری در برابر مذهب حقه، جز این نبوده است که به نام دین و گرایش های مذهبی تدریجاً افکار و اندیشه مردم را مطابق طرح های شیطانی شان جهت داده و مردم را در مسیر دلخواهشان سوق دهند.

ص: 180

با سیری در روش‌ها و شیوه‌های «نئوکلیالیسم» به ویژه پس از «رنسانس» در مغرب زمین، برای مقابله با اسلام بخصوص در دهه‌های اخیر (دهه‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران)، در می‌یابیم که این همه گفته‌ها و نوشته‌ها و کتب ضاله علیه اسلام و مذهب تشیع و تحریف عقاید مسلمانان که بعضاً به عنوان کتاب سال جوایز هنگفتی هم دریافت می‌دارند و متأسفانه برخی از روشنفکر نماهای مرعوب و وابسته که ژست علمی به خود گرفته و با استخدام چند واژه علمی و بزک کرده، آواگر اندیشه آن‌ها در مراکز علمی - آموزشی و رسانه‌های جمعی داخل کشور می‌شوند و مباحثی همچون: پلورالیسم دینی، سکولاریسم، قرائت‌های جدید و متنوع از دین، صراط‌های مستقیم، فردی و خصوصی بودن دین، استفاده از عقل جمعی برای اداره اجتماع، و... را طرح می‌نمایند، همه و همه بدان جهت است که از طریق به بازی گرفتن عقاید و باورهای مردم بتوانند موجبات وهن دین و القای ناکارآمدی دین را فراهم نمایند.

بنابراین، یکی از حربه‌های مؤثر در مقابله با دین و ایجاد تفرقه در میان مسلمانان، ساختن مسجد برای کوبیدن مسجد و ایجاد شکاف در صفوف مسلمانان است؛ چنان که مسجد ضرار در صدر اسلام به همین منظور پایه‌گذاری گردید و رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور ویرانی آن را صادر فرمود. از این رو، هر مسجدی که موجب تفرقه بین مسلمانان شود مسجد ضرار است و باید ویران گردد.

و هر کس که سعی در کم رنگ کردن کارایی مساجد و کاستن رونق و آبادانی آن ها و نیز ایجاد تفرقه و اختلاف و شکستن وحدت و اخوت اسلامی و از بین بردن اتحاد و همبستگی مسلمانان را داشته باشد از ستمکارترین افرادی است که مانع ذکر خدا و سبب گسستن رابطه بندگان با خدا می شود؛ چنان که می فرماید:

« وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛ (1) و کیست ستمگرتر از آنکه از بردن نام خدا در مساجد جلوگیری می کند و سعی در ویرانی آن ها دارد؟ شایسته نیست که آن ها جز با ترس و وحشت وارد این اماکن بشوند و مسلمانان باید دست آنان را از این اماکن مقدس کوتاه سازند، بهره آن ها در دنیا خواری و رسوایی و در قیامت عذاب عظیم است.

این گناه بزرگ و ظلم عظیم از آن جهت است که کاستن رونق مساجد سبب آبادی بتکده ها شده و خلوت کردن و تخریب پایگاه های توحید و اتحاد موجب رشد و توسعه کفر و شرک و الحاد و فساد و انحراف و انحطاط در جامعه می گردد که این خود بزرگترین ظلم نسبت به انسان هاست.

ص: 182

احادیث و روایات فراوانی در خصوص مساجد از حضرات معصومین علیهم السلام در جوامع روایی نقل شده که اگر کسی مسجدی بسازد و چراغی در آن روشن کند و در نظافت و پاکیزگی آن اهتمام ورزد و در رونق و آبادانی آن بکوشد و... دارای چه اجر و ثواب مضاعف ویژه ای خواهد بود، که برای پرهیز از اطاله کلام از ذکر آن ها خودداری می شود.

از سوی دیگر، اهالی مسجد که با عدم حضور گسترده و پرشور خود موجب از رونق افتادن مسجد می شوند و یا با سستی و سهل انگاری در مسجد حاضر می گردند، مورد نکوهش قرار گرفته اند.

این موضوع در فرهنگ اسلام تا آنجا حایز اهمیت است که خداوند حکیم در قرآن کریم، مؤمنان را از اینکه کفار و مشرکان و حتی مسلمان های تارک الصلوه و آنان که در عمل، متعهد و پای بند به احکام و دستورات الهی نیستند به «عمارت» مساجد پردازند نهی نموده است؛ چنان که می فرماید:

« مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ»؛ (1) مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند در حالی که به کفر خویش گواهی می دهند، آنان اعمالشان تباه و بی ارزش است و در آتش جاوید جهنم خواهند ماند.

ص: 183

از آیه مزبور استفاده می شود که مشرکان و بت پرستان حق ورود به مساجد و مشارکت در مرمت و تعمیر و ساخت و ساز و تأسیس بنای ساختمان مساجد را ندارند و کلیه امور مساجد باید به دست خود مسلمانان باشد و دست های آلوده و ناپاک، چه به ظاهر مسلم و غیر مسلم که به دلیل ریاست طلبی یا کسب شهرت و یا تفوق طلبی و نفوذ اجتماعی و یا هر انگیزه غیر خدایی دیگر اقدام به ساخت و ساز تعمیر و نگهداری از مساجد می نمایند، کوتاه شود.

و در جای دیگر می فرماید:

« إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَسْ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ »؛ (1)

همانا مساجد خدا را کسی آباد می کند که به خدا و روز جزا ایمان داشته باشد و نماز را برپا دارد و زکات را بپردازد و از کسی جز خدا نمی ترسند و امید است چنین کسانی از جمله هدایت یافتگان باشند.

در این آیه شریفه پنج شرط اساسی برای سازندگان و دست اندرکاران مساجد بیان شده که آبادکنندگان مساجد باید از مؤمنان به مبدأ و معاد بوده و خود اهل نماز باشند و زکات بپردازند و جز از خدا از

ص: 184

هیچکس هراس و واهمه ای نداشته باشند.

از شرط پنجم (ولم یخس الا الله) چنین استنباط می شود که مساجد و متولیان و دست اندرکاران آن نباید وامدار احدی باشند، تحت تأثیر هیچ مقام و قدرتی قرار نگیرند و جز رضای خدا و مصلحت مسلمانان چیزی را در نیت و عمل خویش دخالت ندهند.

کارکردهای مساجد در گذشته و حال

جلوه های دیگر از نماد وحدت بودن مساجد این است که مساجد، هم در صدر اسلام و هم در انقلاب اسلامی ایران، مراکز تصمیم گیری های کلان و سرنوشت ساز بوده اند.

در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله ، مساجد علاوه بر اینکه محل عبادت و دعا و پرستش پروردگار یکتا بوده اند، دارای کارکردهای مهم دیگری نیز بوده اند که از آن جمله می توان به کانون اجتماعات عمومی، مرکز تعلیم و تربیت، محل شور و تصمیم گیری، کانون انتخابات و بیعت، محل قضاوت، ستاد جنگ و آموزشگاه نظامی و محل اعزام نیروهای مسلح برای جنگ، مرکز اطلاع رسانی، پناهگاه غربا و مردم در مواقع ضروری و کارکردهای گوناگون دیگر اشاره کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه امر مهمی اتفاق می افتاد، از مردم دعوت می کرد تا به مسجد بیایند. آن حضرت مشکلات را با مردم در میان

می گذاشت و از صاحبان فکر و اندیشه نظرخواهی می نمود و پس از آن تصمیم می گرفت.

مساجد و انقلاب اسلامی ایران

در جریان انقلاب اسلامی ایران نیز به تأسی از پیامبر عظیم الشان اسلام، حرکت اصلاحی و انقلابی علیه نظام طاغوتی شاهنشاهی از مساجد آغاز گردید. مساجد علاوه بر اینکه محل عبادت مؤمنان و کانون نشر حقایق سیاسی و مرکز اطلاع رسانی و بیان اخبار و رویدادهای سیاسی - اجتماعی ایران و جهان بودند، مهد تربیت هسته های مقاومت در برابر رژیم خونخوار پهلوی نیز به حساب می آمدند.

پس از شکستن طاغوت و پیروزی انقلاب اسلامی و برپایی نظام اسلامی در ایران، کمیته های انقلاب برای ساماندهی امور و اداره کشور و حفظ دستاوردهای انقلاب در مساجد تشکیل شدند و انتخابات مهم و سرنوشت ساز متعدد و تصمیم گیری های کلان برای سرنوشت کشور در مساجد برگزار گردیدند.

در هشت سال دفاع مقدس نیروی مقاومت بسیج در مساجد تولد یافتند نیروهای رزمنده از مساجد سازماندهی شده و به خطوط مقدم نبرد اعزام می گردیدند و جبهه ها با تلاش شبانه روزی نیروهای مؤمن و متعهد مسجدی پشتیبانی می شدند.

پس از خاتمه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی و شکست مفتضحانه حزب کافر بعث عراق و حامیان جنایتکار آنان، به ویژه شیطان بزرگ، امریکای متجاوز، باز نیروهای وفادار به خط امام و راه نورانی شهدا از مساجد سازماندهی شده و به خیابان ها می آمدند و با فریاد توفنده مرگ بر امریکا و مرگ بر منافق، به یایه گویی ها و عربده کشی های سردمداران متجاوز و زورگو پاسخ دندان شکن داده و وفاداریشان را به اسلام و انقلاب اسلامی و ولایت فقیه و راه و آرمان امام قدس سرهو شهدا اعلام می کردند و دشمنان را در طرح ها و توطئه هایشان ناکام می گذاردند.

مساجد و امروز و فردای انقلاب

امروزه مساجد مهم ترین سنگرهای حفظ انقلاب، حکومت اسلامی و کشور می باشند و جز از نیروهای مرتبط با مسجد نمی توان انتظار داشت که در برابر هجومه بیگانگان سینه سپر کنند و مال و جان خویش را در مسیر عزت و شرف و در راه خدا فدا نمایند.

این حقیقت را دشمنان اسلام به خوبی دریافتند که مسجد چگونه جایگاهی است و حضور مردم، بویژه جوانان تا چه حد حایز اهمیت و سرنوشت ساز است. از این رو، لذا با تمام عِدّه و عُدّه و تلاش فزاینده به میدان آمده تا با به کارگیری شیوه ها و ترفندهای مختلف، مردم، بخصوص جوانان را از مساجد جدا سازند، با ایجاد شایعه و پاشیدن

تخم نفاق و بذر اختلاف و ایجاد جاذبه های متنوع سراب گون سر راه جوانان، آنان را از مساجد دور نموده و به سمت کژاندیشی و انحراف و انحطاط اخلاقی و بزهکاری و ناهنجاری های رفتاری سوق دهند.

ضرورت بازنگری و تجدیدنظر

و این هشدار جدی است که بازنگری و تجدید نظر همه دلسوزان بویژه مسؤولان نظام اسلامی در حفظ مساجد، این سنگرهای اسلام و انقلاب و کانون های صیانت از افکار و عقاید و رفتار مردم بویژه نسل جوان و نوجوان را امری ضروری است.

ص: 188

موقعیت جغرافیایی

شهر قدس در طول 35 درجه و سیزده دقیقه شرقی گرینویچ و عرض 31 درجه و 47 دقیقه شمالی قرار دارد. این شهر در سلسله تپه هایی که دامنه های آن از غرب به شرق امتداد یافته اند، واقع است. ارتفاع آن از سطح دریا بین 72 و 830 متر و فاصله آن از دریای مدیترانه 52، از دریای سیاه 22 و از دریای سرخ 250 کیلومتر می باشد.

راه هایی که قدس را به دیگر شهرهای فلسطین و کشورهای عربی متصل می کند عبارتند از: عکا (150 کیلومتر)، نابلس (65 کیلومتر)، الخلیل (36 کیلومتر)، یافا (62 کیلومتر)، غزه (92 کیلومتر)، عمان (88 کیلومتر)، دمشق (290 کیلومتر)، بیروت (388 کیلومتر)، قاهره (528 کیلومتر) و بغداد (865 کیلومتر).

اکتشافات باستان شناسان نشان می دهد که هسته اصلی (موقعیت) شهر قدس روی تپه های «ضهور» (طور یا تپه او فل) - که از جنوب شرقی قدس شریف، مشرف بر روستای سلوان است و مساحت آن حدود 55 هکتار می باشد - قرار دارد. ساکنان این منطقه آب مورد نیاز خود را از چشمه «ام درج» واقع در ناحیه شرقی تپه های ضهور فراهم می کنند. امروزه مناطقی همچون ارتفاعات بیت زیتون (بزیتا) در شمال شرقی، و ارتفاعات حرم (مدریا) در شرق و ارتفاعات صهیون در جنوب غربی در داخل محوطه ای قرار دارند که به قدس قدیم معروفند. مساحت آن حدود یک کیلومتر و اماکن مقدسه ادیان سه گانه در آنجا واقع است.

قدس از موقعیت استراتژیکی و جغرافیایی خوبی برخوردار است و خطوط دفاعی طبیعی، این شهر را در موقعیت مناسبی قرار داده است. اطراف شهر را دشت هایی فرا گرفته است؛ از جمله دشت جهنم در شرق، که به دشت سلیمان نیز معروف است، دشت یهوشافات، دشت مریم و دشت جبائین در غرب و دشت ربابه در جنوب و جنوب غربی. از ناحیه شمال نیز یک زمین صاف و هموار به قدس شریف متصل می شود. از این رو، تمامی حملات نظامی در ناحیه شمال قدس صورت گرفته است و این شهر نیز حملات نظامی خود را از این منطقه آغاز می کرده است. فاتحان این شهر نیز از ناحیه شمال وارد این شهر می شدند؛ بخت النصر و اسکندر و بومی و عمر بن خطاب هنگام فتح این شهر، از ناحیه شمال وارد آن شدند.

از سوی دیگر، عامل طبیعی شهر قدس، از آن قلعه محکمی ساخته

که اطراف آن را کوه‌ها احاطه کرده‌اند. این کوه‌ها دارای ویژگی‌های خاص هستند؛ مدافعان را از حمله دشمنان با خبر ساخته و فرصت کافی را برای آن‌ها فراهم می‌کنند تا ساکنان بتوانند پیش از رسیدن دشمن به شهر، با آنان روبه‌رو شوند. جبل الزيتون در ناحیه شرقی آن قرار دارد و از ناحیه غرب نیز سلسله جبال اطراف شهر را احاطه کرده است. مرتفع‌ترین آن‌ها کوه ساموئل نبی می‌باشد که مشرف بر سرازیری‌های غربی و چشم‌انداز سواحل (مناطق ساحلی) فلسطین است. کوه مشارف (سکوبس)، که از ناحیه شمالی قدس مشرف بر منطقه‌ای است که به رام‌الله منتهی می‌شود، به دلیل چشم‌انداز و منظرگاه زیبای شهر به این نام معروف گشته است. طور، دریای سیاه و منطقه کرک نیز این ارتفاعات مشاهده می‌شوند. اما مرزهای جنوبی نیز بر روی کوه مکبر که مشرف بر منطقه جنوبی و بیت‌لحم است، قرار گرفته است. چون عمر بن الخطاب به مدت یک ساعت روی این کوه ایستاد و نوای الله اکبر سر داد، این کوه به نام «مکبر» معروف گشت.

با ازدیاد جمعیت، شهر نیز به موازات آن گسترش پیدا کرد، ساختمان‌ها به خارج از محدوده شهر امتداد یافتند و محله‌های زیبایی که به قدس جدید معروف گشتند، تأسیس شدند. به علاوه، توابع جدیدی نیز به شهر ملحق گردیدند. روستاهایی مانند شعفاط، بیت‌حنینا، سلوان، عین‌کارم، دیر یاسین و قسطل، از جمله توابع قدس قدیم به شمار می‌روند. بر روی آن کوه‌ها محله‌های زیبایی ساخته شد؛ مثل محله مشارف (مشرف بر کوه مشارف)، محله قطمون (مشرف بر کوه قطمون) و محله مکبر (نزدیک کوه مکبر).

حوادث تاریخی قدس با نام متعدد آن شهر مقدس در کتاب های تاریخی ذکر شده است. عرب کنعانی 5000 سال پیش قدس را بازسازی کرد و آن را «اورسالم» نامید. سالم منسوب به سالم یا شالم به معنای صلح است و «اور» واژه ای سومری است که به معنای شهر می باشد. این نام به امت های دیگر نیز منتقل شد و نزد یهود به «یروشالایم» و فراعنه به «شوامام» و یونان و روم به «هیروسولیم» و نزد غربی ها به «جروسالم» شهرت یافت.

در قرن دوازده پیش از میلاد، بنی اسرائیل به سرزمین کنعانیان هجوم آوردند. قبیله عربی کنعانی که از همان آغاز در شهر قدس و کوه های اطراف آن مستقر شده بودند، با بنی اسرائیل جنگیدند. در آن زمان شهر قدس به شهر «یبوس» معروف شده بود. این نام را، که نام رئیس قبیله کنعان بود، یوشع، رهبر بنی اسرائیل، انتخاب کرد. وقتی که یهود در سال 997 پیش از میلاد به فرماندهی حضرت داود علیه السلام وارد شهر شدند، این شهر به شهر داود معروف شد و داود آن را به عنوان پایتخت حکومت خود برگزید.

نام «داود» که بر شهر قدس اطلاق شده بود، دوام زیادی نیاورد؛ چرا که نام اورشلیم جایگزین آن شد و حتی پس از پایان حکومت یهود که 73 سال طول کشید، این نام همچنان نزد فارس ها، یونانی ها و رومی ها، که به ترتیب بر این منطقه حکومت کردند، رواج داشت. این نام همان گونه که قبلاً ذکر گردید، تحریف شده اورسالم - اورشالیم

عربی است.

در سال 135 میلادی امپراتور روم این شهر را ویران و ساکنانش را آواره کرد و نام آن را به «ایلیا کابیتولینا» به معنای خانه خدا تغییر داد. با وجود اینکه کنستانتین، امپراتور روم، نام قدیمی این شهر را دوباره زنده کرد، عرب‌ها آن را با نام قدس شریف، یعنی مکان مقدس و پاک از هر گناه و شرک، می‌شناسند. و این نام‌ها در قرآن و سنت ذکر شده‌اند.

اماکن مقدس

شهر قدس از جایگاه بزرگی نزد مسلمانان، مسیحیان و یهودیان برخوردار است؛ که قدس زادگاه ادیان سه‌گانه بوده و بسیاری از پیامبران و انبیا در قدس به سر می‌بردند یا به نحوی با آن در ارتباط بودند.

این موضوع از حقایق تاریخی به شمار می‌آید و داستان‌ها و روایت‌های متعددی درباره آن‌ها نقل شده و نمی‌توان آن را با ادله تاریخی اثبات کرد؛ از جمله می‌توان به ارتباط حضرت ابراهیم، یعقوب، اسحاق، عیسی، یحیی، زکریا و صالح با بیت المقدس اشاره کرد. روایت‌ها و داستان‌های بسیاری درباره ارتباط میان قدس و خانه آدم و نوح و سام نقل شده است. در روایتی آمده است که حضرت آدم علیه السلام در غاری بین قدس و مسجد حضرت ابراهیم به خاک سپرده شد. همچنین روایت شده که کشتی حضرت نوح پس از طی مسافتی بر بیت المقدس رسید و به اذن خداوند زبان گشود و گفت: ای نوح! این بیت المقدس و محل سکونت انبیا (و فرزندان تو) می‌باشد. و آمده است که سام بن نوح این منطقه

ص: 193

را ساخته و بر آن حکومت کرد و به «ملکی صادق» ملقب گشت. از عبدالله بن عمر نیز روایت شده که انبیا بیت المقدس را ساختند و در آن زیستند و یک وجب از آن نیست مگر اینکه پادشاهی بر روی آن سجده کرده باشد و مقاتل بن سلیمان نیز گفته هر وجب از آن، محل سجود انبیا و پیامبران و فرشتگان بوده است.

ایمان به پیامبران و رساله های آسمانی، از اصول عقیده اسلامی است. دین اسلام برای تصدیق ادیان آسمانی پیش از خود آمد. در آیه 3 و 4 سوره آل عمران آمده است: « نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ - بَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ » و در آیه 13 سوره شوری نیز آمده « شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ » با توجه به این آیات می توان اماکن مقدس را به شرح ذیل معرفی کرد:

الف) مسجد الاقصی: دومین مسجدی است که حضرت ابراهیم بعد از کعبه آن را ساخت. الاقصی یعنی دورتر و به معنای دور از مکه و مسجد الحرام است.

ب) مسجد صخره: این مسجد دارای تاریخ قدیمی است. حضرت ابراهیم علیه السلام این مکان را محل عبادت خود قرار داد.

حضرت یعقوب علیه السلام پس از مشاهده نوری از نواحی آن، مسجدی در آن بنا کرد که به مسجد صخره معروف شد. یوشع علیه السلام «قبه زمان»

یا «خیمه اجتماع» را که قبلاً حضرت موسی علیه السلام تأسیس کرده و محراب آن را حضرت داود ساخته بود، بنا کرد. حضرت سلیمان علیه السلام نیز در زمان خود معبدی را که به نامش معروف شد در آنجا بنا نهاد و پیامبر اسلام در شب اسرا از بالای آن به آسمان عروج کرد.

ج) دیوار براق: دیواری است که ناحیه غربی اطراف مسجدالاقصی را احاطه کرده و جزئی از حرم به حساب می آید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شب اسرا و معراج، اسب براق خود را در همین مکان بسته بود. یهود آن را دیوار مبکی می نامند. این دیوار از بقایای (بت) قدیمی که هیرودوس آن را در سال 18 ق.م ساخته بود و تیتوس آن را در سال 70 درهم کوبید، می باشد. از این رو، این مکان را مقدس دانسته و زیارت می کنند.

اما از نظر مسیحیان، پس از این که روم ها در اطراف مسجدالاقصی صلیبی را کشف کردند، در سال 335 به دستور ملکه هیلانا در همان مکان کلیسایی ساخته شد. آنان معتقدند این صلیب همان صلیبی است که حضرت عیسی علیه السلام با آن به دار آویخته شد و از مهم ترین اماکن مقدس آن ها به شمار می آید و در کنار دیوار براق واقع است.

هیکل سلیمان نیز از جمله اماکن مقدس یهودیان به شمار می رود و صهیونیست ها تا امروز آن هیکل را در ارتفاعات قدس و اطراف مسجدالاقصی جستجو می کنند.

کنعانیان در هزاره چهارم پیش از میلاد به دلیل خشکسالی از جزیره العرب به سوی سرزمین شام هجرت کردند و در نواحی جنوب شرقی (اردن) و جنوب فلسطین و سواحل جنوب غربی آن اقامت گزیدند. منطقه ای که کنعانیان ساکن آن شدند به سرزمین کنعان معروف شد و شامل نوار ساحلی صیدا و غزه و از سواحل غربی دریای سیاه تا نواحی شرقی و شمال دریاچه طبریا تا جنوب چاه سبع می شود.

کنعانیان به قبایل متعددی تقسیم شدند و هرکدام از این قبایل مکان خاصی را برای خود برگزیدند. آنان که موفق به تشکیل یک دولت نشدند، دارای تمدن بودند. تحقیقات تاریخی نشان می دهد که قبیله یبوسی اولین قبیله ای بود که به سال 2500 پیش از میلاد ساکن شهر قدس و اطراف آن شدند.

روایت هایی که در تورات آمده از «ملکی صادق» پادشاه یبوس که حکومت (شالیم یا سالیم) را به دست گرفته بود، یاد می کنند. او با حضرت ابراهیم رابطه دوستی داشت و با گروهی از دوستانش معتقد بودند که خداوند، یکتا آفریننده زمین و کمالات آسمان هاست و حرم قدس را پرستشگاه خود قرار داده بود و قربانی های خود را روی سنگ

مقدس انجام می داد. در تورات و انجیل از او به عنوان اولین کسی که حرم را مقدس شمرده و یکی از اولیای خدا (غیب گوی خدای تعالی) یاد می کنند.

تحقیقات تاریخی و باستانی نشان می دهد که نسل کنعانیان در

فلسطین بریده نشد، بلکه همچنان بر سرزمین قدس حکومت می کردند و یا حکومت هایی آمدند که بر آن ها حاکم شدند و به هر حال، حتی پس از اختلاط با مسلمانان همچنان اکثریت جمعیت و ساکنان آن منطقه بودند و تعدادی از آنان نیز از صفحه تاریخ محو شدند.

1 - عصر فرعون (حکومت فرعون)

فراعنه مصر تا آغاز قرن شانزده پیش از میلاد بر قدس حکومت کردند. نفوذ مصر در قدس قریب دو بیست سال به طول انجامید. این شهر در معرض حملات بادیه نشینان (خابیرو) قرار گرفت تا اینکه «عبدی خبیا» والی مصر مجبور شد از «اخناتون» درخواست کمک نماید، ولی اخناتون از ارسال کمک به وی خودداری کرد. حاکم مصر در زمان سیتی اول (1301 - 1317) پیش از میلاد به مصر بازگشت. در یکی از نامه هایی که عبدخبیا به اخناتون نوشته، آمده است: ساکنان این شهر پس از حملات خابیرو مجبور به ترک دیار خود شده و به سوی کوه ها و برخی به مصر پناه بردند.

2 - حکومت یهود

یهود در قرن دوم پیش از میلاد و در سال 977 یا 1000 ق.م به فلسطین هجوم بردند، حضرت داود علیه السلام موفق شد این شهر را به تصرف خود درآورد و نام خود را بر آن اطلاق نماید و قصر و دژهایی در آن بسازد.

ص: 197

سپس حضرت سلیمان، که در قدس به دنیا آمد و در آنجا بزرگ شد، پس از پدرش به مدت چهل سال بر این سرزمین حکومت کرد و زیارتگاهی در محل عبادت «ملکی صالح» ساخت. این هیکل که برای تمامی یهودیان بود، پس از وفات سلیمان علیه السلام تنها به عده معدودی از یهود اختصاص یافت. در زمان رحبعم بن سلیمان، این دولت به چند ایالت تقسیم شد و نام داود نیز از شهر حذف شد و نام قدیمی آن، یعنی اورسالم، دوباره شهرت یافت. حدود بیست پادشاه در طی 337 سال بر این سرزمین حکومت کردند که بیشتر آن ها به دست اقوام خود به قتل رسیدند. قدس در زمان حکومت یهود شاهد حملات متعددی بود به طوری که دشمن بارها به آن حمله کرد و اموال مردم را چپاول کرد. بی بند و باری و فساد دینی و بت پرستی میان ساکنان رواج پیدا کرد. در آن هنگام اکثر ساکنان از قبایل یبوس، کنعان و عمور بودند.

3 - حکومت فارس ها

در زمان صدقیا بن یوشا، بخت النصر به سوی قدس لشکرکشی کرد و شهر را محاصره نمود؛ ساکنان یهودی آن و پادشاه را اسیر و به بابل در عراق اعزام کرد و شهر را ویران ساخت و هیکل را به آتش کشید و سوریه و فلسطین را به تصرف خود درآورد. کوروش در سال 538 ق.م به یهودیان اجازه داد به قدس باز گردند. کوروش که تحت تأثیر همسرش، به خاطر نسبتی که با پادشاهان یهود داشت، هیکلی جدید را به نام خود (هیکل کوروش) ساخت. این هیکل که علی رغم مخالف

ساکنان جنوب فلسطین و شام ساخته شد، تا زمانی که هیروودوس ساخت هیکل جدید را آغاز کرد، پابرجا ماند.

4 - حکومت یونانی ها

اسکندر مقدونی در سال 332 ق.م بر قدس چیره شد. ساکنان یهود از وی استقبال کرده و به سرعت فضیلت ایرانیان را به فراموشی سپردند. پس از مرگ اسکندر، حکومت این شهر در زمان خلفایش به حکومت های دیگر متصل شد و تحت تأثیر تمدن یونان قرار گرفت. در سال 165 ق.م پادشاه سلوکی ها در سوریه (آنتیوخوس چهارم) هیکل را ویران و یهود را به بت پرستی (دین یونان) وادار کرد که در نتیجه آن، انقلاب مکابی ها رخ داد و یهود در ایجاد فتنه و آشوب و جنگ و خونریزی پیروز شدند و تقریباً به نوعی حکومت خودکفا دست یافتند.

5 - حکومت روم ها

پس از دوره ای شورش و فتنه، در سال 63 ق.م بومی، رهبر روم ها، شهر بیت المقدس را به تصرف خود درآورد و به تابعیت امپراطور رم درآمد. فارس ها در سال 40 ق.م دوباره قدس را به تصرف خود درآوردند، ولی روم ها موفق شدند پس از دو سال مجدداً قدس را از چنگ ایرانیان درآورند و هیروودوس را بر آنجا حاکم کنند و نیز به رغم امتیازاتی که رومی ها به ساکنان یهود داده بودند، مردم در قدس شورش

ص: 199

کرده و آتش فتنه را در شهر برافروختند تا این که این امر منجر به دخالت رومی ها شد. رومی ها در سال 71 میلادی به قدس حمله کردند و به غارت و سرکوب این فتنه پرداختند، ولی کاری از پیش نبردند و ساکنان یهود برای بار دیگر در سال های 115 و 132 خاطرات آشوب و فتنه را در شهر زنده کردند و موفق شدند شهر را به سلطه خود در آورند. نهایتاً «هادریان» در سال 135 میلادی آتش این فتنه را پس از ویرانی و کشتار مردم و به اسارت گرفتن آنان، خاموش کرد. هادریان اقامت در قدس را فقط به مسیحیانی که اصالتاً یهودی نبودند، تجویز کرد. همچنین به «ابلیا» دستور داد به هیچ کس از یهودیانی که در نقاط مختلف بودند در قدس اجازه سکونت ندهد. تا اینکه امپراتور کنستانتین ورود آنان را سالی یکبار برای زیارت، تجویز کرد. بدین ترتیب، رومیان در هر مرتبه قدس را ویران کردند و یهودیان هزار سال از قدس محروم بودند و در زمانی که روم در سال 395 به دو بخش تقسیم شد، قدس به ضعف و ناتوانی مبتلا شد و ایرانی ها در سال 614 میلادی موفق شدند قدس را اشغال نمایند. کلیسای قیامت و صومعه های آن از این آشوب ها در امان نبود و تعداد قربانیان این ناحیه به 60 هزار نفر رسید. این وضع طولی نکشید تا اینکه «هرکل» در سال 672 میلادی بر ایرانیان غلبه کرد و صلیب را از آنان باز ستاند و حکومت قدس را بار دیگر به رومی ها واگذار کرد.

6 - عصر اسلامی اول

پس از چهارماه جنگ بین سپاه اسلام و فرمانده قدس، «صفرونیوس» از

ص: 200

ابوعبید جراح، فرمانده سپاه اسلام خواست تا از عمر بن خطاب دعوت کند و شخصاً قدس را به آنان واگذار نماید. عمر بن خطاب در سال 636 میلادی از طریق جبل المکبر وارد قدس شد. بین آن ها و مسیحیان پیمانی بسته شد که به موجب آن آزادی دینی مسیحیان در قدس به ازای پرداخت جزیه تضمین شد و طبق آن وثیقه ای که به «العهد العمریه» معروف شد میان آن ها منعقد گردید. مسیحیان در تمام این دوره ها از آزادی های کامل همه جانبه در سایه حکومت اسلامی برخوردار بودند، کلیساهای خود را حفظ و عمل به دین خود را با اختیار کامل انجام می دادند.

پس از عمر بن خطاب تعداد زیادی از تابعین و صحابه و سایر مسلمانان به قدس روی آوردند. برخی برای فتح و برخی به قصد اقامت و زیارت و برخی دیگر به قصد اقامت موقت پیش از ادای حج به قدس آمدند و بدین ترتیب، اسلام به سرعت گسترش یافت و شهر قدس حال و هوای اسلامی به خود گرفت.

خلفای اموی و عباسی به شهر قدس اهتمام ورزیده و شهر در این دوره دارای منزلت و عنایت خاصی بود و قدس در ابتدای قرن دوم هجری شاهد یک حرکت علمی قابل ملاحظه بود و بسیاری از دانشمندان و پیشوایان از نقاط مختلف در آنجا سکونت اختیار کردند. این شهر همچنین شاهد جنبش و تحولات زیادی بود و تعداد زیادی از پزشکان معروف نیز از این شهر برخاستند.

اختلافات بین سلجوقیان و فاطمی ها بر سر سرزمین شام از یک سو و درگیری های داخلی بین پادشاهان سلجوقی از سوی دیگر، زمینه حمله صلیبی ها به بیت المقدس را فراهم کرد. صلیبی ها توانستند بیت المقدس و بخش های وسیعی از سرزمین شام را اشغال کنند تا اینکه قدس به دست آن ها سقوط کرد و بدین ترتیب، دوره اول اسلامی، که تا پانصد سال امتداد داشت، پایان یافت و جنگجویان در این حمله کشتار فجیعی در شهر مرتکب شدند. به ویژه در منطقه حرم تعداد قربانیان به هفتاد هزار نفر رسیده بود. صلیبیان تمام ذخایر موجود در صخره واقعی را به غارت بردند و حرم شریف را به کلیسا و اصطبل اسب هایشان تبدیل کردند.

در بیت المقدس حکومت مسیحی برقرار شد و تحت اداره پاپ کاتولیک درآمد، ولی پاپ ارتدوکس حق هیچ گونه دخالتی در امور دینی مسیحیان نداشت. این امر باعث ناراحتی تمامی مسیحیان شد. البته این وضع، مسلمانان را به تسلیم و خضوع در برابر مسیحیان وادار نکرد، بلکه آنان همواره به فکر چاره ای برای بازگرداندن وحدت به صفوف مسلمانان بودند و درصدد جلوگیری از پیشرفت صلیبی ها برآمدند.

صلاح الدین و نورالدین زنگی تلاش بسیاری برای یکپارچگی مسلمانان انجام دادند تا اینکه صلاح الدین ایوبی موفق گردید پس از فراهم سازی اقدامات لازم، بیت المقدس را در معرکه حطین در سال 1187 م از

صلیبی‌ها باز پس بگیرد. صلاح‌الدین به طور مسالمت‌آمیز وارد قدس شد و خروج صلیبی‌ها را با پرداخت جزیه تجویز نمود و به مسیحیان بومی اجازه اقامت در شهر را داد.

9 - جنگ صلیبی دیگر

از دست رفتن بیت المقدس، اروپا را منقلب ساخت و زمینه شروع جنگ دیگری گردید. در این جنگ سلاطین اروپا از جمله «ریچارد شیردل» شاه انگلستان، «فردریک باربروس»، سلطان آلمان و «فیلیپ آگوست» پادشاه فرانسه شرکت کردند. لشکریان اروپا اطراف شهر عکا به هم رسیدند و آن را محاصره کردند. حاکم بیت المقدس در این شرایط پیمان خود با صلاح‌الدین را شکست و به عنوان رهبر ارتش اروپا وارد جنگ شد.

از سال 1189 تا 1191 جنگ بین دو طرف ادامه یافت. در اثنای جنگ، صلاح‌الدین ایوبی از خلیفه عباسی بغداد و سلطان مراکش کمک خواست، ولی اجابت نشد، در صورتی که کمک‌های جنگی برای صلیبی‌ها از اروپا مستمر ادامه داشت.

با فراز و نشیب بسیار، جنگ در سال 1192 پایان یافت و قرارداد صلح منعقد گردید و مقرر شد بیت المقدس در دست مسلمانان بماند و مسیحیان نیز در انجام اعمال مذهبی آزاد باشند. در سال 1193 صلاح‌الدین درگذشت. پس از مرگ او، با اختلافات جانشینانش اروپاییان فرصت را مغتنم دانسته، برخی شهرهای فلسطین از جمله صفد و

طبریه را به اشغال خود درآوردند. در این دوران، الکامل ایوبی، سلطان فلسطین، در قراردادی با پادشاه آلمان مقرر داشت بیت المقدس در تصرف او باشد و اماکن مقدسه نیز تحت نظر مسلمانان باقی بمانند.

فردریک در کنیسه قیامت تاجگذاری کرد و سال بعد، از بیت المقدس به صقلیه بازگشت. شهر قدس مدت زیادی در دست او نماند؛ زیرا صالح ایوب پادشاه مصر از خوارزمیانی که از مقابل لشگر چنگیز خان مغول فرار کردند، استفاده نمود و با صلیبیون جنگید و غزه را تصرف و قدس را از دست نصاری گرفت و دمشق را هم فتح نمود.

در سال 1250 میلادی حکومت مصر از خاندان ایوبی به ممالیک منتقل شد و «قطز» (مملوک سوم) فوراً برای مقابله با مغول سپاهی تجهیز نمود. آن ها در «عین جالوت» به هم رسیدند. فرمانده سپاه مصر «الظاهر بیبرس»، لشگر مغول را منهدم نمود و از بلاد فلسطین

و سوریه خارج کرد. این فرمانده بعدها به خلافت رسید و مصر و سوریه را متحد ساخت و کلیه شهرها را از صلیبیون بازستاند و در 1268 قبه الصخره را تجدید بنا نمود.

صلاح الدین اشرف (مملوک نهم) در سال 1291 م شهر عکا را محاصره و آن را فتح نمود. با خالی ساختن شهرهای صور و صیدا و طرسوس، پرده بر آخرین منظره جنگ های همه جانبه میان شرق و غرب کشیده شد. دوره عثمانیان نیز با حوادثی از جمله جنگ با مصر و فتح فلسطین آغاز گردید. در این دوران ظاهرالعمر شیخ صفد در مقابل دولت عثمانی قد علم کرد و قصد داشت با همکاری سران سوریه،

آن سرزمین را از عثمانی پس بگیرد، ولی دولت عثمانی ضمن قتل او، این نقشه را نقش بر آب کرد.

همچنین جزار به دستور سلطان عثمانی در سال 1780 حاکم دمشق گردید و در مقابل حمله ناپلئون به عکا مقاومت سختی نمود. ولی ناپلئون در این مسیر به سوی شرق، فلسطین را در نهایت فتح نمود. روسیه، انگلیس و اطریش در 1840 میلادی از ترس اینکه یک امپراتوری قوی عربی تشکیل شود، از پیشرفت ابراهیم پاشا (از ممالیک مصر) جلوگیری کردند. او ده سال در فلسطین حکومت کرد و در این مدت در اثر شدت ناملایمات، شورش‌های در فلسطین و لبنان و اردن بر علیه او صورت گرفت.

در دوران عثمانی فلسطین پیشرفتی نکرد و همان بی‌نظمی و تزلزل در سایر مناطق حکومت عثمانی در تمامی بخش‌های این امپراتوری بوجود آمد. این روح هرج و مرج اجتماعی و عشایری، مدت‌ها در حکومت عثمانی نفوذ داشت تا اینکه در سال 1908 میلادی حکومت مشروطه اعلان گردید.

با عنایت به تغییرات ابتدای قرن بیستم و تحولات نظام بین‌الملل، به ویژه جنگ اول جهانی، موضوع فلسطین نیز تابعی از تحولات شد و پس از جنگ نیز سرنوشتی همچون طرح تقسیم (قیمومیت) نظام سرپرستی را تجربه نمود تا سرانجام در سال 1948 با تشکیل حکومت اسرائیل با شرایط جدید مواجه گردید.

مسجد الاقصی در جنوب حرم شریف واقع شده است. خلیفه عبدالملک بن مروان اموی شروع به ساختن این بنا نمود و فرزند وی ولید بن عبدالملک در سال 705 م آن را به پایان برد. حرم شریف این مکان مقدس شامل مسجد الاقصی، مسجد صخره با گنبد طلایی آن و صحن ها و ساختمان های پیرامون آن است که جمعاً به مساحت 14 هکتار بر فراز کوه موریا قرار دارد و 14 دروازه از جمله درهای اسباط، حطه، شرف الانبیا، ناظر، نو، قطانین، مطهره، سلسله، مغربیان و دروازه طلایی، اتاق های متعدد، 8 چاه در صحن صخره و 17 چاه در حیاط مسجد الاقصی و جمعاً 4 گلدسته از جمله آثار این بخش می باشد.

طول این بنا به 80 متر و عرض آن به 55 متر می رسد و اکنون به 53 ستون مرمری و 49 ستون مربع شکل استوار است. درهای مسجد در زمان اموی ها از طلا و نقره پوشیده شده بود، اما به فرمان ابوجعفر منصور صفحات طلا و نقره را کنندند و به دینار تبدیل نمودند و به مصرف مسجد رساندند. در اوایل قرن پانزدهم برخی از قسمت های مسجد مورد مرمت قرار گرفت و گنبد و ابواب شمالی آن ساخته شد.

آن گاه که صلیبی ها بیت المقدس را اشغال کردند، بخشی از مسجد را به کلیسا و بخش دیگر را به محل سکونت سواره نظام و انبار ذخایر خود تبدیل نمودند، ولی هنگامی که صلاح الدین ایوبی بیت المقدس را از

آنان باز پس گرفت، به اصلاح و مرمت مسجد امر کرد و محراب آن را بازسازی نمود، گنبد آن را معرق کاری کرد و منبری زینت یافته با عاج و آبنوس از حلب آورد و در سمت راست محراب قرار داد. این منبر تا زمان آتش سوزی مسجد توسط یهودیان در تاریخ 1969/8/21 باقی بود.

پادشاهان بنی ایوب و ممالیک و سلاطین بنی عثمان نسبت به مسجد عنایت و توجه داشتند و رواق ها در آن ساختند. سقف آن را تعمیر کردند و با کاشی معرق و مرمر زینت بخشیدند. دیوارها را تعمیر کردند و کف آن را با قالی های ایرانی پوشاندند.

در سال 1927 م ضایعاتی به مساجد وارد آمد. از این رو، مجلس اعلای اسلامی به منظور تعمیر و بازسازی مسجد از کشورهای عربی و اسلامی استمداد جست. بزرگترین و مهم ترین مرحله این عمران، برداشتن ستون های قدیمی بود که گنبد بر آن ها استوار بود و به جای آن ها شصت ستون جدید که پی آن ها از بتن مسلح بود، قرار داده شد.

پس از آن بر اثر زلزله، به برخی از رواق ها و اجزای مسجد صدمه وارد شد که مجلس اسلامی با استفاده از اموال اوقاف به مرمت آن پرداخت. رواق شرقی را منهدم کرد و از نو بنا نمود. رواق میانی را نیز بازسازی کرد و ستون های مورد نیاز را از ایتالیا آورد. زیرمسجد الاقصی دهلیزی وسیع وجود دارد که به اقصای قدیم موسوم است و آن عبارت است از سلسله ای از طاق ها که بر ستون های محکم و قطور استوار شده است.

در تاریخ بیست و یکم آگوست 1969 رژیم صهیونیستی اعلام کرد یک فرد دیوانه به نام دنیس مایکل روهان (Dennis Michael Rohan) مسجدالاقصی را به آتش کشید. گرچه اسرائیلی ها اعلام داشتند که این فرد استرالیایی یک مسیحی دیوانه بود، لیکن برخی منابع معتبر نیز بر این عقیده هستند که وی یک یهودی توریست بود و از لحاظ سلامت عقلی نیز هیچ مشکلی نداشت. همچنین آثار حریق دلالت بر آن دارد که اشخاص دیگری روهان را در آتش زدن این مسجد از خارج آن و از یکی از پنجره های مشرف به درب المغاربه (که اسرائیلی ها آن را منهدم کردند) هدایت و یاری رسانیدند. در این آتش سوزی منبر مسجدالاقصی تخریب شد. منبری که توسط نورالدین زنگی سفارش ساخت داده شده بود، پس از جنگ های صلیبی و فتح بیت المقدس در سال 1187، یعنی دوران مسیحیت، توسط صلاح الدین ایوبی از حلب به بیت المقدس آورده شده بود.

بخش به آتش کشیده مسجدالاقصی 1500 متر مربع از 4400 متر مربع مساحت کلی مسجد را در بر می گرفت. در این آتش سوزی، منبر صلاح الدین ایوبی، مسجد عمر، محراب زکریا، مقام الاربعین، سه رواق ممتد از جنوب به شمال با ستون ها و ایوان ها و تزیینات سقفی بر سطح مسجد فرو ریخت. در این آتش سوزی دو ستون اصلی که گنبد روی آن استوار بود اجزایی از گنبد داخلی که مزین بود، محراب دیوارهای جنوبی، پوشش مرمری و 48 پنجره گچی، شیشه های

رنگی و فرش ها، سوره اسراء که با کاشی های معرق و تذهیب شده نوشته شده بود و از بالای محراب به سوی شرق امتداد داشت و بسیاری از تزینات و آیات قرآنی، از بین رفت.

البته تلاش برای تخریب این مسجد به همین جا ختم نشد و چند بار دیگر نیز تلاش های متعددی به شرح ذیل در این زمینه صورت گرفت:

- در سال های 1982 و 1987 ارتش اسرائیل مراسمی نظامی در آنجا برگزار کرد که با مقاومت فلسطینیان روبه رو شد و 20 نفر از آن ها شهید شدند.

- در سال 1996 نتانیاهو اجازه حفر تونل داد و در جریان اعتراض فلسطینیان 75 نفر کشته شدند.

- در سال 1997 دو اسرائیلی به جرم انداختن سر خوک به داخل صحن مسجد بازداشت شدند. آن ها اعلام کردند که در آیین یهود، خوک نجس نیست.

- در 7 ژوئن 1967 نیروهای اشغالگر کلیدهای در غربی باب المغاربه را توقیف و سپس به سرعت، شهر را پس از فرار اردنی ها تصرف کردند.

- در 9 ژوئن 1997 از برگزاری نماز جمعه ممانعت به عمل آمد. این اتفاق اولین باری بود که از زمان جنگ های صلیبی از 1187 میلادی تاکنون رخ داده است.

- در 16 نوامبر 1969 نیروهای اشغالگر «کنج فخریه» در جنوب

غربی حرم الشریف را اشغال کردند.

- در 14 آگوست 1970 گروه افراطی «گرشان شالوم» که قصد داشتند مسجد را تخریب و به جای آن مسجد سلیمان را بنا کنند، به زور وارد محوطه حرم شدند که طی یک درگیری، ده ها نمازگزار فلسطینی مجروح گردیدند.

- در 19 آوریل 1980 یک گروه از خاخام ها و بزرگان یهود، نشستی نیمه مخفی برای پیدا کردن راه هایی به منظور آزادی معبد کوهستان از دست مسلمانان تشکیل دادند.

- در 28 آگوست 1980 ، اشغالگران تونلی در زیر مسجد حفر کردند.

- در 30 مارس 1982 نامه های متعددی به مقامات اوقاف اسلامی ارسال و از آن ها خواسته شد تا معبد کوهستان را ترک کنند؛ چرا که در غیر این صورت، نتایج وخیمی برای آن ها به وجود خواهد آمد. نامه به عبری، انگلیسی، اسپانیایی و لهستانی نوشته شده بود.

- در 11 آوریل 1982 یک سرباز اسرائیلی به نام آلن گودمن با تفنگ M16 به نمازگزاران شلیک کرد و 60 فلسطینی را کشته و مجروح نمود.

- در 26 مارس 1983 ورودی اصلی بخش وقتی بیت المقدس به خاطر حفاری های اسرائیل تخریب شد.

- در 21 آگوست 1985 پلیس اسرائیل به یهودیان افراطی اجازه

داد، در محوطه حرم به عبادت پردازند.

- در 4 آگوست 1986 یک گروه از خاخام ها قانونی نهایی را صادر کردند که موجب آن، به یهودیان اجازه می یافتند در حرم شریف به عبادت پردازند. آنان درخواست کردند که در آنجا یک کمیته ایجاد کنند.

- در 12 می 1988 سربازان اسرائیلی به سوی تظاهرات مسالمت آمیز مسلمانان در حرم الشریف آتش گشودند و حدود یکصد نفر از فلسطینیان را کشتند.

- در 8 آگوست 1990 مقامات اسرائیل در مسجدالاقصی به قتل عام 22 نمازگزار و مجروح ساختن بیش از 200 نفر دست زدند.

- در 25 ژولای 1995 یک دادگاه عالی اسرائیل قانونی را تصویب کرد که به یهودیان اجازه می داد در معبد کوهستان (مسجدالاقصی) عبادت کنند.

سال 1982 شاهد یک سلسله تجاوزات مکرر صهیونیست ها به حریم قدس شریف بوده است. در یازدهم آوریل، افراد یک گروه یهودی از پیروان سازمان های افراطی یهودی «جنبش امنای جبل البیت» و «جنبش کاخ» به رهبری خاخام مائیرکاهانا، تلاش کردند به داخل مسجدالاقصی یورش ببرند. بعدها روشن شد که این تلاش پوششی بوده است برای یک تهاجم مسلحانه به «قبه الصخره». تهاجم به این حرم مقدس توسط یکی از سربازان صهیونیست به نام «ایلین گوتمن» انجام شد که بر اثر آن دو تن از نگهبانان مسجد به شهادت رسیدند و آسیب های

فراوانی به قبه الصخره، ستون ها و دیوارهای داخلی و خارجی مسجد وارد آمد. پیش از این تهاجم مسلحانه، سازمان هاگانا، چند نامه تهدیدآمیز برای اعضای شورای اوقاف قدس ارسال داشت که در آن ها گفته شده بود اگر یهودیان از ورود به داخل مسجد همچنان منع شوند، اعضای شورا به قتل خواهند رسید و مسجد الاقصی به آتش کشیده خواهد شد.

این یورش مسلحانه به مسجد الاقصی، واکنش شدید و خشمگینانه در قدس و سایر شهرهای کرانه غربی را به دنبال داشت، به گونه ای که طی قیامی گسترده، 9 تن از فلسطینیان شهید و 136 تن دیگر مجروح شدند. علی رغم واکنش های شدید مسلمانان نسبت به تهاجم مسلحانه علیه مسجد الاقصی، تلاش های یهودیان افراطی برای ورود به داخل مسجد تکرار شد و در ششم ژوئیه یک گروه از اعضای «جنبش امنای جبل البیت»، که تقریباً هفتاد تن بودند، به بهانه برگزاری یک اجتماع همبستگی با ارتش اسراییل که مشغول جنگ در لبنان بود و به منظور نیایش و طلب پیروزی برای این ارتش، قصد ورود به داخل مسجد الاقصی را داشتند که شهروندان فلسطینی و نگهبانان مسجد با آن ها درگیر شده و از ورودشان به صحن های خارجی مسجد الاقصی جلوگیری کردند.

ساعت سه سحرگاه 28 ژوئیه همین سال، 47 مسلح یهودی عضو یک جنبش مذهبی به نام «یشیفه توراه هکوهانیم» به رهبری خاخام «گرشون سلمون» به فرمان معاون وزیر دفاع در امور اسکان، چند خانه عربی جنب حرم شریف از ناحیه غربی را، که متعلق به اوقاف اسلامی بود،

ص: 212

اشغال کردند و یک سری اثاثیه و تعدادی میز و مقعداری اسلحه به داخل آن خانه ها انتقال دادند و کنار پنجره ها و روی پشت بام های مشرف به مسجدالاقصی مستقر شدند.

هیأت اسلامی به منظور حمایت از مسجدالاقصی پیامی خطاب به مسلمانان قدس منتشر کرد که بلافاصله صدها شهروند عرب فلسطینی در صحن های مسجدالاقصی حاضر شدند و سعی کردند یهودیان مسلح را که خانه های مذکور را اشغال کرده بودند، از آنجا بیرون کنند. در عین حال، شهردار قدس اعلام اعتصاب همه جانبه کرد که در نتیجه آن فضای هولناکی از تشنج بر شهر حاکم شد. در اینجا بود که پلیس صهیونیستی مجبور شد یهودیان مسلح را از این خانه ها بیرون کند.

چند روز بعد از این حادثه «جنبش امنای جبل البیت» دعوتنامه هایی برای برگزاری یک جشن عروسی در صحن مسجدالاقصی توزیع کرد. در این دعوتنامه نوشته شده بود: در ساعت 19 روز چهارم اوت سال 1982، مراسم عروسی «مریم کوهین» با دکتر «گلدشتاین» برگزار می شود. مدعوین باید به تعالیم مذهبی ویژه زیارت «جبل الهیکل» مقید باشند. روی کارت های دعوت نیز تصویر شهر قدس با عکسی از هیکل به جای قبه الصخره چاپ شده بود. اداره اوقاف اسلامی قدس با مشاهده گسترش این تجاوزات و تلاش های مکرر برای یورش مسلحانه به حریم قدس، ضرورت فوری افزایش و بالا بردن کارایی اقدامات مربوطه به پاسداری از مسجدالاقصی و قبه الصخره و صحن های خارجی آن را احساس کرد. به همین دلیل تصمیم گرفت که 200 نگهبان

جدید استخدام شوند و دستگاه های آتش نشانی و هشدار دهنده بهتری مورد استفاده قرار گیرد و نورافکن های جدیدی در نقاط مختلف نصب شود. اما بی تردید، صهیونیسم به وسیله جنبش های افراطی خویش و حتی حکومت رسمی خود - همان گونه که رهبران و بنیان گذارانش از «هرتزل» گرفته تا «بن گوریون» معتقدند که یهودی کردن قدس کامل نمی شود، مگر اینکه مقدسات اسلامی و مسیحی شهر تخریب و نابود شده باشد و نصب هیکل سلیمان روی «جبل البیت» (محل قدس شریف) مسأله ای است که تنها به زمان و فرصت مناسب نیاز دارد و تمامی این رویدادها و تجاوزاتی که مسجدالاقصی با آن روبه رو می شود، از حفاری هایی که در زیر آن انجام می گیرد گرفته تا به آتش کشیدن و یورش مسلحانه به آن، نشانه های این حقیقت به شمار می روند - تهدیدهای مکرر قبلی مبنی بر انهدام مسجدالاقصی را به اجرا در خواهد آورد.

تعمیرات انجام شده از سوی کمیته معماری

حکومت اردن پس از آتش سوزی مسجدالاقصی، کمیته معماری مسجد را تشکیل داد. این کمیته در خلال سال های 1969 - 1982 اصلاحات زیر را انجام داد:

1 - ساختن بخش به آتش کشیده شده و ویران شده و از بین بردن آثار حریق؛

2 - ساختن دیوارها و ستون هایی به جای دیوارها و ستون های سوخته شده؛

ص: 214

3 - ساختن کف بتنی؛

4 - ساختن سقف بتنی جدید به جای سقف سوخته شده؛

5 - ساختن ایوان هایی با سنگ های سفید و سرخ؛

6 - ساختن دیوار مسجد عمر و سقف آن؛

7 - ساختن دیواری جدید برای مقام الاربعین؛

8 - ساختن دیوار محراب زکریا؛

9 - ساختن 48 پنجره از گچ و نصب شیشه رنگی برای آن ها؛

10 - ساختن دو ستون مرمری که گنبد بر آن ها سوار است؛

11 - ساختن پوشش مرمری داخلی؛

12 - برق رسانی به داخل؛

13 - سنگفرش کردن تمام قسمت های به آتش کشیده شده؛

14 - مرمت چوب و تزیینات گنبد چوبی داخلی به کمک مؤسسه ایتالیایی ایکروم (ICCROM)؛

15 - تهیه طرح های جدید برای ساختن منبر صلاح الدین؛

16 - تهیه و بازسازی کتابت سوره اسراء با کاشی های معرق.

اقدام یک صهیونیست برای آتش زدن مسجد الاقصی با محکومیت افکار عمومی بین المللی، به ویژه در حوزه شورای امنیت سازمان ملل، مواجه شد.

شورای امنیت با صدور قطعنامه 271 (15 سپتامبر 1969) با ابراز تأسف نسبت به خسارت سنگین آتش سوزی مسجد الاقصی در

ص: 215

بیت المقدس در 21 آگوست 1969، که در اشغال نظامی اسرائیل قرار داشت، با یادآوری قطعنامه های 252 مورخه 21 مه 1968 و 1969 و 267 مورخه 3 ژوئیه 1969 و قطعنامه های قبلی و 2254(ES-V)2253(ES-V) به ترتیب مورخه 4 و 14 ژوئیه 1967 مجمع عمومی راجع به اقدامات و اعمالی که به وسیله اسرائیل برای تغییر موقعیت شهر بیت المقدس انجام شده است، با تأکید مجدد بر اصل مسلم غیرقابل قبول بودن تصرف زمین به وسیله فتح نظامی:

1. بر اجرای قطعنامه های 252 (1986) و 267 (1969) خود تأکید می کند.

2. اذعان دارد که هر عمل تخریب یا هتک حرمت نسبت به مکان های مقدس، بناها و محل های مذهبی در بیت المقدس و یا هرگونه تحریک و یا چشم پوشی نسبت به چنین عملی ممکن است که صلح و امنیت بین المللی را به خطر اندازد.

3. مقرر می دارد که عمل نفرت آور هتک حرمت مسجدالاقصی ایجاب می کند که اسرائیل هر چه زودتر از اعمالی که برخلاف قطعنامه های مزبور مرتکب شده دست بردارد و تمام اقدامات و اعمالی را که برای تغییر موقعیت بیت المقدس انجام گرفته است، لغو کند.

4. صریحا از اسرائیل می خواهد که مفاد پیمان های ژنو و حقوق بین الملل راجع به اشغال نظامی را به کار بندد و از ایجاد هرگونه مانعی برای انجام وظایف محوله به شورای عالی مسلمانان بیت المقدس، از جمله هرگونه همکاری که ممکن است این شورا از کشورها و یا

جماعات مسلمان در ارتباط با نقشه هایش به منظور حفاظت و تعمیر مکان های مقدس اسلامی در بیت المقدس تقاضا کند، اجتناب ورزد.

5. اسرائیل را به دلیل عدم اجرای قطعنامه های فوق محکوم می کند و از آن کشور می خواهد که بدین وسیله مقررات این قطعنامه را اجرا کند.

6. تصمیم مندرج در پاراگراف 7 قطعنامه 267 (1969) را مبنی براین که در صورت جواب منفی و یا عدم جواب اسرائیل، «شورای امنیت بدون تأخیر اقدامات مؤثرتری را در این زمینه اتخاذ کند» تکرار می کند.

7. از دبیر کل سازمان ملل تقاضا می کند که دقیقا اجرای قطعنامه کنونی را پیگیری نماید و بدین وسیله در اسرع وقت مراتب را به شورای امنیت گزارش کند.

در یک هزار و پانصد و دوازدهمین اجلاسیه با 11 رأی موافق در برابر هیچ رأی مخالف و 4 رأی ممتنع (کلمبیا، فنلاند، پاراگوئه و امریکا) تصویب شد.

قدس از نگاه ادیان سه گانه توحیدی

ضرورت گفتمان با توجه به مشترکات و مفترقات

با نگاهی به عرصه ایدئولوژی و اعتقادی ادیان ابراهیمی، در می یابیم که بین آن ها مشترکات بر سر اصول مهیا است و به برکت همین مشترکات، مفترقات ایشان در سایه قرار گرفته است.

ص: 217

برای بهره‌مندی از اثرات عینی و عملی گفتمانی کارا، هدفمند و فراگیر، 2 شرط لازم و کافی ضروری است. شرط لازم مربوط به حوزه نظر است و مرور و بازخوانی نقطه‌های مشترک در حوزه اندیشه را در بر می‌گیرد و شرط کافی نیز مربوط به حوزه عمل است و برانگیختن انگیزه پیروان ادیان و چشم‌به‌راهان دستورات صاحبان گفتمان را در پی دارد.

اینجاست که به حق باید گفت: گفتمان، اثبات اختیار است و دوری از گفتمان، تن دادن به جبر مطلق.

اهمیت شهر قدس

شهر قدس و اطراف آن نزد پیروان سه دین، مقدس و محبوب است؛ سرزمینی که عبادتگاه پیامبران الهی بوده و نقطه‌ای است برای عروج برخی از آنان به آسمان‌ها و محلی برای ابلاغ وحی و انجام معجزات الهی. این ویژگی‌های خاص هنگامی اهمیت بیشتری می‌یابد که بدانیم هیچ مکان دیگری در کره زمین از چنین وضعیت و جایگاهی برخوردار نیست.

قدس نیز با توجه به عظمت و تقدسی که نزد صاحبان ادیان ابراهیمی دارد، چنانچه با نگاهی جامع و مانع مورد دقت نظر واقع شود و فلسفه وجودی آن به درستی درک شود، می‌تواند محملی برای نزدیکی بین خلق خدا با یکدیگر و با خدایشان باشد.

اما از سویی دیگر، چنانچه عده ای جوهره تقدسی این شهر را نادیده انگارند و صرفاً تمام عزم خود را جزم مسأله خشت و گل و بنا و تعلق و مالکیت شهر نمایند، در این صورت این شهر می تواند وسیله ای برای هزاران هزار درگیری و خونریزی و خانه بدوشی و اجحاف شود.

پیوند هدف و مکتب

قربت و ارتباط با پیامبران، تنها به وسیله ایمان و پیروی صادقانه از آنان است. بنابراین، نزدیکترین افراد به ابراهیم علیه السلام آنانی هستند که از مکتب او پیروی کرده و نسبت به اهداف او وفادار بوده اند، خواه کسانی که در زمان او زندگی می کردند و خواه کسانی که پس از او به مکتب و برنامه او وفادار مانده اند. دلیل این موضوع نیز روشن است؛ زیرا احترام پیامبران به خاطر مکتب، نیکوکاری و عدالت خواهی آن ها بوده نه به خاطر نژاد، قبیله و نسب. کما اینکه در قرآن کریم، سوره صافات، آیات 112 و 113 در مورد حضرت ابراهیم علیه السلام آمده است: «ما او را به اسحاق، پیامبری صالح، بشارت دادیم. ما بر او و اسحاق برکت دادیم، و از دودمان آن ها افرادی نیکوکار به وجود آمدند و افرادی که آشکارا به خود ستم کردند».

بنابراین، هنگامی که مشاهده می کنیم افرادی از اهل کتاب با عقاید شرک آمیز خود از اساسی ترین دعوت ابراهیمی منحرف شده اند، باید اذعان داشت که آنان شکل را گرفتند و جوهره و روح فرمان های انبیا را، که یکی شدن بود، فراموش کرده و خود را اسیر شکلی از بنا یا نوعی از

تفکر کرده اند که نتیجه آن کشتار دیگران، ایجاد ناامنی، فتنه و هزاران صحنه رقت بار دیگر است و همه این ها را به نام دین و عبادت خداوند مرتکب می شوند. این چنین اشخاصی خواه یهودی، خواه مسیحی و یا مسلمان، خود را با این عمل در رأس منکران پیامبر الهی قرار داده و با عنوان پاسداری از شکل مکتب، هدف مکتب خود را فراموش و آن را مورد حمله و هجوم قرار می دهند.

نکته قابل تأمل دیگر آن که، دین سازی و مذهب سازی در درون ادیان ابراهیمی، امری بدیهی و یکی از خطرات بالقوه به شمار می آید. از این رو، به نظر می رسد صهیونیسم به عنوان یک سازمان سیاسی با تمسک به آیاتی وابسته از کتاب مقدس (تورات) و عدم تطبیق و تفسیر آن با کمک از آیات مستقل در تورات، به عمد و یا غیرعمد، دچار یک خطای بزرگ در تحلیل خود نسبت به دستورات الهی شده است و نتیجه این تحلیل نابجا و نادرست نه تنها موجب چند دهه خونریزی و دشمنی شده، بلکه زمینه های نزدیکی و گفتمان را در هاله ای از ابهام قرار داده است. ما صهیونیسم را یک مفهوم چهاروجهی می دانیم. یعنی صهیونیسم مذهبی، صهیونیسم سیاسی، صهیونیسم فرهنگی و صهیونیسم اقتصادی.

دشمنان ادیان ابراهیمی عمدتاً برای دین سازی و بدعت گذاری در دین و تشکیک در عقاید عامه مردم و پاشیدن تخم نفرت و بذر خشونت میان پیروان ادیان، از افراطیون یا تقریطیون به عنوان ابزار استفاده نموده و می نمایند. در مکتب یهودیت تندروهایی بوده و هستند که می پندارند خدا تنها و تنها متعلق به نژاد بنی اسرائیل است و نژاد بنی اسرائیل تماماً

یهودی هستند و این یهودیان، چه گناهکار و چه نیکوکار و عادل، همه و همه با کمی تأخیر و تعلل بالاخره در مقام رضوان الهی و در بهشت برین جای دارند. آنان می گویند: مناسب است دیگران را خارج از نژاد خود پاکسازی نماییم و در صورت قدرت علاوه بر لعن و نفرین، آنان را از دم تیغ بگذرانیم و سرزمین نیل تا فرات را در اختیار خود بگیریم. لازم به ذکر است این افراد افراطی در جامعه یهودی نه تنها از جایگاهی برخوردار نیستند، بلکه مطرودند، به گونه ای که سازمان صهیونیسم از سال 1897 تا سال 1914 در مجموع تنها توانست پنج هزار عضو را جذب نماید. دین مبین اسلام نیز همواره از وجود این گونه افراد در عذاب و ناراحتی بوده است؛ گروه های تندرو افراطی با عنوان اسلام و نام هایی همچون طالبان و القاعده، که هادی آن ها مستقیم یا غیرمستقیم افراد بی دین و طرفداران مکتب اصالت سود بودند، از جمله این افرادند.

از آنچه گفته شد نتیجه گرفته می شد که پیش نیاز هر نوع گفتمان میان اصحاب سه دین، رعایت تفسیر درست و برداشت مناسب با رسالت انبیای الهی است. هر کس موسی را جهانی نداند و صرفاً او را مختص چند میلیون انسان بداند، ستمی بزرگ به ساحت آن نبی گرامی خداوند یکتا روا داشته است.

در هر صورت، صهیونیسم می کوشد به جهانیان القا کند که هر یهودی صهیونیست است و صهیونیسم نماینده یهودیان عالم می باشد.

حقوق دمکراتیک واحد ملت و موارد نقض آن در فلسطین

واقعیت آن است که صهیونیسم حتی در طی بیش از 50 سال ظهور و بروز خود در ارض مقدس، از اولیات و محکومات آیین موسی دور شده و دوره ای سراسر از ظلم و اجحاف به ملت فلسطین را به نمایش گذارده است.

رژیم اشغالگر قدس، هفت اصل لازم برای حفظ آزادی و شرافت انسان ها:

1. برخورداری از حقوق مدنی؛

2. برخورداری از حقوق اجتماعی؛

3. برخورداری از حقوق اقتصادی؛

4. برخورداری از حقوق سیاسی؛

5. برخورداری از حقوق فرهنگی؛

6. برخورداری از سبک زندگی و آرامش؛

7. برخورداری از حق سلامت و بهداشت را نادیده گرفته و زیر پا گذاشته است.

اکنون قدس، که قبله گاه سه دین بزرگ الهی است و جای جای آن یادآور خاطرات انبیای بزرگ الهی، که برای سلامت و سعادت انسان ها مرارت ها کشیده اند، می باشد، در زنجیره صهیونیسم گرفتار است و به جای آنکه از این نقطه مشترک و مقدس متعلق به ادیان ابراهیمی در جهت نزدیکی و همدلی بهره گرفته شود، فرصت گفتگو و آرامش را از پیروان

هر سه دین ستانده اند و با یکی دانستن صهیونیسم و یهود، موحدان جهان و یهودیان موحد را دل آزرده کرده اند؛ زیرا دین یهود را ابزاری برای تفرقه میان امت خدا و بهره گیری مادی و چند روزه از دنیا ساخته اند.

حضرت امام خمینی قدس سره تصریح داشته اند که «ما حساب جامعه یهود را از حساب صهیونیسم و صهیونیست ها جدا می دانیم و آن ها (صهیونیست ها) جزء اهل مذهب اصلاً نیستند». ایشان، خود، یکی از مخالفان سرسخت صهیونیسم از سال های بسیار دور (پیش از 1960 میلادی) تا پایان عمر خویش بوده اند. اما در برابر پیروان راستین دین یهود راه مهربانی را در پیش گرفتند و سفارش به حفظ حرمت یهودیان داشته اند: «به این یهودی ها که در ایران هستند، کسی حق ندارد تعرض بکند، این ها در پناه اسلام و مسلمین هستند، نه به یهودها و نه به نصاری». امام به درستی دریافتند که ادعای یهودی بودن از سوی صهیونیست ها فریبی بیش نیست و آنان آمده اند تا دین موسی علیه السلام و پیروان پاک دل موسوی را بازیچه دنیاطلبی خویش قرار دهند: «امروز شما می بینید که صهیونیست در عالم که مدعی یهودی بودن هست و یهودیان او را قبول ندارند با مردم چه می کند و مع ذلک ادعا می کند که من تابع حضرت موسی هستم».

اما در این گفتار، برای پیروان آیین های سه گانه توحیدی و نیز ملت فلسطین در سه سطح می توان راهکارهایی را ارائه داد: 1. دولتمردان و حکام 2. اندیشمندان و خواص 3. عامه مردم.

الف . یهودیان

رژیمی که در سرزمین فلسطین با عنوان رژیم صهیونیستی اسرائیل قدرت را به جبر در دست گرفته و خود را دولت یهودیان جهان اعلام می کند، رژیمی است کاملاً سیاسی که از نام دین یهود و دین باوران یهود به عنوان ابزاری برای رسیدن به خواسته های کاملاً اقتصادی و سیاسی بهره می گیرد و با توجه به سیر شکل گیری آن در این سرزمین مقدس به عنوان یک دولت قانونی پذیرفتنی نیست.

ب . مسیحیان

بیش از یکصد کشور جهان از آیین الهی مسیحیت پیروی می کنند

و حکومت و دولتمردانشان مدعی پیروی از آیین مسیح و برقراری صلح و آرامش و عدالت برطبق آموزه اصیل مسیحی هستند. اما با کمال تأسف مشاهده می شود حکام و دولتمردان پاره ای از این کشورها، به دور از پیام های خدایی آیین مسیح در پیدایی رژیم صهیونیستی و تداوم حضورش در منطقه و نیز کمک در سرکوب ملت فلسطین، اعم از کمک های مالی، تسلیحاتی رسانه ای و غیره، نقش بسزایی ایفا کرده و می کنند. بر این دولتمردان است که آیین مقدس مسیح را به سخره نگیرند و مسیحیان پاکدل را بازیچه هوس های قدرت طلبی خویش قرار ندهند و

ص: 224

از امکانی که برایشان فراهم آمده به درستی در راه اعتلای دین مسیح و جامعه انسانی بهره گیرند و علیه ستم و بیدادگری بشورند و در صف حق جوینان و حق گویان و حق کرداران قرار گیرند و بدانند که اگر چنین نکنند، خیانت بزرگی به دین عیسی علیه السلام پیروان مسیح و جامعه انسانی کرده اند و سرانجام باید روزی پاسخگوی عمل خویش باشند، خواه در تاریخ، خواه در پیشگاه ملت خویش یا در پیشگاه عدل الهی.

ج . مسلمانان

از مجموع کشورهای جهان، نزدیک به 54 کشور با جای دادن بیش از یک میلیارد مسلمان در خود به عنوان کشورهای اسلامی شناخته می شدند. اینان نیز باید به جای دل بستن به قدرت های بیگانه که بی هیچ تردیدی دشمن اسلام، کشورهای اسلامی، مردم مسلمان و خود آنان هستند، از آیین توحیدی اسلام پیروی کنند و دستورات آن را که چونان دیگر آیین های توحیدی، برای راهنمایی بشر از طوفان سهمگین و پرتلاطم حوادث روزگار و گمراهی، به سرمنزل مقصود و ساحل نجات نازل شده است، دقیقاً اجرا کنند.

2. خواص و اندیشمندان

دانشمندان گوش و چشم و دست و عقل عامه مردم هر جامعه ای هستند

ص: 225

و دولتمردان نیز برای پیشبرد اهداف خویش به این قشر نیاز افزون دارند. وظیفه خطیر خواص و اندیشمندان یهودی، مسیحی و مسلمان آن است که حق را به تمام معنا در مسأله فلسطین ادا نمایند و آنچه را که عدل و انصاف است، به درستی بیان دارند؛ زیرا اگر سکوت کنند در هر ستمی که بر انسانیت از ناحیه این عملشان برود، شریکند و روزی باید پاسخگوی کار خویش باشند.

3. عامه مردم

الف. بر پیروان شریعت موسی علیه السلام تکلیف است تا هرچه شفاف تر و صریح تر انزجار و جدایی خود را از مرام و مسلک صهیونیسم در سطح جامعه بین المللی نهادینه سازند و به باور مردم و پیروان سایر ادیان بنشانند.

ب. بر پیروان حضرت مسیح علیه السلام تکلیف است اجازه ندهند دولت های مسیحی در مسأله خاورمیانه و قدس شریف آتش بیار معرکه باشند.

ج. بر مسلمانان است تا با هوشیاری کامل، به جای عملکرد انفعالی به هوش باشند و با گفتمان های دقیق و به موقع با صاحبان ادیان ابراهیمی، حجاب های دورغین را، که برافراشته دست بی دینان است، فرو کشانند و دست یاری و تقاهم به سوی دیگر برادران دینی خود دراز کنند.

ص: 226

ملت فلسطین همچنان که تاکنون نشان داده به هیچ وجه طالب جنگ و خونریزی نیست و با آگاهی از آموزه انسان دوستانه اسلام، طالب آرامش و زندگی توأم با امنیت در سرزمین مقدس فلسطین است. اما همچنان نشان داده است که بیدادگری و بی عدالتی را هرگز برنخواهد تابید و برای رسیدن به حقوق حقه خود خواهد جنگید.

قدس و فلسطین، سرزمینی است برای پیروان هر سه دین؛ در آن، نمادهای تعلق بسیار است که این خود علقه شدیدی را نسبت به قدس ایجاد کرده است. همچنین حرم داری قدس شریف خاص فلسطینیان است که در آنجا حق آب و گل دارند. حکومت فلسطین باید از طریق رفراندوم شکل گیرد، آن هم رفراندومی حقیقی و دور از هرگونه خدعه و تهدید؛ به این صورت که تمامی فلسطینیان، اعم از آنانی که اکنون در سرزمین فلسطین زندگی نمی کنند و به جبر از خانه و کاشانه رانده شده اند و آنان که در این سرزمین نسل اندر نسل بسر برده و می برند، در این همه پرسی شرکت کنند. بدین ترتیب، شکل حکومت فلسطین مشخص خواهد شد.

وقتی صحبت از ملت فلسطین می شود، یعنی تمام فلسطینیان اعم از یهودی و مسلمان و مسیحی و نیز هر غیرفلسطینی که ملت فلسطین او را به عنوان یک فلسطینی در سرزمین خود بپذیرد. سخن بر سر این نیست که حرم داری قدس و سرزمین های مقدس با پیروان کدام دین است،

بلکه پیش از آن سخن بر سر آن است که فلسطین متعلق به تمامی پیروان ادیان ابراهیمی است و تنها در مالکیت فلسطین است و این مردم فلسطین اند که می بایست حرم داری اماکن متبرکه را در دست بگیرند و صهیونیسم نسبت به فلسطین به دلیل فقدان شخصیت حقیقی هیچ گونه تعلقی ندارد و محو سازمان صهیونیسم ار مغانی برای پیروان سه دین، بخصوص یهودیان عالم است.

در نهایت، بر یهودیان، مسیحیان و مسلمانان واجب است که افزون بر گفتمان در حوزه نظر و اندیشه، کاری کنند تا نتایج گفتمان ها در حوزه انگیزه و عمل نیز متبلور گردد و جهان شاهد امنیت و آرامش و عدل و انصاف در سرزمین فلسطین باشد. به امید آن روز!

محمد رضا مانی فر(1)

سخن گفتن از چگونگی ارتباط میان دو نماد، که یکی همچون «مسجد» نشانی از سنت و دیرینگی و دیگری همچون «رسانه ملی» جلوه ای از تجدد و روزآمدی است، در گام نخست، به اندازه ایجاد پلی ارتباطی میان دو مفهوم سنت و تجدد در جامعه ای در حال گذار، مانند جامعه اسلامی ایران، سخت، ظریف و شکننده است.

اگر جامعه ای در دستیابی به «تجدد» و دریافتن نسبت آن با «سنت» با گزینه هایی همچون سنت گریزی یا تجدد محوری روبرو می شود، رسانه ملی نیز به مثابه نمادی از تجدد در برقراری ارتباط با مسجد، این نماد

ص: 229

1- . مهندس برق و الکترونیک و دانشجوی کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی.

ریشه دار در دین، با گزاره هایی نظیر: «رسانه با دین ناسازگار است» و کارکرد دینی ندارد و «رسانه همان پیام است» مواجه می گردد.

از این روست که تحلیل رابطه و بررسی چگونگی ارتباط مسجد

و رسانه ملی، آن هم در جامعه ای همچون جامعه اسلامی ایران، با درک حساسیت های موجود در آن، در گرو شناخت دقیق و مقابله اندیشه ای با گرایش های تند روانه در این عرصه است؛ گرایش هایی که یکی، رسانه را «دینی» نمی داند و اصولاً کارکردی دینی برای آن قایل نیست و دیگری، مسجد را به دور از تحوّل و نوآوری در رسانه عرضه می کند.

این نوشتار، که به تأملی در چگونگی ارتباط میان نهادهای سنتی و نوین ارتباطی روزگار ما می پردازد، در حقیقت در پی آن است تا به نگاهی دیگر در این گذر کوتاه دست یابد.

همگرایی نهاد مسجد و وسایل ارتباط جمعی نوین

ساختار ارتباطی فردی و اجتماعی در جامعه ای اسلامی همچون جامعه ایرانی، در چارچوب آنچه از آن به «نظام فرهنگی اسلام» تعبیر می کنند، تعریف و تبیین می شود. این نظام که خود، پدید آورنده بینش ها، گرایش ها و رفتارهای انسانی است، ساختاری است که با الگوگیری از جامعه ای که از آن به «جامعه الگوی اسلامی» در روزگار صدر اسلام تعبیر می کنند، در پی آن است تا به گم گشته هایی که ریشه در لایه های فرهنگی و معنایی مکتب اسلام دارد، دست یافته، از این رهگذر مفاهیمی همچون

«عدالت»، «تبعیض ستیزی»، «اتحاد»، «تفرقه گریزی»، «برابری» و «محو نظم طبقاتی» را در جامعه، نهادینه و جایگزین سازد.

گرچه در عرصه ارتباطات اجتماعی، به آن سبب که بر اساس سخن صریح و بیان روشن قرآن، «حکمرانی از آن خداست»، زمامداران جامعه اسلامی تنها در صورتی «مشروعیت» دارند که بر اساس فرمان الهی برگزیده شده باشند، اما نگاهی گذرا به روند تاریخی شکل گیری

و اضمحلال حکومت ها، نشان دهنده آن است که ما در کمتر روزگار و زمانی، نظاره گر چنین روندی بوده ایم.

از این رو، «بحران مشروعیت» یا به بیانی ساده تر «فقدان مشروعیت»، از دیرباز، همواره همزاد حکومت ها در جامعه اسلامی بوده است.

این بحران یا فقدان مشروعیت که پیامدهایی گوناگون در پی داشته است، از جمله مواردی است که همواره در گستره تاریخ، سبب شده تا «عرف» و «شرع» یا «احکام حکومتی» و «دستورات دینی»، در برابر یکدیگر صف آرایی کنند تا جایی که «حکمرانان» و «رهبران دینی»، هر یک، شبکه ای ارتباطی ویژه مخاطبان خود در جامعه پدید آورند.

این واگرایی که خود را در نمودهایی بارز و آشکار همچون ایجاد شبکه های ارتباطی مساجد، حسینیه ها و مدارس مذهبی برای «رهبران مذهبی» و پیدایی شبکه های ارتباطی حکومتی همچون خانقاه برای «حکومتگران» نشان می دهد، با پیدایی و ورود وسایل ارتباط جمعی

و فن آوری های «روزآمد» ارتباطی در نیمه نخست قرن بیستم میلادی، جلوه ای دیگر یافت.

بروز، ظهور و ورود این گونه فناوری ها به جوامع اسلامی، به ویژه جامعه ایرانی، نه تنها نتوانست آن گونه که باید در جلب اندیشه ها و جذب دیدگاه های عمومی موفق باشد، که به سبب فقدان مشروعیت حاکمان، همچنان این فاصله بعید و واگرایی محسوس، از ژرفا و عمق روزافزون تری نسبت به گذشته برخوردار شد.

این آشفتگی و پدیده بحرانی در تقابل وسایل ارتباط جمعی نوین و نهادهای سنتی مذهبی، آن چنان در تاریخ معاصر ایران در خور توجه

و قابل پرداخت است که پدیداری دگرگونی ها و تحولات اجتماعی و سیاسی در آن همچون نهضت تنباکو، انقلاب مشروطیت، نهضت ملی شدن صنعت نفت، قیام 15 خرداد و پیروزی انقلاب اسلامی، پیش از آنکه از عهده وسایل ارتباط جمعی نوین برآمده باشد، از عهده نهادهای سنتی مذهبی برآمده است.

پیروزی انقلاب اسلامی در 22 بهمن 1357 و استقرار نظام جمهوری اسلامی در 12 فروردین 1358، نقطه پایانی بر این «واگرایی» و آغازی بر «همگرایی» بود. تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی که در اصول مختلف آن بر «اسلامی بودن» نظام منتخب و حضور «رهبران مذهبی» و «علمای دین» در صحنه سیاسی و اجتماعی جامعه تأکید می شد، موجب گردید تا جامعه ای از «مشروعیت» بر تن وسایل ارتباط جمعی همچون مطبوعات، رادیو و تلویزیون بنشیند.

این همگرایی به ویژه در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سبب شد تا در صحنه های حساس همچون فتنه منافقین، کودتاهای نافرجام و سرانجام، هشت سال دفاع مقدس، همکاری نزدیک دو نهاد «سنتی» و «نوین» برآمده از دو بینش متفاوت در گذشته، مسجد و صدا و سیما، در تهییج، جذب و سازماندهی نیروهای مردمی، آثاری شگفت و شگرف به بار آورد.

ناکامی های فرهنگی؛ عوامل و پیامدها

پایان جنگ تحمیلی و آغاز دوران بازسازی ویرانه های جنگ که همزمان با تدوین برنامه های توسعه ای پنجساله بود، گرچه در زمینه اقتصادی و به مدد آمار و ارقام، دستاوردهای چشمگیری در پی داشت، اما در عرصه فرهنگ، به ویژه فرهنگ عمومی، نتوانست آن گونه که باید دستاوردی در پی داشته باشد.

فقدان بینش کافی مسئولان و سیاستگذاران در تدوین راهبردی متناسب با فرهنگ بومی، بی توجهی به لایه های متفاوت فرهنگی در جامعه و نگاهی صرفاً آموزشی به فرهنگ و نبود تعریفی کامل و جامع از چگونگی تعامل نهادهای سنتی و نوین در جامعه، از جمله دلایلی است که می توان از آن ها به منزله عوامل «عدم ناکامی» در عرصه برنامه ریزی های فرهنگی توسعه ای در جامعه نام برد.

از سویی دیگر، این ناکامی پیامدهای وجودی خویش را در جامعه به وجود آورد، آن چنان که تشکیل فرهنگسراهای گوناگون که

به رقیبی سرسخت برای مساجد تبدیل شد، ورود صدا و سیما به عرصه های ویژه نهادهای سنتی همچون مساجد که این رسانه را تا اندازه «منبر الکترونیک» تنزل داد و فقدان ظرفیت سازی در تحول ساختاری نهادهای سنتی همچون مسجد و حسینیه را می توان از جمله این پیامدها دانست.

اما در این میان، آنچه به این مشکلات ساختاری و ناکامی های برنامه ای، رنگ و بویی دیگر داده است، رویدادی است که می توان از آن به مثابه رویشی از مشکلات و نقصان هایی که تا پیش از این در لایه های متفاوت فرهنگی جامعه وجود داشت نام برد:

انقلاب جمعیتی که حاصل افزایش زاد و ولد در دهه 60 شمسی است موجب شده امروزه، جامعه ایرانی در حالتی قرار گیرد که نزدیک به 70 درصد جمعیت آن از نوجوانان و جوانان زیر 35 سال تشکیل شود.

این رویداد، گرچه به خودی خود، می تواند فرصتی گرانبها در پیش روی جامعه باشد و برای اعتلا و جهش تاریخی آن مورد بهره برداری قرار گیرد، اما نقصان ها و ضعف هایی که ناشی از فقدان درک مناسب شرایط در پیش رو است، نه تنها نتوانسته این فرصت گرانبها را پدید آورد، که با خود آشفتگی ها و بحران هایی همچون بحران های هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ و توزیع را به دنبال آورده است.

این آشفتگی ها که هر یک به سهم خویش می توانند قسمتی از چهره جامعه را تخریب کنند، آن چنانند که روزگار کنونی را از هرگونه توضیح و توصیفی در بیان ناهنجاری ها و معضلات اجتماعی، بی نیاز

ساخته اند: نگاهی کوتاه به خیابان های ابرشهری مانند تهران و چگونگی برخورد جوانان و نوجوانان با نهادهایی چون مساجد، ما را در بیان آنچه در سر داریم، از هر سخنی بی نیاز می سازد.

بررسی راهکارها برای نظرسنجی ها

اما به راستی چه باید کرد؟ و چه راهکاری باید اندیشید تا با گذر از آنچه امروز می بینیم، به آنچه در فردا می خواهیم بینیم، دست یابیم؟

از آن جا که روی سخن در این مقاله تحلیلی - پژوهشی به اندیشه در چگونگی ارتباط میان نهادهای سنتی و نوین «مسجد» و «رسانه ملی» اختصاص دارد، تنها در چارچوب سخن اصلی به پاسخگویی بر می خیزیم و عرصه های دیگر را به فرصت های دیگر وا می گذاریم:

نگاهی گذرا به ساختار نهادهایی همچون «مسجد» و «رسانه»، گرچه نشانگر فاصله ای در ظاهر بعید به سبب دیرپایی مسجد و روزآمدی رسانه است، اما از سوی دیگر، به دلیل آنکه این دو نهاد بر پایه الگوهای دیرین ارتباطات اجتماعی همچون فرستنده پیام، مجرای انتقال پیام و گیرنده پیام استوارند، می توانیم با اندکی چشم پوشی مسجد را رسانه سنتی و رسانه ملی را رسانه نوین بنامیم.

بی تردید، با درک این نکته مسجد و رسانه ملی همانند سازمان هایی رسانه ای در معرض عوامل مؤثر بر اثرگذاری های اجتماعی و حتی فردی خود هستند؛ عواملی که می توان آن ها را در الگو و نمودار ذیل جستجو کرد:

ص: 235

نظام دولتی و حقوقی تخصص کاری، سازمانی و حرفه ای

فن آوری رسانه ای - رسانه - مخاطب

جهان واقعی و سازمان های رقیب مالکیت و کنترل

محیط ایدئولوژیک (نفوذ تجاری)

نگاهی کوتاه به این الگو و نمودار عوامل تأثیرگذار بر کارکرد رسانه، نشانه آن است که اگر رسانه ای در پی آن می باشد تا دلایل موفقیت و عوامل ناکامی خویش را در میان گزاره های گوناگون و متنوع به کنکاش نشیند، لازم است در ابتدا، با توجه به آنچه در بالا بیان کردیم، به بررسی چنین عواملی در اثرگذاری رسانه ای خود دست زد، تا از این رهگذر با شناخت نقاط ضعف، به تقویت نقاط قوت پردازد.

گرچه سخن گفتن از عوامل مزبور و بررسی جزء به جزء آن ها، فرصتی دیگر می طلبد، اما گذری بر دو پژوهش انجام شده درباره موضوع دینی «امر به معروف و نهی از منکر در جامعه» و «برنامه های

مذهبی تلویزیون» می تواند تا اندازه ای تصویری کلی را از آنچه هست ارائه دهد:

نتایج نظرسنجی از مردم درباره امر به معروف و نهی از منکر در جامعه (اداره کل پژوهش های اجتماعی و سنجش برنامه ای، شماره 98، سال 1381):

1 . 37 درصد از پاسخگویان در مقایسه رفتارهای ناپسند و پسندیده، معتقدند رفتارهای ناپسند در جامعه رواج بیشتری دارد. 7/34 درصد میزان رواج رفتارهای پسندیده و ناپسند را در جامعه مساوی می دانند و 1/18 درصد معتقدند رفتارهای پسندیده در جامعه بیشتر از رفتارهای ناپسند است.

2 . در زمینه نقش نهادها و بخش های مختلف جامعه در گسترش خوبی ها، خانواده با 7/82 درصد و صدا و سیما با 5/73 درصد بیشترین اهمیت را نزد پاسخگویان داشته است.

همچنین روحانیان با 8/31 درصد از نظر پاسخگویان، کمترین نقش را در این زمینه دارا هستند.

3 . از نظر پاسخگویان، راستگویی (4/11 درصد) مهم ترین معروفی است که در جامعه کمتر به آن عمل می شود.

4 . پاسخگویان معتقدند که از بین منکرات رایج در جامعه به ترتیب، اختلاس، اعتیاد، و رشوه بیشترین میزان رواج را در جامعه دارند.

ص: 237

5. از نظر پاسخگویان، اعتیاد (27/1 درصد) بدترین منکری است که در جامعه دارای بیشترین میزان رواج است. در ضمن، دروغگویی (7/7 درصد) و بی بند و باری (4/7 درصد) در مراحل بعدی قرار دارند.

6. پاسخگویان معتقدند از بین اعمال پسندیده به ترتیب عبادت خداوند، احترام به والدین و کمک به هم‌نوع بیشترین رواج را در جامعه دارند.

7. مهم‌ترین عامل ارتکاب منکرات در جامعه از نظر پاسخگویان به ترتیب عبارتند از: تربیت خانوادگی (9/32 درصد)، وضعیت اقتصادی (7/29 درصد) و وضعیت اجتماعی (1/81 درصد). در ضمن زنان عامل خانوادگی و مردان بیشتر وضعیت اقتصادی را مهم‌ترین عامل ارتکاب منکرات در جامعه دانسته‌اند.

8. اکثر پاسخگویان (7/69 درصد) اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه «ضروری» و «کاملاً ضروری» می‌دانند؛ 7/15 درصد پاسخگویان اجرای این فریضه را «نسبتاً ضروری» دانسته و 2/3 درصد پاسخگویان اصلاً ضروری نمی‌دانند.

9. از نظر 42 درصد پاسخگویان، مردم، امر به معروف و نهی از منکر را به میزان «کم» و «خیلی کم» دارای اهمیت می‌دانند. 2/33 درصد پاسخگویان نیز بر این باورند که مردم «تا حدودی» این فریضه را مهم می‌دانند و تنها 6/15 درصد پاسخگویان معتقدند که مردم فریضه امر به معروف و نهی از منکر را به میزان «خیلی زیاد»، «زیاد»

و «کاملاً» دارای اهمیت می دانند. به طور متوسط، پاسخگویان معتقدند مردم در حد «متوسط به بالا» به این فریضه اهمیت می دهند.

10. اکثر پاسخگویان (6/60 درصد) مسؤلان را بیشتر از مردم، نیازمند به امر معروف و نهی از منکر دانسته اند.

11. 6/38 درصد پاسخگویان، روش های موجود در خصوص اجرای امر به معروف و نهی از منکر را «تا حدودی» 26 درصد «کم و خیلی کم» و 4/20 درصد «نیاز، خیلی زیاد و کاملاً» مناسب دانسته اند. همچنین 11 درصد روش های موجود در خصوص اجرای این فریضه را اصلاً مناسب ندانسته اند به طور متوسط پاسخگویان روش های موجود در خصوص امر به معروف و نهی از منکر را حد «متوسط به پایین» دانسته اند.

12. پاسخگویان به طور متوسط، موفقیت صدا و سیما را در خصوص معرفی فریضه امر به معروف و نهی از منکر را پایین تر از حد متوسط ارزیابی کرده اند. همچنین موفقیت صدا و سیما را در زمینه شناساندن رفتارهای خوب و رفتارهای بد به مخاطبان «تا حدودی» (1/38 درصد)، «کم و خیلی کم» (8/19 درصد) و «زیاد، خیلی زیاد و کاملاً» (2/36 درصد) ارزیابی کرده اند. 2/3 درصد پاسخگویان نیز سازمان را در این زمینه «اصلاً» موفق ندانسته اند.

13. پاسخگویان میزان موفقیت صدا و سیما را در ترغیب مخاطبان به خوبی (متوسط به بالا) می دانند. همچنین از نظر جنس، مردان میزان موفقیت صدا و سیما را در این زمینه «متوسط» و زنان

«متوسط به بالا» ارزیابی کرده اند. از نظر گروه های شغلی محصلان، بیکاران، خانه دارها و بازنشسته ها، میزان موفقیت صدا و سیما را در این زمینه «متوسط به بالا» و دانشجویان و شاغلان «متوسط به پایین» ارزیابی کرده اند.

14. از نظر 8/33 درصد پاسخگویان، جوانان بیشتر از دیگران رفتارهای خوب و بدشان را از صدا و سیما می آموزند. همچنین 6/30 درصد پاسخگویان، نوجوانان و 5/25 درصد، کودکان را در این زمینه، بیشتر تحت تأثیر صدا و سیما دانسته اند.

15. اکثر پاسخگویان (9/58 درصد) مجموعه های داستانی را بهترین مشوق مردم به اعمال پسندیده دانسته اند. برخی دیگر (1/14 درصد) بحث و گفتگو را مطرح کرده اند.

نتایج نظرسنجی از مردم تهران درباره «برنامه های مذهبی تلویزیون»

(مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه ای، شماره 169 سال 1381)

1. 33 درصد از پاسخگویان در این بررسی اظهار نظر کرده اند که «اصلاً» برنامه های مذهبی را تماشا نمی کنند. 16 درصد از پاسخگویان «همیشه و اکثر اوقات» و 51 درصد «گاهی اوقات و به ندرت» بیننده برنامه های مذهبی هستند.

2. عمده ترین دلیل که پاسخگویان برای تماشا نکردن «برنامه های مذهبی» عنوان کرده اند نداشتن وقت (14 درصد) بوده است.

علاقه نداشتن به برنامه های مذهبی، جذاب نبودن برنامه های مذهبی و تماشای نکردن تلویزیون در رتبه های بعدی جای دارند.

3. میزگردهای مذهبی را 29 درصد افراد «گاهی اوقات»، 19 درصد «به ندرت»، 11 درصد «اکثر اوقات» و 3 درصد «همیشه» تماشا می کنند. در ضمن 38 درصد نیز اظهار نظر کرده اند که «اصلاً» این نوع برنامه ها را تماشا نمی کنند.

4. همچنین بین میزان تماشای میزگردهای مذهبی و سن، تحصیلات و وضعیت تأهل بینندگان برنامه های مذهبی رابطه معناداری وجود دارد.

5. میزان تماشای سخنرانی های مذهبی به شرح زیر است: 38 درصد «گاهی اوقات»، 19 درصد «اکثر اوقات»، 17 درصد «به ندرت» و 5 درصد «همیشه» این نوع برنامه ها را تماشا می کنند. گفتنی است که 21 درصد نیز «اصلاً» بیننده برنامه «سخنرانی مذهبی» نیستند.

6. دعا و نیایش پخش شده از تلویزیون را 37 درصد افراد «گاهی اوقات»، 33 درصد «اکثر اوقات»، 7 درصد «به ندرت»، 16 درصد «همیشه»، تماشا می کنند و 7 درصد نیز «اصلاً» بیننده چنین برنامه هایی نیستند.

7. در این بررسی، 32 درصد «همیشه»، 31 درصد «اکثر اوقات»، 28 درصد «گاهی اوقات» و 4 درصد «به ندرت»

ویژه برنامه های اذان را تماشا می کنند و 5 درصد نیز گفته اند که اصلاً این ویژه برنامه ها را تماشا نمی کنند.

8. ویژه برنامه های اعیاد مذهبی را 34 درصد «گاهی اوقات»، 30 درصد «اکثر اوقات»، 21 درصد «همیشه» و 5 درصد «به ندرت» تماشا می کنند. 10 درصد نیز گفته اند «اصلاً» بیننده این نوع برنامه ها نیستند.

9. میزان تماشای ویژه برنامه های محرم و عزاداری ها به این صورت است که 35 درصد «همیشه»، 34 درصد افراد «اکثر اوقات» و 4 درصد «به ندرت» این برنامه ها را تماشا می کنند و 4 درصد نیز گفته اند که «اصلاً» ویژه برنامه های محرم و عزاداری ها را تماشا نمی کنند.

10. در مقایسه انواع برنامه های مذهبی، اکثر افراد (69 درصد) «همیشه و اکثر اوقات» ویژه برنامه های محرم و عزاداری ها را می بینند و در مقابل، تنها 14 درصد «همیشه و اکثر اوقات» بیننده میزگردهای مذهبی هستند.

آنچه از مطالعه و بررسی این یافته های پژوهشی به دست می آید، نشان دهنده آن است که:

1. نزدیک به 72 درصد پاسخگویان معتقدند رفتارهای ناپسند در مقایسه با رفتارهای پسندیده به یک اندازه یا بیشتر در جامعه رواج دارد.

2. خانواده، همچنان تأثیرگذارترین نهاد در گسترش خوبی ها

است و رتبه بعدی پس از آن به صدا و سیما اختصاص دارد.

3. راستگویی، مهم ترین خصلت نیکویی است که در جامعه، کمتر به آن عمل می شود.

4. در گستره خصایل ناپسند و رذایل اخلاقی نکوهیده به ترتیب اختلاس، اعتیاد و رشوه بیشترین رواج را در جامعه دارند.

5. در میان خصایل پسندیده و فضایل اخلاقی به ترتیب عبادت خداوند، احترام به والدین و کمک به هم نوع از رواج بیشتری در جامعه برخوردار است.

6. تربیت خانوادگی، وضعیت اقتصادی و وضعیت اجتماعی به منزله مهم ترین عوامل در ارتکاب منکرات در جامعه هستند.

7. در دیدگاه اکثر پاسخگویان، اجرای فریضه «امر به معروف و نهی از منکر» در جامعه بسیار ضروری است.

8. بیشتر پاسخگویان، مسئولان را بیش از مردم نیازمند «امر به معروف و نهی از منکر» دانسته اند.

9. در نگاه بیشتر پرسش شوندگان، روش های موجود در اجرای این فریضه الهی، امر به معروف و نهی از منکر، ناکارآمد است.

10. بیشتر پاسخ دهندگان مجموعه های داستانی را به عنوان بهترین مشوق مردم به اعمال پسندیده می دانند. این در حالی است که برخی دیگر با کمترین شمار، بحث و گفتگو را در این مقام در نظر می گیرند.

با نگاهی به یافته های این دو پژوهش که در برگزیده تصویری کلی از جامعه در نگاه مخاطب است، اکنون می توانیم به پرسش اساسی آغاز سخن باز گردیم: برآستی چه باید کرد؟

پاسخگویی به این پرسش را در گزاره های زیر جستجو می کنیم:

1. توجه به مخاطب هدف: مسجد و رسانه ملی، هر کدام باید به مخاطب تعریف شده خویش توجه کافی کنند و تنها در راستای توجه به نیازها و مطالبات او گام بردارند. اگر بیننده تلویزیون، مجموعه های تلویزیونی را بهترین شیوه در گسترش خوبی ها می داند و بحث و گفتگوی مذهبی را آن چنان مؤثر نمی داند و اگر در نگاه جامعه اختلاس، اعتیاد و رشوه بزرگترین معضلات رایج در آن هستند و در کنار آن، عبادت خداوند، احترام به والدین و کمک به هم نوع، بیشترین نیکویی های متداول در جامعه، این بدان معناست که نگاهی دگر بار به اهداف و اولویت های رسانه ملی و واگذاری برخی از امور کمتر مورد توجه در رسانه که نیازمند ارتباط چهره به چهره و رو در رو هستند، باید در دستور کار مسؤلان و دست اندرکاران هر دو رسانه «مسجد» و «رسانه ملی» قرار گیرد و همچنین توجه محتوایی به معضلاتی که برشمرديم باید در دستور کار سخنرانان مذهبی در مساجد و برنامه سازان رسانه، هر یک با ابزار مورد توجه عامه باشد.

2. نگاهی واقع بینانه به جامعه: دو رسانه سنتی و نوین «مسجد» و «رسانه ملی»، اگر به دنبال کارکرد مطلوب خویش هستند باید از جامعه ای «در حال گذار» که در جستجوی راهکاری برای آشتی بین «سنت» و «تجدد» است، تصویری مناسب، بهنگام و به روز داشته باشند تا براساس آن دست به برنامه ریزی زنند. متأسفانه، فقدان درک مناسب از شرایط در پیش رو یا شرایط در حال حاضر، از جمله مواردی است که دستگاه ها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی به آن مبتلا هستند و از این رو آسیب هایی بسیار تاکنون دیده اند.

3. فنآوری رسانه ای: بی تردید، ما در روزگاری به سر می بریم که در آن، فناوری های متفاوت با کاردهای مختلف در حال بروز، ظهور و پیدایی هستند. بیگانگی با این گونه دستاوردهای علمی و فرهنگی در کنار مرعوب شدن در برابر این گونه دستاوردها، از جمله مواردی است که همواره، جامعه و نهادهای آن را با سرگردانی و حیرانی روبرو کرده است.

مسجد به عنوان نهادی سنتی و رسانه ملی به عنوان سازمانی نوین، هر دو در معرض آنچه برشمردیم، قرار دارند. از این روست که به نظر می رسد برخورد خردمندانه، کاربرد آگاهانه و بهره گیری سودمندانه از جمله گام های اثرگذار در رویارویی با دستاوردهای نوین و فنآوری های برتر در جامعه و بر اساس نیازهای نهادهای جامعه باشد.

4. سازمان های رقیب: امروزه چندین شبکه رادیویی و تلویزیونی به صورت شبانه روزی به تولید و پخش برنامه های مختلف با درونمایه

مغایر و گاه معاند با فرهنگ ملی و دینی ما می پردازند. در کنار آن ها، سایت های اینترنتی به اندازه خود سهمی بزرگ در این میان بر عهده دارند. این ها، تازه نگاهی به شبکه ها و سایت های رقیب خارجی است. در داخل نیز، نهادهای فرهنگی به سبب فقدان راهبرد در توسعه فرهنگی به صورت نهادهایی «رقیب» و «نه رفیق» درآمده اند. از این رو، اگر نهادی چون «مسجد» یا «رسانه ملی» می خواهد به اثرگذاری و تکرار افتخارات پیشین دست یابد، لازم است که در ابتدا به سازمان های رقیب و کارکردهای آنان در جامعه، نگاهی جدی همراه با تفکر اندازد.

5. تخصص گرایی: به حقیقت، تخصص گرایی، گمشده اساسی در نهادها و ساختارهای جامعه ماست و جالب آنکه نبود آن تاکنون، بیشترین ضربه را در مسیر دستیابی به «مطلوب» جامعه، به آن وارد کرده است.

از این رو، ضروری است در دنیایی که «تخصص گرایی» حرف نخست را در آن می زند، دست اندرکاران «مسجد» و «رسانه ملی» هر دو، با اصلاح و بازنگری درون تشکیلاتی و ساختاری، به این اصل اساسی جامعه عمل بپوشانند.

6. و سخن پایانی آن که: «مسجد» و «رسانه ملی» باید با گذار از آنچه امروز می بینیم، تنها آن چنان باشد که «باید» باشند، به بیانی دیگر، «مسجد» باید کارکرد اطلاعاتی - آموزشی خود را بسط و گسترش دهد و «رسانه ملی» باید رویکرد تقریحی - سرگرمی خود را تقویت کند.

همزمان هر دو باید در درون خود به اصلاحات اساسی دست زنند تا از این رهگذر، به افق های مطلوب خویش با توجه به شرایط زمان و مکان که در گزینه ای همچون «جهان واقعی و محیط ایدئولوژیک» تبلور می یابد، دسترسی یابند.

باور کنیم که نه «مسجد»، «رسانه ملی» است و نه «رسانه ملی»، «منبر الکترونیک»! مسجد، مسجد است و رسانه، رسانه!

ص: 247

1. شکرخواه، یونس، خبر، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، چاپ پنجم، تهران، 1378.
2. کازنو، ژان، جامعه شناسی رادیو و تلویزیون، ترجمه جمشید ارجمند، انتشارات رادیو و تلویزیون ملی ایران، تهران، 1352.
3. نظرسنجی از مردم در خصوص امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، اداره کل پژوهش های اجتماعی و سنجش برنامه ای، شماره 98، سال 1381.
4. نظرسنجی از مردم تهران درباره «برنامه های مذهبی تلویزیون»، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه ای، شماره 169، سال 1381.

تأثیرات فرهنگی، تربیتی مساجد با تکیه بر مساجد اصفهان و نیشابور

اشاره محمدحسین ریاحی

بدون شک یکی از عوامل مهم و مؤثر در پیشبرد فرهنگ و تمدن اسلامی و نیز سرزمین‌هایی که به تصرف سپاه مسلمین درآمد در زمینه‌های آموزشی، تربیتی و فرهنگی، وجود مساجد بود. علی‌رغم اینکه مساجد معمولاً در منظر عام به عنوان یکی از اصلی‌ترین کانون‌های عبادت و انجام اعمال و مراسم مذهبی قلمداد شده و می‌شود، اما از تأثیر شگرف این مکان‌های عبادی در توسعه آموزش و فرهنگ نمی‌توان به راحتی گذشت. تا زمانی که مدارس به طور رسمی در دنیای اسلام موجودیت نیافته بود، بار امور علمی و آموزشی به دوش مساجد بود. از همان ابتدا آموزش و تعلیم با مسجد مرتبط بود و مدارس در حقیقت،

ص: 249

از مساجد انشعاب یافته بودند؛ چرا که تعلیم و تربیت در دهه های اول تاریخ صدر اسلام معمولاً ارتباط با فرامین دینی بود و مسلمانان نیازمند آشنایی با معانی و مفاهیم مذهبی بودند و طبیعتاً برای فراگیری آن ها راهی مساجد می شدند. بر طبق منابع و متون تاریخی، روشن است که نخستین مراکز تعلیم و تربیت در اسلام، مسجد و محور این آموزش و پرورش، قرآن کریم بوده است؛ یعنی حفظ و درک مطالب قرآن، نقطه شروع بود و پس از آن فراگیری و مطالعه اخبار و احادیث نبوی صلی الله علیه و آله مطرح گردید. به نوشته استاد جلال الدین همایی، «در ابتدا مراکز تعلیم و محل درس مسلمانان مساجد بود. حوزه ها و حلقه های درس در جوامع و مساجد تشکیل می شد. احیاناً مجالس مناظره نیز در همان مساجد بود که پاره ای از آن ها کتابخانه های عظیم نیز داشتند»⁽¹⁾.

از همان روزهای آغاز نهضت اسلامی بسیاری از امور با مساجد مرتبط بودند؛ امور داوری، قضاوت، حل و فصل دعاوی، مسائل مهم و اساسی اجتماعی، مشورت و طرح جنگ، پذیرش وفود، اعزام نماینده به نقاط دیگر، اجتماعات عمومی، پرستاری بیماران و مجروحان، و اعلام وظایف حکومتی در مسجد صورت می گرفت. به هر کجا که اسلام گام می نهاد، چه مسلمانان آن را فتح می کردند یا می ساختند، به زودی و بی درنگ مسجدی ساخته می شد.⁽²⁾

ص: 250

1- . تاریخ علوم اسلامی، ص 36 .

2- . ر. ک: تاریخ آموزش در اسلام، ص 90 .

دیدگاه عظیم اسلام و بینشی که این تعالیم آسمانی ارائه کرد، موجب بالا رفتن سطح اجتماع از جهات مختلف از جمله مسایل فرهنگی گردید. به نوشته السباعی «اسلام امور دینی و دنیوی را با هم ارتباط می دهد و آن ها را با عقاید و افکار روشن و دقیق بیان می دارد و مسجد که مرکز عبادت و نیایش است، در طول تاریخ، مرکز زندگانی اجتماعی تمام مسلمانان نیز بوده است. بدین ترتیب، مسجد در چهارچوب حوزه خود

ص: 227

علاوه بر محل نیایش بودن، محل تجمع مردم، پناهگاه مسافران، محل توزیع غذا برای فقرا و وظیفه آموزش را نیز بر عهده داشته است»⁽¹⁾.

رویداد دیگری که بر وجود فعالیت علمی مسجد و تشکیل حلقه های درس در عصر نبوت دلالت دارد این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی وارد مسجد شد و دید که از جمع حضار دو حلقه تشکیل شده است؛ یک حلقه به ذکر و عبادت مشغول و آن یکی به تعلم و تعلیم سرگرم و چون نیک نگریست فرمود: هر دو گروه کردار نیک دارند، اما من برای تعلیم فرستاده شده ام: «کلاهما علی خیر ولکن بالتعلیم ارسلت». و خود آن حضرت در حلقه ای که سخن از تعلم و تعلیم بود نشست.⁽²⁾

مؤلف کتاب تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام نیز با اعتقاد بر اینکه اولین

ص: 251

1- ر. ک: نقش کتابخانه های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ص 29.

2- خدمات متقابل اسلام و ایران، ص 437.

و مهم ترین کانون های علمی و تربیتی مسلمانان در قرون اولیه هجری مساجد بوده اند آورده است: این مکان در جهت محافظت و دفاع از اصول و قواعد دینی و به طور کلی در زبان و فرهنگ عامه و در سال های بعد در تعلیمات عالی اسلامی رکن و اساس بوده و تأثیری عمیق و خدمتی بسزا نموده است. در مکتب خانه ها تعلیمات مقدماتی، یعنی خواندن و نوشتن و حساب ساده و اندکی شعر و تاریخ و قرآن و حدیث به صورت بسیط و ساده آموزش داده می شد و این برنامه ارتباط تعلیمات اسلامی را از مسجد تا مؤسسات تعلیمات عالیه تأمین می کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از هجرت به شهر مدینه ساختمان مسجد قبا را در آنجا آغاز نمود که اولین مسجد اسلامی است. هنگام ورود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه مسجدی در محلی به نام «مربد» دایر گردیده بود و گفته می شود که حضرت در همین محل به طرفداران خود مسایل دینی و دنیوی را تعلیم کرده است. پس ملاحظه می گردد که از همان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله عبادتگاه های اسلامی مراکز تربیتی نیز بوده است. در واقع، مساجد جای مناسب برای تعلیم علوم دینی هستند. با فتوحات و توسعه جهان اسلام، مساجد با سرعت زیادی در تمام مناطق بنا گردید و رو به فزونی نهاد. به مناطق مختلف عربستان که اسلام را می پذیرفتند جهت تعلیم قرآن از سوی رسول اکرم صلی الله علیه و آله افرادی اعزام می گردید. مناطق و اشخاصی که این مأموریت ها را انجام داده اند معلوم و محقق است. کار تعلیم قرآن و مسایل دینی که زمان آغاز آن ها از حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه، مکه، طائف، صنعا، و بحرین بوده است در زمان خلفای راشدین نیز در سطح وسیع تری ادامه یافت و در بصره،

کوفه، حمص، شام، فسطاط و شهرهای سرزمین های فتح شده تعلیم مشابه صورت پذیرفت، به طوری که خلیفه دوم در انتصاب و اعزام والی برای بصره، کوفه، سوریه و مصر از آنان خواست که در محل مأموریت خود مسجد بنا نمایند.⁽¹⁾

علاوه بر تشویق های مکرر پیامبر صلی الله علیه و آله به آموزش و تعلیم و تربیت، که مساجد را به عنوان کانون های ارزشمند علمی و فرهنگی در آورده بود، امام علی بن ابی طالب علیه السلام نیز با خطبه ها و بیانات شیوا و آموزنده خود در مساجدی همچون مسجد کوفه مردم را آموزش و تعلیم می داد. مسلماً در زمان ائمه معصومین علیهم السلام نیز به ویژه در دوران حیات امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام که آموزش و تعلیمات به اوج شکوه رسید مساجد نیز به عنوان اصلی ترین پایگاه های معنوی و آموزشی به حساب می آمدند. مراکز علمی و آموزشی شیعه در عصر اختناق حکام اموی و عباسی، خانه های ائمه و پیشوایان مذهب و یا مساجد بود. از آن به بعد مدفن امامان و اهل بیت علیهم السلام از جمله شهرهای کاظمین و سامرا در عراق و شهرهای قم و مشهد در ایران مرکز تجمع علمای شیعه و از حوزه های پر رونق علوم اسلامی و معارف شیعی در دنیای اسلام شد.⁽²⁾

بنای مساجد که از ابتدای اسلام آغاز شده بود، با گذشت زمان شمار آن ها فزونی می یافت و طبیعتاً با گسترش این کانون های عبادی علوم

ص: 253

1- . ر. ک: تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام، صص 129 و 130 .

2- . ر. ک: تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی، ص 9 .

و آموزش نیز توسعه پیدا می کرد. بنا به اظهار یعقوبی، در قرن سوم هجری در شهر بغداد سی هزار مسجد وجود داشته است.⁽¹⁾

در مصر فزونی و گستردگی اگر به اندازه عراق و حجاز نبود لکن این مراکز عبادی از حیث آموزشی هم قابل توجه بوده است. ابن جبیر سیاح معروف (متوفی 614 ه ق) در باره مساجد اسکندریه آورده است: این شهر افزون تر از هر شهر دیگر خدا، مسجد دارد، تا بدان جا که تخمین مردم درباره تعداد مساجد آن متفاوت است؛ برخی بیشتر و برخی کمتر گویند، آن که بیش گوید تخمینش به دوازده هزار باب مساجد می رسد و آنان که کم گویند متفاوتند: پاره ای گویند هشت هزار باب است و پاره ای رقمی جز این گویند و به هر حال، مسجدهای آن شهر بسیار و افزون از شمار است، چنان که چهار یا پنج مسجد در یک جا دیده می شود و چه بسا چند مسجد ترکیب شده و مجموعه ای تشکیل داده باشد. تمام این مساجد را پیشنهاد کنند که از جانب سلطان شهریه دارند.⁽²⁾ با این حساب اگر هر یک از مساجد را مکانی برای تعلیم و تربیت بدانیم از وسعت فعالیت های تعلیماتی دچار شگفتی خواهیم شد.

با بررسی نقش مساجد در آموزش و تعلیم و تربیت در اسلام متوجه می شویم که تقریباً در همه مناطق جهان اسلام، به ویژه غرب اسلامی نیز این تأثیر محسوس بوده است، به طوری که این مسئله در

ص: 254

1- . البلدان، ص 9 .

2- . سفرنامه ابن جبیر، ص 74 .

اندلس هم مصداق داشته است. مسلمانان اسپانیا امور مربوط به تعلیم و تربیت را در مساجد انجام می دادند. مقری مؤرخ مشهور اندلسی می نویسد: مردم اندلس مدارس مستقل ندارند که بتوانند در کسب دانش آنان را یاری نمایند. آنان با پرداخت اجرت شاخه های علوم را در مساجد یاد می گیرند. این مؤرخ همچنین از کار تدریس خود در جامع قرطبه، نخله و زاهره سخن می گوید. (1)

معمولاً در مساجد جایگاه هایی برای تدریس وجود داشت، از جمله قسمتی به نام صفة در مسجد مدینه یا حتی در برخی مساجد ایران مانند مسجد جامع اصفهان که در آن قسمت فعالیت های آموزشی محسوس بود. در قسمتی از مسجد مدینه ایوانی سرپوشیده به نام صفة بنا شد. در روز استادانی که به این منظور انتخاب شده بودند، به شاگردان آموزش می دادند و شاگردان شب در آنجا می خوابیدند. پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بزرگان صحابه آن حضرت و پس از ایشان تابعین در این مسجد به تدریس و تعلیم می پرداختند.

یکی از مدرسان معروف مسجدالنبی عبدالله بن سعید بن عاص بود.

وی اولین معلمی بود که در این مسجد به آموزش خط پرداخت. وی در دوره جاهلیت از کاتبان معروف عرب بود که به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مأمور آموزش هنر، خطاطی و آموزش قرآن شد. با این همه تدریس و بحث در زمینه مسایل دینی و علمی، حتی در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

ص: 255

نیز منحصر و محدود به این مسجد نبود. در مدینه مساجد کوچک تر و محدودتری وجود داشت که فعالیت آموزشی می کردند. (1)

از اواخر دهه دوم هجری با افزایش چشمگیر دامنه فتوحات مسلمانان، مرزهای اسلام از سوی شرق و غرب گسترش یافت و جمع کثیری به آیین اسلام گرویدند که در زبان و نژاد با اعراب مسلمان مغایرت داشتند. از این زمان آموزش زبان عربی برای درک معانی آیات قرآن و تعالیم اسلام در سرزمین های فتح شده آغاز گردید و آن دسته از اصحاب پیامبر و تابعین ایشان که دعوت به اسلام و تعلیم مبانی دین را بر حضور در صحنه های پیکار ترجیح می دادند، در مساجد نو بنیاد به آموزش پرداختند. این مساجد ابتدا در شهرهای کوفه، بصره، حیره و مداین بنیاد گردید. در عصر خلفای راشدین و پس از آن در دوره حکومت امویان، مساجد بزرگ که عنوان جامع داشت در مراکز بلاد اسلامی ساخته شد. در این مساجد علاوه بر مسایل دینی و سیاسی، مسایل علمی نیز مطرح می شد و حلقه های درس، که شرکت در آن برای هر جوینده دانش ممکن بود، تشکیل می گردید. بسیاری از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و تابعین ایشان و نیز پیشوایان مذاهب در این دانشگاه های عمومی اسلامی به تعلیم مبانی دین و نشر مذهب خود پرداختند. مسجدالحرام مکه، مسجدالنبی در مدینه، دو جامع بصره و کوفه، جامع ری، جامع عمرو در فسطاط مصر، مسجدالاقصی و قبه الصخره

ص: 256

1- . تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام، ص 64 .

در بیت المقدس، جامع اموی دمشق، جامع زیتونه در تونس و جامع قیروان در مراکش از مراکز مشهور آموزش اسلامی در این دوره بوده است.⁽¹⁾

در بین شهرهای ایران بزرگ، مساجد برخی شهرها در عرصه تمدن اسلامی و در امور آموزش فعال و پرثمر بوده اند؛ از جمله می توان به جامع سیستان، مسجد جامع ری، مسجد عتیق شیراز، مسجد جامع اصفهان، و برخی مساجد بخارا، نیشابور، مرو، هرات و تبریز اشاره نمود. در اینجا مناسب است از نقش آموزشی و تربیتی دو شهر مهم تاریخی ایران یعنی اصفهان و نیشابور یاد شود. از جمله مساجد اصفهان که در موضوع فرهنگ و تعلیم و تربیت در سده های متمادی نقش فعال داشته اند می توان از مسجد جامع کبیر (عتیق)، جامع صغیر (جورجیر) و جامع عباسی یاد نمود که خوشبختانه هنوز این مسجد بر جای مانده است، اما در مورد نیشابور از جامع عتیق، مسجد جامع منیعی و مسجد عقیل باید یاد نمود که متأسفانه این مساجد اکنون پابرجا نیستند.

الف . مساجد اصفهان

1 . مسجد جامع کبیر (عتیق)

به نوشته ابونعیم اصفهانی در صد و اندی پس از هجرت، ایوب بن زیاد به عنوان عامل خراج و سعید بن منصور حمیدی به عنوان امیر جنگ از سوی منصور خلیفه عباسی، به اصفهان گسیل شدند. پس از برکناری سعید

ص: 257

1- . تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی، صص 5 و 6 .

بن منصور، ایوب بن زیاد که مسئولیت جمع آوری مالیات و امور جنگ را با هم عهده دار شده بود، در قریه خشینان منزل گزید و کاخی بر کرانه رودخانه فرسان و در جوار آن مسجدی دارای مقصوره بنا نهاد و در آنجا منبری قرار داد. وی همچنین برای تجار و کسبه و کارگران طرح بازاری انداخت که در جنب یهودیه در مکانی معروف به صف التبانین (بازار کاه فروشان) ساخته شد. در روزگار ولایت ایوب بن زیاد خانه های یهودیه به خانه های قریه خشینان متصل شد. پس از برکناری ایوب، اعراب قبیله یتیم که ساکن قریه طهران در حومه اصفهان بودند، مسجد جامع بزرگی در یهودیه بنا کردند و در 156 ه ق منبر مسجد ایوب بن زیاد را بدانجا انتقال دادند. (1) یهودیه پس از بنای مسجد جامع از طرف صحرا گسترده شد و پانزده ده به آن اضافه گردید. با وسعت یافتن یهودیه، مردم به توسعه مسجد پرداخته، بر آن اضافاتی نمودند که از جمله آن ها زمین های معروف به خصیب آباد بود که خصیب بن سلم به مسجد اضافه کرد. در 226 ه ق در زمان خلافت معتصم عباسی و امارت یحیی بن عبدالله بن مالک خزاعی، مسجد جامع تجدید بنا شد و مساحت آن با اضافاتی که از زمین ها و خانه ها به آن ضمیمه گردید، افزوده شد. (2)

ص: 258

-
- 1- ر. ک: ذکراخبار اصفهان، ج 1، صص 35 و 37؛ و نیز ر. ک: ترجمه ذکر اخبار اصفهان، صص 129 و 130.
 - 2- ترجمه ذکر اخبار اصفهان، صص 130 و 131.

در قرون اولیه اسلامی نیز این مسجد علاوه بر نقش عبادی، از حیث آموزشی هم قابل توجه بود، به گونه ای که مافروخی در کتاب محاسن اصفهان در باب اهمیت جامع این شهر آورده است: برای اقامه هر نماز

کمتر از پنج هزار در آنجا گرد نمی آمد و در کنار هر جرزی مسند شیخی بود که گروهی از طالبان علم دور او را گرفته بودند و به تحصیل علم یا تهذیب نفس اشتغال داشتند. آراستگی این بنا به واسطه مناظره فقها و مباحثه علما و مجادله متکلمین و پندهای واعظین است، در آنجا صوفیان و علما و کسانی دیده می شوند که به حال عبادت در مسجد اقامت گزیده و با تسبیح و دعا زندگی را می گذرانند. (1)

یکی از مراکز مهم علمی و مکان های حضور علما و دانشمندان در عصر آل بویه همین مسجد بوده است، به طوری که افرادی مانند صاحب بن عباد (متوفی 385 ه ق) و یا ابوالعباس ضبی (متوفی 398 ه ق) در این مسجد سرمایه گذاری قابل توجهی نموده اند؛ از جمله اینکه مرحوم همایی بر این اعتقاد است که کتاب های بسیاری از صاحب، که دارای کتابخانه شخصی بزرگ و ارزشمندی بوده به این جامع منتقل شده است. مکان این دارالکتب در سمت شمال مسجد و احتمالاً جنب یکی از درهای ورودی آن بوده، و غنای این کتابخانه تا حدی بوده که نسخه های مورد احتیاج همه اهل علم در زمینه های دینی، ادبی، حکمت، فلسفه و سایر دانش ها را تأمین می کرده است. (2)

ص: 259

1- . ر. ک: ترجمه محاسن اصفهان، ص 62 .

2- . ر. ک: مقاله «هفدهمین سال آتش سوزی جامع اصفهان»، کیهان فرهنگی، شماره 123، ص 63 ؛ جلوه های هنر در اصفهان، ص 228 .

آنچه که از منابع تاریخی به دست می آید این که با توجه به مراتب علمی و معنوی صاحب بن عباد، وی به تدریس و تعلیم شاگردان در مسجد جامع اشتغال داشته است و ایوان جنوبی مسجد هنوز به نام صنفه صاحب معروف است و معلوم می شود صاحب اسماعیل بن عباد در بنایی که سابقاً در محل این ایوان سلجوقی وجود داشته به تدریس می پرداخته، ولی در هر صورت با توجه به تحولات ساختمانی و تغییر و تبدیل هایی که به عمل آمده اکنون نمی توان سبک ساختمان ایوان صاحب را به درستی تمام تعیین نمود. (1)

در همین دوره (آل بویه) نیز مسجد جامع عتیق اصفهان شاهد رفت و آمد علما و دانشمندان فرق و مذاهب اسلامی و گفتگو و مباحث آنان بود که گاهی مسایلی نیز در پی داشت؛ از جمله در رابطه با عالم معروف حافظ ابونعیم اصفهانی نقل شده است: از روزگار ابوعبداللّه منده (متوفی 395 ه ق) تا سال ها پس از درگذشت او، ابونعیم از ورود به مسجد جامع اصفهان و تشکیل درس و وعظ ممنوع بود. در این اثنا در سال 421 ه ق مسعود غزنوی به اصفهان تاخت و کشتارها کرد. از قضا روزی را که بسیاری از مردم به مسجد جامع رفتند و مانع ورود ابونعیم به آنجا شدند، سپاهیان مسعود به مسجد یورش بردند و هر که را در آن یافتند کشتند. بدین سان، ابونعیم از مرگ حتمی ایمن ماند.

ص: 260

1- ر. ک: گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص 43.

برخی نویسندگان این رویه را حمل بر مستجاب الدعوه و صاحب کرامت بودن ابونعیم کردند.⁽¹⁾

با توجه به دگرگونی هایی که در این جامع کبیر در عصر سلطان جلال الدین ملکشاه سلجوقی (متوفی 485 ه ق) به وجود آمد، این مسجد شکوهی خاص یافت. با توجه به تتبعات محققان معماری اسلامی، مسجد جامع اصفهان که در قرن اول هجری و به سبک موسوم به عربی بنا شده بود، در دوره سلاجقه دچار دگرگونی اساسی شده و به صورت مسجدی چهارایوانه درآمد.⁽²⁾

یکی از مهم ترین آثار بر جای مانده عهد ملکشاه در اصفهان، گنبد خواجه نظام الملک در جنوب مسجد جامع اصفهان است که بر کتیبه آن نام پادشاه و خلیفه وقت و نیز خواجه نظام الملک حک شده و ظاهراً در سال 473 ه ق به پایان رسیده است. اثر دیگر گنبد تاج الملک در شمال مسجد جامع می باشد. این گنبد از آثار آخرین وزیر ملکشاه ابوالغنائیم تاج الملک مورخ به سال 481 ه ق است که معماری آن از نظر باستان شناسان دنیا اعجاب انگیز است.⁽³⁾

این آثار از جلوه های برجسته هنر سلجوقی محسوب می شوند که با گذشت نزدیک به هزار سال، همچنان عظمت خاصی به این جامع

ص: 261

1- . ترجمه ذکر اخبار اصفهان، ص 30 .

2- . آثار ایران، ج 4، ص 46 .

3- . آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، ص 52 .

بخشیده اند. در همین دوره نیز نقش آموزشی و تربیتی مسجد جامع اصفهان ملموس و قابل ملاحظه است. به ویژه اینکه در کنار تدریس و تحصیل، کتابخانه بزرگی جهت طالبان علم وجود داشت. عظمت این دارالکتاب به حدی بود که نویسنده محاسن اصفهان پس از بیان موقعیت جامع اصفهان، کتابخانه آن را این گونه توصیف می کند: در آنجا کتاب ها را چیده و فنونی از دانش بدان جاویدان ساخته اند. تفاسیر و غرائب حدیث و مؤلفات در نحو و فقه و تصریف و ابنیه حرف می باشد و نیز در آن از دیوان ها و اشعار برگزیده و اخبار و گزیده ای از تاریخ پیغمبران و خلفا و کارنامه پادشاهان و امیران موجود است و مجموعه هایی از علوم اوایل از منطق، ریاضی، طبیعی، الهی و غیر از آن خبرهایی نیز که جوایز فضل و ممیز دانش و نادانی بدان ها احتیاج پیدا می کنند همه وجود دارد. (1)

اما این کتابخانه بزرگ و مهم که نقش عمده ای در توسعه تعلیمات و امور آموزشی در این مسجد و یا مجامع دیگر داشت و دارالکتاب مهم جامع در قلب امپراتوری سلجوقی به حساب می آمد، در سال 515 ه ق، یعنی حدود سی سال پس از قتل خواجه نظام الملک و درگذشت ملکشاه، مورد دستبرد، غارت و حریق قرار گرفت. ابن اثیر با بیان حریق شبانه مسجد جامع اصفهان توسط باطنیان، که از دشمنان حاکمیت سلجوقی بودند، آن مسجد را بزرگ ترین جامع ها و باشکوه ترین مساجد در دنیای

ص: 262

1- ر. ک: ترجمه محاسن اصفهان، ص 63.

اسلام قلمداد کرده است. (1) در آتش سوزی سال 515 ه ق مسجد جامع عتیق اصفهان، توابع مسجد، یعنی مضیف ها، مخزن ها و کتابخانه طعمه حریق گردید. (2)

مرحوم استاد محمد محیط طباطبایی ضمن اظهار اینکه در آن دوران علوم دینی، ادبی و فلسفی در اصفهان رونقی بسزا داشته است، می نویسد: کتابخانه جامع شهر را ساخته و پرداخته بودند تا نیازمندی های استادان و شاگردانی که پای هر ستونی از ستون های متعدد آن مسجد حلقه درس و بحث داشتند پاسخ بدهد. (3)

به هر حال، در آتش سوزی سال 515 ه ق نه تنها کتابخانه نفیس مسجد جامع یا دارالکتاب مهم شهر بکلی نابود شد، بلکه بنای مسجد جامع نیز صدمات بسیاری دید.

از دوران سلجوقی تا زمان صفویه نیز کم و بیش جنب و جوش های علمی و فرهنگی در این مسجد کهنسال وجود داشته است و از جمله الحاقاتی که در جامع عتیق اصفهان صورت گرفته و تحت عنوان مدرسه هم بوده است مربوط به دوران آل مظفر است. بنای ساختمان معروف به مدرسه مظفری در مجاورت ایوان شرقی و در خارج از محدوده مسجد عباسی در امتداد دیوار قدیمی آن بود. این بنا به استناد کتیبه های آن در

ص: 263

-
- 1- . الکامل، ج 6، ص 576 .
 - 2- . گنجینه آثار، ص 79 .
 - 3- . جلوه های هنر، ص 228 .

زمان حکومت قطب الدین شاه محمود فرمانروای اصفهان بین سال های 757 و 776 بنا گردید. (1) مدرسه مظفری به ابعاد 65×25 متر شامل صحن بزرگ مستطیلی شکلی است که در قسمت جنوبی آن به ترتیب یک ایوان وسیع و سپس یک تالار بر محور شرقی - غربی که محرابی در آن جای دارد، قرار گرفته است. قسمت شمالی صحن مدرسه نیز وضعیت مشابهی داشته است. ساختمان مدرسه مظفری در پشت ایوان شرقی از طریق سه درگاه که به ترتیب در شاه نشین و در دو اتاق جانبی قدیمی در انتهای این ایوان تعبیه شده با آن مرتبط گردید، و این سه فضا به عنوان راهرو مورد استفاده قرار می گرفتند. در دوران بعدی هنگامی که سه فضای مذکور از طرف ایوان مسدود شدند، از آن ها به عنوان انبار وسایل یا اتاق سرایدار آن استفاده می شد. عاقبت این سه فضا از طرف مدرسه نیز مسدود و متروک گردیدند. (2)

با توجه به این مطالب می توان حدس زد که در قرن ششم و نهم هجری نیز با وجود ایجاد مدرسه مظفری، رونق این مسجد چشمگیر بوده است.

اما در عصر صفوی هم، چه پیش از پایتختی اصفهان و چه پس از آن، مسجد جامع در توسعه امور علمی و فرهنگی شهر اصفهان نقش مؤثری داشته است. این نهاد عبادی، آموزشی محل اجتماع دانش پژوهان

ص: 264

1- ر. ک: گنجینه آثار، صص 136 - 146 .

2- ر. ک: دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج 9، صص 209 - 210 .

بوده است و عده ای از علما و دانشمندان آن دوره در آنجا درس، بحث و وعظ و خطابه داشته اند؛ از جمله شیخ ابوالبرکات واعظ اصفهانی در این مسجد منصب تدریس و خطابه داشته است. وی که قریب صد سال عمر نمود، از شیخ عبدالعالی محقق کرکی (متوفی 940 ه ق) روایت کرده و جمعی از دانشمندان نیز از وی روایت کرده اند که نامورترین آنان عالم جلیل القدر محمدتقی مجلسی (متوفی 1-70 ه ق) است. ملا محمدتقی مجلسی و فرزندش علامه ملا محمدباقر مجلسی (متوفی 1111 ه ق) به این مسجد از جهت علمی رونق ویژه ای بخشیدند. (1)

مجالس تدریس مجلسی اول نیز در این مسجد برپا می شد و ملا محمدباقر نیز پس از فوت پدر در این مکان تدریس کرده و به جای او اقامه جماعت می نموده است. محل درس مجلسی دوم در چهل ستون مسجد در زاویه جنوب غربی قرار داشته و هنوز مردم اصفهان از خاص و عام، آن قسمت از مسجد را مدرس مجلسی می گویند. (2)

بیشتر مطالعات و فعالیت های علمی علامه محمد باقر مجلسی در زمینه حدیث و فقه بوده است، به گونه ای که مباحثه و مذاکره علوم فقه و حدیث را برتمام مشاغل دیگر خود مقدم می دانسته است. وی همچنین در این مسجد نماز جمعه پیا می داشته است.

ص: 265

1- ر. ک: تذکره القبور، ص 221.

2- علامه مجلسی، ص 21.

مجلسی دوم در خطبه های نماز جمعه و شب های ماه مبارک رمضان در این مسجد ساعت ها مردم را موعظه می کرده است، چنان که وعظ او و ترغیب مردم به عبادت و اطاعت خداوند، پس از وی نظیر پیدا نکرده است. (1)

عالم محقق و محدث گرانمایه سید نعمت الله جزایری، که از شاگردان ملا محمدباقر مجلسی است، نوشته است: و به خاطر دارم در دهه هزار و هفتاد هجری روز جمعه در مسجد جامع منبر بود و انواع علوم و مواعظ را برای حاضران بیان می فرمود. (2)

تلاش علمی مجلسی و تدریس و تعلیم او زمان نمی شناخت؛ چه در هوای گرم و یا حتی زمستان ها به مسجد جامع عتیق رونق خاصی بخشیده بود، به طوری که در ایام زمستان نیز که هوا سرد بود، روزهای آفتابی در صفا درویش که روزگاری جد مادری اش (درویش محمد) در آنجا حدیث تدریس می فرموده، و در مواقع برف و باران در شبستان چراغی معروف به حلنبی تدریس می کرده است. (3)

شاید یکی دیگر از علل جنب و جوش فوق العاده علمی این جامع در عصر ملا محمدتقی و ملا محمدباقر مجلسی، نزدیکی منازل آن ها

ص: 266

1- . همان، ص 203 .

2- . روضات الجنات، ج 2، ص 278 .

3- . زندگینامه علامه مجلسی، ج 1، ص 185 .

به جامع اصفهان بوده است. این خانه تا حدود سی سال پیش باقی مانده بود، اما متأسفانه در حال حاضر عمده آن خراب شده و فقط قسمتی از آن بر جای مانده است.

خانه های برخی دیگر از علمای وابسته به خاندان مجلسی نیز در حوالی مسجد جامع بوده است؛ منزل میرزا علاءالدین گلستانه (برادر عیال علامه مجلسی) در آخرین کوچه و خانه میر محمد صالح خاتون آبادی در اواسط این کوچه و منزل سید حسنعلی خواهرزاده علامه ملا محمدباقر مجلسی به شرح وصیت نامه او در جنب مسجد در قسمت شمالی مقبره علامه مجلسی بوده است. (1)

البته در دوران صفوی علمای نامور دیگری نیز در این مسجد اقامه نماز نموده و یا تدریس کرده اند، به طوری که شاه عباس دوم (سلطنت 1052 - 1077 ه ق) ملا محسن فیض کاشانی را که در کاشان اقامت داشت به اصفهان دعوت نمود و امامت مسجد جامع اصفهان را به او واگذار نمود و خود نیز در نماز جماعت به او اقتدا کرد. (2) با توجه به توانایی فوق العاده فیض کاشانی در علوم اسلامی، می توان وجود او را در این مسجد باعث برکات فوق العاده علمی و معنوی در آن زمان تلقی نمود.

ص: 267

1- . علامه مجلسی، ص 466 .

2- . روضه الصفاى ناصرى، ج 8، ص 585 .

یکی از مساجد مهم و مؤثر در امور فرهنگی و آموزشی در قرون اولیه اسلامی، مسجدی است که آن را جورجیر نیز نامیده اند و مافروخی از مسجد جامع صغیر معروف به جورجیر در برابر مسجد جامع کبیر (عتیق) یاد می کند. برخی را بر این اعتقاد است که چون این مسجد در محله رنگرزان واقع شده بود، به جامع رنگرزان نیز مشهور بوده و توسط صاحب بن عباد ملقب به کافی الکفات در قرن چهارم بنا شده است. اما با توجه به سخنرانی ها و گفتارهای شیخ ابومسعود صوفی رازی (متوفی 258 ه ق) عالم معروف اهل سنت در قرن سوم در این مسجد، که در برخی تذکره ها یاد شده، می توان بنای این مسجد را مربوط به قبل از دولت آل بویه دانست. (1)

مسجد جامع جورجیر کوچک تر ولی زیباتر از جامع کبیر بنا نهاده شده بود و بیشترین شکوه آن به ویژه از حیث رونق آموزشی و علمی در زمان بویه عیان بوده است. مؤلف محاسن اصفهان از جنب و جوش علمی این مسجد و امکانات آن یاد کرده و این مکان را مشتمل بر شبستان ها و خانقاه ها، کتابخانه، مدارس برای فقها و مجالسی برای ادبا و محل هایی برای شاعران، صوفیان و قاریان قرآن دانسته است. (2) از مزایای این جامع بر جامع عتیق این بوده که خاک رسی که از آن

ص: 268

1- ر. ک: خلدبرین، صص 191 - 195؛ فضائل امام علی علیه السلام، صص 17 - 18.

2- ر. ک: ترجمه محاسن اصفهان، صص 63 - 64.

جامع جورجیر ساخته شده بود، محکم تر از خاک جامع عتیق بوده و منار آن یکصد ذراع ارتفاع داشته و ساختمان های آن محکم و مرتفع بوده است. جامع جورجیر یا رنگرزان بر اثر مرور زمان ویران گردید. حکیم داود هندی بر روی آن مسجد معروف به حکیم یا تقرب خان را در زمان شاه عباس دوم صفوی بنا کرد. از جامع جورجیر فقط سردری باقی است که در سال 1335 شمسی از زیر خاک بیرون آمده است. (1)

شخصیت هایی در این مکان آمد و شد داشته و یا منسوب به این مسجد یا محله بوده اند که از جمله آن ها می توان به ابوعبدالله محمد بن یوسف بن معدان جورجیری (متوفی 184ه ق)، محمد بن حسن جورجیری، ابو جعفر محمد بن عمر بن حفص جورجیری (متوفی 330 ه ق)، و ابوالقاسم طاهر بن محمد بن احمد عکلی جورجیری (متوفی 439 ه ق) یاد نمود که از میرزین محدثان، راویان و علمای زمان خود بوده اند. (2)

تغییرات ایجاد شده توسط طیب شاه عباس دوم، یعنی حکیم داود هندی قابل توجه بود و به نظر می رسد این تحولات عمده در مسجد به سال 1073 به پایان رسیده باشد. با توجه به رونق علمی عصر صفوی در اصفهان احتمال می رود از برخی مدرس ها و حجره های آن برای آموزش مسایل علمی به ویژه دانش های شیعه امامیه استفاده شده باشد، به طوری که در عصر قاجار و دوران فتحعلی شاه و محمدشاه نیز علمای

ص: 269

1- . همان و نیز ر. ک: آثار ملی اصفهان، ص 151 .

2- . آثار ملی اصفهان، صص 151 و 152 .

معروف شیعه مانند علامه ملا محمدابراهیم کلباسی (متوفی 1261 ه ق) در آنجا حضور داشته و اکنون بقعه این عالم ربانی مقابل در شرقی جامع جورجیر یا مسجد حکیم واقع شده است. حکیم متأله و عارف وارسته حضرت آیت الله العظمی حاج آقا رحیم ارباب (متوفی 1355 ش) سال ها در این مسجد تدریس و تعلیم داشته است.⁽¹⁾

3. مسجد جامع عباسی

این نهاد عبادی یکی از مهم ترین بناهای عصر صفویه است که در گذشته به نام های مسجد شاه، مسجد سلطانی جدید و جامع عباسی شهرت داشته و امروزه به مسجد امام معروف است و از آن در کتب تاریخی مشهور عهد صفوی مانند عالم آرای عباسی و وقایع السنین و الاعوام همه جا به نام مسجد جامع عباسی و مسجد جامع جدید عباسی (سلطانی) یاد شده است.⁽²⁾

این بنا در ضلع جنوبی میدان نقش جهان (میدان امام خمینی) واقع گردیده، و از نظر ویژگی های معماری، تزیینات غنی و آثار نفیس دیگر از برجسته ترین آثار معماری ایران و تمدن اسلامی است. ساخت این مسجد در سال 1020 ه ق به دستور و هزینه شاه عباس اول و معماری استاد علی اکبر اصفهانی آغاز گردید و کارهای تزیینی آن تا بعد از مرگ

ص: 270

1- ر. ک: مجموعه ارباب معرفت، ص 57.

2- وقایع السنین و الاعوام، ص 507؛ عالم آرای عباسی، ج 3، ص 1677.

در این مسجد عظیم دو مرکز علمی یا نهاد آموزشی قرار دارد که جزء مسجد به شمار می روند. در عین حال، به آن ها مدارس واقع در مسجد جامع عباسی گفته می شود که عبارتند از:

1. مدرسه سلیمانیه: در گوشه جنوب غربی مسجد، مدرسه ای واقع شده است که به وسیله دو مدخل بزرگ به صحن مسجد و سه مدخل بزرگ دیگر به محوطه زیر گنبد غربی مسجد متصل می شود و سلیمانیه نام دارد.

سر در این مدرسه به سمت کوچه پشت مسجد دارای کتیبه ای از اولین سال سلطنت شاه سلیمان صفوی است. این کتیبه که به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ نوشته شده، به قلم محمدرضا امامی مورخ به سال 1078 ه ق است. (2) به همین علت است که آن را سلیمانیه نامیده اند. این نهاد آموزشی قرینه مدرسه عباسی (ناصریه) است و حجره ای ندارد و اطراف آن غرفه هایی که در داخل و خارج آن با کاشی های هفت رنگ تزیین شده قرار گرفته است. (3) در این مدرسه، قطعه سنگ ساده ای به شکل شاخص در محل معینی تعبیه شده است که ظهر حقیقی اصفهان را در چهار فصل نشان می دهد و چنان که می گویند، محاسبه آن را شیخ بهایی دانشمند، فقیه و ریاضی دان معروف عهد شاه

ص: 271

1- ر. ک: گنجینه آثار، ص 437.

2- همان، ص 457.

3- گنجینه آثار، ص 454.

عباس انجام داده است. سطح فوقانی این شاخص به شکل مثلث قائم الزاویه است که وتر مثلث در جهت طرفی است که ظهر را تعیین می کند. یک ضلع مجاور زاویه قائمه متصل به دیوار و ضلع دیگر نماینده قبله مسجد است. (1)

مدرسه سلیمانیه همچون اکثر مدارس عهد صفوی اختصاص به آموزش های مذهب شیعه اثنی عشریه داشته است. از جمله علمای عصر صفوی که از شاگردان ملا محمدباقر مجلسی بوده و در این نهاد آموزشی به تحصیل مشغول بوده است، مولانا جمشید کسکری است. (2)

2. مدرسه عباسی (ناصریه): در گوشه جنوب شرقی مسجد مدرسه عباسی قرار دارد و به مناسبت اینکه در عصر ناصرالدین شاه قاجار (1264 - 1313 ه ق) در آن تعمیراتی به عمل آمده، مدرسه ناصری نیز نام گرفته است، وگرنه بنای اولیه آن مربوط به اواخر دوره شاه عباس اول است. (3)

آنچه مسلم است به موجب کتیبه های تاریخ داری که بر جای مانده، تزیینات کاشی کاری و کتیبه های آن از دوره شاه عباس دوم می باشد. (4)

ص: 272

-
- 1- . آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، ص 80 .
 - 2- . علامه مجلسی، ص 338 .
 - 3- . تاریخ مدارس ایران، ص 267 .
 - 4- . گنجینه آثار، ص 454 .

چند حجره در ضلع شرقی این مدرسه برای سکونت طلاب ساخته شده و این برخلاف مدرسه قرینه آن یعنی سلیمانیه است که در آن حجره ای وجود ندارد. ایوان جنوبی مدرسه عباسی دارای الواح و کتیبه هایی است که بر آن صلوات بر چهارده معصوم نوشته شده و به خط محمدرضا امامی به سال 1077 ه ق است.⁽¹⁾

کتیبه داخل محراب در این مدرسه که به دوره شاه سلیمان صفوی مربوط می شود، به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ و به قلم محسن امامی در سال 1095 ه ق است. این مدرسه که در عهد شاه عباس اول به منظور تعلیمات مذهب شیعه امامیه، به ویژه تعلیم حدیث و فقه، تأسیس شده بود در دوره قاجاریه نیز به خاطر نزدیکی به منازل علمای خاندان نجفی معروف به مسجد شاهی دارای رونق خاصی بوده است.⁽²⁾ برخی حجره های این مدرسه در دست تعدادی از طلاب سالخورده بوده و کمتر مورد استفاده علمی قرار گرفته است.

ب . مساجد نیشابور

در شهر تاریخی نیشابور از اوایل قرون هجری تا قرن ششم و یا حتی پیش از حملات ویرانگر اقوام بیابانگرد مغول، مساجدی فعال و متعدد وجود داشته اند که از جمله می توان به مسجد جامع منیعی، مسجد جامع عتیق،

ص: 273

1- . همان .

2- . ر . ک: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج 3، ص 304 .

مسجد عقیل و مسجد نوقانی اشاره نمود. با بررسی تاریخ نیشابور، به نقش این مساجد علاوه بر یک پایگاه عبادی و معنوی پی می بریم. در اینجا به سه مورد از مهم ترین آنها اشاره می شود:

1. مسجد عتیق یا مسجد جامع نیشابور

این بنا که در حال حاضر هیچ اثری از آن در دست نیست، توسط ابومسلم خراسانی ساخته شده و تاریخ نگاران بسیاری از این جامع یاد کرده اند. براساس این نوشته ها، جامع بسیار بزرگی بوده که در سی هزار متر زمین با هزار ستون ساخته شده و در میانه سرا دارای حوض و یخچال بوده است. همچنین در آن بنای کوچک تری با دوازده ستون و پایه بوده که شش ستون آن، مرمری، دو ستون آن چوبی و چهار تای دیگر، آجری بوده است. این بخش دارای گنبدی مذهب به بیست هزار مثقال طلا- بوده است. این مسجد دارای مناری کوتاه بوده که در زمان منصور بن طلحه بن طاهر، برادرزاده عبدالله بن طاهر (حاکم نیشابور) منار قوی تر و بلندتری جایگزین آن شده است. عمرولیث صفاری، در زمان حکومت خود منار را برانداخت و منار دیگری جایگزین آن کرد و نام و لقب خود بر آن نگاشت. سپس خمارتگین، بر جای مناره های مزبور، مناری ساخت که نظیر نداشت. این منار چنان بلند بود که با قوه باد تکان می خورد، بدون آن که آجری از آن بیفتد. این مسجد همچنین

دارای منبری بسیار بلند و باشکوه بود. (1)

مسجد مذکور نقش عمده ای در گسترش علوم اسلامی ایفا کرده

و به عنوان کانونی برجسته در شرق اسلامی تا قرن پنجم محسوب شده است، به طوری که مؤلف تاریخ نیشابور نام بسیاری از افراد مبرز را که در این مسجد تحصیل کرده و یا تدریس نموده و یا در آن مجلس وعظ و خطابه داشته اند ذکر کرده است، از جمله:

ابوالحسن الاسماعیلی السراج، ابو حامد الکراییسی القاضی (متوفی 474 ه ق)، ابوبکر بن خلف شیرازی (متوفی 487 ه ق)، ابو محمد الحیری البزاز (متوفی 473 ه ق)، اسماعیل بن احمد الکرمانی، ابوابراهیم سراجی (متوفی 485 ه ق)، شعیب بن محمد بن جعفر حنیفی واعظ، ابو محمد المطوعی، عبدالله بن ابی سهل قاری مؤذن، عبدالرحمن بن حمدان بن محمد بن حمدان نصروی (متوفی 433 ه ق)، عبدالرحمن بن جنید ابونصر حاکم حنیفی، عمر بن محمد بن احمد بن جعفر ابوعبدالرحمن بحیری (متوفی 456 ه ق) و نیز خانمی به نام نمار دختر ابی حسین احمد بن عبدالرحمن کیال. (2)

جامع نیشابور کتابخانه ارزشمندی داشته است. یاقوت حموی در این باره آورده است: در جامع قدیم نیشابور کتابخانه ای موقوفه مخصوص مسلمانان وجود داشت که در قرن پنجم فراهم آمده بود.

ص: 275

1- ر. ک: دایره المعارف بناها مساجد تاریخی ایران، ص 123 .

2- ر. ک: تاریخ نیشابور.

وی کتاب های کتابخانه این مسجد را نفیس و نادر توصیف نموده است. گزارش یاقوت پیش از ورود مغولان به این شهر و ویرانی آن به دست این قوم مهاجم بوده است. (1)

همچنین مؤلف معجم الادباء در شرح حال محمد بن اسحاق بن علی بن داود زوزنی (متوفی 463 ه ق) به نقل از عبدالغافر بن اسماعیل بن

عبدالغافر فارسی (متوفی 529 ه ق) که کارش استنساخ کتاب بوده و مطالب نسخه ای را که از روی کتاب غریب الحدیث خطابی نوشته بود، برای جدش عبدالغافر فارسی و الحاکم قرائت کرده تا آنان بشنوند و به تصحیح و تدقیق آن پردازند، چنین نوشته است: «سوگند می خورم به خدا که از کتاب غریب الحدیث نسخه ای روشن تر و جالب تر از نسخه عبدالغافر باقی نمانده است. این نسخه هم اکنون در اختیار گنجینه کتب موجود در مسجد جامع قدیمی شهر قرار گرفته تا وقف بر مسلمین باشد و کسانی که بخواهند به درستی ادعای من پی ببرند باید به تحقیق و بررسی در مورد آن پردازند. (2) با توجه به گزارش یاقوت، عظمت و غنای فرهنگی جامع عتیق نیشابور در آن زمان بر ما آشکار می شود.

2. مسجد جامع عقیل

از دیگر مساجد نیشابور که در قرون اولیه اسلامی علاوه بر اینکه مرکز

ص: 276

1- ر. ک: معجم الادباء، ج 18، ص 20.

2- همان، صص 19 - 21.

مهم عبادی این شهر بود، از جمله نهادهای آموزشی هم به حساب می آمد، مسجد جامع معروف به عقیل بود که بعدها جایگاهی به نام مدرس و مدرسه به آن افزوده شد و شخصی به نام مسعود بن ناصر شجری (متوفی 477 ه ق) بنیان این مرکز علمی را گذاشت و کتابخانه ای نیز در آنجا بنیاد نهاد. تعداد دانش آموختگان و مدرسان این مسجد کم نبوده است و مسلماً از مناطق مختلف جهان اسلام هم در آن آمد و شد نموده و به فراگیری، املاء و استماع مسایل، احکام و اخبار روی می آورده اند. در المنتخب من سیاق تاریخ نیشابور نام برخی افرادی که در این مسجد تعلیم دیده و یا تعلیم داده اند آمده است؛ از جمله محمد بن احمد بن محمد بن جعفر الفامی شادیاخی (از مشایخ علمای نیشابور)، ابراهیم بن محمد بن ابراهیم بن مهران معروف به امام ابواسحاق اسفراینی، اسماعیل بن عبدالغافر بن محمد فارس معروف به ابوعبدالله فارسی، حسین بن محمد بن محمود مشهور به ابوسعید بن سوره، عبدالقاهر بن طاهر بن محمد معروف به ابومنصور بغدادی (از علمای مبرز در علوم مختلف مانند فقه، اصول، ادبیات و حساب) و همچنین مصنف کتاب تاریخ نیشابور یعنی الشیخ امام الحافظ مجدالدین ابوالحسن عبدالغافر بن اسماعیل فارسی (متوفی 529 ه ق).⁽¹⁾

در منابع متعددی از کتابخانه عظیم این مسجد نام برده شده است. بانی کتابخانه مسجد عقیل مسعود بن ناصر بن ابی زید شجری (سجزی)

ص: 277

1- ر. ک: تاریخ نیشابور، برخی صفحات.

مکنی به ابوسعید، محدث و جهانگرد شهیر اهل سیستان بوده است. این مرد مدتی در بغداد ساکن بوده و نزد شیوخ حدیث تلمذ کرده و نیز برای اخذ حدیث به واسط، هرات، نیشابور، سیستان و برخی نقاط دیگر مسافرت نموده است.⁽¹⁾ ابن جوزی در المنتظم درباره وقف کتابخانه این شخص به مسجد عقیل نیشابور آورده است:

[مسعود بن ناصر] کتاب های زیادی و نسخه های نفیسی را گردآوری کرده، وی خوشنویس و در نقل مطالب امین بود، حافظ حدیث و کاتبی مورد اعتماد و کثیرالضبط بود. نظام الملک وی را برای مدتی در ناحیه بیهق نگه داشت و سپس برای استفاده علمی از وی، او را به طوس برده و بعد در آخر عمرش به نیشابور نقل مکان کرد و در

آنجا سکونت گزید. وی کتاب هایش را در آنجا وقف مسجد عقیل نمود.⁽²⁾

متأسفانه کتابخانه عظیم این مسجد در فتنه نیشابور نابود شد و به تاراج رفت. در این باره آمده است: پس از آن همه کشتار و خرابی ناشی از حمله غزان، بین علویان و شافعیه چنان فتنه عظیمی بروز کرد که بسیاری از شافعیه کشته شدند، خانه امام الحرمین و بازارها و مساجد بسیار طعمه حریق گردید و دروس شافعی در نیشابور تعطیل شد. پس از آن «مؤید آی به» در ربیع الاخر 556 هـ ق به نیشابور تاخت و جمعی از اهل

ص: 278

1- . تاریخ کتابخانه های مساجد ایران، ص 71 .

2- . المنتظم، ج 9، ص 13 .

فساد و کسانی را که مرتکب غارت و تخریب شده بودند بکشت. در این وقایع نیشابور بکلی ویران گردید و مسجد عقیل که مجمع اهل علم بود با کتابخانه معظم آن و هشت مدرسه از حنفیه و هفده مدرسه از شافعیه بکلی خراب شده، پنج کتابخانه به تاراج رفت و کتاب های آن به ناچیزترین بها به فروش رسید. (1)

3. مسجد جامع منیعی

از دیگر پایگاه های علمی مطرح در خراسان و نیشابور مسجد جامع منیعی بوده است. در این نهاد عبادی مجالس درس و بحث و حلقه های علمی که در آن استاد و شاگرد به تدریس و تحقیق و تعلیم و تعلم مشغول بوده اند رواج و رونق داشته است. این مسجد را که در مقابل جامع عتیق، جامع جدید هم نامیده اند، بعید نیست که جایگاه آن همین مسجد جامع فعلی نیشابور باشد که بعدها در سال 899 ه ق توسط پهلوان علی بن بایزید معاصر سلطان حسین بایقرا مجدداً ساخته شده است. (2) به هر حال، در قرن پنجم و ششم نیز این جامع به عنوان یک کانون برجسته و فعال علمی و آموزشی به حساب آمده است. استاد جلال الدین همایی، جامع منیعی را از بناهای ابوعلی حسان بن سعد نیشابوری متوفی 463 ه ق

ص: 279

1- . مدارس نظامیه، ص 84 .

2- . ر. ک: دایره المعارف بناها مساجد تاریخی ایران، ص 132 .

برخی عالمان و متعلمان جامع منیعی عبارتند از: محمد بن عبدالجبار بن علی معروف به امام ابوالقاسم الاسکاف اسفراینی، محمد بن اسماعیل بن احمد حسنی معروف به ابو عبدالله مقرئ (متوفی 486 ه ق)، محمد بن عبدالرحمن ابوالفضل العمید الخشاب (متوفی 493 ه ق)، محمد بن عبدالله بن طاهر الروقی طوسی، احمد بن محمد بن اسماعیل مشهور به ابوالحسن شجاعی (متوفی 490 ه ق)، اسماعیل بن عمر بن محمد معروف به ابوسعید بحیری، اسحاق بن ابوسعید بن حمود صوفی مشهور به ابوالقاسم مقرئ، اسعد بن حمود بن علی عتبی کاتب، حسان بن سعید مشهور به ابوعلی منیعی، عبدالله بن احمد شافعی سمسار معروف به ابو محمد مصاحفی جامعی و تعداد قابل توجه دیگری که نام و نسب و موقعیت علمی آن ها در برخی منابع مانند تاریخ نیشابور ذکر شده است و در حقیقت، مبین جایگاه والای نهاد علمی و عبادی منیعی در آن روزگار خراسان و نیشابور است. (2)

ص: 280

1- . تاریخ علوم اسلامی، ص 36 .

2- . ر. ک: تاریخ نیشابور، برخی صفحات .

1. ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، 1408 ق / 1979 م.
2. ابن جبیر، محمد بن احمد، ترجمه، پرویز اتابکی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1370 ش .
3. ابن جوزی، المنتظم فی التاریخ الملوک و الامم، حیدرآباد، دایره المعارف العثمانیه، طبعه الاولی، 1357 ه ق .
4. ابونعیم اصفهانی، ذکر اخبار اصفهان، تحقیق: سید کسروی حسن، بیروت، دارالکتب العلمیه، طبع اول، 1410 ق .
5. ابونعیم اصفهانی، ذکر اخبار اصفهان، ترجمه، دکتر سید نورالله کسایی، تهران، سروش، چاپ اول، 1377 ش .
6. بیان اصفهانی، خُلد برین (تاریخ گویندگان اسلام)، اصفهان، چاپخانه عالی، بی تا.
7. ترکمان، اسکندر بیک مشی، تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح، دکتر محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، چاپ اول، 1377 ش .
8. جلوه های هنر در اصفهان، به کوشش جمعی از نویسندگان، تهران، جانتزاده، چاپ اول، 1366 ش .
9. حموی، یاقوت، معجم الادباء، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، الطبعه الاولی، 1408 ق / 1988 م .
10. خاتون آبادی، عبدالحسین، وقایع السنین و الامم، تصحیح، محمدباقر بهبودی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، 1352 ش .
11. خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، ترجمه، محمدباقر ساعدی خراسانی، تهران، اسلامیة، 1356 ش .

12 . داغ، محمد، تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام (قرن 1 و 6)، ترجمه، دکتر علی اصغر کوشاfer، تبریز، چاپ دوم، 1374 ش .

ص: 254

- 13 . دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد نهم، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، 1379 ش .
- 14 . دایره المعارف بناهای تاریخی در دوره اسلامی (مساجد تاریخی ایران)، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، چاپ اول، 1378 ش .
- 15 . درانی، کمال، تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام، تهران، سمت، چاپ اول، 1376 ش .
- 16 . دوانی، علی، علامه مجلسی بزرگمرد علم و دین، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، 1370 ش .
- 17 . رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم، آثار ملی اصفهان، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، 1352 ش .
- 18 . ریاحی، محمدحسین، فضایل امام علی علیه السلام، قم، نشر خرم، چاپ اول، 1379 .
- 19 . ریاحی، محمد حسین، مقاله «نهمصدمین سال آتش سوزی مسجد جامع اصفهان و کتابخانه نفیس آن» در نشریه کیهان فرهنگی، شماره 123، سال دوازدهم، مهر و آبان 1374 .
- 20 . ریاحی، محمدحسین، مجموعه ارباب معرفت، اصفهان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم، تیر 1375 .
- 21 . سلطان زاده، حسین، تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا دارالفنون، تهران، انتشارات آگاه، 1364 ش .
- 22 . شلبی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه، محمدحسین ساکت، تهران،

دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1361 ش .

23 . فارسی، ابوالحسن عبدالغافر، تاریخ نیشابور (المنتخب فی السیاق)، منتخب، حافظ ابواسحاق صریغینی، قم، جماعه المدرسین فی حوزة العلمیه، 1403 ق .

24 . غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی، ترجمه:

ص: 255

دکتر نورالله کسای، یزدان، 1363 ش .

25 . کسای، نورالله، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، امیرکبیر، چاپ دوم، 1363 ش .

26 . کریمیان سردشتی، نادر، تاریخ کتابخانه های مساجد ایران، تهران، انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، 1378 ش

27 . گدار، آندره، آثار ایران، جلد چهارم، ترجمه، ابوالحسن سروقدم، انتشارات آستان قدس رضوی، 1368 ش .

28 . مافروخی، مفضل بن سعد، محاسن اصفهان، ترجمه، حسین بن محمد ابی الرضا آوی، به اهتمام عباس اقبال، ضمیمه مجله یادگار، 1328 ش .

29 . مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، قم، صدرا، چاپ نهم، 1359 .

30 . مهدوی، مصلح الدین، تذکره القبور (بزرگان و دانشمندان اصفهان)، اصفهان، ثقفی، چاپ دوم، 1348 ش .

31 . مهدوی، مصلح الدین، زندگینامه علامه مجلسی، انتشارات حسینیه عمادزاده اصفهان.

32 . مهدوی، مصلح الدین، تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، قم، نشر الهدایه، چاپ اول، 1367 ش .

33 . هدایت، رضاقلی خان، روضه الصفای ناصری، طبع تهران.

34. همایی، جلال‌الدین، تاریخ علوم اسلامی، تهران، نشر هما، چاپ اول، 1363 ش .
35. هنرفر، لطف‌الله، آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، انتشارات گلها، چاپ اول، 1372 ش .
36. هنرفر، لطف‌الله، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، انتشارات ثقی اصفهان، چاپ دوم، 1350 ش .
37. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، البلدان، ترجمه، محمدابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ اول، 1343 ش .
38. مکی السباعی، محمد، نقش کتابخانه های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ترجمه، علی شکوئی، چاپ اول، تهران، سازمان اسناد فرهنگی انقلاب اسلامی، 1373 ش .

مهدی ریخته گرزاده

نیریز از شهرهای قدیمی استان فارس و در 220 کیلومتری جنوب شرقی شیراز واقع گردیده است. نیریز گذشته از دوران قبل از اسلام خود، در دوران عظمت آل بویه یکی از نقاط معمور به شمار می رفته و به همین دلیل یکی از بناهای با ارزش به جای مانده از آن زمان، مسجد جامع شهر می باشد که در قسمت قدیمی شهر واقع شده است.

قدیمی ترین تاریخی که در مسجد می توان یافت و از گذشته به جای مانده، سال 363 هجری است. سال مذکور، تاریخ ساخت محراب اول است، ولی احتمال دارد که مقدم براین تاریخ نیز وجود داشته باشد که هم اکنون از میان رفته است؛ برای مثال ژ، لیسترنج در کتاب سرزمین های خلافت شرقی از قول مقدسی بیان می کند: «تاریخ 340 هجری را هنوز بر

ص: 285

ویرانه های این مسجد می توان باز یافت». در حقیقت، بناهای تاریخی ایران غالباً دارای تاریخ های متفاوتند که نشانگر انجام کارهای ساختمانی مختلف در بخش های مسجد می باشد.

مسجد مذکور از نظر معماری و شیوه ساخت همانند دیگر آثار معماری صدر اسلام، از معماری عهد ساسانی متأثر است و با نقشه یک ایوانی ساخته شده است که در ادامه بیشتر پیرامون این مطلب توضیح داده می شود. در طی دوره های بعد یک ایوان و الحاقات و متعلقات دیگری به آن افزوده شده و یا تعمیراتی در آن به عمل آمده است.

مسجد دارای سر در و مناره آجری است که متعلق به ساختمان اولیه می باشد. نقشه کنونی مسجد به غیر از موارد مذکور شامل یک صحن مربع مستطیل شکل، دو ایوان جنوبی و شمالی، رواق ها و شبستان های اطراف صحن است.

سر در مسجد رو به خیابان و در گوشه شمال غربی صحن قرار گرفته و بر پیشانی آن سه کتیبه مربوط به تعمیرات مسجد باقی ماند، که از مضمون یکی از آن ها چنین بر می آید که ساختمان مسجد در دوران صفویه به همت میرزا رضا نامی مرمت گردیده است. بر روی کتیبه دیگر این سر در، تاریخ 1300 هجری مربوط به تعمیرات دوره قاجاریه حکاکی گردیده است.

براساس شواهد روشن و مطالعات انجام گرفته، مبنای مهم ترین عوامل معماری دوران اسلامی ایران بر عوامل معماری عهد ساسانی نهاده شده است. از آنجا که در معماری عهد ساسانی طرح ایوان بیش از دوره های قبل در ترکیب نقشه ابنیه مورد توجه قرار گرفته و این سبک معماری اهمیت ویژه ای داشته است، به جرأت می توان گفت که در هر یک از این ابنیه ها، ایوان را به صورتی مخصوص و متمایز ساخته اند که نمونه بارز آن کاخ خسرو انوشیروان در تیسفون می باشد که به طاق کسری یا ایوان کسری مشهور است.

در نتیجه، عامل ایوان در معماری نخستین سده های دوران اسلامی ایران پدیدار و در ابنیه ها به کار گرفته شد و در سده های بعد به طور سریع به صورت های چشمگیرتر و مؤثرتر از ارکان معماری اسلامی ایران درآمد که در عهد سلجوقیان، یعنی قرن پنجم هجری به بعد، مسجدهای چهار ایوانی شیوه کلی ساختمان های مساجد گردید.

با توجه به قدیمی ترین تاریخ (363 هجری) که در مسجد جامع نیریز وجود دارد، به آسانی می توان دریافت که احداث ایوان در بنای تاریخی مورد ذکر ادامه شیوه معماری دوران ساسانی را نشان می دهد و به گفته گدار «فایده مطالعه در بنای جامع نیریز کشف این نکته است که این مسجد یکی از نمونه های خوبی است که استعمال سبک معماری ساسانیان را در قرون اسلام نشان می دهد».

ایوان مذکور که قدیمی ترین قسمت مسجد می باشد در جبهه

جنوبی صحن و جانب قبله قرار دارد و بنای اصلی مسجد به شمار می آید.

ایوان یاد شده با توجه به بررسی هایی که بر روی آن صورت گرفته، ایوان عمیقی به طول 18 متر و عرض 5/7 متر است که دارای طاقی ساده گاهواره ای شکل بوده، با شکستگی قوسی اندک پوشش یافته است که در دو طرف آن دو جرز پهن آجری قرار دارد و اضلاع شرقی و غربی هر یک دارای پنج طاقنمای عمیق است که اکنون از صورت طاقنمایی خارج شده است؛ زیرا دیواره های پشتی که ممتد و ضخیم بوده (و هنوز قسمتی از آن باقی مانده) و از طرف خارج نقاط اتکای بنا را تقویت می کرده اند و به فرورفتگی های طاقنماها شکل می داده اند، به هنگام گسترش مسجد و اتصال تالار مرکزی ایوان به شبستان های دو طرف تالار مرکزی، برداشته شده و باعث تغییر شکل طاقنماها گردیده است. البته این دیواره های پشتی به طور کامل تخریب نشده و برای احتیاط بخش هایی که پشت نقاط اتکای بنا واقع گشته بود بر جای گذاشته شده است.

همچنین پس از ساخت ایوان در دوره های بعدی به دلیل شکل و بلندی ایوان فشار بسیاری بر آن وارد آمده و باعث به وجود آمدن شکاف بر روی آن گردیده که با احداث پشتیبان هایی در اطراف سر در و اضلاع جانبی آن را مهار کرده اند که قدیمی ترین این پایه ها مربوط به آن ها نیست که در طاق سر در وجود دارد و دیگر پایه ها که پشتیبان های جانبی را تشکیل می دهند در دوره های بعدی و با گل خام ساخته شده اند.

ضلع پیشین ایوان سرتاسر باز و ضلع عقب ایوان را دیوار ضخیمی مسدود نموده که محراب قدیمی و نفیسی در آن جاسازی شده است

ص: 288

و فضای اصلی ایوان کاملاً بسته و بی روزن بوده است.

در برابر ایوان، صحن مستطیل شکلی وجود دارد که در ضلع شمالی آن، ایوان دیگری برای گسترش مسجد در دوران بعد به وجود آورده اند و در اضلاع دیگر صحن رواق هایی به مجموعه ملحق گردیده است.

در گوشه شمالی مسجد، مناره آجری ساده و مستحکمی واقع گردیده است که به نظر می رسد مربوط به بنای اولیه مسجد باشد. بناهای الحاقی که در زمان های مختلف به مسجد اضافه شده از نظر معماری فاقد ارزش خاصی هستند و بجز نمای ورودی ها و ساختمان های دور صحن که آجری هستند، بقیه با گل و به شیوه نامناسبی ساخته شده اند.

محراب

محراب قدیمی و نفیسی در ایوان جنوبی قرار دارد که به شکل مستطیل و دارای یک طاقنمای هلالی شکل با قوس تیزه دار و دو ستون که دارای سرستون های گلدانی شکل هستند، در دو طرف طاقنمای محراب قرار گرفته اند. در قسمت انتهایی طاقنمای یک طاقنمای کم عمق با قوس تیزه دار وجود دارد که از جمله الحاقات بعدی است. براساس کتیبه هایی که بر دیواره های داخلی سمت راست و چپ طاق بزرگ محراب نوشته شده، محراب در دوران های مختلفی مورد تعمیر و بازسازی قرار گرفته است.

تاریخ اول سال 363 هجری که مربوط به دوره عضدالدوله دیلمی

است و تاریخ 460 هجری که مربوط به تعمیرات دوره سلجوقیان، یعنی دوره سلطنت آلب ارسلان سلجوقی است و تاریخ سوم تا سقف 560 هجری مربوط به تعمیرات مسجد در دوره سلطنت ایل ارسلان خوارزمشاهی است و چهارمین تاریخ چنین خوانده می شود: «امرالمولی عماد الملک دنیا و الدین و لله عزه نصره فی جمادی الثانی». از آنجا که نوشته آن مجاور زمین بوده، به هنگام تعمیرات صدمه دیده و عدد سال آن از بین رفته است و به جای آن نقوش هندسی ترسیم شده است. کتیبه های محراب مذکور از نمونه های جالب گچبری محسوب می شود.

گچبری های محراب با برجستگی های کم همراه بوده و سعی داشته اند از روی سطوح صاف گچی نقوش موردنظر را گچبری نمایند، به طوری که اکثر نقوش در یک سطح واقع شده اند، بجز گچبری داخل محراب که نقش گچبری برجسته و طرحی شبیه به یک پرند بالدار است که به شیوه گچبری موسوم به محوری می باشد و احتمالاً اولین نوع از این دست گچبری است. زمینه کتیبه ها را نقوش اسلیمی گل و برگدار تشکیل می دهد، ولی در هیچیک از کتیبه ها این نقوش با هم ترکیب نشده اند. علاوه بر نقوش اسلیمی، از نقوش هندسی که با کتیبه ای در داخل هلالی طاقنما همراه است استفاده شده که شکل هایی کثیرالاضلاع هستند.

تزیینات و کتیبه های محراب

کتیبه های محراب را در چهار بخش مورد مطالعه قرار می دهیم:

الف) در قسمت داخلی طاقنمای محراب بر دیواره سمت راست

ص: 290

و چپ آن کتیبه ای مبتنی بر تاریخ ساخت و نام سازندگان و دوره های تعمیر آن وجود دارد که عبارت است از:

سمت راست: «تاریخ محراب اول سنه ثلث و ستین و ثلث مائه و دوم فی سنه ستین و اربع مائه و سوم فی سنه ستین و مع سته خمسائه و چهارم امرالمولی عماد الملک دنیا و الدین و لله عزه نصره فی جمادی الثانی».

سمت چپ: «امر عماره جمع الجامع و ترمم و اصلاح... الصدر السعیه و الشهید المرحوم الملک کریم الدین روزبه ابن محمد روح الله و وجه و عماره هذا المحراب و امرها الصدر عالی المظهر امیر الحاج محمد».

ترجمه: بنا نمود همه مسجد را و ترمیم نمود آن را و اصلاح نمود کسی که دارای عزت عالی است، سعادت‌مند و شهید راه حق مرحوم ملک کریم الدین روزبه پسر محمد روح الله و همت گماشت و امر ساختن محراب نمود فرزانه پاک نهاد امیر الحاج محمد.

در این کتیبه نام بانی محراب را امیرالحاج و نام تعمیرکننده مسجد را کریم الدین روزبه ذکر کرده است که متأسفانه کتیبه مذکور تاریخ ندارد و کسانی که قبلاً این بنا را مورد بررسی قرار داده اند، مانند گذار، اسمی از این کتیبه سمت چپ در نوشته های خود نیاورده اند.

ب) دور محراب دارای گچبری های بسیار زیبایی است که آیات قرآنی در بین تزئینات گچبری با خط کوفی دیده می شود که به سه حاشیه تقسیم می گردد:

ص: 291

کتیبه حاشیه 1: مشتمل بر صلوات بر چهارده معصوم است که چنین خوانده می شود: «اللهم صل علی محمد المصطفی و الامام علی المرتضی و الامام الحسن الرضا و الامام الحسين الشهيد بکربلا و الامام محمد باقر و الامام جعفر صادق و الامام موسی الکاظم و الامام علی بن موسی الرضا و الامام محمد التقی و کتب فی شهور سنه 946». و بقیه کتیبه گچبری مذکور در حاشیه سمت راست محراب می باشد که چنین خوانده می شود: «و امام علی النقی و امام حسن العسگری و امام حجت القائم». این کتیبه با توجه به تاریخ 946 هجری که بر روی آن حکاکی شده، مربوط به تعمیراتی است که در دوره شاه طهماسب صفوی در مسجد صورت گرفته است.

کتیبه حاشیه 2: چنین خوانده می شود: «اللهم صل علیه و علی آله و سلم المساجد مترصد مرد بالصالحیه. فالرو فیها اله و امریک الله اکبر فسبحان الله و الحمد لله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر. لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوه الا بالله علی العظیم... رضی الله عنها قال من امر من رسول الله صلی الله علیه و علی آله و سلم المساجد...» که بقیه این نوشته تخریب گردیده و در بازسازی آن از گچبری با نقش گل و بستر استفاده گردیده است.

کتیبه حاشیه 3: با توجه به اینکه خارجی ترین حاشیه معمولاً پهن ترین حاشیه نسبت به بقیه می باشد، در این محراب به علت تعمیرات مکرر در دوران مختلف باعث تغییراتی در آن شده است.

احتمالاً حاشیه مذکور به دلیل فوق الذکر، زمانی خارجی ترین

حاشیه محسوب می شده است. این کتیبه به خط کوفی نوشته شده که قسمت انتهایی حروف آن، با نقش مارپیچی زیبایی که در تمام کتیبه تکرار شده تزئین شده است؛ کتیبه در قسمت فوقانی محراب دچار آسیب دیدگی شده است.

کتیبه کوفی این حاشیه بر زمینه نقوش اسلیمی نوشته شده است. متن کتیبه حدیثی از پیامبر است: «بسم الله الرحمن الرحيم قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ذی النورین و علی ابن ابیطالب رضی الله عنه...».

ب) کتیبه روی حاشیه قوس هلالی شکل فوقانی کتیبه به خط نسخ می باشد که چنین خوانده می شود: «قال علی رضی الله عنه، قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم من تم یسجد فمن اخرج من...» که متأسفانه بقیه تخریب گردیده است.

ج) کتیبه داخل طاقنمای فوقانی:

کتیبه به خط کوفی نوشته شده که انتهای حروف کتیبه به شکل زیبایی به هشت ضلعی های هندسی شکل تبدیل گشته اند که در داخل این هشت ضلعی ها نوشته شده است: «مظفر الدنيا و الدین المویذ ینصر الله محمد بن مبارک ناصرالدین الموسس». این شیوه تزئینی در حاشیه محراب پیر حمزه سبزهپوش و محراب مدرسه حیدریه قزوین نیز به کار رفته است. همچنین در داخل طاقنمای پایینی اشعاری در مدح ائمه نوشته شده است که به تعمیرات دوره های بعد تعلق دارد.

با بررسی هایی که پیرامون این محراب انجام شده و مقایسه کتیبه حاشیه 2 آن که قابل مقایسه با کتیبه نگاری در مدرسه حیدریه قزوین است، همچنین شیوه گچبری نقوش اسلیمی آن و نیز نوشتن حدیث عشره بر روی محراب، این مطلب به دست می آید که محراب (بدون حاشیه 1) با تاریخ 560 که بر روی محراب هم نوشته شده است مطابقت دارد.

همچنین ایوان و بنای اولیه مسجد در سال 340 هجری ساخته شده، در حالی که شبستان ها و بیوتات ملحق شده به آن متعلق به عصر قاجار است. تاریخ 340 هجری، تاریخ بنایی است کاملاً جدید، نه تاریخ انجام تعمیرات یا بازسازی ایوان متعلق به قبل از اسلام؛ زیرا قبله این ایوان که با محور اصلی بنا مطابقت دارد، کاملاً صحیح و در راستای 31 درجه جنوب غربی از شمال مغناطیسی قرار گرفته است.

1. آثار ایران، آندره گدار، جلد 3، صفحه 321 .
2. مساجد، صفحه 171 .
3. سیر تحول محراب، صفحه 119 .
4. راهنمای دیدنی های ایران، عزت الله رکوعی، صفحه 352 .
5. تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، محمدیوسف کیانی، صفحه 44 .
6. فصل نامه هنر، شماره 4، پاییز 1362 .
7. استمرار هنر در معماری ایران، محمدتقی مصطفوی.

علی رضایی بیرجندی

چالش های موجود در مساجد جهان اسلام و ایران اسلامی

الف: چالش های موجود در مساجد جهان اسلام:

- 1 - مساجد که در صدر اسلام نماد وحدت مسلمین بود، امروز در جهان اسلام از این نقش اساسی دور مانده اند؛
- 2 - مساجد که در صدر اسلام به عنوان پایگاه اصلی حکومت اسلامی مرتبط با مردم بود، ولی امروز در برخی کشورها به صورت ابزاری در دست قدرتمندان قرار گرفته است و استقلال آنها مخدوش گردیده است؛
- 3 - تقلیل کارکردهای مختلف آموزشی، سیاسی، نظامی و مدیریتی نسبت به کارکرد عبادی؛
- 4 - راه یافتن پاره ای از مشکلات مدیریتی و اقتصادی در آن.

ص: 297

ب: چالش های موجود در مساجد ایران:

سرزمین شهیدپرور ایران با وجود 57635 مسجد که دارای 000/000/36 میلیون مترمربع زمین و هفده میلیون متر زیربنا در بهترین مکان ها و شهر و روستا از یک شبکه گسترده و منظم معنوی برخوردار است و منابع انسانی مرتبط با آن سرمایه های ملی و عظیم کشور محسوب می گردد؛ ولی با کمال تأسف چون با موانع و مشکلات ذیل مواجه است، نقش و کارکرد و جایگاه مناسب خود را نیافته است:

1 - وجود تشکیلات موازی و ناهماهنگ در مدیریت مسجد؛

2 - عدم بذل توجه در برنامه ریزی های بلندمدت توسعه، به امور مساجد و عدم تخصیص بودجه لازم برای آن؛

3 - فقدان استراتژی و سیاستگذاری کلان در امور مختلف مساجد در برنامه کلان توسعه؛

4 - فقدان آموزش های روزآمد برای کارگزاران مساجد؛

5 - فقدان برنامه ریزی های جذاب هماهنگ و متناسب با نیازهای اقشار مختلف جامعه؛

6 - عدم طراحی الگوی مناسب معماری برای ساخت مساجد.

راهکارهای توسعه و تعمیق جایگاه و نقش آفرینی واقعی مساجد

1 - ادغام تشکیلات موازی در مرکز رسیدگی به امور مساجد که به فرمان مقام معظم رهبری تأسیس شده است و هماهنگ نمودن کلیه

ص: 298

فعالیت‌ها مرتبط با مسجد با آن.

2- تعیین استراتژی و سیاست کلان در برنامه سوم و چهارم توسعه و اختصاص بودجه لازم و کافی.

3- اهتمام دولت و تشویق و ترغیب عمومی برای احداث، نوسازی و بهسازی مساجد و مجهز ساختن آن به تجهیزات روزآمد و حمایت از مساجد مناطق محروم.

4- تلاش در جهت وضع قوانین لازم برای حمایت‌های حقوقی و اجتماعی از مساجد.

5- جذب و بهره‌مندی از نیرو و امکانات قابل استفاده در محدوده مسجد.

6- اقدامات لازم برای بازنشسته نمودن خادمان از کار افتاده و تلاش برای به کار گرفتن خادمان جوان و مناسب در جهت پاکیزگی و نظافت مساجد.

7- سیاستگذاری و برنامه ریزی کلان فرهنگی متناسب با نیازهای اقشار مختلف جامعه بر محوریت آموزش قرائت، ترجمه و تفسیر قرآن در مساجد.

8- فضاسازی لازم برای جذب هرچه بیشتر همه اقشار نسل جوان به مساجد در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی.

9- تأسیس دانشگاه مسجد و ارائه آموزش‌های روزآمد به کارگزاران مسجد.

ص: 299

10 - تداوم برپایی همایش ها و جشنواره های بین المللی، کشوری، استانی و شهرستانی برای تبیین، احیا و ارتقای جایگاه مساجد در جهان اسلام.

11 - ایجاد پژوهشکده مسجد و انجام مداوم پژوهش های بنیادی و کاربردی برای احیاء و روزآمد نمودن مساجد.

12 - هدایت و ساماندهی ساخت و تجهیز مسجد براساس نیاز مناطق مختلف.

13 - تشکیل شورای عالی مهندسی مساجد و طراحی الگوی مناسب معماری و ساماندهی و نظارت بر کم و کیفیت بنا و تجهیزات مساجد.

14 - بهره گیری از تکنولوژی ارتباطات و مبادله اطلاعات و برنامه ها و تجربیات با مساجد سراسر جهان و جوامع دیگر اسلامی در جهت اعتلای هرچه بیشتر نقش و جایگاه مسجد در جهان.

ص: 300

اطلاعیه مهم

«مسجد» در طول تاریخ پرفراز و نشیب اسلام، کارکردهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، تربیتی و اجتماعی فراوانی داشته است. آغاز نهضت و حرکت اسلامی توسط نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله از مسجد بود. از آنجا که مساجد در سرتاسر جهان اسلام همواره نقشی شگرف در گسترش و توسعه فرهنگ دینی داشته اند، بسیاری از محققان و پژوهشگران ژرف اندیش در عرصه های مختلف جامعه شناسی، روانشناسی و انبوهی از دین پژوهان و فیلسوفان دین در پی آنند که رمز و راز تأثیرگذاری عمیق فرهنگ مسجد و تحولاتی را که از پایگاه مسجد آغاز شده و تداوم یافته است را بدانند و مورد کاوش قرار دهند.

دفتر مطالعات و تحقیقات مرکز رسیدگی به امور مساجد در نظر دارد با همیاری و مساعدت و همکاری عده ای از نویسندگان فاضل

و پژوهشگران ارجمند نخست مجموعه مقالات مربوط «مسجد» را تهیه و منتشر نماید و بدینوسیله مقدمات و زمینه های تدوین و نگارش دانشنامه ای جامع و مفید در باره «مسجد» را فراهم سازد.

از تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی که در رابطه با «مسجد» مقالات، اطلاعات و اخباری دارند، دعوت می کنیم که با ما به آدرس: قم، خیابان انقلاب (چهارمردان)، چهارراه سجادیه، کوچه 33، پلاک 15، تلفن 7831945، دفتر مطالعات و تحقیقات مرکز رسیدگی به امور مساجد مکاتبه نمایند.

ص: 302

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

